



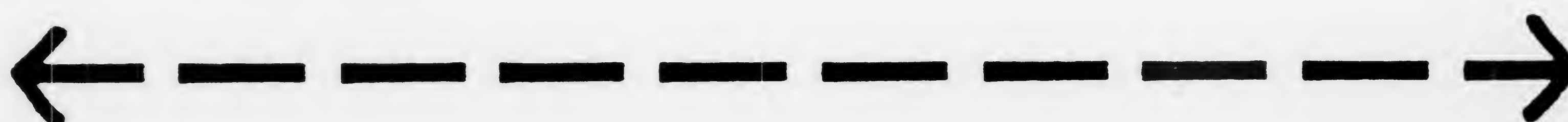
START

REEL 104



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio 9:1

**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

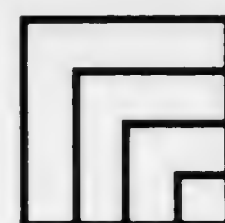
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:**

**Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink**

**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**

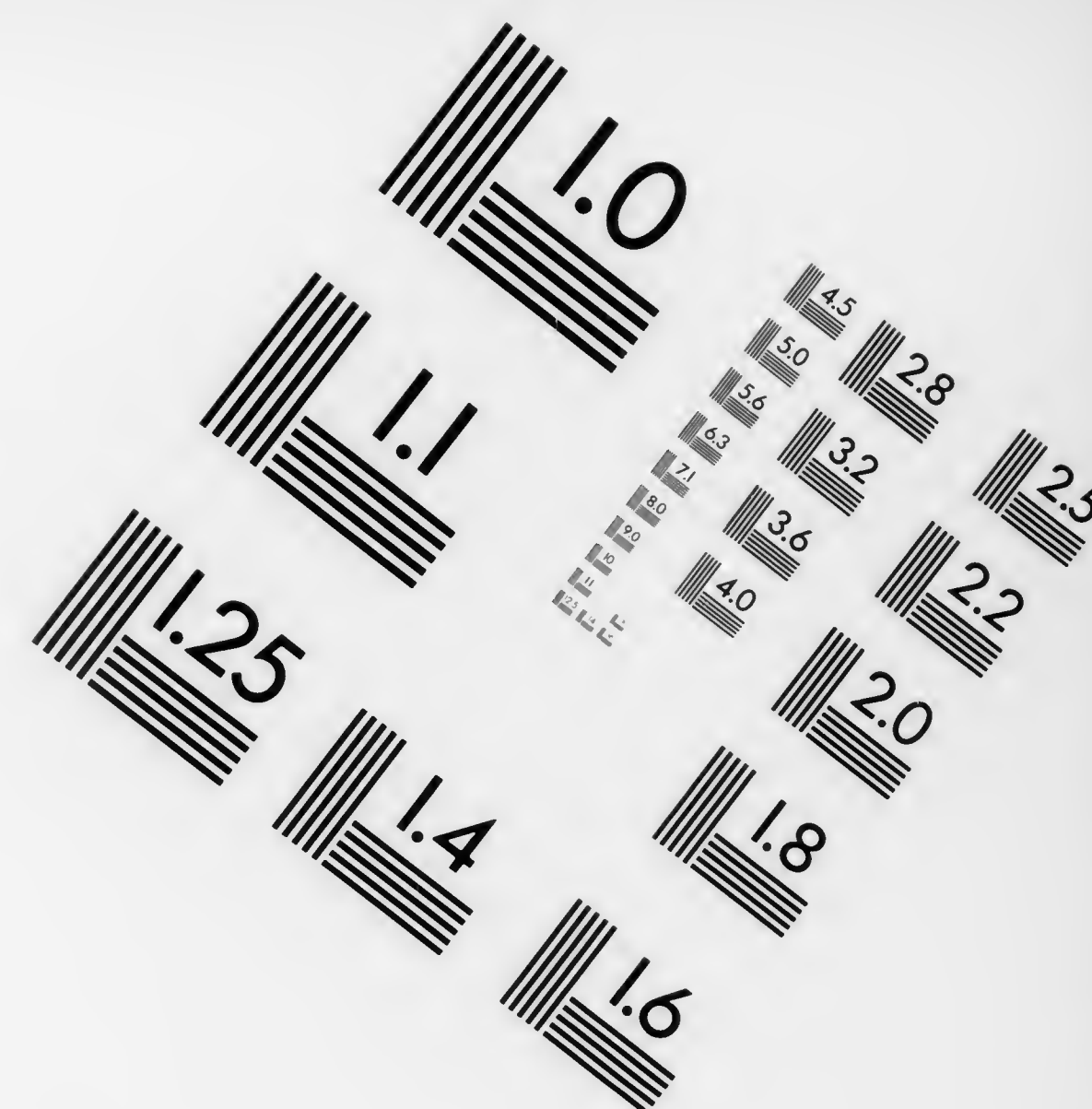
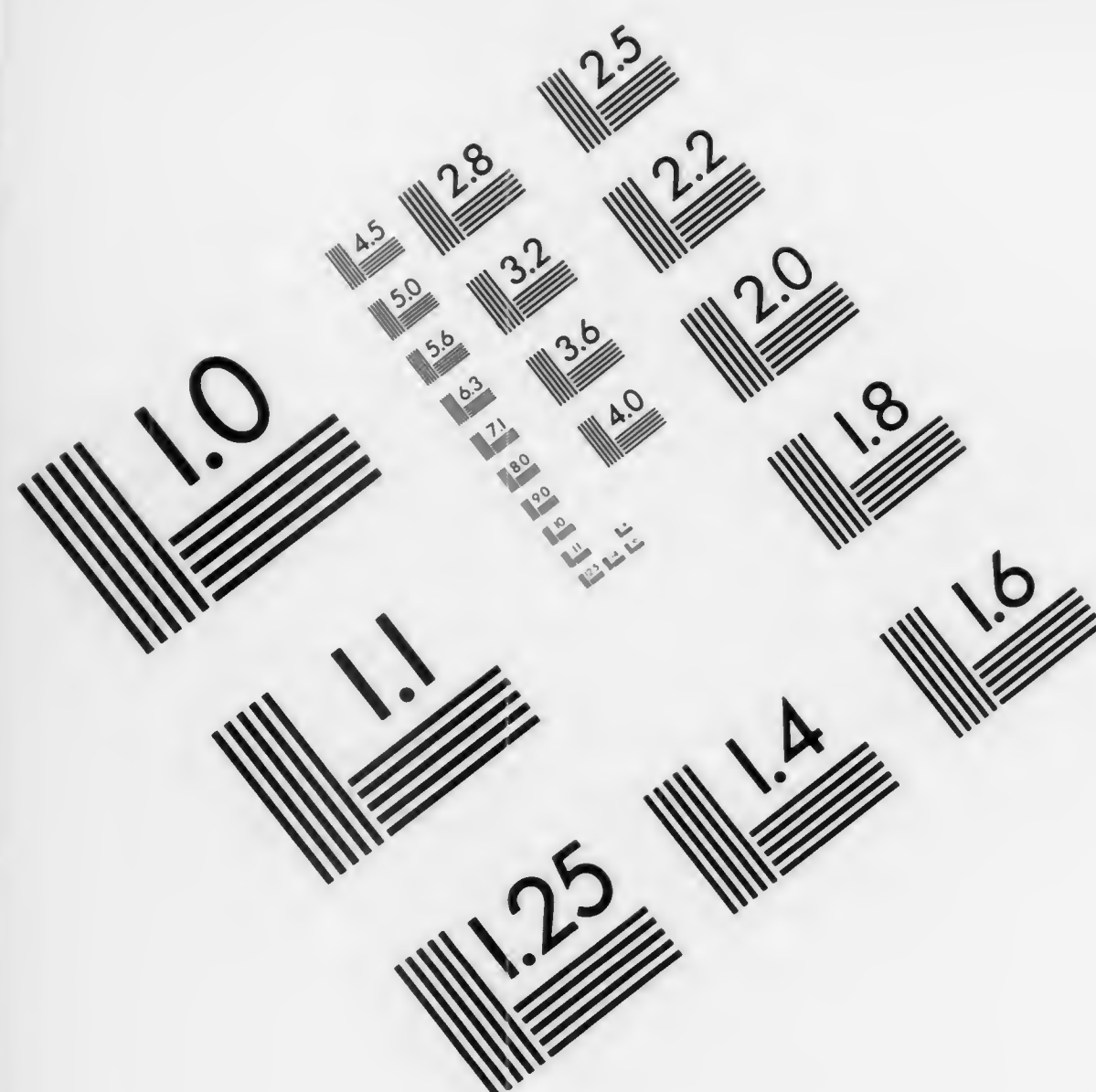


AIMM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

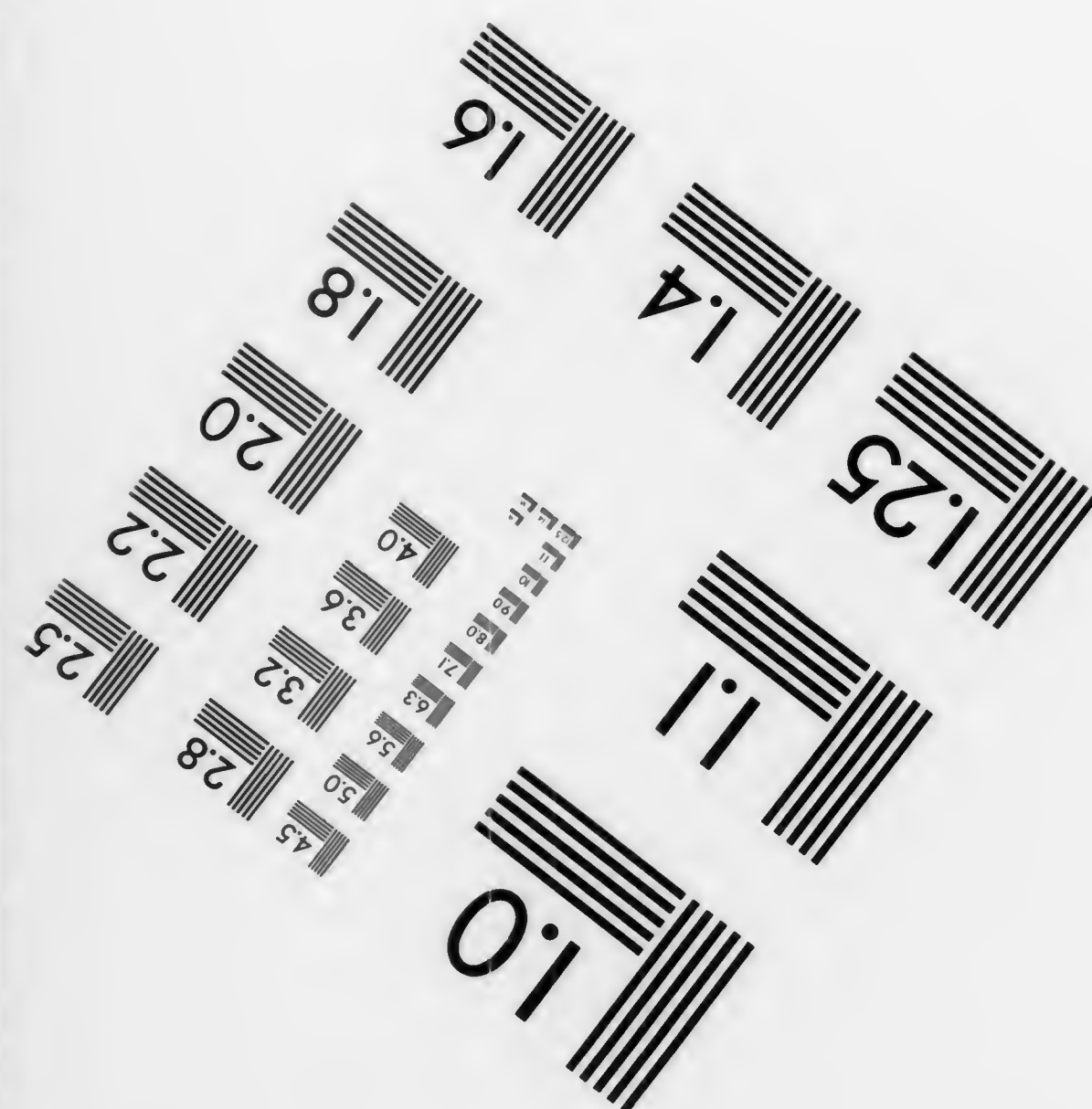
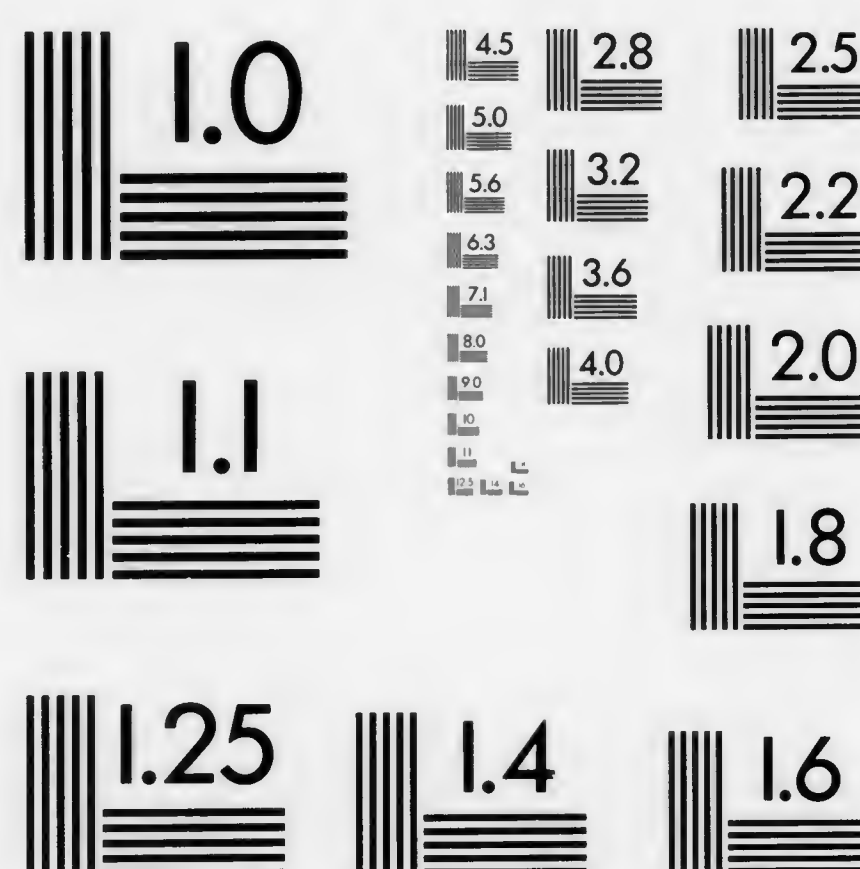


MS303-1980

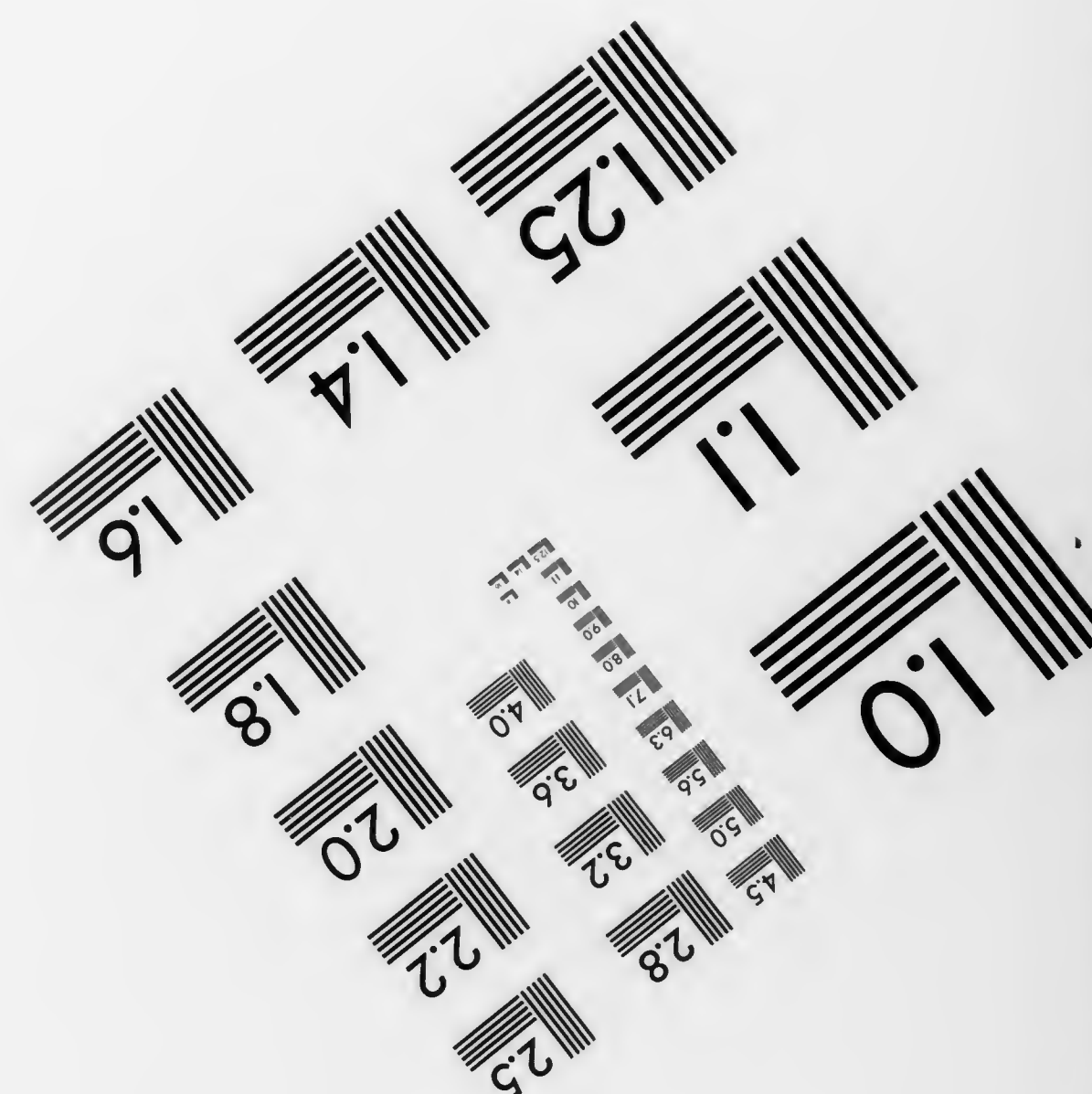
Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIMM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.



**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

**For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:**

**History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.**

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. -- ca.
no.60 1100-ca. 1900.
RARE 150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.
Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.
Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in
CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. ... ca.
no.60 1100-ca. 1900. (Card 2)
RARE March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Lutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles : a descriptive
catalogue (Malibu : Undena
Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113

CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 106

(Richter-Bernburg No. 89)

**Author: Moẓaffar b. Moḥammad
al-Ḥosainī "Shefā'ī"**

Title: [Qarābāzīn]

233 fols., 200 x 113 mm

Coll. 1117
MS 106



THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

not found
- John

Coll.

MS

$$107455201 = 1004$$

Zugunfänglich
5 me unfruchtbar

Hope to hear from you soon
and get your feedback.



[illegible]

از من

[illegible]

و جگر است
عاشق دارد و این از نموده
دارد در زن که او را بپزند
و از زنده کفار با او
باز از کوفته و در او
کند و در او
او از کوفته

بکدازند و با غسل مصفی معجون سازند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یک گرم با آب
اثاناسیاصه منافع آن قریب بمنافع کبری است
صنت آن میوه زعفران قسط سبیل افیون
سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافه شست
درم اصل السوس و از ده درم کوفته و بخت
بغسل معجون سازند شربتی مقدار یک فندق
و در نسخه دیگر عود بلسان و مر از هر یک چهار درم
اضافه نموده اند اطریفل کبر بواسیر را نافع باشد
و لون را نیکو کند و باه را زیاده کند و معده
و امعا و مثانه را قوت دهد و طعام را هضم کند
صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله پوست هلیله

کابی

در معده و با
بوز اند و با
روغن زیت
در آن کرده

و از کوفته و در او
کند و در او
او از کوفته

در معده و با
بوز اند و با
روغن زیت
در آن کرده

و جگر است
عاشق دارد و این از نموده
دارد در زن که او را بپزند
و از زنده کفار با او
باز از کوفته و در او
کند و در او
او از کوفته

کابی آمله مقشر فلفل دار فلفل از هر یک سی درم نیم
سباسبه بوزیدان شیطرح هندی شقاقل تودری
سرخ تودری زرد لسان العصافیه مغرب الفلفل
کنجد مقشر خشکاش سفید بهمن سرخ بهمن سفید
از هر یک ده درم کوفته بروغن بادام یا روغن کاو
چو کنند و بغسل بپوشند و بعد از دو ماه استعمال
کنند طریقل صغیر استرخام معده و بواسیر را نافع بود
و ذهن را نیکو کند و لون را صافی گرداند صفت آن
پوست هلیله کابی پوست هلیله پوست هلیله زرد
هلیله سیاه آمله مقشر مساوی کوفته و بخت بروغن
بادام چو کنند و با سه مقدار آن غسل بپوشند
شربتی دو درم اطریفل کشیری معده را قوت دهد

باز از کوفته و در او
کند و در او
او از کوفته

در معده و با
بوز اند و با
روغن زیت
در آن کرده

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

هلیله سیاه شیطج هندی از هر یک ده درم دار فل
 بجز درم پنش سیند دو درم نیکونست و بخت برغن
 کاوچ کشته و بسل معجون سازند شربتی یکنشال
 برز جلی این ترکیب نیز از هندیانست و همان خا^{صت}
 دارد صنتان هلیله هلیله آمله شیطج از هر یک چهار درم
 جوز بوا و خربوا قشور کند ر موقود از فل فل نار شک
 کندش عصاره اسفیل سازد از هر یک هشت شتال
 پنش سیند چهار شتال کوفته و بخت بنایند معجون
 سازند شربتی یکنشال برود حصم جوب و باض
 و دمه و سلاق و سبل طفره را نافع باشد صنت آن
 توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد و نجیل
 زرد جوبه از هر یک بجز درم دار فل فل با میران حسنه

هلیله

از هر یک سه درم نمک هندی یک درم کوفته و بجز
 بخت پست روز در آب غوره پیورند و در سایه
 خشک کنند و دیگر باره کوفته و بخت استعمال کنند
 برود بنفشه جوب نافع است صنت آن بنفشه کشته
 خشک بر این کرده صمغ عربی و کثیر از هر یک یک درم
 نشاسته سه درم کوفته و بخت پنج نوبت در سرکه
 پیورند و خشک کنند و دیگر باره ساییده و بجز بخت
 استعمال نمایند برود و ردی قوه و مور بهج را نافع
 باشد صنت آن سفیداب از زیر با زرده درم
 اقلیمیا ده درم صمغ عربی هشت درم و نیم شادنج
 مغسول روی سوخته نشاسته اینون از هر یک
 دو درم صدایه کرده استعمال نمایند بر دی احمر

مقصود از
 از برود در این مقام
 در آب است هر چه باشد

بر دو اطر درم
 در هر عصر یک بار
 در هر زمانه

چشم را خنک کرد اند و سورش باز دارد صنت آن
 شادخ مغول ده درم روی سوخته بجز درم مروارید
 ناسفته یکمقال و دو دانگ نبات یکدرم صلیا
 کرده استعمال نمایند برود اسودد معه را باز دارد و
 بیاض بر دصنت آن سرمه و توتیا مغول از هر یک
 دوازده درم مروارید ناسفته دو درم سافج
 هندی یکدرم زعفران نیمدرم مارقشیا هشتاد
 مشک و کافور از هر یک دانگی صلیا کرده استعمال نمایند
 با سلیقون کبر تاریکی چشم و ابتدای آب و معده و
 جرب و سبل و ظفره و شرناق را نافع باشد
 صنت آن کف وریا اقلیمیا نقره از هر یک ده درم
 نمک اندرانی سافج هندی سفیداب ارزین

منصور از با سلیقون
 و غیر آن آب
 در چشمه ابراء
 آن را از شراب
 از کبر میگویند

فلفل

فلفل در فلفل سنبل الطیب سرمه صفایانی از هر
 دو درم نمک هندی قرقل دو دانگ از هر یک یکدرم صبر سقوی
 عصاره مامینا مس سوخته از هر یک بجز درم مایه
 جنی مرو شاد در از هر یک سه درم پوست بلبله زرد چهار
 درم کوفته و بجز استعمال نمایند با سلیقون صغیر
 منافع آن قریب بمنافع کبر است صنت آن اقلیمیا
 نقره بجز درم روی سوخته دو درم و نیم سفیداب
 ارزین نمک اندرانی نو شاد در جده فلفل در فلفل از
 هر یک نیم درم کوفته و بجز استعمال نمایند بنفعی
 تاریکی چشم و معده و جرب و حکم را نافع باشد صنت آن
 شادخ مغول دو درم دم الاخوین دانگی روی خسته
 در فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم سافج هندی

در نفوس ابراء و آن
 کمر بند از صبر سقوی

که همین خاصیت دارد صفت آن سدا خشک
 کوفته با موم کداخته و بشم فرکوش برشند و بخور کنند
 بخوری که میثمه و بچه مرده را بیرون آورد صفت آن
 مر بارزی جاوشیر کو کرد مساوی کوفته و بخت
 بزهره کاهو برشند و کلوها سازند و در زیر طهار
 سوراخ کرده دود کنند و فوج را بر آن سوراخ نهند
 بخت جوش برودت معده و جگر و وجع ظهرو
 مناسل و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه را نافع
 بود و لون را صافی گرداند و بوی دهن خوش کند
 و معده و باه را قوت دهد و حفظ را زیادت کند
 و بول براند و باد را بشکند صفت آن اب انکور
 رسیده صد من گوشت تغلی فربه بخت بخت من

عود خام ده درم جوز بواز غفران مصطکی خولنجان
 از هر یک بجز درم خیر و اکبابه رز بناد قرنفل سعد
 بسیار از هر یک سه درم زنجبیل و ارچنی سنبل
 الطیب عاقر قرحا از هر یک یک درم عسل ده رطل
 گوشت را در آب انکور بجوشانند تا مایه شود
 و ادویه نیم کوفته در کسبه کنند و سرکه زرم ببندند
 و در آن اندازند و هر خطه به دست میمالند و یک رطل کلاب
 اضافه نمایند و صاف سازند و در خم ریزند و بعد از شش
 ماه استعمال نمایند و اگر خواهند مرغ و کبوتر بخت و کبک
 و امثال اینها اضافه نمایند و از گوشت کوسند جبری کم
 کنند **باب الثانی** در تریاق فلدق
 و آنرا تریاق کبر نیز گویند حضرت کریدین افندی و عترب

ورثیلا و سکه یوانه و همه جانوران زهر دار را دفع
 کند و دفع مضرت همه زهر های کشنده است و خدام
 و فالج و صرع و سکه و لقوه و رعشه و مایخولیا
 و ضیق النفس و خاق سوداوی و بلغمی و استسقاء
 و یرقان سدی و دوار و صداع و قولنج بلغمی و درد
 کرده و مثانه را سود دارد و سنک کرده و مثانه
 بریزاند و سده جگر و سپر زبک شاید و حیض براند
 و بواسیر و باد های غلیظ که در احشا بود دفع کند
 و ورم صلب جگر و سپر را تحلیل کند و هیضه را
 باز دارد و حب القرع را دفع کند و شتوت کلی و
 نافض و حیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض
 سوداوی و بلغمی را نافع باشد و حرارت غیری

افزودن

برافروزد و روح را قوت دهد و باه را برانگیزد اما مقدار
 شربت تریاق کبر در هر مرضی آنست که در نسخه گفته
 و درد سینه و پهلو که سبب آن باد غلیظ یا بلغم باشد
 مقدار یک ترس یا ماء العسل دهند و از جهت کریدن
 مار و عقرب و سکه یوانه و رتیلایک شغال در شراب
 دهند و زنبور کزیده را در سرکه دهند و در سرکه حل
 کرده بر موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه
 سمیه مثل فیون و شوکران و فرغیون و ذرا ریج
 و امثال اینها در شراب دهند و در یرقان سدی
 یک ترس در طنج اسارون دهند و در استسقا
 یک فندق برکه ممزوج دهند و از جهت فالج و لقوه
 و رعشه در ماء الاصول دهند و از جهت خدام در ماء

دهند و خداوند حب القرع را در طبع قسم دهند و در
نافض و حیات بلغمی و سوداوی یک ترس با یک کرم
یا شراب دهند و در قویج و نفخ معده و مغص ریجی و سقوط
شوت و ربو و انقطاع صوت و برص یک ترس با
مار العسل یا شراب دهند و در ضیق النفس بسکجنین
عنصلی در صرع و صداع و شقیقه یک ترس با رب کرم
دهند و خداوند هیضه را دود انگ بشراب سبب دهند
و از جهت احتباس طث و اخراج جنین میت در طبع
اهل یا مشکطامشیع با سداب دهند و در جمیع امراض
اندر کی اندک یک طبع و بسیار آن یک مثقال باشد
صنعت آن اقراص عنصل جمل هشت مثقال
اقراص اضی و اقراص اندر و خوردن و فلفل سیاه

دایمون

دایمون و دار جنبی از هر یک پست و چهار مثقال
ورق کل سرخ تخم شلغم بری نونم بری ایر ساغازتون
رب السوس روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال
مرکبی زعفران زنجبیل یونز جنبی فلفلان فودنج فرازون
قطر اسالیون قط فلفل سید اسطوخودوس فلفل
مشکطامشیع کندر فجاج اذ فر صمغ البطم سیلخه سبیل
جعد از هر یک شش مثقال لبنی تخم کرفس سیالیوس
حرف کا ذریوس کا فیلوس یا نخواه عصاره لیمو
نار دین ساج موفو جنبی ناراز یا نه کل مخوم زاج
محرق حماما و حب بلسان هیوفاریتون صمغ عربی
قدمانا اسینون اقا قیا از هر یک چهار یک مثقال
جند پدستر دو قوتنه مقل الیود جاوشیر قنطاریون

دقیق زراوند مدح سکنج از هر یک دو مثقال
 عسل که از کل حاشا باشد دو رطل شراب ریحانی
 هشت رطل بوزن بغداد که هر رطل از آن دو مثقال
 بود صغیر عصاره و اقواسی در شراب خیساند
 تا حل شود و عسل بر سر آن کنند و یکشنبه روز یکشنبه
 بعد از آن ادویه کوفته و بخت بروغن بلبان
 چرکینند و در یکدیگر بپوشند و بعد از چهار ماه بلکه
 شش ماه استعمال کنند و بعضی گفته اند بیش از پنج سال
 استعمال نباید کرد و بعضی گویند بعد از دوازده سال استعمال باید کرد
 و بعضی گویند آن زمان در غایت خوبی و وقت باشد تا
 سی سال و چون از سی سال گذشت تا شصت سال
 قوت آن باقیست و بعد از شصت سال حکم آن

ما

حکم معاجین کبار باشد از جهت جمیع امراض مذکوره
 نافع است الا دفع سموم و کزیدن جانوران تریاق کل
 مخموم کسی را که زهر داده باشند این تریاق بدهند
 قی آورد تا اگر زهر داده باشند قی آورد و اگر نه
 صفت آن کل مخموم و حب الغار و ایرسا مساوی
 کوفته و بخت بروغن کاوچوب کنند و بعسل
 بپوشند شربت مقابل فتنی تریاق اربعه دفعه
 کزیدن جانوران زهرناک کند و با دوا بشکند و قوی
 بکشد و اخراج جنین میت و تسهیل ولاد کند
 و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت آن
 جنطیانا حب الغار زراوند طویل مرکی مساوی
 کوفته و بخت بعسل معجون سازند شربت یک مثقال در آب گرم

صفت آن که از تریاق اربعه ساخته اند منافع این شکر منافع است صفت آن که از تریاق اربعه ساخته اند منافع این شکر منافع است صفت آن که از تریاق اربعه ساخته اند منافع این شکر منافع است

ترياق سرطان کزیدن کلبه نافع باشد صفت آن
 سرطان محرق ده درم کندرجنطیا یا از هر یک پنجم
 کوفته و بخته بعسل سرشته شری یک مثقال تریاق محرق
 جت کزیدن عرق نظیر ندارد صفت آن پوست
 پنج کبر جنطیا نازراوند مدحج افستین طرخشوق مساوی
 کوفته و بخته ده درم از آن سفوف سازند تریاق دیگر
 که همین منفعت دارد صفت آن تخم سداب زراوند طویل
 حب الغار جنطیا نازراوند پنج کبر افستین زردچوبه پنج
 حنظل فاشر مساوی کوفته و بخته بعسل همچون
 سازند تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
 مغز گردکان و میرازهریک دو درم سداب حلتیت
 مرازهریک یک درم کوفته با بنجر همچون سازند شریقی

سدرام

سه درم بشار تریاق مکر که در کزیدن عرق نفعی تمام دارد
 صفت آن جنطیا نازراوند حب الغار مرکب قضا فودنج سداب
 جند بدستر عاقر قرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی
 کوفته بعسل سرشته شریقی مقابل یک جوز بشار تریاق دیگر
 که از جهت کزیدن رتیلان نافع باشد صفت آن
 شونیز ده درم دو قوزیره کرمانی از هر یک پنجم ابل
 و جوز السرو از هر یک سه درم سنبل الطیب حب الغار
 زراوند مدحج حب بلسان دارچینی جنطیا نازراوند
 جند قوی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بخته بعسل
 سرشته شریقی مقدار یک جوز بشار کهنه تریاق دیگر
 که همین در کزیدن عرق مساوی تریاق کبریت صفت آن
 ریوند چنی زراوند طویل پوست پنج کبر عاقر قرحا مساوی کوفته

و بخت شربی یکدم سوز سازند تریاقی که دافع این
و بخت صفت آن خلقت چند پدستر اهل نفل
مسای کوفته و بخت غسل چون سازند شربی
مقابل کفندق در شراب کهنه نافع باشد تریاق
در صفت آن مروارید ناسفته مرجان کبریا عقیق شب
عاج طباشیر طلائث کشتیر خشک بریان کرده
صندل سعید بهمن سعید بهمن سرخ و سعید فلفل
سعید زیره کرمانی بدر مصطکی کرو یا مازوی سمن
کل ارمنی شادنج عدسی صمغ عربی آرد کنار آرد سنج
حب الاس عذبه دانه عناب دانه بریان کرده
بوست پرون بسته عجم زنبب از هر یک سه درم
ورق نقره یکدم تخم خرفه بریان کرده خشنی سعید

دانه نکور بزرگ از هر یک پنجم عود خام و بزرگ البنج از هر
دو درم رب به شیرین ربیب رب مورد مسای
همچون سازند **باب الثاء**
ثیاذریطوس او جاع کبد و معده و طحال و کلیه و رحم
و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام و صمغ
و برص و لقوه و عرشه و فالج و جمیع امراض عتیقه
مرمنه و انواع سوء المزاج بارد و رطبت نافع بود و قوی
بکشاید و استقا که از سردی و ضعف جگر باشد ایل
کند و اسهال آن پی مشقت باشد و ادرار بول و حیض
کند و سنگ کرده و مثانه را بریزاند و حرارت غریزی
را تقویت دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک
گرداند و باد را دفع کند و سده جگر و سبزه بکشاید

وز نک را نیکو سازد صفت آن صبر سقوطی پانزده
 درم غاریقون بست درم زعفران و ج دار چینی و ج
 مصطک روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند
 چینی یک درم و نیم عود بلسان قرقیون فلفل سفید
 سیاه دار فلفل هر خطیانا حلسان نقاح اذخر
 حماما از هر یک دو درم کادریوس قسط افیتون از هر یک
 چهار درم اسارون سیلخه ستونیا از هر یک شش مثقال
 سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و پخته بروغن
 بلسان چرکنند و با سه چندان عسل سرشند
 شربتی چهار مثقال و وقت این معجون تا چهار سال
 باقی باشد ثیادریطوس دیگر منفعت آن قریب
 بمنفعت اولست صفت آن صبر سقوطی سی درم

غاریقون

غاریقون بست و دو درم زعفران و ج دار چینی مصطک
 سوربخان سیلخه از هر یک سه درم کادریوس فلفل
 ابیض اسارون عود بلسان از هر یک دو درم فلفل
 سیاه چند پندستر از هر یک چهار درم ریوند چینی
 و سنبل از هر یک یک درم عسل سه وزن ادویه شربتی
 چهار درم آب کرم باب الحیم
 جوارش شیرازان سردی جگر و معده و قولنج و عسر
 البول را نافع باشد صفت آن قرقه تر نفل
 دار چینی سیلخه سنبل الطیب جوز بوا میل مصطک
 قافله حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم
 ستونیا سه درم و نیم تربد سفید و حب الینل
 از هر یک هشت درم قند سفید بوزن ادویه

کوفته و پنجه بوسل بهر شند شرتی چهار شتال
تا بهت شتال باب کرم دهند جوارش دیره معده را
قوت دهد و اشتها طعام آورد و بوی دهن خوش
کند صفت آن پوست ترنج خشک کرده سی درم قنقل
جوزبوا دار فلفل قرقه قاقله خولجان زنجبیل از هر یک
یک درم شک دو لک کوفته و پنجه بوسل بهر شند
جوارش عود باد بام بشکند و خفتان و دلتکی زایل کند
صفت آن عود هندی را زیاده تخم کرفس و ج سنبل
از هر یک سه درم بسیار سه نار شک سعد و نمجشک
رزنب زربا داز هر یک یک شتال دار جینی زنجبیل
فلفل قنقل مصطکی از هر یک دو درم کاوزبان پنجم درم
کافور دانی و نیم شک دو دانگ کوفته و پنجه بوسل

بهر شند

بهر شند جوارش عود نوعی معده و دل را قوت دهد
و پیراز را موافق باشد صفت آن عود خام قنقل
ساج زنجبیل قاقله فرج شک دار فلفل از هر یک دو شتال
زعفران یک شتال کوفته و پنجه بوسل بهر شند جوارش
عود پنجه دیگر با ضمه را قوت دهد و اشتها طعام آورد
و بلغم و رطوبت را دفع کند صفت آن قنقل سه درم
قاقله کبار و سنبل از هر یک دو درم عود پانزده درم
زعفران یک درم کوفته و پنجه بوسل بهر شند جوارش
عود نوعی دیگر معده سرد را گرم کند و اشتها طعام آورد
و با ضمه را قوت دهد صفت آن قنقل دو درم سنبل
یک درم عود پنجم نبات یکمن نبات را در کلاب
بکدازند و بقوام آورند و فرو گیرند و پزند و دارو را

کوفته و بخته بران پاشند و بر روی سنگ ریزند
 جوارش عود نوعی دیگر معده را با صلاح آورد و اشتها
 طعام پیدا کند صفت آن عود خام بخورم پوست
 ترنج زده درم مصطک یکمقال نبات یکم هم بآن
 دستور بریزند جوارش عنبر حقیقان و سردی معده
 و بدی هضم و اوجاع رجم را نافع بود و از برای پیران
 بغایت خوبست صفت آن قاقله صنعار و کبار
 بسیار در چین از هر یک چهار درم زنجبیل و دار فلفل
 از هر یک ده درم دواء مصطک عنبر از هر یک دو درم
 قرنه قنقل زعفران از هر یک دو درم جوز بواج
 درم مشک یک درم کوفته و بخته بعسل بپزند و شربتی
 یکمقال جوارش عنبر نوعی دیگر عنبر یکمقال قند سیند

یکم

یکم قند را بقوام آورند و فرو گیرند و عنبر را در آن
 حل کنند و تیر بزیند و بر روی سنگ ریزند جوارش
 مصطک سردی معده و جگر را نافع بود و بلفم دفع کند و
 آب رفتن از دمان باز دارد صفت آن مصطک
 سه مقال کوفته با یکم قند و سی درم کلاب بر رو
 سنگ ریزند جوارش جالینوس این جوارش را خات
 بید است همه اعضا را قوت دهد و بوی دمان خوش
 کند و باد را بشکند و بسیاری بول که از سردی بود باز
 دارد و باه را قوت دهد و دیوانگی ببرد و صداع و سعال
 بلغمی را و بواسیر و نفرس و قوبا و هتق و حصاة کلیه
 و مثانه را نافع بود و سیاهی موی را محاذیقت کند
 و گفته اند هر که بپست روز بدین جوارش مداومت کند

از جمیع امراض مذکوره این باشد صفت آن سبیل
 سیخه دار چینی خولجان قرنفل سعد زنجبیل و ارنفل
 فلغل سیاه قطب بحر عود بلسان اسارون تخم
 مورد قصب الزیره زعفران از هر یک دو درم مصطکی
 بجز درم قند سعید بوزن تمام ادویه کوفته و پخت
 باد و چندان عسل برشند شرقی دو مثقال تا مثقال
 بیش از طعام توان خورد و بعضی اطبا جنطیانا
 بجز درم اضافه میکرده اند جوارش تری قویج و عسر
 البول ابکاید صفت آن زیره کرمانی مدبر بوره ارمنی
 فطر اسالیوس زنجبیل فلغل سعید از هر یک دو درم و نیم
 ستونیا بسر که شوی بجز درم فرمای دانه بیرون کرده
 و مغز بادام مقشر بریان از هر یک ده مثقال و رقی

سدا ب

سدا ب ده درم فرما را در سرکه خیسانند یک شبانه
 و بکوبند و از غربال بیرون کنند و عسل کف گرفته وزن
 ادویه بر سر تر کنند و بجوشانند تا بقوام آید و دارو باد
 کوفته بان برشند شرقی پنج مثقال تا هشت مثقال
 باب کرم جوارش شک خفقان و باد بواسیر را
 باشد و باد های معده را دفع کند صفت آن خیر بر
 تاقله زنجبیل و ارنفل فلغل از هر یک ده درم شک
 خالص نیم مثقال قند سعید شست درم کوفته و پخته
 بعسل برشند جوارش کافور اسهال صفراوی باز دارد
 و تشنگی و حرارت بنشانند صفت آن زرشک ده
 درم کل سرخ هشت درم طباشیر سفید که با فوفل
 از هر یک چهار درم تخم حاض بریان کرده هشت درم

حب الآس شش درم بست سبب ده درم بست غبار
 ده درم انار دانه بدون کرده هشت درم کافور سه درم
 زعفران شاه بلوط هر یک پنجم درم فلفل چهار درم شرب
 حاض سبب شش شربتی دو درم جوارش کند اسهال
 بلغنی باز دارد و معده را گرم کند صفت آن گذشت
 درم فلفل دار فلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل
 خونیجان از هر یک ده درم قرنفل جوز بواجیر بواجیر
 هر یک پنجم درم مشک پنجم درم قند سبب شش درم
 کوفته و بخته بعسل سبب شش شربتی سه درم
 جوارش خور و طعام را بهضم کند و اسهال باز دارد
 و سبز بگذارد کسی را که هم استقا بود نافع باشد
 و ادرا بول کند صفت آن قطره سبب حبیب

سبب

سلیخه از هر یک ده درم جوز بواجیر عدد قاقه کبار
 قرنفل اینون درونج عرق از هر یک سه درم ریون
 جنبی زراوند مدحرج اشنة از هر یک پنجم درم بلبله
 پوست بلبله کابلی بروغن زیت بریان کرده از
 هر یک بست درم بلبله ده عدد حب الآس بوزن
 همه ادویه نبات دوزن ادویه در کلاب بگذارد
 و بقوام آرند و دار و بکوفته و بخته بآن بشنند
 و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش طباشیر تب
 و اسهال صغری را نافع باشد صفت آن طباشیر
 سفید حب الآس کل سرخ از هر یک ده درم تخم
 حاض صمغ عربی از هر یک هفت درم کلنار ساق
 عصاره لحیه التیس از هر یک شش درم زعفران

وافیون از هر یک دو درم کوفته و پنجه بشرب
 سرشته شربتی سه درم جوارش سماق اسهال صغیری
 باز دارد صفت آن سماق پست درم حب الاس
 ده درم فروب سی درم صمغ عربی کلنا را ناردانه
 از هر یک پنج درم کوفته و پنجه با مویر منقی دیگر
 باره بکوبند شراب سه درم جوارش انجدان قویج
 بکشاید و باد را دفع کند و جشاء حامض را نافع باشد
 صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک پنج درم ایرسا
 و زنجبیل از هر یک شش درم اسنون و مصطکی را زیاده
 ناخواه تخم کرفس از هر یک دو درم انجدان بازده
 درم کوفته و پنجه بعسل سرشته شربتی دو درم جوارش
 نارمشک طبع را نرم سازد و قویج را بکشاید صفت آن

جوز بوا یک درم قاقله دار چینی از هر یک دو درم نارمشک
 و قنفل از هر یک سه درم دار فلفل پنج درم زنجبیل
 شش درم سمونیا پست درم نبات سی درم کوفته
 و پنجه بعسل همچون سازند شربتی از یک درم تا سه درم
 جوارش دیگر که اسهال صغیر کند پی مشقت صفت آن
 عود خام مصطکی از هر یک یک درم تربت سقید چهارم
 سمونیا نیم درم کوفته و پنجه بعسل سرشته شربتی
 پنج درم جوارش بسیار بواسیر و سردی معده و بدی
 هضم را نافع باشد و باد را غلیظ را دفع کند صفت آن
 بسیار قرقه قاقله صغیر زنجبیل دار فلفل دار چینی اسار
 از هر یک یک درم قاقله کبار پنج درم فلفل دو درم قنفل
 یک درم و نیم قند سقید پست درم کوفته و پنجه بعسل

۷۵

بسرشدن شربتی یکشمال جوارش مقدیانا از حیر و معص
 و بواسیر را نافع بود صنت آن تخم تره تیزک بریان
 کرده زیره کرمانی مدراز هر یک یکدرم مصطکی شش
 درم هلیله کابلی بریان کرده بروغن کاه و یکدرم کوفته
 و بخت بکلاب بسرشدن جوارش سسم معده را
 قوت دهد و شتوات ردیه زنان را دفع کند و
 رنگ را نیکو گرداند و اشتها و طعام آورد صنت آن
 زرنباد تخم کرفس زیره کرمانی ناخواه از هر یک دو درم
 کنجی معشرده درم کند زرنجیل فلفل دار فلفل قاقله
 دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد نو و مشکال کوفته
 و بخت بکلاب بسرشدن جوارشی که حفظ زیاده کند
 صفت آن زرنجیل ناخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله

کلابی

۷۶

کابلی از هر یک یکدرم کوفته و بخت بعسل بسرشدن شربتی
 یکشمال جوارش مسهل تنقیه معده و دفع فضلات
 کند صنت آن تربه سفید ده درم زنجیل پنج
 درم قند سفید پازره درم شربتی سه درم جوارش
 شریاران نسخه دیگر قوبنج بکثیه و فضلات
 رودیه را دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن فلفل
 زنجیل زیره کرمانی سداب بوره ارمنی خولجان قرفه
 از هر یک یکدرم و نیم سمونیا ده درم عسل چهل درم
 شربتی یکدرم و نیم تا سه درم جوارش دارچینی ضعف
 کرده و مثانه و معده را نافع بود و باد های غلیظ شکند
 و اخلاط غلیظ را دفع کند صنت آن دارچینی عود
 بندی راسن از هر یک شش درم قنقل فلفل سیاه

۵۶

دارفلعل سنبل اسارون از هر یک بخدرم رنجیل ده
 درم بغض هشت درم خیر بوا و قرقه از هر یک دو درم
 مصطکی اینسون رازنانه سیلخه از هر یک سه درم
 کوفته و بخته بعسل بپزند جوارش حب الاس هیضه
 و اسهال معدی را نافع باشد وقتی که از بلغم و رطوبت
 باشد باز دارد صفت آن حب الاس بود شقال
 بلبله سیاه بلبله آمله طالینفر از هر یک پست درم
 فلعل سیاه دارفلعل رنجیل از هر یک ده درم مصطکی
 فردمانا کرو یا اینسون زیره کرمانی سنبل سیلخه قاقله
 قسط از هر یک شش درم جوز بوا تخم کرفس ناخواه
 از هر یک بخدرم سادج هندی حماما از هر یک چهار
 درم کوفته و بخته بعسل بپزند جوارش اسقف

فلفل

30

۵۷

قونج و لقوقه و باد بوا سپر و باد بوا را که در معده باشد
 سود دارد صفت آن سمونیا تربید سعینه از هر یک
 بخدرم فلعل قاقله از هر یک سه درم رنجیل دارچینی
 آمله قرقه سیفاج جوز بوا از هر یک دو درم و نیم
 قند سعینه بود درم کوفته و بخته بعسل بپزند
 شربتی چهار شقال جوارش هندی اوجاع مغار
 و نفوس و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت آن
 سمونیا ده درم خیر بوا قاقله دارچینی رنجیل قرقه
 نارمشک قرقه فلعل از هر یک بخدرم تربید سعینه
 صد درم قند سیند صد درم کوفته و بخته بعسل
 بپزند جوارش رنجیل ضعف معده و امعا
 و هیضه را نافع باشد و طعام را بهضم کند و باد بوا

بشکند و اسهال باز دارد صفت آن رنجبیل
 بپست درم صمغ عربی و خربوا از هر یک ده درم
 قرنفل دارچینی از هر یک پنجم جوز بویا یک درم و نقل
 دارچینی از هر یک پنجم جوز بویا یک درم زعفران یک درم
 نشاسته چهل دو درم شکر طبرزد نود مثقال جوارش
 قیصر قوبلج و نقرس اناغ باشد و اخلاط غلیظا
 لرجه را دفع کند صفت آن دارفلنل رنجبیل
 هلیله زرد سقونیاترید سعید از هر یک دوازده
 درم تخم کرفس ناخواه عاقر قرحا نمک طبرزد از هر یک
 شش درم قند سعید شازده درم کوفته و بخته
 بعسل پسرشند جوارش خوا که معده و دل و حکر
 و احتشاق قوت دهد و قی باز دارد و صنداد کند

و شکر

و تنقل بدان منع خمار کند صفت آن آب نارترش
 شیرین ابسیب آب به آب مرود آب غوره آب
 زرشک آب سماق آب لیو مجموع مساوی بچوشاند
 تا بر بی آید فرو گیرند و قند بقوام زیاده آرند و نیز میزنند
 و آبها بر آن میزنند چندانکه خواهند و بروی سنگ ریزه
باب الحاء حب ایارج دماغ
 و اعضا سر را از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع
 و سکت و امراض عین را نافع باشد صفت آن
 ایارج فیترا و ترب سعید از هر یک یک درم حب الیسل غاریون
 و ایشون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک هندی
 از هر یک انکی و نیم کوفته و بخته باب رازیانه بشنند
 و بپزند حب صبر او جاع مناسصل و نقرس و فلیج

ولقوه را نافع باشد صفت آن صبر سقوطی یکمشتال
 تربد سینه یکدرم و نیم حب الین غاریتون از هر یک
 دانکی شحم حنظل و نمک بندی از هر یکی دانکی و نیم
 مقل کثیر و اینسون از هر یک دانکی و نیم کوفته و بخت
 آب کرفس حب سازند حب سورخجان مفصل
 و نقرس و عرق المنسا را نافع باشد صفت آن
 صبر سقوطی و ماهی زهره از هر یک یکدرم سورخجان
 تربد سینه از هر یک یکمشتال کثیر دانکی حب الین نیم
 درم شحم حنظل دانکی نمک بندی دانکی و نیم کوفته
 و بخت آب کرفس حب سازند حب سورخجان
 بنسخه دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن ایاره
 فیتر تربد سینه ماهی زهره از هر یک یکدرم سورخجان

در:

پوست هلیله زرد غاریتون و اینسون از هر یک نیم
 درم سقمونیا و کثیر و شحم حنظل از هر یک دانکی کوفته
 و بخت آب انار از یانه حب سازند حب سورخجان
 نوعی دیگر صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سینه
 از هر یک نیمدرم سورخجان و سقمونیا از هر یکی دانکی
 و نیم تخم کرفس و نمک بندی از هر یک دانکی آب
 رازیانه حب سازند حب شیار درد معده را نافع
 بود و قوت باصره بدهد و درد سرو تاریکی چشم
 را ببرد صفت آن صبر سقوطی سه درم پوست هلیله
 زرد و ورق کل سرخ مصطکی تربد سینه از هر یک
 یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته و بخت حب سازند
 شربتی یکمشتال تا سه مشتال در وقت خواب فرو

بروغن بادام چربیده

برند و بختند حب قوقایا در دسر صداع را و در چشم
را نافع بود و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آورد و صفت
آن صبر سقوطر عصاره افستین مصطکی از هر یک
یک مثقال تخم حنظل و ستمونیا از هر یک نیم درم کوفته
و بخت آب کرفس حب سازند شربتیک مثقال حب
غاریتون سه را بکشد و استسقا و امراض کبد را
نافع باشد صفت آن افیتون و صبر سقوطری از هر یک
شش درم غاریتون چهار درم اینسون فطر اسالیون
تخم کرفس و دو قواز هر یک دو درم ستمونیا یک درم کوفته
و بخت آب کرفس حب سازند شربتیک دو درم حب
غاریتون همین خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون
هر شب از آن یک درم بنوشند غاریتون ده درم عصاره

غاف

غاف و ریونند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم
کوفته و بخت آب حب سازند فالج و لقوه و مفاصل
و نفوس که از سردی باشد و وجع ظهر را نافع باشد
و باد های غلیظ را دفع کند و حیض یکتاید صفت آن
سکینج اشق جاوشیر مقل هر مل تخم حنظل صبر
سقوطری ترب سفید پوست هلیله زرد از زردت
مساوی از زردت را در آب حل کنند و دارو را کوفته
بان بسازند و حب سازند شربتیک دو درم حب
اصطخیمون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ پاک
کند صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم افستین
غاریتون از هر یک سه درم اسارون اینسون تخم
کرفس از هر یک دو درم ترب سفید هفت درم افیتون

پنج درم ایاره فیترا نه درم قرنفل یک درم فایند چهار
 درم فایند را در آب بکدازند و دو درم ستمونیا
 در آن حل کنند و دارو را کوفته و بخته بآن
 بسرشند و حب سازند حب فلب صداع و درد
 چشم را نافع باشد صنت آن صبر سقوطی است
 درم پوست هلیله زرد ده درم کیتام مصطکی ستمونیا
 زعفران از هر یک سه درم ورق کل سرخ بنج درم
 کوفته و بخته بکلاب حب سازند شبرقی دو درم
 حب دیگر که دارالشلب را نافع باشد و صفرا و
 سودا و بلغم دفع کند صنت آن انجمنون چهار
 مثقال شحم حنظل ستمونیا نمک هندی فستین
 از هر یک دو مثقال صبر سقوطی ده مثقال از زرد

و بسنج

و بسنج فستق از هر یک سه مثقال تربه سفید دوازده
 مثقال کوفته و بخته بآب خالص حب سازند
 شبرقی سه درم حب سبکینه قویج بکثایه و بادای غلیظ
 را دفع کند صنت آن سبکینه شحم حنظل از هر یک
 درم ستمونیا سه درم بآب سداب حب سازند
 شبرقی یک درم حب دیگر که بادای بشکند و فتق و اوارم
 خصیه را نافع باشد صنت آن تخم کرفس هزار
 اسبند اینون مصطکی زعفران از هر یک یک درم
 پوست هلیله کابلی سبکینه مقل از هر یک دو درم
 فطراسالیون و پودنه و اذخر و قسطا و زرنباد در روغن
 و اسارون از هر یک سه درم کوفته و بخته بآب
 سداب حب سازند و هر روز یک درم تناول نمایند



حب مازیون استقارقی را نافع باشد صفت آن
ریوند جنبی عصاره غافت تخم کرفس از هر یک سه درم
غار یقون پنجم مازیون بدر نه در کوفته و بخت
حب سارند شبرقی دو درم حب دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن تخم مازیون و مغز بادام از هر یک نیم
درم شکر یک درم و نیم از زوت چهار درم تربه بنت
درم جاوشیر یک شغال نوشادر دو درم سمونیا
یک شغال کوفته و بخت باب کندنا حب سارند
شبرقی هر روز یک درم حب واصل که همین خاصیت
دارد صفت آن سبیل سیخه حب بلسان اسارو
عود بلسان مصطکی و ارچینی زعفران از هر یک
یک درم صبر سقوطی شانده درم اسطوخودوس

شکر یک درم و نیم کوفته و بخت حب سارند
خاویز غودی و سلو را نافع باشد صفت آن ایاره
فیروزه درم غار یقون دو درم و نیم تخم حنظل یک درم و نیم

شخم

شخم حنظل از هر یک پنجم تربه سیند بنت درم
نمک هندی دو درم سمونیا چهار درم شبرقی چهار درم
حب شیطرح عرق النساء و اجاع مناصل و وجع ظهرا
نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد ده درم
صبر سقوطی پست درم فلفل دار فلفل از هر یک یک درم
خودل سه درم شیطرح نمک هندی شخم حنظل زنجبیل
از هر یک دو درم فانید سجری چهار درم باب کرب
حب سارند شبرقی سه درم حب غافت یرقان
و درم جکر اسود دارد صفت آن غافت صبر سقوطی
پوست هلیله زرد سیاوی کوفته و بخت باب کرفس
حب سارند شبرقی دو درم حب دیگر که بهق و برص
و صرع و امراض سوداوی را نافع باشد صفت آن

ایاره فیترا پنجم ایتون ده درم لاجورد مغسول
 هفت درم ستمونا ششم حنظل خرق سیاه از هر یک
 دو درم سنبل ایتون از هر یک یک درم کوفته و بخته
 باب کرفس حب زنده شترتی دو درم و نیم حب شتره
 حب نافع بشر صنت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه
 از هر یک پنجم صبر هفت درم ستمونا دو درم و نیم
 کوفته و بخته باب شتره حب زنده شترتی دو درم
 حب مقل نوعی دیگر بواسیر نافع باشد صنت آن
 پوست هلیله زرد هلیله سیاه صبر زرد از هر یک پنجم
 هلیله کابی و مقل یا زرده درم تربد سفید ده درم
 کبنج پنجم خول دو درم کبنج را در آب کنده
 حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بخته بان بسازند

بهری

حب مقل نوعی دیگر که شقاق را سود دارد و طبع آن گرم
 کند و محرو را موافق باشد صنت آن پوست هلیله
 کابی پست درم مقل ده درم کثیر پنجم انجیر سی
 در آب بنزد تا ممر شود و بیالایند و مقل کثیر
 در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته بان بسازند
 و حب سازند شترتی دو درم حب مقل پنجم کبک هلیله سیاه
 و هلیله و آمله از هر یک جودی مقل برابر هم در آب کنده
 حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بخته بان بسازند
 و حب سازند شترتی دو درم و نیم حب دیگر که چون سه
 شب متوالی بنوشند وجع بواسیر را تسکین کند
 پوست هلیله زرد پوست هلیله سیاه آمله متشتر
 از هر یک یک درم مقل چهار درم در آب کنده نا حل

در معده و بواسیر نافع باشد صنت آن گرم

وادویه کوفته و بخته بدان بسرشد و حب سازند
 شبرقی دو درم حب دیگر که چون سه شب متوالی بپوشند
 و جج بوا سیر را تسکین کند صفت آن بلیله سیاه بلیله
 آنکه مقل از هر یک چهار درم نمک هندی و صغتر
 مصطکی سوربخان دارچینی و ج زنجبیل قاقله سیخه
 از هر یک هشت درم صبر سقوطی پست درم یک پنج
 دو درم مقل و سکنج را در آب کند تا بگذرانند و باقی
 ادویه را کوفته و بخته بآن بسرشد و حب سازند
 شبرقی دو و شغال حب الافاویه باد با دفع کند و طبع را
 نرم کند و قویج بکشد صفت آن زنجبیل و قنفل
 دارچینی فلفل دار فلفل نارمشک مصطکی از هر یک
 یک مثقال ستمونیا هشت مثقال قند عیند ^{مثقال}

کوفته

کوفته و بخته جهها سازند هر یک مقدار نخودی هر
 حبی یک مجلس دفع میکند حب بهرامی استعجال حبی
 نافع باشد صفت آن صبر سقوطی دوازده درم
 افیتون شش درم ستمونیا چهار درم سبیل سیخه
 ترب سعنید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یک درم
 و نیم غاریتون سه درم حماما یک درم کوفته و بخته
 حب سازند شبرقی دو درم و نیم حب دیگر که بتی و حب
 نافع باشد صفت آن ایاره فیترا یک مثقال لاجورد
 منقول سبیل اینون شحم منقل کثیر ستمونیا
 از هر یک دانگی کوفته و بخته باب کرفس سازند
 حب صر ایاره فیترا نیم مثقال افیتون اسطوخودوس
 سنایج نمک هندی غاریتون از هر یک

۷۱

نیم دانگ ترب سفید پوست بلیله زرد شخم حنظل کثیرا
 سقونیا از هر یک دانگی کوفته و بخته بآب حبه
 جی دیگریم از جهت صرع صفت آن صبر یکدم غاریتون
 نیمدرم شخم حنظل دو دانگ سقونیا دانگی و نیم مصطکی
 و سبیل از هر یک دانگی حب سازند بطنج اسطوخودوس
 بنوشند جی دیگر حبه صغف باه صفت آن ایاره
 فیترا ترب سعید از هر یک یکدرم حب الیل اینون
 از هر یک نیم درم شخم حنظل غاریتون عاقره خاصیه
 الثعلب از هر یک دانگی محوده و کثیرا از هر یک دانگی
 کوفته و بخته بکلاب حب سازند جی دیگر حبه آشک
 نافع باشد صفت آن ایاره فیترا یکمقال ترب
 سعید یکدرم غاریتون لا جورد مغسول پوست بلیله

ازد

38

۷۲

زرد و سورنجان از هر یک نیمدرم لک سقونیا دانگ
 و یک طسوج اینون و کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بخته
 بکلاب حب سازند حب بلیله جرب و حکه را نافع
 باشد صفت آن پوست بلیله زرد و صبر ستوری
 از هر یک یکدرم سقونیا ورق کل سرخ از هر یک دانگی
 کوفته و بخته بآب حب سازند حب استر خا و صرع
 ایاره فیترا ترب سعید و غاریتون از هر یک یکدرم شخم
 حنظل حب الیل سکنج از هر یک دانگی و نیم اسطوخودوس
 بوریدان از هر یک نیمدرم کثیرا دانگی کوفته و بخته بآب
 حب سازند حب فالج ایاره فیترا ترب سعید غاریتون
 از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوریدان عود الصلیب
 از هر یک نیمدرم شخم حنظل مصطکی از هر یک دانگی محوده

نیدانک باب راز یانه حب سازند حب استقا تربد
 سعید یکدرم ریوند چنی پندرم غاریقون زراوند
 مدحرج زراوند طویل از هر یک دانکی و نیم مقل الیهود تخم
 الحجة از هر یک دودانک فرقیون بروغن کل خوب
 کرده دانکی کوفته و بخته باب خالص حب سازند
 حب یکرجه استقا صنت آن ایاره فیترا تربد از هر یک
 یکدرم غاریقون اسارون ریوند چنی افستین رو
 تخم الحجة از هر یک نیم درم نمک هندی دانکی مقل
 دودانک باب راز یانه حب سازند حب سات سهری
 بنفشه دودرم پوست بلبله زرد تربد سعید از هر یک
 یکدرم نمک هند و راز یانه و تخم کرفس از هر یک
 پندرم محموده دانکی و نیم باب خالص حب سازند

حبرم

حب صبر ایاره فیترا تربد سعید صبر سقوطی از هر یک
 یکمقال حب الیل نیم مقال شحم حنظل نمک هندی از هر یک
 پندرم اینون یکدرم فلفل مصطکی کثیر از هر یک دانکی
 باب راز یانه حب سازند حب هق تربد یکدرم و دانکی
 و نیم غاریقون ایاره فیترا و افیتون از هر یک چهار دانک
 بلبله سیاه شیطج عصاره افستین از هر یک دودانک
 سمونیا سه نخود مقل اینون از هر یک دانکی باب
 حب سازند حب لعوه تربد یکدرم و نیم ایاره فیترا
 و افیتون از هر یک چهار دانک بلبله سیاه شیطج
 عصاره افستین از هر یک دودانک سمونیا
 سه نخود مقل اینون از هر یک دانکی باب حب سازند
 حب عشه و شج تربد سعید یکدرم پوست بلبله کا

دغاریتون از هر یک نیدرم صبر چهار دانگ کل سرخ دو
 دانگ مقلد انکی محموده نیم دانگ باب حب سازند حب
 رسته و تشنج سنجلی مهمل سه درم تربد یکدرم و نیم
 سورنجان چهار دانگ بوزیدان ماهیزه قنطورین
 دقیق از هر یک دو دانگ باب حب سازند حب
 که در دنفرس در ساعت بنشانند صنت آن اینسون
 زیره کرمانی فلفل سعید دار فلفل مغرب القرم از
 هر یک دو درم سیلخه یکدرم زنجبیل فرفیون از هر یک
 چهار درم مصطک شش درم سورنجان پست
 درم باب راز یانه حب سازند شربتی دو درم باب
 زیره حب رجا تربد یکدرم و نیم غاریتون ایاره فترا
 افیتون از هر یک چهار دانگ قنطورین دقیق

لیم نه

ماهی زهره عصاره افستین از هر یک دو دانگ شحم
 حنظل و ستونیا از هر یک سه حب مقلد اینسون از هر یک
 دانگی آب گرم رازیانه حب سازند حب ^{احلاج} تربد یکدرم
 و چهار دانگ فیتون نیدرم عصاره غافت و عصاره
 افستین از هر یک انکی نیم شحم حنظل مقلد اینسون
 مصطک از هر یک انکی باب حب سازند حب مناصل
 تربد یکمشتال سورنجان نیدرم شحم حنظل حب الیسل
 بندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی مقلد و دانگ
 بنفشه نیم درم باب حب سازند حب مناصل تربد
 یکمشتال سورنجان نیدرم شحم حنظل حب الیسل
 نمک بندی زنجبیل محموده از هر یک انکی و نیم ایاره
 فیترا و غاریتون از هر یک یکدرم مقلد و دانگ

78

کثیر اطبوحی بآب خالص حب زنده حب ربو تربد
یکدرم ایرسایندرم ایاره فیترا و غاریقون ازهر
یک یکدرم محموده دانکی مقل و دانک بنفشه
نیمدرم باحب سازند حب عشه ایاره فیترا و عا و حقا
ازهریک بخدرم جند پیدستر شیطج بندی بر
البخ ازهریک سه درم سکنج و شخم حنظل ازهریک
چهاردرم کوفته و بخته باب حب زنده شربتی دو
درم و نیم حب یرقا صبر یکدرم محموده دانکی و نیم غاریقون
چهار دانک عصاره غاف و دانک باب کاشنه
حب سازند حبی که ناضت از جته نرس حار صفت آن
سورنجان یکدرم محموده دانکی و نیم تخم کرفس دانکی صبر یکدرم
بآب خالص حب سازند حبی دیگر که بلغم را از مفاصل و سرو

جذب

79

جذب کند صفت آن سعد سورنجان بوزیدان ازهریک
نیم درم مابینزهره دو دانک تربد چهار دانک شخم حنظل دانکی
و نیم فینون دانکی بآب حب سازند حبی دیگر که وجع ظهرا
نافع باشد صفت آن شخم حنظل سکنج ازهریک دو درم
صبر چهاردرم جند پیدستر و مقل ازهریک یکدرم کوفته
و بخته بآب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب ربو یا
او جامع مفاصل در روز بصلاح آورد صفت آن صبر
سقوطی و تربد سفید ازهریک شت درم پوست بدلیله
زرد بوزیدان سورنجان ازهریک دو درم اینسون
و سقونیا ازهریک یکدرم و نیم بآب کندنا حب سازند
شربتی سه درم بآب کرم حب لاجورد سودا را دفع
کند و امراض سوداوی را نافع باشد صفت آن

لا جورد مغسول سه درم قرقل انیسون ستمونیا از هر یک
یک درم غاریتون پنجم درم افیتون و سفاج از هر یک چهار
درم ایاره فیترا ششی درم بآب کرفس حب سازند شبری
سه درم در ماء الجبن حب کو تولی اعضا سه درم
را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و دوار الثعلب را
نافع باشد و چون یک درم ازین حب و یک درم ایاره
فیترا حب کرده بخورند چشم را روشن کند و مانع
نزول آب گردد و اخلاط فاسده را از بدن بیرون
کند صفت آن صبر سقوطر ستمونیا شحم خنظل عصاره
افستین مصطکی از هر یک دانگی و نیم مقل دانگی کثیرا
نیم دانگ باب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه
و فالج را نافع باشد صفت آن زنجبیل فلفل دار فلفل

بمنزله

شیر آمله سعد مصطکی دار چینی سنبل سلینخ اسارون
از هر یک دو درم صبر پست درم باب کرفس حب
سازند شبری دو درم و نیم حب لصد سره گفته
و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را نافع باشد صفت
آن غاریتون و تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس
شحم خنظل ایاره فیترا از زروت از هر یک دو درم
باب حب سازند شبری یک مثقال بآب العسل حب الملوک
نافعست کسی را که از مسهلات بد طعم کراهت داشته
باشد و مسهل را می کند صفت آن تربد سفید یک درم
و چهار دانگ پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه
از هر یک دانگی نیم افیتون نیم درم کاو زبان
فلنجشک با در بجنویه محموده طباشیر زعفران کل سرخ

۸۶

از هر یک دانگی گرفته و بخت کلاب حب سازند شری
 سه درم حب ایتون اعضا سرد معده را از سوز
 پاک کند صفت آن ایاره فیترا شحم خنظل غاریون
 چهار منی ایتون مقل از هر یک دو درم تربد شش درم
 محمود یک درم حب سازند شری دو درم و نیم حب
 بسفاج بلغم و سودا از معده و دماغ پاک کند صفت آن
 ایاره فیترا ده درم بسفاج دو درم شحم خنظل شش درم
 اسطوخودوس ایتون از هر یک دو درم و نیم تربد
 هشت درم ستمونیا یک درم و نیم باب حب سازند
 شری دو درم و نیم حب که جمیع امراض سوداوی و
 صفوی را نافع باشد صفت آن پوست بلیله زرد
 شش درم پوست بلیله آمله معشر کل سرخ نمک

حب الملک یک قرص یک پیر و بادای غلیظ دفع کند صفت آن صبر سوطی یک درم تربد ده درم پوست بلیله زرد پوست
 بلیله کابی از هر یک سه درم یک بندی دو درم مسطکی زعفران سانج هندی قط سیخ روغن صبی سمنل زنجبیل
 اینون تخم کرش و تنقل فلفل خیر برادر حبی کنیز قاقا از هر یک یک درم ستمونیا و متقال مشک دانگی گرفته و بخت
 کلاب حب سازند

مزر

43

۸۷

هندی از هر یک دو درم ایاره فیترا پنج درم شاهتره ستمونیا
 عصاره انستین از هر یک سه درم تخم کرش نیم درم
 غاریون چهار درم گرفته و بخت آب کاشنه حب
 سازند شری سه درم صفت ^{حب السعال} صمغ عربی نشاسته کثیرا
 از هر یک سه درم مغر بیدانه مغر تخم خیار از هر یک دو درم
 شکر طبرزد و فایند از هر یک هفت درم گرفته و بخت
 بلعاب برزق طونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد
 رب السوسن منق از هر یک چهار درم زعفران یک درم
 اضافه نمایند حب السعال یک ناغست اطفال که از
 بسیاری سرفه می کنند و سرفه خشک که مانع خواب باشد
 در شب و نوازل حاده را دفع کند صفت آن نشاسته
 صمغ عربی رب السوسن خشکاش سیندا اینون متساوی

گوفته و بخته بلعاب بهدانه حب سازند هر حب مقدار
 یک نخود حب السعال باد مغربادام مغرب تخم خیارین صمغ
 عربی نشاسته خشخاش سبید از هر یک یک درم
 رب السوس دو درم با قلاسه درم بلعاب بزر
 قطونا حب سازند حب السعال طار پوت پنج رازیانه
 برسیاوشان تخم کرفس تخم کرفس رب السوس مغربادام
 مساوی گوفته و بخته باب حب سازند حب السعال دیگر
 که سرفه خشک نافع باشد صنت آن نشاسته صمغ
 عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کثیرا گوفته
 و بخته بلعاب بهدانه حب سازند حب السعال دیگر
 مدقق و مسلول نافع باشد و سرفه کرم خشک
 بهر د صنت آن صمغ عربی کثیرا مغرب بهدانه تخم خطمی رب

السوس

السوس خشخاش تخم خرفه قند سبید از هر یک سه درم
 مغربادام با قلاسه متعشر مغرب کرد و از هر یک پنج درم بلعاب
 بزر قطونا حب سازند حبی دیگر که سینه را پاک کند
 و آواز صاف گرداند و عذارت و سرفه ویرم را نافع
 باشد صنت آن مغربادام شیرین مغربادام تلخ
 بزرک بریان کرده جلفوزه از هر یک دو درم کثیرا
 و امنون و صمغ عربی و اصل السوس و رب
 السوس از هر یک نیم درم فایند و قند از هر یک چهار
 درم باب رازیانه و قدری عسل حب سازند حب
 المشک بوی دهن خوش کند و لثه را قوت دهد
 صنت آن فلفل قرنفل خونچان عا و قرحا از هر یک
 یک درم کل سرخ صندل بلیله از هر یک دو درم طبک

نیمدرم مشک و کافور از هر یک انگلی کوفته و بخته
 بکلاب حب سازند حب النکته همین خاصیت دارد
 صفت آن قافله جوز بواقر نقل کافور دارچینی و بخت
 فوفل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ پوست
 ترنج کبابه سیاه از هر یک یکمقال سود دوم
 بکلاب حب سازند حب دیگر که همین منفعت دارد
 صفت آن سک قرنفل قره جوز بواسع سبیل
 پوست ترنج عود خام مساوی باب زردالو
 حب سازند هر یک مقدار یک نخود هر صبح و شام
 یک حب از آن درد بین نگاه دارند حب دیگر که بوی
 سیر و پیاز و شراب از دهن ببرد صفت آن
 پوست ترنج مرعاب بیل زنجبیل کبابه سیاه

از هر یک

از هر یک نیمدرم مشک و طباشیر از هر یک نیمدرم
 عنبر نیم مقال صندل سوده بکلاب ده درم صمغ
 عربی دانه بکلاب حب سازند حب دیگر که همین عمل کند
 صفت آن کبابه چینی قرنفل قره طباشیر از هر یک دو
 درم مشک انگلی عنبر نیمدرم عود یکدرم کوفته و بخته
 که صمغ عربی در آن منقوع باشد سرشته حب سازند
 حب مقل قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت
 آن بلبله سیاه پوست بلبله کابلی پوست بلبله آنکه
 مقطر از هر یک دو درم مرجان کبریا و دغ سوخته
 از هر یک یکدرم مقل در آب انگران حل کنند
 و داروهای صلابه کرده بآن پسرشند و حب سازند
 شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد

صفت آن هلیله کابی بریان کرده بروغن کاهوی
درم کبریا ده مثقال مقل برابر همه باب کند نال
کنند و ادویه دیگر را کوفته و بخته بآن شسته
حب سازند شربتی دو درم حب بمک طبیعت بنزد
و خون رفتن باز دارد صفت آن سماق دو درم
مازو یک درم پوست انار نیم درم حب الاس ده درم
عجب زنبیب سه درم کوفته و بخته باب و لعاب
صمغ عربی حب سازند شربتی دو درم باب مورد
بدهند و از عقب آن پاره آب سرد باز خورند
حبی دیگر که اسهال خون باز دارد صفت آن مازو
کزمازج افیون مساوی باب حب سازند شربتی
دو دانگ حبی که اسهال یلغی باز دارد صفت آن

مرقده جند پدستر افیون مساوی کوفته و بخته
حب سازند هر یک مقابل یک فلعل شربتی سه حب
تایخ حب خورند حب الرخیر اسهال کنند و ترهرا
نافع باشد کاهی که حرارت و تب نباشد صفت
آن جند پدستر اسارون میعه سایله بزر البیض سیاه
کندر مساوی کوفته باب حب سازند شربتی دو درم
حبی که در ساعت شکم بنبد و صفت آن افیون یک درم
اقاقیاد و درم کل کز سماق حب الاس از هر یک چهار
درم کوفته و بخته بابی که صمغ عربی در آن منقوع
باشد حب سازند شربتی نیم مثقال حبی که نفوذ تمام
آورد و در بطو انزال اثری تمام دارد صفت آن
عود خام قرنفل کبابه فلعل از هر یک سه درم

زعفران نیم درم بالنکود و درم دارفلنل تخم بابونه
 مروارید ناسته از هر یک یک درم کوفته و پخته
 با قند بقوام آرند و بسروشند و حب سازند هر یک
 مقدار نخودی حب که مسکن او جاع است صفت
 آن مصطکی حب الغار مکی زعفران فلنل و قنفل
 جنبه پندتر سنبل هندی عاقر قرحا از هر یک یک مثقال
 و نیم بکلاب حب سازند شربت یک درم حقه لینه
 حمیات و سرسام و اعراض حاده را نافع است
 و طبع را نرم گرداند صفت آن عنابستان
 بنفشه شعیب مقشرونیم کوفته سبوس کنده خطی
 خشک اکلیل الملک از هر یک کنی انجیر ده عدد
 در سه رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید و ببالانند

و شکر

و شکر سرخ پنجم درم روغن بنفشه بادام ده درم
 روغن کبچر ده درم ابکامه پنجم اضافه نمایند و نیم گرم
 حقه کتند حقه لینه دیگر پنجم ده عدد اصل السوس
 دو درم سبتان سی عدد خشک جو یک کف بنفشه
 و نیلوفر از هر یک پنجم درم بابونه یک کف جله را در سه
 من آب بجوشانند تا بیک من آید و صاف کنند
 و ده درم لعاب بزر قطن و پوست درم روغن
 بنفشه بادام و ده درم ابکامه و ده درم پوره
 ارمنی و یک درم نمک اضافه نمایند و پوست درم شکر
 سرخ در آن حل کنند و بسه نوبت بریزند حقه
 معتدله حلبه بزرگ انجیر عناب بنفشه سبتان
 خطی بابونه اکلیل الملک خشک شبت سبوس کنده

از هر یک کنی بپزند چنانکه رسمست و بپالایند و ده
 درم فایند و دو درم بوره ارمنی و یکدم نمک هند
 و باز ده درم روغن شیر بخت اضافه نموده نیم گرم
 عمل نمایند حقه حاده شحم خنظل افیمون بسفای از هر یک
 دو درم فودنج یک کف بپزند و بپالایند و بپشت درم
 شکر سرخ و ده درم روغن بابونه اضافه نمایند و
 استعمال کنند حقه دیگر قویج بلغی و دروشت و بادک
 غلیظ را نافع باشد صفت آن حله بزرگ قنطاریون
 بابونه خشک نمکوفته خطی از هر یک کنی انجیر سی عدد
 عناب و بستان از هر یک سی دانه سپوس کندم
 برک چغندر برک کزنه بخت سداب از هر یک ده
 سکنج مقل جاد شیر از هر یک درم مغز تخم کافیشه

کوزه

گرفته بپشت درم بپزند و بپالایند چنانکه رسمست و یک
 درم نمک هندی و دو دانگ شحم خنظل و ده درم ابکامه و
 بپشت درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند حقه دیگر
 که استرخا و فایج و امراض بلغی را نافع باشد صفت آن
 سنار یکی بچدرم شبت بابونه و کافیشه نیم کوفته و پود
 انجیر نیم کوفته از هر یک کنی برسیا و شان با درنجویه
 قنطاریون دقیق از هر یک دو درم شکر سرخ باز ده
 درم ابکامه ده مثقال آب برک چغندر روغن زیت
 از هر یک ده درم نمک و بوره ارمنی از هر یک نیم درم بطبق
 معهود عمل نمایند حقه دیگر قویج بکثیه صفت آن
 سنار یکی پنج مثقال کاوزبان خشک شبت از هر یک
 سه درم رازیانه اینون بسفای از هر یک دو درم

بابونه و سوس کندم کل خطمی از هر یک کنی کل سرخ تازه
 دوازده عدد روغن زیت روغن کل سرخ شکر سرخ
 آب برک جعفر از هر یک ده شقال آب گامه و کلفتند
 آفتابی از هر یک ده درم بوره ارمنی نیم درم منجسته
 و صاف کرده چنانکه رسمت عمل نمایند حقنه که
 ریش روده و اسهال صفراوی را سود دارد صفت آن
 آب برک خرفه آب بسان الحل از هر یک چهل شقال
 تخم مرغ بروغن کل منجسته یک بیضه اقا قیاس نیم درم
 دم الا خون چهار دانگ کاغذ سوخته سپید کبریا
 رجان کل مخوم از هر یک یک درم بیکدیگر نمزوج سازند
 و استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعاء و اسهال را
 را نافع باشد صفت آن کشک جو برنج شسته پخته

بر از هر یک سی شقال بنزد و بیالایند و سفیداب
 نشاسته و اقا قیاس و کلنار از هر یک نیم درم زعفران
 شیاف بیض از هر یک یک درم زرده تخم مرغ عددی
 بده درم روغن کل حل کنند و در یکدیگر بیا مینزند و
 استعمال کنند **باب الحاخا خدیتون**
 برودت معده و احشا و جگر را نافع باشد و باضمه
 قوت دهد و از برای پیران معیند بود صفت آن
 شراب کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل بخبل
 ده درم قاقله خیر بواز عفران از هر یک یک شقال
 قرنفل و مشک از هر یک نیم درم و ارچنی و قلع از هر یک
 یک درم ادویه را نیم کوفته کنند سوی مشک و زعفران
 در کیسه کنند و سر کیسه نرم بپزند و شراب و عسل را

بجوشانند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بپزد
 میمالند تا شراب بقوام آید یک پیسه را بر دارند و مشک
 و زعفران را در آن حل کنند و نگاه دارند خضایی
 که موی را سیاه کند صفت آن مازویک رطل کنیز ارد
 سوخته شب یمانی از هر یک پنجم نرم نشاد در چهارم
 نمک اندرانی دو درم مازو را در روغن زیت بجوشانند
 تا شق شود و با ادویه دیگر بکوبند و آب کرم بپوشند
 و بگذارند تا چهار ساعت بگذرد بعد از آن سر ویش
 را بشویند و خشک کنند و خضاب را بدان بمالند
 و بعد از شش ساعت آب نیم کرم بشویند خضایی دیگر
 و سه جمل درم چنان پنجم کوفته و بخت بروغن گل
 جربا رند و آب کرم بپوشند و شب بمالند و صبح

باب کرم

باب کرم بشویند صفت خضایی یک کل شقایق ده
 درم آمله مقشر پوست باقلا تراز هر یک پنجم کوفته
 و بخت بپزد و بپزد و بپزد و بپزد و بپزد و بپزد
 و سرکه اضافه میکند بعد از آن استعمال نمایند خضایی دیگر
 جوز السرو در سرکه جوشانده بپزد درم مازوی سبر
 در روغن زیت بخت تا سوخته شود شش درم ک
 سوخته پوست کردکان تراز هر یک ده درم پرسیاوشان
 شب یمانی اقا قیام آمله از هر یک شش درم قرقر دوم
 کوفته و بخت باب کرم بپوشند و خضاب بپوشند و بعد از
 سه ساعت بشویند خضاب دیگر پوست کردکان شب
 یمانی پوست انار مس سوخته لادن مساوی کوفته
 و بخت باب کرم بپوشند و خضاب بپوشند خضاب دیگر

حنا چهار درم و سیمه هشت درم سوخته شبیه
 میانی نمک اندرانی نازوی سبز بریان کرده در روغن
 زیت و جنت الحدید از هر یک سه درم گرفته و
 بخته باب کرم بسر شدند و استعمال نمایند خبا
 دیگر شکوفه کردگان و متل بار و غن زیت صلابه
 کنند و استعمال نمایند و بعد از شش ساعت با
 کرم بشویند **باب الدال** دوا
 السنه و آنرا دوا الملوك نیز گویند و جاع مفاسل
 و بواسیر و ناصور و برص و بقی سیند و سیاه و
 جذام را نافع بود و حواس را قوی گرداند و باد را زیاده
 کند و هر که این معجون استعمال نماید موی او خرا
 سیند شده باشد سیند نشود **باب** بلیله

و بلیله و آمله از هر یک سی و هشت مثقال بشویند
 و چهار مثقال فلفل شق دار فلفل نجیل فلفلیه از
 هر یک پست و دو مثقال قاقله صغار نار مشک سعد
 از هر یک دو مثقال کبابه عسل بلاد را از هر یک شش
 مثقال فایند ششصد مثقال فایند را گرفته در بابتله
 کنند و در آب بگذارند و دارو را گرفته و بخته و عسل
 بلاد در بان بسر شدند و اقراص سازند هر یک دو مثقال
 و انکی و نیم و هر باد دیگر قصه از آن بخورند و درین سال
 که این معجون استعمال کنند از ترشها و لبنیات برهیز
 کنند و دارو المشک حلوضف معده و دل خفقان
 و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع را سود
 دارد و باد های زنان ابستن را دفع کند و زنک را

نیکو کرده است آن در نباد در و نج از هر یک یک درم
 مروارید ناسفت که با بسته ابریشم مقرض از هر یک
 نیم درم بهمن سرخ و سفید ساج هندی سنبل الطیب
 قاتله قرنفل چند پسته دواله از هر یک چهار دانگ
 زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ مشک دانگی و نیم
 کونته و چخته بعسل شده که آتش ندیده باشد بشویند
 و بعد از چهار ماه استعمال نماید شربتی از یک درم تا دو
 درم کافی باشد دواله مشک بار که با پنجم درم طباشیر
 پنجم درم ورق کل سرخ پنجم درم کشنیز خشک چهار
 درم کاو زبان هنت درم بسد سه درم مروارید
 سه درم ابریشم مقرض سه درم صندل سفید
 سه درم تخم خرفه پنجم درم مشک یک درم آمه هنت

درم مروارید
 درم کاو زبان
 درم بسد سه
 درم مروارید
 درم ابریشم مقرض
 درم صندل سفید
 درم تخم خرفه
 درم مشک
 درم آمه هنت

دار بزر

درم مروارید
 درم کاو زبان
 درم بسد سه
 درم مروارید
 درم ابریشم مقرض
 درم صندل سفید
 درم تخم خرفه
 درم مشک
 درم آمه هنت

دار چینی دوازده درم زعفران یک درم عسل و قند سه درم
 ادویه و مشک مرطوبات معده را بر دو خفکان
 سودا و ورم حنجره را نافع باشد صفت آن فستین
 رومی صبر سقوطی از هر یک هشت درم ریوند چینی
 شش درم ناخواه زعفران تخم کرنس از هر یک
 چهار درم مشک نار دین ساج هندی مروارید
 ناسفت از هر یک دو درم چند پسته یک درم و نیم
 بعسل همچون کند شربتی یک مثقال دواله مشک صلابت کبد
 و طحال معده و استقا و برودت معده را نافع باشد
 و سه ده بکشاید و بول براند و سنگ کرده و مثانه
 بریزاند و بدن را لاغر کند صفت آن لک مغول دو قو
 تخم کرنس جلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم

درم مروارید
 درم کاو زبان
 درم بسد سه
 درم مروارید
 درم ابریشم مقرض
 درم صندل سفید
 درم تخم خرفه
 درم مشک
 درم آمه هنت

کافیطوس زردنای خشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ
 جنطیانا و زراوند مدحج از هر یک یک درم صبرستوی
 و سنبل از هر یک دو ازرده درم فوه پانزده درم حب
 بلسان سلیخه مصطک قصب الزریه اسارون از
 هر یک شش درم کندر چهار درم دار فلفل زراوند طویل
 از هر یک دو درم فلفل قسطا از هر یک ده درم سیس
 سه درم کوفته و پخته بعسل معجون کنه شربتی یک
 مثقال دوا الک صغیر منافع آن قریب بمنافع کبریت
 صنت آن لک مغول تطلیح ققاح اذخر ترس
 الغار حله فلفل از هر یک ده درم ریوند چینی پانزده
 درم کوفته و پخته بعسل پسر شده شربتی
 یک درم بطنج اخسین یا باب کرم دوا الکرم کبیر

امراض

امراض حکر و سبز را که از سردی بود نافع باشد و سده
 بکشیاید و بادها دفع کند و کرده و مثانه را قوت دهد
 و بول براند و استقرا که سب ورم سبز و جگر باشد
 صنت آن زعفران دو ازرده مثقال سارون و مو و فو
 و اینسون و فطر اسالیون و ریوند چینی از هر یک چهار درم
 سنبل شش درم قسط و سلیخه و ققاح اذخر و حبلسان
 از هر یک یک درم فوه دو درم رب السوس و جوده مصطک
 غافه از هر یک سه درم روغن بلسان پنج درم مر
 چهار درم کوفته و پخته بعسل پسر شده شربتی از یک درم
 تادود درم بامار العسل دوا الکرم صغیر منافع آن
 قریب بمنافع کبریت صنت آن زعفران سلیخه
 سنبل از هر یک دو درم قسط ققاح اذخر و اچینه

کبیر کرم دوا الکرم کبیر
 کبیر کرم دوا الکرم کبیر
 کبیر کرم دوا الکرم کبیر

از هر یک یک درم کوفته و بخته یک شبانه روز بشمار انگشت
 ترکند و روز دیگر بعسل همچون سازند شربت و بهر
 ورد سنبل الطیب اسارون قسط مصطکی غزن
 لک مغول صندل سفید طباشیر سلیمه دارچینی از هر یک
 یک مثقال ورق کل سرخ و دمنه شاد شقال عسل سه وزن
 ادویه دوا الکبریت امراض بلغمی و سوداوی و تبهای
 کهن و نافض و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ریم که از سینه
 بیرون آید و استسقا و درد سبز و عسر البول نافع باشد
 و سنک کرده و مثانه بریزانند و مضرت ادویه سمیه
 چون اینون و شوکران و پنجه لغاخ را دفع کند و از
 جمت کرین عرق و رتیلا نافع باشد صفت آن
 کوک و زرد و بزرابنج سفید و دمانا متیعه سایله از

هر یک دو درم سلیمه دوازده درم فلفل سفید دو درم
 کوفته و بخته بعسل همچون سازند شربت و یک مثقال
 دمنه شاد با بکند و قویج را نافع باشد صفت آن
 هزار اسفند و حلیه از هر یک سی درم درویش عرق
 فلفل دار فلفل عاقر قرحا اسارون سلیمه قسط غزن
 رنجیل از هر یک دو درم کوفته و بخته بعسل
 بسر شند شربت و دو درم دوا الحلیت تب ریم کرین
 عرق و رتیلا و مانند ایش از نافع باشد و از حبه
 تب در یکجین دهند بعد از آنکه چهل روز گذشته
 باشد و از حبه کرین جانوران زهر دارد شربت
 صفت آن حلیت سداب مر فلفل مساوی کوفته
 و بخته بعسل بسر شند شربت مقدار یک جوز

۱۵۶

دواء المازيوني استقوا اكثر امراض سوداوى و
 بلغمى را نافع باشد صفت آن مازيوني در سرکه
 خيسانند يك شبانه روز در سایه خشك كرده بگيرم
 ريزه كرماني و نمك هندی و پوست هليله زرد از هر
 يك نيم درم اختون و تربد سفيند از هر يك بگيرم
 كوفته و بخته شربتی دو درم بخورند دواء التريد
 حیات بلغمی را نافع باشد صفت آن رنجیل مصطکا
 از هر يك ده درم تربد سفيند پست درم سكر طبرزد
 جمل درم شربتی هر شب يك مثقال دواء الرخيز صنف
 باه را كه سبب آن حارث باشد نافع بود صفت آن
 ترخين سيندسی درم در دوطل شیر تازه
 بجوشانند تا بقوام آید و هر شب دو ملقه بنوشند

دواء الخمل

۱۵۷

دواء الخمل خشك خشك بگویند و پزند و در آب
 خشك تركنند سه شبانه روز در افتاب پیرورند و
 هر روز تازه میکنند چندانكه آب خشك تر سه
 وزن خشك خشك بکار رود پس خشك کنند و سه
 درم از آن باده درم شیر تازه و ده درم نبات
 بنوشند و سرد مزاج قدری رنجیل كوفته و بخته
 اضافه نماید دواء البصل تولید منی كند و غوطه آورد
 و نهایت مقوی باه بود صفت آن آب پیاز
 یکجو و عسل و جودجوشانند تا بقوام آید در وقت
 دو ملقه از آن بنوشند دواء العرس جهت صنف
 معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد
 نافع بود صفت آن هلیله سیاه بروغن کاه و ریانه

کرده ده درم حرف مقلوب چندم ناخواه وصفه فارسی از هر یک
سه درم جنب الحیدر ده درم شربتی دو درم با شراب کهنه
دواء الخطاطیف خنق بلنی و سوداوی را نافع بود
چون بدان غرغره کند یا بر خارج طلا کنند صفت آن
تخم کرفس و انیسون و ناخواه و هزار اسفند و دارچینی و مرو
زراوند طویل و رعن از هر یک ده درم کل سرخ است
درم قسط و رماد الخطاطیف از هر یک سی درم نشاسته
و سبیل از هر یک چندم ماز و سیزده عدد کوفته و
بخت بعسل میزنند و استعمال نمایند در الحامل همین
خاصیت دارد صفت آن هزار اسپند و تخم ترب
و حلثیت و مرو بوره ارمنی و نوشادر مساوی کوفته
و بخت استعمال نمایند دیاقودا منع زلات کند و

مرد

سرفه خشک را بغایت نافع باشد صفت آن خنثا شتر
سعید با پوست است عدد تخم خط کثیر اصنع عربی
تخم خیارین بهدانه شیرین از هر یک چندم اصل السوس
است درم بزر قطونا ده درم مجموع را در شش طل
آب باران خیسانند دو شبانه روز تا نرم شود بر
آتش نرم بزنند تا مہر شود و بنیمه آید بعد از آن
صاف کنند و یکن قند سعید اضافه نمایند و تقویم آورند
صفت آن خنثا شتر سعید و خنثا شتر سیاه از هر یک
ده مثقال تنفش و صمغ عربی از هر یک پنج مثقال
اصل السوس سه درم آب انار شیرین است شیار
قند سعید صد درم شربت سازند چنانکه رسم است
دیگر دیکه اکل و نا صورت و لحم زاید را نافع است صفت آن

دیاقودا بخت کبر و تب

زرنج سرخ و زرنج زرد از هر یک شش درم
 هر یکی ده درم آب ندیده پانزده درم
 زنگار یک درم کوفته و پخته بسر که گشته بشند
 و قرص سازند در وی که موی برویاند و درازند
 کند صفت آن بر بخاسف برک مورد شونیز یا
 کرده مساوی کوفته و پخته بروغن مورد یا
 روغن زیت سرشته استعمال نمایند داروی
 که کند با بر د صفت آن شب یانی در آب حل
 کنند و با پیر ابدان بشویند یا پای را باب برک
 سوسن یا برک مورد بشویند نافع باشد داروی
 که حب الترع و کرم دراز را بکشد و اخراج کند صفت
 آن گنیل خرس ترس حب الیل از هر یک نیم درم

درمته

درمته ترکی دو درم تربد و بزرگ کابلی متش از هر یک
 نیم درم کوفته و بمویز منقی سرشته تناول نمایند داروی
 که چون براتش نهند از دو آن جانوران کزنده گیرند
 صفت آن زفت رومی کو کرد زرد شاخ کوزن باد آورد
 مساری زفت را بکند از نه و داروی کوفته و پخته
 بآن بسر کنند و استعمال نمایند داروی که حبس عرق
 صفت آن برک مورد و ورق کل سرخ صندل بکلا
 بجوشانند و جامه را بدان ترکند و بپوشند داروی
 که نافه است از حته کرم که در گوش باشد صفت
 شراب دو درم عسل سه درم روغن کل یک درم سفید
 تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند و نیم
 پاره بدان ترکند و نیم کوم در گوش نهند و بر آنجا

تنگینند یک ساعت بعد از آن بیکبار آن پشم
را برون کشند گرم برون آید در وی که از جهت
کرنیدن عقب و حیه بالخاصیه نافع باشد ^{آن} صفت
آهک برک توت کوفته بروغن دانه بسرشند
و بر محل زخم نهند یا آهک و زرده تخم مرغ بهم
آمیخته بر زخم نهند درد ساکن گردد و اگر با قلاء
کوفته بدوشاب سرشته بر موضع کزنده
مالند فی الحال درد ساکن شود و اگر کزدم را در روغن
بجو شانند و بپالایند کسی که کزدم بکزد آن آن
روغن بر موضع کزنده کی مالند درد ساکن گردد و اگر
با عسل آن روغن بپا میزند چون کودک از مادر
بزاید از آن نیم درم بکام کودک مالند اگر در هضم

کزدم

کزدم او را بکزد در دنگند و اگر چرک کوشن خمر بر موضع
کزند کی عقب مالند درد ساکن کند و اگر سریش
بسر که ترکند و بالند همین عمل کنند و آن کزدم که کسی
گزیده بود بکیرنه و نمک سوده و روغن جراح گرم کنند
و بر زخم کزدم نهند همین عمل کند و اگر برک تا کبکوبند
و بر موضع درد نهند فی الحال درد ساکن شود و اگر
و اگر مغر جوز و انجیر و سیر کوفته بر زخم مار نهند نافع
باشد در وی آشک زنبق مقول شست شغال خنا
لادن مصطکی سوربخان از هر یک دو درم تربد
سفید بنفشه ^{سرخ} از هر یک سه درم روغن گل ده
شغال روغن رنیت پانزده شغال اب لیمو پنچ
شغال سپر زنی شغال و اگر جراحت دانه باشد توتیا

و سفید آب و مرد اسنگ زهر یک و درم زنگار
 نیم درم اضافه نمایند و بطریق مرهم ترتیب نموده
 بدستور متعارف بآلند و دای که بهوشی آورد صفت
 آن اینون پنجم خشتا شش سیاه ده درم در سه رطل
 آب بجوشانند تا بر طلی آید و نیم رطل کندم پاک
 بجوشانند تا آب تمام نیست شود پس کندم خشک
 کنند و بگویند و یک مثقال از آن کندم هر گاه بدین بخود
 شود دای دیگر که همین عمل کند صفت آن خشتا شر
 سیاه و تخم کاهو از هر یک پنجم برز ابیخ دو مثقال
 بجوشانند و صاف کنند و باقی بقوام آرد مثقال
 از آن مسک باشد و اگر شسته در شراب کشند
 هر که بخورد بخود گردد و اگر خواهند که مت زود شیار

شود سر که گفته با کلاب بدیند یا دفع کاه و بایرف
 سرد کرده بنوشند و در دای که نافعست از جبهه حکه و
 جرب و سعه و انزاق ششی گویند صفت آن پوست
 هلیله زرد شش درم سنا، مکی و شاهره از هر یک
 دو درم افستین یک درم و نیم کوفته و پنجه کشش
 کوفته بسر شده شربتی مقابل بخورد و دای که شهور
 رویه زنان حامله را دفع کند صفت آن مصطکی یک درم
 عود خام نیم درم زیره کرمانی دانکی و نیم کوفته و پنجه
 باده درم کلقتد سرشته بنوشند و دای که نافع است
 از جبهه درد دندان که سبب آن حرارت باشد
 صفت آن اینون نیم دانک در روغن کل حل
 کند و قدری بنیم بدان ترکند و بردندان بنهند

همین عمل کند دوائی که نافست از برای درد دندان
 که سبب آن بودت باشد و آنرا تریاق الاسنان
 خوانند صفت آن چند پدستر حلیقت مرز راوند
 مدرج رنجیل میعه و اینون بزرالبع مساوی کوفته
 و بخته بعسل سبزشند و پنبه را بدان ترکند
 و بردندان نهند دوائی دیگر که همین منفعت دارد
 صفت آن فلفل عاقرقرا مویز رنجیل از هر یک
 یکجز و بوره ارمنی یکجز و نم کوفته و بخته بعسل
 سرشته استعمال نمایند دوائی دیگر درد دندان سوراخ
 دارا نافع باشد صفت آن عاقرقرا با زرده مساوی
 فلفل و عاقرقرا را بگویند و با زرد سبزشند و
 دوائی که سوراخ دندان نهند لثه را محکم کند و گوشت رفته

فلفل

را برویاند صفت آن کندر زراوند مدرج الاخون
 کر سنه پنج سوسن مساوی کوفته و بخته بسنگ
 جن عنصلی سبزشند و استعمال نمایند دوائی دیگر که
 درد دندان را ساکن گرداند صفت آن عاقرقرا
 مویز از هر یک سه درم تخم مروک یکدرم آب
 کشیز تازه بیت شغال شیر کاوده شغال
 جوشانیده حب سازند و بردندان نهند و اگر
 سداب تازه با مویز سیاه بگویند و بردندان نهند
 همین عمل کند **باب الالذال** دزور ملکا
 و ردیخ و ابتداء درم را نافع باشد صفت آن
 از زوت پرورده بشیر خرنشاسته صمغ عربی
 نبات مساوی کوفته و بجزیر بخته استعمال نمایند

ذروراضعرا فست از حننه کمنه السده و درد
 چشم که سبب آن رطوبت باشد صفت آن
 انزوت مربی بچندرم شیانامیشاد و درم
 صبر زعفران تخم کل از هر یک یکدرم اینون چهار
 دانگ کوفته و بخته استعمال کنند ذروراضعرا
 انزوت مربی ده درم صبر زعفران خفص از
 هر یک دو درم مرصاف یکدرم کوفته و بخته استعمال
 نمایند ذروراضعرا که قرصه و مورسج را نافع باشد صفت
 آن سرمه اصغمانی شادنج عدسی مغول صلیا
 کرده ذرورسا زنده ذروری دیگر نوعی که ابتداء
 رمد را نافع باشد صفت آن اقلیمیا و نقره سفید
 صبر سقوی از هر یک دو درم کثیرا بیت درم

ع

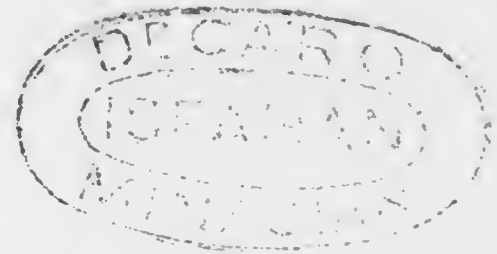
صغ عربی چهل درم کل سینه شست درم نشانه
 سی درم افنون ده درم کوفته و بچرخ بخته
 باب رازیانه پرورده ذرورسا زنده ذرور
 جرب و سبل و دمع را نافع باشد صفت آن مامیر
 جنبی یکدرم توتیای کرمانی پرورده شیخ سوخته
 پرورده توبال مس سوخته مغول و سرمه اصغما
 پرورده از هر یک دو درم کوفته و بخته استعمال
 نمایند ذروروردی مورسج و بثره و قرصه طبعه
 نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز درم
 اقلیمیا و نقره دو درم و دو دانگ افنون و دو
 صغ عربی یکدرم و دو دانگ انزوت یکدرم
 سوخته دو دانگ و دو حبه شادنج مغول چهار دانگ

گفته و بخت استعمال نمایند دروز و زوت قرص را
 پاک سازد صفت آن نشاسته سه درم از زوت
 مربی و اسفیداج رصاص از هر یک دو درم گرفته
 و بخت دروز سازد دروز محصل بپاخذ نافع
 بود چون در قرینه نتوان باشد صفت آن سکن
 خطاف عاقر قرحا از زوت زنکار مسحق و نیا
 اقلیمیا گرفته و بخت بعسل مصفی بسرشد
 و استعمال نمایند دروزی که دمه و جرب و ضعف
 بصر نافع بود و پیرا موافق باشد صفت آن
 توتیای مغسول ده درم پوست هلیله زرد و صبر
 سقوطر دار فلفل رز و چوبه از هر یک بجز درم
 فلفل دو درم گرفته و بخت استعمال نمایند

دروزی

دروزی که نافعت از جبهه در چشم کنند و سرخی
 و آب رفتن صفت آن توتیای مغسول نشاسته
 سفید آب ازیز مساوی گرفته و بجز بخت دروز
 سازند دروز طعمی شفاف مایه سادج هندی
 حاما از هر یک دانکی و نیم سرمه فلفل زنکار از هر یک
 یک درم گرفته و بخت دروز سازند دروزی که
 نافعت از جبهه جرب و سبیل و طغره و اکله حنین
 صفت آن اقلیمیا صمغ عربی از هر یک سه درم و زوت
 فلفل شکر از هر یک دو درم اینون یک درم
 نیم صلایه کرده استعمال نمایند دروزی دیگر که از جبهه
 در چشم اطفال نافع باشد صفت آن از زوت
 مربی جسمک از هر یک ده درم مایه ان دم الاخوین

۱۲۲



از هر یک دو درم کوفته و بخت استعمال نمایند در روز سیل
 توتیای مغول و شغال یا میران جنبی دو درم ربه البحر
 حضض یکی صبر سقوطی دار فلفل پوست هلیله زرد
 از هر یک یک درم انزروت مربی چهار شغال صنع عربی
 یک شغال کوفته و بخت دروز سازند دروز بپا صابون
 هندی شش درم مس سوخته سرمه صفایابی تو بال
 مس سوخته از هر یک سه درم شادنج عدسی مغول
 مرصاف از هر یک یک درم صدف سوخته یا میران
 جنبی از هر یک دو درم صلیب کرده استعمال نمایند در روز کافوری
 نافع است از همت حرارت چشم و ریه صفت آن صدف
 سوخته و مردارید تا سفته از هر یک دو درم نشانه
 یک درم کافور دانکی صلیب کرده دروز سازند دروز رابعه

کوشه

63

۱۲۳

گوشت برویان و خون رفتن از جراحت باز دارد و
 رعاف را نافع باشد صفت آن انزروت مرکندر دم ^{الاخون}
 مساوی کوفته و بخت استعمال نمایند در روزی دیگر که
 همین خاصیت دارد صفت آن انزروت دم ^{الاخون}
 مرکندر کل ارمنی از هر یک نیم درم عدس مقشر یک درم کوفته
 و بخت دروز سازند دروزی دیگر که همین خاصیت ^{دارد}
 مکرر است انزروت دم ^{الاخون} که گوشت فاسد
 شده را بخورد و سرجاحت ببندد و سخت کند
 و در وقت به شدن و در اول سرجاحت بکشد
 و تری بر چند و گوشت برویان صفت آن انزروت
 دم ^{الاخون} دو درم کل مخنوم مرداسنگ مرکندر
 از هر یک یک درم و نیم کل ارمنی شفاف یا مینا از

۱۷۷

هر یک یک درم و نیم جبر ستور زر راوند مدح از هر یک
 دو درم کوفته و بخت استمال نمایند در وی که
 نافست از جهت خروج مقود و تورم و مقود
 سنیاب از ریز کلنار شب یانی مازو کوفته و بخت
 را بر روغن کل چوب کشند و بر آن افشانند در وی دیگر
 که استرخاء مقود را نافع باشد صفت آن جفت
 بلوط مازو قشار کند رشیخ سوخته کلنار شاخ کوزن
 محرق مرد اسنک صدف سوخته اقلیمیا مساوی
 صلیبه کرده در ورسازند در وی دیگر که همین خاصیت
 دارد صفت آن جفت بلوط کلنار جوزالت و کاغذ
 سوخته از هر یک سه درم کوفته و بخت بر مقود
 در وی که سوختگی آتش و روغن گرم و مانند انرا نافع

بسته

64

۱۷۵

باشد صفت آن مرد اسنک و آبک و خا از هر یک قدر
 بگویند و جای سوختگی را بر روغن کل چوب کشند و این
 بر آنجا افشانند در سه روز خوش شود **باب**
ال در روغن قسط فایح و لقوه و معده و جگر سرد را سود
 و سیاهی موی را نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد
 صفت آن قسط ده درم فلفل فرنیون از هر یک سه درم
 عاقر قرحا چهار درم روغن زیت پنجاه درم قسط و فلفل
 و عاقر قرحا نیم کوفته در شراب خیسانند یک شب
 و صبح شراب را بجوشانند تا به نیمه آید بعد از آن روغن
 و چند چند ستر و فرنیون کوفته و بخت در آنجا
 ریزند در زمانی که از آتش دوز گرفته باشند روغن
 قسط بنسخه دیگر در و جگر و معده سرد و مناسصل و **تخار**

نافع باشد صفت آن قصب الذیروز سبیل ساذج
 بندی میوه سالکه پنج سوسن قرقه اشنة قسط از هر یک
 پست درم راسن خشک سیلخه عود بلسان از هر یک
 ده درم مرصاف و قرقه از هر یک پنج درم مجموع نیم
 کوفته در سه من آب بپزند تا بیک من آید و با
 نیم من روغن کنجد بچوشانند تا آب برود و روغن
 بماند روغن قصبونی دیگر هر دی جگر و معده را نافع باشد
 و چون بهاشامند و چون بر محلی که موی رفته باشند
 بالند موی برویاند و اعصاب را محکم کند صفت آن
 قسط تلخ صد درم غما جوز چهل درم سیلخه شش درم
 مجموع نیم کوفته کنند و در شراب خیسانند یک
 شب از روز دیگر بچوشانند و بیالایند و سه چهار یک

ادعنی

روغن زیت یاروغن کنجد بر رویش ریزند و بچوشانند
 تا روغن بماند روغن قسط بنفشه دیگر امراض یارده را
 نافع باشد و محلل ریاچ و مواد غلیظ و مقوی عصاره
 صفت آن قرقه از سیلخه از هر یک ده درم قصب الذیروز
 و سبیل ساذج قرقه اشنة چند پست قسط از هر یک
 پست درم پنج بنفشه سی درم سرباد پنج درم و نیم
 کوفته در آب بچوشانند تا ماهر شود بعد از آن
 صاف کرده دو من روغن کنجد اضافه نمایند
 و چندان بچوشانند که آب برود و روغن بماند
 روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفت آن
 شونیز پست درم مغربادام تلخ سی درم بکوبند
 و روغن از آن بکشند روغن فستق معده و جگر

و جميع اعضا قوت دهد صفت آن روغن نیت
 باروغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن زردالو
 تلخ نیم من افستین رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه
 کنند و چهل روز در آفتاب بپاویزند روغن فریون
 همه در دما را که از سردی بود زایل کند و فالج و استخارا
 سود دارد صفت آن قطعه درم عاقر قرحا هفت
 درم میونج سه درم جله نیکو کف کنند و در چهار صد
 درم شراب کهنه بپزند تا سه بخشش برود و یک بخش
 بماند و نصف از روغن حیری با آن بپا میزند
 و بپزند تا شراب برود و روغن بماند پس در
 هر ده درم روغن دو درم فریون تازه اندازند
 و یک جوش بپزند و بردارند روغن سوسن

برودت و احتناق رحم را سود دارد و کرده و مثانه را گرم
 گرداند صفت آن سیلنج حب لبسان قسط از هر یک ده درم
 قرقه و قنطاری مصطکی از هر یک پنج درم کل سوسن سی عدد
 زعفران ده درم زردی از سوسن بردارند و یک رطل
 و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و دارو را کوفته بر روی
 کنند و زردیک آفتاب بنهند در سایه و چهل روز بگذرانند
 پس بیرون آورند و نگاه دارند روغن بید الخیر ساده مهمل
 بلغم بود و اعصاب از رطوبات پاک کند صفت آن
 بید الخیر بریان کرده نرم بگویند و بجوشانند و کف بگیرند
 و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند و آب زرد بماند
 آب بریزند و آن کفها بجوشانند که تمام باروغن جدا
 میشود روغن بید الخیر مرکب فالج و لقوه و سده جگر و سوزا

نافع بود و قوی بکشد صفت آن ناخواه صغر فودنه
 گوی تخم کرفس اینون مصطک و اسارون از هر یک
 پست درم پنج کرفس پنج بادیان پنج سوسن راسن
 خشک از هر یک ده درم شیطج و متل از هر یک پنج
 درم سکنج جاوشیر زرباد در و پنج عقری از هر یک درم
 زنجبیل در چنی قاقله خیر و اکبابه دار فلفل جوز و اسبیا
 شونیز قسط کروی از هر یک چهار درم مجموع نیکو فته نجیانه
 در آب کشیده روزی بچوشانده تا نرم شود و بیالایند
 و صد و پنجاه درم روغن پیدانجیر ساده بر روی آن
 و بچوشانده تا آب برود و روغن بماند شربت دو
 درم تا سه درم با ماء الاصول روغن ترب مانده روغن
 زیت بود و کرمتر از روغن پیدانجیر باشد در درگوش

نافع

نافع باشد و باد که در گوش بود دفع کند صفت آن
 آب ترب سه جزو بکیرند و روغن کنجد یک جزو بچوشانند
 تا آب برود و روغن بماند روغن خشک عمر البول
 را عظیم نافع بود و روغن کدو بوسیدن و مالیدن آن
 سرسام و مالینجولیا را نافع باشد صفت آن کدوی تازه
 بستانند و پوست آن بخرانند و با تخم و شحم بکوبند
 و آب آن بکیرند چهار من و یکم روغن کنجد بر روی
 ریزند پس بچوشانند تا آب برود و روغن بماند
 اما بهتر آنست که از مغز دانه کدوی خشک بکیرند مانند
 روغن بادام روغن کاج و در درانور نافع باشد
 صفت آن آب ریجان دو جزو و روغن کنجد یک جزو
 بچوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن لاله

معه سرد گرم کند صفت آن بر کلاه از نبات آن
 جدا کنند و در شیشه کنند و روغن زیت بر رویش
 ریزند و یکماه در آفتاب بپاویزند و غنی که درد گوش
 که از گرمی باشد زایل کند صفت آن روغن کله ده ام
 بادام شیرین بچندرم سرکه گنده سی درم بایکدیگر مزوج
 سازند و بچوشانند تا سرکه برود و روغن بماند
 و در گوش چکانند و روغن کند درد گوش که از سردی
 زایل کند صفت آن کندر بچندرم صبر و مصطکی چند
 بدست حصص نه بهر کاوا از هر یک یکدرم روغن بادام
 تلخ ببت درم شراب گنده چهل درم ادویه کوفته
 با شراب و روغن بچوشانند تا روغن بماند و بپالایند
 و در گوش چکانند و روغن مصطکی معه را قوت دهد

صفت

صفت آن روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند
 و ده درم مصطکی بر رویش ریزند و دیکی راتا نیمه
 آکینند و آن شیشه را در میان آن دیک آویزند
 و آتش کنند تا آب بجوشد چندانکه مصطکی گداخته
 شود و روغن مورد موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد
 برویاند صفت آن بکیرنه آب مورد سه جزو روغن
 زیت یکجزو و بایکدیگر بچوشانند تا نزدیک آنکه آب
 برود و روغن بماند قدری لادن در آن اندازند تا
 بکند از دو جزو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند
 آن پوست هلیله کابلج یا زوبرک مورد از هر یک یکجزو
 در شراب ریجانی بچینانند یک شبانه روز پس بپزند
 و بپالایند و یکجزو روغن کچندر آن ریزند و در هر صندرم

روغن ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بنیدارند
تا بگذارد و فرو گیرند و شب مویرا بدان چوب کشند و صبح
در حمام بشویند روغن دیگر که مویرا سیاه و دراز کند و
از افتادن نگاه دارد صفت آن سادج هندی حاماض
ملی لادن آمله از هر یک پنجم گرفت در سه رطل آب
بپزند تا بر طلی آید و یک رطل کچد بر آن ریزند و بجوشانند
تا که آب برود و روغن بماند و هر روز سر تا بجهنم
میشویند و این روغن میماند روغن دیگر که مویرا سیاه
کند و تا شش ماه سیاهی آن بماند صفت آن بتانه
جوز هندی و سرکه زنا بر گیرند و مغز آن بیرون کنند
و هژده درم از آن مغز باده درم آمله و ده درم براده
آهن و نیم درم بوره ارمنی در هم بسایند و در میان

آن

آن جوز کنند و سر آن بنجیر محکم کنند و تمام آن جوز را
در کل حکمت گیرند و در میان آتش بیرون آورند
روغن که از آن زاینده شود در موی مانده که مقصود
حاصل شود روغن خامویرا سیاه کند و عرق النساء
و اوجاع مفصل را نافع باشد صفت آن برک حنا
یک چهار یک در دو من آب بجوشانند تا بیکن آید
و بیالایند و بایمن روغن کچد بجوشانند تا روغن
بماند روغن آمله مویرا سیاه کند و قوی گرداند صفت آن
آمله متشر برک مورد پوست پنج صنوبر مساوی گرفته
در آب بپزند تا مهران شود و صاف کنند و بپزند
روغن کچد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند
روغن بجنه دو هفته بر هر موضع که مانده موی برویاند

۱۶۶

صفت آن بیکرند یک خوزه و سوراخ کنند و دانه لزان
 بیرون کنند و سی عدد زرده تخم مرغ در اندرون آن
 خوزه بریزند با پنج سیر روغن زیت و برک مورد
 کوفته و براده آهن صلایه کرده از هر یک ده گرم
 سوراخ خوزه را محکم کنند و در کل حکمت گیرند و یک
 شب در تنور نهند روز دیگر بیرون آورند و کل از لزان
 جدا کنند و این خوزه را با روغن زیت بآلند تا نرم
 شود و نگاه دارند روغنی که سهر با فراط آورد چون
 بر بینی مالند صفت آن نوشادرنگ نفعی تخم
 سبندان تخم جرجر فلفل سیاه زنجبیل کاکج
 مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند
 تا مدها شود پس صاف کنند و با همجذان آب

بودن.

۱۶۷

بر روغن بیدالنجبر بجوشانند چندانکه آب برود و روغن
 بماند و روغن باز بر استقارا نافع باشد صفت آن
 برک مازیون یک چهار یک در سه من آب بجوشانند
 تا بنیمه آید و سه اوقیه روغن بادام در آن افکنند
 و بجوشانند تا روغن بماند شربت یک گرم با شیر شتر
 اعرابی روغن بنفشه بادام سرد و تر بود و جرب مالیدن
 نافع بود و صلابه معاصر را نرم گرداند و در زناخن
 مالیدن صحت آنرا نگاه دارد و دفع پنجابی کند صفت آن
 مغز بادام شیرین که تلخ در میان نباشد سفید کنند
 و بدو نیمه کنند و خنک گردانند و هر دو من بادام بکین
 بدمشک بریزند و در خریطه گریاس بود و در میان بد
 را کنند بعد از آن بد از وجه اسازند و بنفشه

تازه برویش میریزند و چند روز در زیر جامه خواب کنند
تا نیک بوی بنفشه بگیرد و بعد از آن معلق در آویزند
تا نیک خشک شود و بنفشه از آن جدا کنند و روغن
از آن بکشند چنانکه رست روغن کل با دام معتدل
بود در حرارت و برودت دماغ را نافع بود و فهم میزاید
و اسهال مراری باز دارد و درد سر را که از گرمی بود
سود دارد و چون در آب سرکه بریزند صاحب جرب
و حکه باله نیک شود صفت آن چون بنفشه باد است
که بجای بنفشه ورق کل سرخ کنند هر ده خمر با دام را
دو من ورق کل کنند روغن کل سرخ و سببند و شقایق
و زنبق و یاسمین و زکرم سداب و شبت با بونه
و هر چه تازه باشد دستور آنست که در شیشه کنند

و در آفتاب آویزند یک روز و دیگر روغن برویش
ریزند و در آفتاب آویزند تا چهل روز در آفتاب
بگذارند روغن آجر که آنرا دهن المبارک خوانند
خواص بسیار دارد و کر متر از نفط سعید بود و لطیفتر
امراض بارده را بغایت سودمند بود و جهت کزیدن
عقرب و کسی که ایفون و پزر البیج خورده باشد نافع
بود صفت آن آجر سرخ آب ندیده ریزه بقدر بادام کنند
و در آتش اندازند تا سرخ شود با بنبر گیرند و در روغن
زنیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خورد کنند
و در شیشه که بکل حکمت گرفته باشد کنند و سرخ بوی
اسب بگیرند و بکلکی نهند که سوراخ در ته آن باشد
و بر خم کنند و آتش در آن اندازند و جبری در زیر شیشه

۱۴۰

نهند و روغن که بچکد نگاه دارند روغن سورخان مثال
 را نافع بود صفت آن سورخان مصری و آب گرس
 تازه از هر یک ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال
 سورخان و قصب الذریره نیم کوفته بچینانند
 یک شب از روز روز دیگر بچوشانند تا ماهر شود و بیالایند
 و آب گرس اضافه نمایند و بایک چهار یک روغن
 زیت بچوشانند تا آب برود و روغن بماند و روغن ^{تا توره}
 جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد چون کف پارا
 بدان چرب کنند صفت آن تا توره هندی از پوست
 پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن دراز
 کنند و سر شیشه ابوی اسب محکم سازند و شیشه را
 بکل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد

زیت

۱۴۱

ترتیب نمایند و پنج کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را
 از آن سوراخ بیرون آورند و در زیر سر شیشه بیالایند
 بنهند و کاسه را بر بالای سه پایه نهند و آتش از بالا
 شیشه کنند در اندرون کاسه و روغن که از آن بچکد
 نگاه دارند روغن عقرب سنک مثانه را باره باره
 کنند و بیرون آورد صفت آن ریوند چنی سعد است
 جنطیانا پوست پنج کبر از هر یک یک قویه روغن بادام تلخ
 یک طلن اردو کوفته در شیشه کنند و روغن بر سر آن
 ریزند و یک هفته در آفتاب بنهند بعد از آن بیالایند
 و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه را
 بنهند و یک هفته دیگر در آفتاب بگذارند پس
 بیالایند و دو قطره از آن در احویل بچکانند و روغن ^{بنارین}

۱۷۲

منقول از قانون اوجاج بارده احشا و قلیج و معض
ریخی نافع باشد و بادای غلیظ را دفع کند و درد گوش
ساکن گرداند و چون در بینی چکانند صداع و شقیقه
بارده را سود دهد و زنگ را خوب گرداند و رحم را
کرم گرداند و چون در احوال چکانند امراض مثانه
را نافع باشد و این روغن اشرف روغنهایست
و منافع این بسیار است صفت آن قصب
الذریه سعد ورق الغار عود بلسان لک ساج
هندی برگ مورد اخرا بهل اسن قد و مانا مزج
مساوی نمیکونند در شراب و آب خیسانند یک
شبان روز روز دیگر صاف کنند و باروغن کینج
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن بارده

نسخه دیگر

73

۱۷۳

نسخه دیگر اورام صلبه معده را نافع باشد صفت آن
روغن بان یکرطل سنبل نیم و قیه مصطکی قسط
سعداذ فر قصب الذریه از هر یک یکدرم و نیم کوفته
در شیشه کنند و سرش محکم سازند و یکمفت در
آفتاب بگذارند بعد از آن صاف کنند و ادویه را
دیگر باره در آن ریزند و همچنین تا سه نوبت بعد از آن
صاف کرده استعمال نمایند و اما العقارب سنگ کرده
و مثانه را بریزند صفت آن بکیرند عقرب را و در
شیشه محکم کنند و در کل حکمت گیرند و در تنور
کرم نهند شش ساعت پس بیرون آورند و
کوفته و بخت یکدانه استعمال نمایند باب
الزاور عونی بخت و کرده را محکم کنند و معده

۱۴۷

قوت دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند
 و آب از دهن رفتن باز دارد و باد را بشکند
 و ریک از مثانه پاک کند و منی بیغزاید صنت آن
 تخم کرفس تخم کدو تخم شلغم شب ناختواه رازیانه مغز تخم
 مغز تخم خربزه تخم بادرنک پنج کرفس مغز حب التعلل
 مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز جلعوز از هر یک
 پنج مثقال بسیار سه قرنفل فلفویه عاقر قرحا کبابه زنجبیل
 تخم آبست تخم جرجیر تخم بیاز حب الرشاد انجبه تخم
 کندنا خولجان جوز بوا کل حرفه دار فلفل از هر یک سه
 درم حرفه زعفران کندرا از هر یک چهار درم تخم
 الیون بوزیران بهمن سرخ بهمن سینه شتاقل
 لسان العصافیر از هر یک پنجم درم بصل القار بریان
 کرده حصیه الثعلب قضیب کاو سوده مغز کله کجشک
 زرخشک مربی کشن فرما از هر یک ده مثقال غیرا

سازد

74

۱۴۵

سازد و در امر مجامعت عظیم نافع باشد صنت آن
 تخم کرفس تخم کدو تخم شلغم شب ناختواه رازیانه مغز تخم
 خربزه مغز تخم بادرنک پنج کرفس مغز حب التعلل
 مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز جلعوز از هر یک
 پنج مثقال بسیار سه قرنفل فلفویه عاقر قرحا کبابه زنجبیل
 تخم آبست تخم جرجیر تخم بیاز حب الرشاد انجبه تخم
 کندنا خولجان جوز بوا کل حرفه دار فلفل از هر یک سه
 درم حرفه زعفران کندرا از هر یک چهار درم تخم
 الیون بوزیران بهمن سرخ بهمن سینه شتاقل
 لسان العصافیر از هر یک پنجم درم بصل القار بریان
 کرده حصیه الثعلب قضیب کاو سوده مغز کله کجشک
 زرخشک مربی کشن فرما از هر یک ده مثقال غیرا

۱۷۶

دو شقال مشک خالص نیم شقال قند بوزن اود و عسل
 بوزن مجموع بطریق معهود همچون سازند کرم فراج
 دو شقال بنوشند و از عقب آن ده درم شیر تازه
 و ده درم شکر در آن حل کرده بپاشند و سرد فراج
 بچندرم فرود برد و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بپاشند
باب السبین سنجلی مهمل
 معده را قوت دهد و اشتها و طعام آورد و قولنج بکشد
 صفت آن به اصفهانی را از پوست و دانه پاک کنند
 نیم من و در سرکه یا شراب بچوشانند تا مملو شود
 و از غرابال بیرون کنند و یکم عسل صاف بر سر آن
 ریزند و بچوشانند تا بتوان آید و این دارو را کوفته و بخته
 بان بسرشد و بخیل و ارغفل قاقه کبار و صغار و اچنی

اغزان

75

۱۷۷

زغوان از هر یک سه درم مصطکی بچندرم تربه سعید
 سی درم سقمونیا ده درم شبرقی از پنج شقال تا بهشت ^{مشقال}
 آب کرم جهت قولنج نافع باشد سنجلی تا بهشت صاحب
 مزاج کرم را موافق باشد و در فصل گرما توان داد این
 جهت محمد زکریا این را سنجلی تا بهشتانی نام نهاده
 صفت آن سقمونیا دو درم و نیم تربه سعید دو درم
 مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک بچندرم ورق کل سنج
 و طباشیر از هر یک دو درم و نیم تربجین و عصارة
 به از هر یک پنجاه درم آب به و تربجین بچوشانند
 چند آنکه تربجین کدوخته شود و بقوام آید پس دارو را
 کوفته و بخته بان بسرشد و این جمله ده شربت
 سنجلی مهمل که بنهند و معده را قوت دهد و دفع قی

۱۷۹

ولون را نیکو گردانند و اشتمای طعام آورد صنت آن
 به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نم من در سرکه
 بجوشانند تا مملو شود بعد از آن بگویند و نم من غسل
 بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و این
 دارو را کوفته و بچته بآن بسرشته و رخیل دار
 فلن فلن از هر یک چهار درم تخم کرفس یا نخود عریان
 از هر یک دو درم شربتی چهار مثقال سحر نیا باد یا غلیظ
 را دفع کند و در دندان و قویج و عسر البول بلغمی را سود دارد
 و سده جگر کشاید و صلابت آنرا تحلیل کند و بعد
 کرم گرداند و تخمه را نافع بود و سرد مزاج را موافق باشد
 صنت آن چند پدید است در جنبی افیون اسارون
 فوماد و قواز هر یک یک درم یک درم فلن یا زرد قسط از

هر یک

76

۱۷۹

هر یک شش درم زعفران نیم درم بارز درادر غسل
 بگردانند و دارو را کوفته و بچته بآن بسرشته و بعد
 شش ماه استعمال کنند شربتی یک مثقال تا دو درم باب کرم
 سکنجبین ساد که صغارا دفع کند و محذور مزاج را موافق
 باشد و بتهای حاده و جگر کرم را نافع بود و تشنگی را
 بنشانند و سده بکشاید و بول براند صنت آن قند
 سید بکین در دیک کند و یک چهار یک سرکه صاف
 بر روی آن ریزند و بجوشانند و بقوام آرند و یکوبیه
 کلاب بر سر آن کنند و فرو گیرند سکنجبین بزوری
 سده جگر کشاید و بول براند و استسقا و بتهای حاده
 را نافع بود و تشنگی بنشانند صنت آن پوست پنج کاشنه
 هفت درم سه تخم از هر یک پنج درم نیم کوفته در آب و

و یک چهار یک سرکه خیسانند یک شبانه روز و روز دیگر
 بایکین قند بقوام آورند و فرو گیرند سکنجین بزور حال
 سده جگر و معده بکشاید و بول براند و فضول
 از معده پاک کند و مستقی را نافع باشد صفت آن
 تخم کاشنه نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس رازیانه
 اینون از هر یک بجز درم پوسند و رقیق بارزد
 پوست خج کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه
 خیسانند چنانکه ذکر رفت و یکین قند اضافه کنند
 و بقوام آورند سکنجین ریونده بودی دیگر در جگر آید
 دارد و سده بکشاید و طبع را نرم کند صفت آن
 ریونده چنی سی درم تربه سعیده و بسفاج فستقی
 تخم کاشنه نیم کوفته از هر یک ببت درم غاریون

بانی

مغز بل بجز درم مجموع را در دو من آب بپزند و سه درم
 و دو دانگ زنجبیل کوفته اضافه نمایند و صاف کنند
 و بایک چهار یک سرکه و یکین و نیم قند چنانکه ذکر رفت
 بخوشانند و بقوام آورند سکنجین بزور معتدل سده
 سبز و جگر بکشاید و بول براند و تنهای مرکب را نافع
 باشد صفت آن تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک
 سه درم سه تخم از هر یک بجز درم پوست خج کاشنه پوست
 خج رازیانه از هر یک صفت درم مجموع نیم کوفته در
 رطل آب و پوست درم سرکه خیسانند یک شبانه روز
 و روز دیگر بخوشانند و بایک قند بقوام آورند سکنجین
 پی را بتنهای محرقه و جگر و معده کرم را سود دارد
 و تشنه بنشانند صفت آن آب انار شیرین و آب انار

از هر یک نیم من بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک
و سرکه صافی یک چهار یک قند یکمن اضافه کنند و بجوشانند
تا بقوام آید سکنجبین سفید معده و جگر را قوت دهد
و اشتهای طعام آورد و سده جگر بکشد و ناتهار
معیند بود و طعام را بهضم کند صفت آن آب صاف
کرده یکم با یک چهار یک سرکه و یکمن قند بقوام آورند
و اگر بجای سرکه آب لیمو کنند صواب باشد سکنجبین
به لیموی که همین خاصیت دارد صفت آن آب
به پنجاه مثقال سرکه صاف و کلاب و آب لیمو از هر یک
سی مثقال قند سفید یکمن بجوشانند و بقوام آورند
سکنجبین دیگر که صلابت سبزه را نافع باشد صفت آن
ریوند چنی غاریتون فوه پوت پنج کبر پوت پنج درخت

پد کزمازج انیتون غافت تخم کشوت تخم کاشنه از هر یک
دو درم در یک چهار یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند
و با یکم قند بقوام آورند سکنجبین دیگر که حرارت خمار و
بنشانند و اسهال صفرا را باز دارد و کسی را که آبله بر آید
باشد نافع بود صفت آن سرکه گنده و کلاب از هر یک یک چهار یک
بجوشانند و بهالایند و با یکم قند سفید بقوام آورند سکنجبین
افیتونی مالچولیا و اصحاب خوش و صرع را نافع باشد
صفت آن افیتون ده درم بنفاج فستق ترب سفید
از هر یک شش درم کاو زبان برسیا و شان تخم کاشنه
ایر سا تخم کشوت پوت پنج کاشنه از هر یک پنج درم
حاشا ورق کل سرخ کافیتوس از هر یک چهار درم
تخم بادروج فرنجشک بادرنجبویه زرنباد درونج عتوبی

بهمن سعید ساج هندی قاقله سنبل از هر یک
 سه درم کلقتز آفتابی بوزن ادویه در سرکه آب
 خیسانند یک شبانه روز و بچوشانند و بایکمز قند بقوام
 آورند سکنجین افیتونی نوعی دیگر اسطوخودوس رازیانه
 تخم شاهتره از هر یک ده درم و نیم کوفته در سبزه دم
 سرکه خیسانند و بایکمز قند بقوام آورند سکنجین خفه
 استسقا و صلابه طحال و ورم صلب جگر را نافع بود
 و جگر را نافع بود و سده را بکشایه صفت آن
 رازیانه پوست پنج کبر تخم کاشته اینون پوست
 پنج کاشته خشک زوفا فوه غافت افیتین از هر یک
 ده درم تخم کنوژ تخم کرفس پوست پنج کرفس
 جعه سنبل اسارون از هر یک هفت درم در صندل

سرکه

سرکه خیسانند و بایکمز قند بقوام آورند سکنجین غصلی
 ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع بود صفت آن
 سرکه غصلی یک چهار یک عسل مصفی یکمز بچوشانند تا
 بقوام آید سکنجین غصلی بنجه دیگر استسقا و در دهلو
 که از سردی باشد و سرفه گنده بلغمی فالج و لقوه و سرام
 بلغمی و ضیق النفس را نافع باشد و سده جگر و سبز
 بکشاید و بچه مرده بیندازد صفت آن سرکه غصلی
 یکمز رنجیل رازیانه اینون حلیت عاقر قرحا بودند
 دشت از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی
 قردمانا از هر یک پنج درم ادویه را نیم کوفته کنند
 و در سرکه غصلی و یک چهار یک عسل صاف خیسانند
 و یکمته در آفتاب نهند بعد از آن ببالایند

و نگاه دارند و پیش از طعام سی درم استعمال نمایند سرکه
 پنج دندان سخت کند و بوی دهن خوش کند صفت آن
 بکیرند باز عنصل و بکار و چون پاک کنند و در ریمانی
 کشند چنانکه بیکدیگر خجسند و چهل روز در سایه نگاه دارند
 تا خشک شود بعد از آن در ظرفی کنند و هر یکین بازارا
 نه من سرکه کنند داخل نمایند و دو ماه در افتاب بمانند
 و بکار دارند که معین بود سفوف طباشیر دل کرم را بود
 دارد صفت آن کل سرخ و طباشیر از هر یک سه درم
 کشیز خشک دو درم است جو زمره و اریه با سفوف
 که با از هر یک نیم درم کافور و انکی شربتی دو درم با
 سکنجبین سفوف جلی سفوف دوج خفکان سرد را سود
 دارد صفت آن دروچ عقری لسان الثور از هر یک

شربتی

شش درم زرنبا دو درم کوفته و بخته شربتی
 یکشقال با یک چهار یک شرب کهن با ماء العسل ^{قائده} سفوف
 معده سرد و تر را سود دارد صفت آن قرنفل و کبابه از هر یک
 پنج درم سبیل و مصطکی از هر یک سه درم عود خام
 سبت درم شکر طرز دوزن همه شربتی یکشقال با ماء
 درم کلقتد سفوف خار شنوات طین و شنوات ^{رویه}
 زنان حامله را نافع باشد صفت آن قاقله خیر و اکبابه ^{مسکو}
 شکر بوزن همه شربتی دو درم آب کرم سفوف کرب
 تخم کاسخ کرب زرشک منقعی عدس متشر ساق کل سرخ
 طباشیر مساوی کوفته و بخته شربتی سه درم با یک
 طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند که دفع عرت
 می کند صفت آن تخم کرب مغز بادام شیرین و مغز بادام

سبیل

تلخ فودنه از هر یک سه درم ناخواه نمک و سداب و زیره
 از هر یک یک درم کوفته و بجنه در آب نارجل کرده باز
 خورده شربتی سه درم سفوف اینون بادمای معده را
 دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن
 ناخواه تخم کرنس از هر یک بخدرم کند چهار درم ققاع
 اذخر و قسط و مصطک از هر یک سه درم سفندان سفید
 سی درم کوفته و بجنه با فانیند بپوشند شربتی بخدرم
 سفوف جوز بوا اسهال بلغمی را باز دارد صفت آن جوز
 برانیکرده سه درم ناخواه یک درم کندر نیم درم کوفته
 باب کرم بنوشند سفوف مقلیاتا بوا سیر و مغص و
 اسهال کهنه و ترخ و ضعف معده را نافع باشد صفت آن
 تخم تره تبرک پست درم زیره کرمانی در سرکه خیسایند

درم

دخشک کرده و بریان کرده پنج شقال بزرگتان و تخم
 کند ناد هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از هر یک
 دو شقال مصطک یک شقال مجموع کوفته سوی تخم تره تبرک
 شربتی دو درم باب سرد سفوفی دیگر که سلس البول
 نافست صفت آن بلوط پنجاه درم کندرسی درم
 کشتیه خشک بریان کرده کل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو
 درم کلنار و کرنازج از هر یک بخدرم شربتی سه درم
 باب خالص سفوفی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
 کندر سعد و بلخان زیره کرمانی شاه بلوط حب الاس
 مساوی کوفته و بجنه بنوشند سفوف نمک معده
 و جگر و اوجاع مفاصل و هر مرضی را که سبب آن
 امثلا باشد نافع بود صفت آن نمک طعام سی درم

قلفل سفید پت درم زنجبیل پانزده درم انسول هفت
 درم کوفته و بخته شبرقی سه درم بآب گرم سفوف
 هلیله ورم جگر رانافع باشد صفت آن هلیله سیاه پرست
 هلیله گایا از هر یک چهل درم تخم کرفس سیون و رازیانه
 از هر یک بجز درم کوفته و بخته شبرقی سه درم با شیر
 شتر سفوف یک ورم جگر اسود دارد و بول بر آن صفت آن
 تخم خربزه و تخم خیارین از هر یک بجز درم تخم کاسنی و تخم
 کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس سیون رازیانه
 رب السوس از هر یک دو درم عصاره زرشک چهار درم
 ریوند حبس یک شغالک مغول چهار دانگ زعفران سیل
 و مصطکی و افستین از هر یک یک درم کافور و دانگ
 شبرقی سه درم سفوف فریبی نخود سفید پنجاه درم در سرکه

دفتاری

و قدری آب خیساند یک شبانه روز و خشک کنند و برنج
 شسته خشک کرده و نان میوه خشک کرده از هر یک
 سی درم خشک ساس سفید سی درم شکر طبرزدینم من مجموع
 کوفته در یکدیگر فروج سازند و هر صبح سی درم با شیر
 تازه بیا شامند سفوف آن از حبه زحیر مجربست صفت آن
 تخم تره تیزک بریان کرده بر رقطونا بریان کرده ابل
 بریان کرده از هر یک دو درم و نیم افون سه درم و انگی
 کوفته و بخته دو درم از آن سفوف سازند و سفوف
 که نفث الدم رانافع باشد صفت آن طباشیر کل سرخ
 کل ارشی کل مخوم شادنج عدسی مغول تخم خرفه از هر یک
 پنجم درم بسد کبریا مروارید ناسفته خشک ساس سفید
 رب السوس اقا قیا عصاره الحیه التیس از هر یک

از هر یک سه درم بزر قطونا بپست درم افیون دو درم مجموع
 کوفته و پنجه سوی بزر قطونا سفوف سازند شربت دوم
 باب باران یا باب برک خرفه و اگر حرارت قوی نباشد
 سه درم کند را اضافه این دارو نمایند سفوف حب الی
 ضعف معده و امعاء و اسهال مزاجی را نافع بود صفت آن
 انار دانه بریان کرده ده درم بلوط ساق زنده کرمانی مدبر
 حب الاس سجد کشیز خشک بریان کرده خروب بنطی آرد
 کنار از هر یک پنج درم عود خام نیم درم آمله یکمقال کوفته
 و پنجه باریب به استعمال نمایند شربت سوم درم سفوف
 الطین و انرا سفوف النسا نیز گویند اسهال مزاجی و مدح
 نافع باشد صفت آن بزر قطونا تخم ریاحین تخم مرو نشسته
 مساوی کوفته بغیر از تخم اول در یکدیگر با میزند شربت

درم

سه درم روغن کل بادام جو کشته و کلاب تر کرده فرو برد
 سفوف این مایه حبه ترخ و وجع امعاء و سحر نافع باشد
 صفت آن تخم خطمی معشره و تخم خبازی معشره از هر یک پنج درم
 نشسته بریان کرده سه درم صمغ عربی و کل ارمنی از هر یک
 دو درم کوفته و پنجه شربت سوم درم صبح و سه درم مسا
 بابی که طباشیر و کل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده
 باشد نافع بود سفوف زرشک شکم ببندد و ضعف معده
 نافع باشد صفت آن ساق ناخود زنجبیل انار دانه
 بریان کرده زرشک منقوع آرد کنار از هر یک دو درم نبات
 تخم بپست درم کوفته و پنجه شربت یکمقال
 سفوف ساق زرشک نشسته و اسهال معده را نافع باشد
 صفت آن ساق ده درم حب الاس و انار دانه بریان کرده

اروا

از هر یک پنجم صمغ عربی کلنا از هر یک دو درم کوفته و بخته
 شربتی یکمقال سفوف سورجان نوس و معاصر و عرق
 النصارا نافع باشد صفت آن سورجان مصری ده درم
 سنابلی هفت درم پوست هلیله زرد و مغز بادام متشر
 از هر یک سه درم زعفران نیم درم ستمونیا یک درم قند سینه
 سی درم و اگر ماده بلغمی شد زرد سینه پنج مقال
 اضافه نمایند و ستمونیا نیم درم زیاده کند سفوف سرطانی
 که سلول را بغایت نافع باشد صفت آن سرطان نری
 محرق دو درم طین قبرسی و صمغ عربی خشنا سی سینه
 و خشنا سیاه و مغز تخم خربزه از هر یک پنجم کوفته
 و بخته شربتی یکمقال با شراب انار شیرین یا شراب
 خشناش سفوفی که سنگ کرده و مثانه اطفال

بالکند

باک کند صفت آن مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ آلوقلت
 مساوی کوفته و بخته بادوغ کاودهند سفوف اسطاس
 که از هر یک یک درم ساخته بود در آب و تباهی معده و
 زردی روی و و سوس و سیاه نافع بود و طعام را
 بهضم کند و بوی دهن خوش کند و در اوقات دهر
 صفت آن قرفه ساذج عود حال اسارون مصطکی
 هلیله کابلی فلنج شک نارمشک زیره کرمانی دارچینی
 فلفل دار فلفل رنجیل قرنفل نار دانه جوز بوا کافور قاقله
 از هر یک دو درم شک و عجز از هر یک یک درم نباتش
 وزن ادویه شربتی یک درم تا سه درم سفوف عساده
 معده سرد و تر را نافع بود و جگر را قوت دهد صفت آن
 لک مغول حب الاس بلوط مصطکی مار و عود بلسان و پوست

که خشناست که در آب و تباهی معده و
 زردی روی و و سوس و سیاه نافع بود و
 کافور را یکی کوفته و بخته

انار از هر یک چهار درم زنجبیل کند از هر یک یک درم نبات
 پنجاه درم شربتی سه مثقال یکمغته استعمال نمایند و گوشت
 نخورند سفوف کبدی ورق کل سرخ زرشک منقعی لک
 منقعی از هر یک یک درم و نیم فوه طباشیر صندل سفید
 نشاسته صمغ عربی از هر یک یک درم ریوند چینی نیم مثقال
 تخم حاضیک مثقال زعفران دو دانگ کوفته و بخت سفوف
 سازند سفوفی که فواق بلغمی دفع کند صفت آن تخم
 کرفس فطراسالیون سوداز هر یک دو درم و نیم دوقو
 پوست پیرون کرمه پسته انسون خودنه اسارون
 قط زیره کرمانی از هر یک سه درم و ج پندرم شربتی
 دو درم سفوفی که درد جگر و تهیج را بر د صفت آن کل
 سرخ هشت درم زرشک پندرم سنبل و مصطکی و

عصاره

و عصاره غاف و افستین رومی و ریوند چینی از هر یک
 دو درم فجاج اذخر و اسارون و رب السوس از هر یک دو
 درم و نیم زعفران یک درم شربتی دو درم با بخت سفوف
 که حرارت جگر را بنفشاند و خمار دفع کند و اسهال صغری
 را باز دارد و غلبه خون را ساکن کند و کسی را که آبله بر خواهد
 آمد سود دارد صفت آن ورق کل سرخ ده درم طباشیر
 سبت درم ساق تخم حاض مدس متشر زرشک تخم
 خرفه تخم کابو و خنخاش سفید از هر یک پندرم صندل
 سفید دو درم و نیم کافور یک درم شربتی سه درم با شرب
 حاض یا شرب غوره یا شرب انار سفوف کبریا
 خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت آن که با کل
 ارمنی کلنا درم الاخوین لک مساوی کوفته و بخت

161

شرقی سه درم بایکد انگ اینون در یک و قیه نفعی ساق
 حل کرده دهند سونی که از جبت بول الدم نافع بود
 صفت آن شادنج مغسول دم الاخون بسد کبر باش
 یانی کلنار تخم خرفه کل ارمنی کل قبری مساوی کوفته و بخته
 شرقی دو درم بآب ساق سونف سوختا بسجده دیگر
 اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن سورجان مفت
 درم زره کرمانی بریان کرده از هر یک دو درم فلفل یک درم
 قند سبید دوازده درم کوفته و بخته شرقی سه درم
 سونف حجر الیهود سنگ کرده و مثانه را باره باره بکند
 و بیرون آورد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
 مغز تخم خربزه از هر یک بجز درم خشک عربی چهار درم حجر
 الیهود و قلت از هر یک سه درم تخم کرفس سیالیوس

قطا

162

قطا سیالیوس از هر یک یک درم صمغ عربی و کنیز از هر یک
 یکمقال کوفته و بخته شرقی دو درم با شرب خشک
 سونف حجر الیهود سنخه دیگر تخم قلت بازده درم مغز
 تخم خربزه و مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار
 درم و نیم سیالیوس دو درم صمغ عربی نشاسته و کنیز
 از هر یک سه درم حجر الیهود شش درم قند سبید ششاد
 و شش درم کوفته و بخته شرقی دو درم بآب خود سیاه
 سونی که در ساعت شکم ببندد صفت آن شاه بلوط
 سه درم مازو و پوست انار از هر یک چهار درم ساق
 شش درم حب الاس مفت درم کوفته و بخته شرقی
 دو درم بآب سرد سونف منوم کندر عود خام از
 هر یک یک درم خشتی سده درم تخم کاهو بجز درم زعفران

۲۰

دانه نبات پت درم کوفته و پنجه شربتی یکدرم
 که شربت ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را قوت
 دهد و اشتهای طعام آورد صفت آن زرباد تخم
 کرفس یا خواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کند در سه
 کنجد مقشرده درم نبات نود و شغال کوفته و پنجه
 سفوف سازند سفوفی که دفع سرعت از آن کند صفت
 طباشیر خشتاش اینون کند از هر یک یکدرم جوز
 السرو سه درم کوفته و پنجه شربتی دو درم شراب خشتاش
 سفوفی که مدق و مسلول را و قروح سینه و نفث المده
 نافع باشد صفت آن صمغ عربی و نشاسته و کثیرا
 و مغز بیدانه و خشتاش سیاه و تخم کاه و تخم خطی
 از هر یک شش درم ورق کل رخ تخم خبازی تخم

خرفه از هر یک پنجم مغز تخم خیارین مغز تخم که دو عصاره
 لسان الحمل کل مخموم کل ارمنی کل قبرسی از هر یک چهار درم
 زعفران یکدرم کوفته و پنجه شربتی دو شغال یا تخم
 کافور دو دانگ رماد السرطان شراب خشتاش
 و شره تخم خرفه نافع باشد سفوفی که باد را دفع کند و استقا
 طبل را نافع باشد صفت آن تخم کرفس از یانه اینون
 اسارون قطاریونه چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی
 سه درم سبیل سعد از هر یک یکدرم و نم کوفته و پنجه
 شربتی یک شغال سفوفی که اسهال معده را نافع باشد
 صفت آن انار دانه بریانکرده آرد کنار ارد سجذ از هر یک
 ده درم کشتن خشک بریانکرده پنجم خربزه شامی و خربزه
 بنطی بلوط در سر که خیساییده یکشبا نرزد و در سایه

۱۷۷

دانه انگور و صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الاساس سماق از
 هر یک دو درم مصطکی و کلنا از هر یک یک درم کوفته و بجنه شربت
 سازند سفوفی که نافست از جنه اسهال که با آن سرفه باشد
 صفت آن حب الاساس شاه بلوط خشتا ش فرغوب از هر یک
 دو درم صمغ عربی یک درم کوفته و بجنه شربت سی درم
 سفوفی که همین خاصیت دارد و صفت آن صمغ عربی طباطبائی
 کل از حب الاساس از هر یک چهار درم برسا و شان و کندر
 از هر یک یک درم فرغوب شامی و مقل یکی از هر یک سه درم
 کوفته و بجنه شربت سی درم شرباب خشتا ش سفوفی که
 حرقة بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند
 صفت آن مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو
 و تخم خرقة خشتا ش سیند از هر یک ده درم نشاسته

کثیرا

89

۱۷۵

کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزرابنخ سیند دو
 درم قند برابر همه شربت سی درم صبح و سه درم شب نگاه
 بشرباب خشتا ش سفوفی یا سفوف صمغ عربی کل از حب الاساس
 سماق بلوط از هر یک سی درم نشاسته کثیرا تخم کاهو تخم
 خرقة از هر یک سه درم صندل سفید یک درم کوفته و بجنه
 شربت سی درم آب انار ترش صفت آن سورجیان
 ده درم ستمونیا یک درم و چهار دانگ کبابه یک درم قند سیند
 سی درم کوفته و بجنه شربت سی درم سفوفی که بواسیر و
 اسهال و خیر و معض را نافع بود صفت آن تخم تره تیزک بریان
 کرده بود شغال بزرگ بریان کرده بزر قطن از هر یک سه درم
 تخم کرفس بریان کرده کل از حب الاساس از هر یک دو درم و نیم
 صمغ عربی یک درم کوفته و بجنه سوی تره تیزک و بزر قطن

176

و تخم مرو سفوف سازند خونی که نافست از جهت حرارت
 جگر و یرقان و نفث الدم و سده جگر صفت آن بهر آنه
 نشاسته مغر تخم خیار از هر یک چهار درم کل از منی لک مغسول
 کل سرخ سبیل اصل السوس از هر یک یک درم طباشیر نمدیم
 مصطکی دودانک شبرقی یک درم آب سرد سفوفی که نافست
 از جهت یرقان و درد جگر و فی صفای صفت آن لک مغسول
 یکم شغال طباشیر دودرم زعفران یک درم ریوند جینی دانکی
 و نیم کافور دانکی شبرقی دودرم با شرب تمرندی یا شرب
 آلو سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد
 بلوط شاه بلوط دانه میوز آرد کنار از هر یک ده درم غروب بنطی
 و حب الالاس از هر یک پست درم کوفته و پنجه شبرقی سه
 مثقال سفوفی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن

دانه

90

177

دانه میوز تخم خاض اناردانه صغ عربی از هر یک درم
 حب الالاس و بلوط از هر یک چهار درم خشتاش سفید
 درم کوفته و پنجه شبرقی سه مثقال سفوف جینی
 از جهت سرعت انزال که سبب آن حرارت باشد نظیر
 ندارد صفت آن بزرگ قطونا دودرم تخم خرفه سه درم کشیز
 خشک یک درم و نیم شبرقی یک مثقال نباشتا سفوف سازند
 سفوفی دیگر تخم که نافست از جهت فواق امتلائی صفت آن
 تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی کوفته و پنجه شبرقی یک مثقال
 سفوفی که نافست از جهت ضعف معده که سبب آن
 حرارت باشد صفت آن کبریا کل سرخ از هر یک پنج درم عود
 دودرم زرشک ده درم آبله طباشیر از هر یک سه درم سبیل
 یک درم زعفران و کافور از هر یک دودانک کوفته و پنجه

شرقی کیمشال یا شراب انار سونی که زنگ اسخ کند صفت آن
 روزنا خشک ده درم زعفران سه درم قند سبید سیزده
 درم کوفت و بخت هر روز دو درم سونف زرد سونی
 که سده سپرز بکشد و طحال اناغ باشد صفت آن تخم
 کاشنه که راج از هر یک بخورم حب القند یک درم و نیم کوفت
 و بخت شرقی سه درم با کچین سونی که نافع بود از جبت
 وج کلیه که سبب آن برودت باشد صفت آن قط
 سبیل فردمانا حمام تخم کرنس مساوی کوفت و بخت شرقی
 یک درم سونی که بدن را لاغر گرداند صفت آن شک مغول
 دو درم ناخواه تخم سداب زیره کرانی از هر یک چهار درم
 مرزنگوش بوره ارمنی از هر یک یک درم کوفت و بخت شرقی
 هر روز کیمشال بکشد بنوشند سونی که مبین خاصیت دارد

صفر

صفت آن شک مغول سندروس از هر یک چهار دانگ مرزنگوش
 نیم درم راج زراوند مدوج جنطیانا از هر یک انکی و نیم کوفت
 و بخت شرقی دو دانگ سونی که قطع سیلان منی کند
 و سرعت ازال اناغ بود صفت آن تخم سداب سه درم
 فله خشک فنج خشک تخم سونی از هر یک دو درم کلنار
 ورق کل سرخ از هر یک یک درم و نیم کوفت و بخت دو درم
 دو درم از آن درد و غیا آب غوره حل کرده بنوشند
 سونی که نافع است از جبهه قروح کلیه و مثانه صفت آن
 کل مخوم دم الاخون نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم
 کرنس مغز خیار مغز تخم کدور رب السوسلک مغول بوند
 جنی مغز حب الصبور خشکاش برزالبج مساوی کوفت
 و بخت شرقی دو درم بمیغج سونی که وج کلیه مثانه

۱۵۰

راتکین کند صفت آن بزربنج دانکی اینون قیراطی مغز
 تخم خیارین سه درم تخم کاهو و تخم خرفه از هر یک یک درم
 کوفته بشراب بنوشند سحری که از جمته استر خا و زبان
 نافع است صفت آن دارچینی جاما سبیل از هر یک
 سه درم سادج یا خواج زراوند طویل کرفس شبت
 مصطکی سیالیوس دو تو اینون از هر یک یک درم
 مروارید ناسفته کبر با از هر یک دو درم کوفته و بخته
 شربتی یک درم آب گرم یا شراب کمنه سحری که
 در آبستنی معین باشد صفت آن نشاره عالج و نبات
 از هر یک یک مثقال زن سه شب سحری سار و شب چهارم
 مرد با او مجامعت کند آبستن شود بشرط آنکه بعد از
 طهر باشد و بعضی گفته اند که نشاره عالج رازن هفت

اوز

۹۲

۱۵۱

روز متوالی هر روز دو درم باده العسل یا شامه بعد از آن
 جماع کند آبستن شود سحری که بول براند و عرقه بول
 نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه
 خشخاش نشاسته کثیرا ربیوس از هر یک سه درم
 البنج دو درم قند سفید برادویه شربتی سه درم با شراب
 خشخاش سحری که قی دم را نافع باشد صفت آن کل اینی
 صمغ عربی کلندر دم الا خون کند راز هر یک سه درم کوفته
 و بخته باده درم رب به بنوشند سحری که بی بلغمی
 را قطع کند صفت آن کند مصطکی از هر یک پنج درم عودم
 هفت درم ناردانه پانزده درم قرقفل قاقله خور و سبب
 سعد نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج فرخچنگ
 از هر یک دو درم کل سرخ شش روم سبیل و آمله از هر یک

بجز دم کوفته و بخته سفوفی سازند شربت سه درم شود
که شہوت طین و شہوات رویہ را نافع باشد
صفت آن اینون تخم کرفس زیرہ کرمانی ناخواہ از ہر یک
دہ درم فلفل سعیدہ و درم و نیم قرنفل بجز دم کوفتہ
و بختہ شربت ہر صبح و شام یکشمال سفوفی کہ
ممین خاصیت دارد صفت آن مصطکی زیرہ کرمانی
ناخواہ قاقلیتن مساوی نبات برابر ہم کوفتہ و بختہ
سفوف سازند سعوطی کہ صداع کرم و خشک را نافع باشد
صفت آن آب گاہو و روغن نیلوفر از ہر یک یکجز و شہر
دختران دو جز و بیکدیگر مزوج ساختہ در بینی چکانند
سعوطی کہ درد پنج و درد چشم اطفال را نافع است
صفت آن کندس محض کندر از ہر یک یکدرم مغز

انغنان

[illegible]

که فالج و لقوه و شقیقه و جمیع امراض بارده رطبه را که
در سر و چشم باشد سود دارد صفت آن محض و مر از هر یک
ده درم عدس و صغیر از هر یک پنج درم صمغ سداب
و زهره کلنگ و جاوشیر و جندبیدستر و شونیز از هر یک
سه درم نبات و زعفران از هر یک دو درم صبر
و فریون از هر یک نیم درم کوفته و پنجه با بخالص
قرصها سازند هر یک مقدار عدسی و بوقت حاجت
یکی از آن آب مرزنگوش و روغن بنفشه با دام
ساییده در بینی چکانند عوطی که رعا فایده باشد
صفت آن کاغذ سوخته پوست انار ترش کند در
صدف سوخته شادنج عدسی مغول کاغذ از هر یک
قدری آب بادروج در بینی چکانند سنون سورجیان

صفت

صفت اسنا از اناغ باشد صفت آن سوزنجان قرنفل
کرنازج پوست بیلید زرد صندل سمنید کل سرخ مساوی
کوفته و پنجه سنون سازند سنونی دیگر که مین خاصیت دارد
صفت آن پوست بیلید زرد نمک هندی از هر یک پنج درم
قرق پارزده درم دارچینی و سعد از هر یک سه درم شب
یمانی و سماق هر یک دو درم عاقر قرحا هفت درم شاد
دار فلعل آمله زعفران از هر یک یک درم کل گرسه مثال
تافله و کلنار از هر یک چهار درم زرنباد سازده درم
کوفته و پنجه سنون سازند سنونی که حافظا صحت
اسنانست صفت آن شاخ کوزن محرق کرنازج سعد
سبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یک درم کوفته
و پنجه سنون سازند سنونی که دند از از چوک پاک کند

صفت آن نمک اندرانی جو سوخته ربه البحر ساق سختی نیا
 مساوی کوفته و بخته سنون سازند سنونی دیگر که دندان
 متحرک را محکم سازد صفت آن کلنار شب یانی آنداقا
 مساوی کوفته و بخته سنون سازند سنونی که همین
 خاصیت دارد صفت آن شب یانی کلنار کرنا زج مساوی
 کوفته و بخته بسر که برشته و در سایه خشک کنند و دیگر
 باره بگویند و سنون سازند سنونی که نافع است از جبهه
 درد دندان که سبب آن ورم لثه باشد صفت آن تخم خرفه
 کشیز خشک ساق عدس معشر صندل معین عاقر قرحا
 کافور مساوی کوفته و بخته بر لثه و دندان افشانند
 بعد از آنکه کلاب و سرکه را یک ساعت در دهن نگه دارند
 باشند سنونی که پنج دندان سخت کند و خون باز دارد

صفت

صفت آن شاخ کوزن محرق نمک اندرانی محرق پوت
 بلیله زرد کل سرخ از هر یک دو درم کلنار یک درم کوفته
 و بخته بر لثه و دندان افشانند سنونی که دندان را
 محکم کند و خون رفتن را باز دارد و بوی دهن خوش
 کند صفت آن بلیله بلیله آمله معشر کل سرخ کلنار آنداقا
 شب یانی قرطط با شیر عاقر قرحا مساوی کوفته و بخته
 سنون سازند سنونی که خون رفتن از پنج دندان
 باز دارد صفت آن شب یانی محرق یک درم نمک
 بریان کرده دو درم ساق سه درم کوفته و بخته
 سنون سازند سنون الملوک درد دندان را نافع باشد
 و بوی دهن خوش کند صفت آن مرا بهلی خور السرو
 عاقر قرحا مساوی کوفته و بخته استعمال نمایند سنونی

که ناصورین دندان را با صلاح آورد و صفت آن پنج سوسن
عاقه قرص از هر یک یکدرم شب یانی کلنار مار و ساق
از هر یک دو درم کوفته و بخته سنون سازند
که زردی و سیاهی از دندان برود بوی دمان خوش کند
صفت آن کرمانج رنجیل زبد البحر دار فلفل قاقله از هر یک دو درم
نک براینکرده ده درم جو سوخته هفت درم کوفته
و بخته سنون سازند سنون یانی خون رفتن
از لثه باز دارد و بوی دمان خوش کند صفت آن شب
یانی پنجدرم پودنه کوهی ده درم کوفته و بخته سنون سازند
سنونی که نافع است از جته درد دندان که سبب آن
بیش صفت آن فلفل دو درم و نیم بوره ارغی یکدرم نیم
عاقه و حارنجیل موزج از هر یک یکدرم کوفته و بخته

استان

استمال نمایند سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند
صفت آن سعد کل سیخ از هر یک پنجدرم کلنار کرمانج فلفل
از هر یک سه درم دم الاخون کند و رقتل نک اندرانی
مصطکی پودنه محرق از هر یک دو درم عود خام یکدرم
کوفته و بخته استمال نمایند سنونی که بچ دندان سخت کند
و خون رفتن باز دارد صفت آن پوست انار ترش ده درم
شب یانی هشت درم عاقه و حار کل سیخ کرمانج ساق از
هر یک چهار درم نک هندی پوست هلیله زرد از هر یک دو
درم کوفته و بخته سنون سازند سنونی که خون رفتن
از بچ دندان باز دارد صفت آن کات هندی فلفل کلنار
کل سیخ ساق دم الاخون مساوی کوفته و بخته سنون
سازند سنونی که خون رفتن از بچ دندان باز دارد

کلنارده درم نوشا در دو درم مازو یک درم بودند سوخته ده
 درم نمک بعسل سرشته و سوخته ده درم کوفته و بخت
 استعمال نمایند سونی که دندان از اجلا دید و لثه را محکم کند
 و بوی دهن خوش کند صفت ^{این یک درم} کلنارده درم ^{و بوی دهن خوش} ده
 درم نوشا درده درم مویخ سه درم مازو یک درم بودند
 سوخته ده درم نمک بعسل سرشته و ^{و لثه را محکم} شب یمان
 دو درم سیخ سوخته و نمک اندازی و زنده الیجر و جو سوخته
 و چوب تاک سوخته از هر یک ده درم کوفته و بخت سون
 سازند سونی که خون باز دارد و لثه را محکم کند صفت این
 کل کر آله از هر یک سه درم عصاره الحبه التیس کل مخوم
 ابل از هر یک یک درم دار چینی یک درم کوفته و بخت استعمال
 نمایند سونی که دندان را سینه گردانند و بوی دهن خوش

صفت

صفت آن زنده الیجر ده درم نمک برآیکرده ده درم عود سوخته
 و جو سوخته و سفال چینی و کرمازج و کلنار و عاقر قرحا
 و قنقل و ساذج و کل سیخ و سعد و ساق از هر یک یک درم
 زراوند طویل حبلا س از هر یک سه درم کوفته و بخت
 دردندان مانند سونی که چون در محل داری آتشک
 مالیدن بر دهن و پنج دندان افشانند منع دهن خوش
 کند و اگر دهن جوشیده باشد استعمال نمایند بصلاح آورد
 صفت آن زراوند مدحج برک مورد و کندر سعد کلنار
 پنج سون دم الا خون مازو مساوی کوفته و بخت
 استعمال نمایند سونی که قلاع را نافع بود و بوی دهن خوش
 کند و پنج دندان محکم کند صفت آن ^{نظ} شیا سف با میثا
 طباشیر تخم کل لسان الحمل پوست هلیله زرد برک زیتون



کرنازج شب یانی مساوی کوفته و پنجه استعمال نمایند
 سون که اکل و ناصور پنج دندان را نافع باشد و خون فتن
 باز دارد صفت آن مرنو شاد در پنج سون زرنیخ سرخ عاقر
 قرحا مساوی کوفته و پنجه استعمال نمایند سونی دیگر که
 همین خاصیت دارد صفت آن پنج سون عاقر قرحا از
 هر یک یک گرم شب یانی کلنار مازو ساق از هر یک دو گرم
 کوفته و پنجه سون سحارنه سونی که دندان متحرک
 محکم سازد صفت آن مرنو تیا شب یانی نشاسته
 کل سرخ ساق پوست انار ترش استخوان هلیله زرد
 سک کلنار مازو کرنازج مساوی کوفته و پنجه بر پنج
 دندان افشانند سورجان اکل دهنی دانه را خواص باشد
 صفت آن پوست انار ترش شیرین از هر یک سی گرم

مازو کلنار

مازو کلنار شب یانی کاغذ سوخته عاقر قرحا از هر یک ده گرم
 ساق بازده درم نمک هندی و نوشاد دراز هر یک پنج گرم کوفته
 و پنجه بسره که بسره شده و کلولها سازند و در سایه خشک کنند
 و در وقت احتیاج دیگر باره بگویند و استعمال نمایند سورجان
 استرخا و درم لته را نافع بود و دندان را از چوک پاک کند
 صفت آن پوست انار دو درم کلنار زرد چوبه ساق شب یانی
 مازو از هر یک یک گرم کوفته و پنجه استعمال کنند و الله اعلم
باب الششین شربستین معده
 را از اخلاط فاسده پاک کند صفت آن افستین رو
 پنج درم ورق کل سرخ پوست درم تربه سینده درم در رو
 آب بجوشانند و ببالانند و یکم قند اضافه کنند و قوام آرند
 شربستین نوعی دیگر معده ضعیف و جگر سرد و سبز زامود

دارد و طبع را نرم کند و باد را دمی رود و دفع کند ضلالت
افسیتن پنجاه درم سیلخه ببت درم کرفس سی درم
در دوش آب بپزند تا بنیمه آید و بایک من قند شربت
پزند شراب افسیتن نسخ دیگر افسیتن پنجاه درم انسون
و کل سرخ و سیلخه و اسارون از هر یک ده درم مصطکا
و سبیل از هر یک هفت درم در دوش آب بپوشانند
بعین از مصطکا صلاویه کرده بآن مزوج سازند شراب افسیتن
نسخ دیگر که معده را از صفرا پاک کند و سوء المزاج کرم را
زایل گرداند صفت آن ورق کل سرخ هفت درم شاه تره
و افسیتن از هر یک پنجم آلوی سیاه ببت عدد
تمر هندی ببت درم میوز منقی سی دانه در دوش آب
پزند تا بنصفی آید صاف سازند و بنین شکر سفید در آن

عل

حل کنند و تقویم آرند شربتی ده درم بایک درم صندل
شراب السعال سرفه کنند را بغایت نافع بود و سینه را از
اخلاط پاک کند و ربوضق النفس را نافع بود صفت آن
انجیر سفید شش و قیه باز عنصل یک و قیه میوز منقی دو
و قیه انسون نیم و قیه در قندری خل الخرواب خیسانند
سه روز و بپوشانند صاف کنند و در وظل عمل اضافه کنند
و تقویم آرند شراب فواکه معده را قوت دهد و قی باز دارد
و دل را قوی گرداند صفت آن آب سیب آب به آب انار
ترش شیرین آب امرود از هر یک یک و خرواب زرشک
و آب سماق و آب خوره و آب زعفران از هر یک نیم
جز و بپوشانند تا بنصفی آید و انقدر قند که کفاف باشد
اضافه نمایند و بپوشانند تا تقویم آید شراب نار شیرین بدین

طریق فی باز دارد و صفرا دفع کند و معده را قوت دهد ^{صفت آن}
 انار ترش و شیرین دو من نفع تازه و دوشاخه عود خام
 آله مصطکی از هر یک دو درم پوست پرون پسته پنج
 درم کوفته در آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند
 و بایک قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند
 شراب نار منفع فواق بنشانند و فی باز دارد و معده را
 قوت دهد صفت آن انار ترش و شیرین با تخم آن
 بگویند و آب آن بگیرند و من و یکم قند و یکو قیه
 آب نفع اضافه کنند و بقوام آورند شراب الو
 صفرا و بلغم را دفع کند صفت آن آلو سیاه صد عدد
 تمرندی یک چهار یک ترب سحید و بنفشه از هر یک
 بیت درم در کبک کنند و در دو من نیم آب بجوشانند

تا بیک

تا بیکن آید و نیک بالند و بیالایند و لیکن ترخین
 صاف کرده اضافه نمایند و شربت بزنند و فرو گیرند
 و یکمقال سمونیا در آن حل کنند شراب خشتاش مع
 زلات کند و ریش سینه و شش را نافع بود و بخوابی
 زایل گرداند صفت آن خشتاش بزرگ با پوست
 صد عدد نمکوفته کنند و باد و من و نیم آب باران بزنند
 و بیالایند و بایک و نیم قند بشربت بزنند و اگر خشتاش
 پی پوست بزنند بیت مقال تخم خشتاش بگویند
 و بزنند و بایک من قند بقوام آورند لیکن اولی آن
 بود که با پوست بزنند شراب سیب ^{صفت آن} معده و دل را
 قوت دهد و مفرج بود و قی را ساکن کند و اسهال
 صفرائی را باز دارد صفت آن سیب اصفهانی اندرون

اندرون و بیرون پاک کرده و در ماهون سنگین یا
چوبین بگویند و آب آن بکیرند و هر چه بچوشانند
تا به مزه آید و یکم قند اضافه کنند و بچوشانند تا به مزه
شراب سرخ در راقوت دهد و معده را قوی گرداند
و اشتهای طعام آورد و طبع ببندد و غشیان باز دارد
صفت آن به ترش و شیرین اندرون آن پاک کنند
و آب آن بکیرند و هر پنج مزه آب یکم قند اضافه
و بقوام آرد شراب بسیار سال صغاری را نافع باشد
و قی باز دارد و تشنگی بنشانند و معده را قوت دهد
صفت آن رباسی را سر و دنبال بکار و چوبین بپزند
و در ماهون سنگین یا چوبین بگویند و آب آن
بکیرند و صاف کنند و بچوشانند تا به بلش آید و زما

بگذارند

بگذارند و بکیرند و بپزند و هر یکم آب یکم قند
اضافه کنند و بچوشانند تا به قوام آید شراب حاض صغاری
بشکند و قی باز دارد و معده را و در راقوت دهد و خفیان
کرم را نافع باشد صفت آن آب حاض بخواه شغال قند
سفید یکم بشرت بپزند چنانکه رسمست شراب لیمو
معده را قوت دهد و اشتها آورد و صغاری بشکند و قی باز دارد
و باضمه را قوی گرداند و دفع خار کند صفت آن مانند حاک است
شراب نارنج تشنگی بنشانند و دماغ را قوت دهد و سرکه از
کرمی باشد ساکن گرداند صفت آن آب نارنج یکم
بچوشانند تا به نصف آید و کف زرد آن بردارند و بادون
قند شربت بپزند شراب غوره که تشنگی بنشانند و تب کرم
سود دارد و غماری را دفع کند صفت آن آب غوره بکیرند

و بخوشانند تا بنصفی آید و کف آن بکیرند و زمانی بگذارند
و بکریاس نو بیالایند و بر یکمن آب یکمن قند سفید
اضافه کنند و بشربت بزنند شراب عود معده را قوی
دهد و بوی دهن خوش کند و باضمه را قوی گرداند صفت
آن
عود هندی و آمله متشوا از هر یک ده درم سبیل و نقل
مصطکی جوز بوا از هر یک دو درم مجموع نیم کوفته
در کیسه کتان ریزند و در سه چهار یک کلاب بخوشانند
و کیسه را نیک ببالند تا قوت آن بکلاب دهد و یکمن
قند بقوام آورند و آن کلاب بر سر آن ریزند و دیگر
باره بخوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و نیم مشک خالص
سوده در آن حل کنند شراب حب الاس معده را قوی
دهد و اسهال باز دارد صفت آن حب الاس و امرو

فصل

خشک از هر یک پنجاه درم قرطوط را نیش از هر یک ده
درم آب باب سیب و اب انار از هر یک یکمن دار
کوفته درین آبها بخوشانند تا بنشانی آید و بیالایند
و دیگر باره بخوشانند تا بقولم آید شراب حب الاس بنفشه
دیگر اسهال با سرفه را نافع باشد صفت آن حب الاس
بکوبند و بخوشانند تا نیک مر اشود و بیالایند و بهر دو
جزو از آن ده جزو قند سفید اضافه کنند و اگر قدری
طبایشیر سفید سوده در آن حل کنند بهتر باشد شراب
دیار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سینه بکشد
و سوء القینه و استسقا و ذات الجنب را نافع بود و خشک
بنشانند صفت آن تخم کاشنه نیم کوفته و ورق کل سرخ
از هر یک بیست درم تخم کشوث چهل درم نیلوفر و کاو

۲۵۸

زبان از هر یک ده درم افیتون در کتان بسته درم
 بکوشانند تا مراه شود و صاف کنند و بایکین قند
 بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال پود جنی ساییده
 در آن حل کنند شراب زرد سرفه بلغمی را نافع بود
 دسینه و شش از اخلاط پاک کند و ربوضی ^{النفیس}
 سود دارد صنت آن عناب سی دانه سبتان پنجا
 دانه انجیر سفید سی دانه بنفشه چهار درم بر سیاوشان
 همت درم تخم خطمی و تخم خبازی از هر یک پنجم درم اصل
 السوس و زرد فال از هر یک همت درم بکوشانند و پیالان
 و یکین قند اضافه کنند و بعضی پنجم فراسیون
 داخل میکنند شراب تمهید طبع را نرم کند و صفا
 بشکند و معده را قوت دهد و قی باز دارد صنت آن

تم

۱۵۳

۲۵۹

نقر بندی نیم من بکوشانند و شیر اشن بگیرند و پیالان

باف

صحیح

و یکم قند اضافه کنند و بقوام آردند شراب صندل در آن
 قوت دهد و خفقان کرم را و جگر کرم را نافع باشد و تشنگی
 بنشانند صفت آن صندل سفید ساییده بهشت شمال
 در کلاب خیسانند یک شب روز و روز دیگر اندک جوشی
 برهند و شیر آن بکینند و با یکم قند شربت پزند شراب
 بخیر کرده و مثانه را نافع بود و منی پیغز زاید و باده را قوت
 دهد و درد پشت را زایل کند صفت آن انجیر خوب درخت
 در بجن آب بپزند تا بکین و نیم آید و هر دو را برت
 بمانند و صاف کنند یکم و یکم و نیم عسل صاف بر آن
 کنند و در چینی و خولجان و قرقن و سنبل الطیب از
 هر یک یک گرم زعفران نیم گرم در کیسه تبه در آن بپزند
 و بجوشانند تا بقوام آید شربتی بختقال شراب بنفشه

بنفشه معمول ذات الحجب و ذات الیریم و سینه را نرم کند
 صفت آن سر بنفشه تازه یک چهار یک بجوشانند و به بالا
 و با یکم قند بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد یکوقیه
 بنفشه خشک کنند و باید که بسیار بجوشانند شربت بنلوفر
 صراع حار و تنهای صفراوی را و سرفه ذات الحجب و
 ذات الیریم را نافع بود صفت آن کل بنلوفر یکوقیه و اگر تازه
 بود یک چهار یک بجوشانند و با یکم قند شربت بپزند
 شراب عناب ماسرا و آبله و حصیه و درد سینه و سرفه
 و غلبه خور را نافع باشد صفت آن عناب در جانی
 یک چهار یک در دو هنر آب بپزند شراب کاوزبان در آن
 قوت دهد و سوداوی مزاج را نهایت نافع بود و خفقان را
 زایل کند صفت آن آب کاوزبان تازه نیم با یکم

و بهشت بالند و بهشت بالندی مبالغه و با یکم قند شربت پزند

قند سفید بجوشانند و کف بردارند و بقوام آرند
و ببت مشقال کلاب در آن ریزند و فرو گیرند و
بقوام آرند و اگر کاو زبان تازه نباشد یک چهاریک
خشک کنند شرب باد بخورند و اذیت دهد و خفان سرد را
نافع بود و خوش سوداوی را زایل کند صفت آن باد بخور
تازه بتانند و آب آن بگیرند نیم فرو با یکین قند
بشربت بزنند و اگر تازه نباشد پنجاه مشقال خشک کنند
شراب هلیله اوجاع مفاصل و تباه کرم را نافع بود و طبع را
نرم کند صفت آن هلیله زرد صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرفی
کنند و آب بر سر آن ریزند و نگاه دارند و دیگر آب بر سر
آن ریزند و سه روز دیگر در آفتاب بنهند و آب اول
و دوم با هم بامیزند و صد و پنجاه مشقال ترنجبین در آن حل

اصناف

وصاف سازند و بر سر آتش بنهند و بقوام آورند و فرو گیرند
و یک مثقال ستمنیای سوده در آن حل کنند شرب که فواید
بشانه خاصه آنچه از پس طعام آید صفت آن زیره کرمان
اینون فودنه گذر از هر یک ده درم در دو مزاج بجوشانند
تا بنصفی آید بیالایند و جرعه جرعه بنوشند شراب هلیون
ریک از کرده و مثانه پاک کند صفت آن هلیون سی مثقال
در دو مزاج بجوشانند و بیالایند و با یک مزه قند بشربت
شراب بر زری معده و جگر را نافع بود و باد را دفع کند
و مفاصل را سود دارد صفت آن پوست پنج کاسنی درم
تخم کاسنی پوست پنج رازیانه از هر یک هشت درم رازیانه
تخم کرفس پوست پنج کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث
در گمان بسته بخورم بجوشانند و بیالایند و با یکین

و نم قند بشریت پزند شراب در کمر مسهل صفا بود و تهای
 مرکبه را نافع بود صفت آن ورق کل سرخ تازه نیم من در
 من آب بجوشانند تا صفت من اید بیلا پند و نیم من
 دیگر برک کل در آن آب بجوشانند و دیگر بیلا پند
 چند نوبت همچنین میکنند تا بیکم آید صاف کنند
 و با یکم قند بشریت پزند شربت سه درم باده درم
 سکنجبین و آب پنچ یا برف توت در دکل و خنای
 را نافع باشد صفت آن آب توت سیاه بگیرند و
 صاف کنند و بجوشانند تا نیمه آید و بهر پنچ رطل از آن سه
 رطل قند صاف اضافه کنند و بقوام آورند شراب اناج
 جگر را قوت دهد و تشنگی بکشد صفت آن انار شیرین بگیرند
 و بجوشانند تا نیمه آید و بهر یکم از آن یکم قند اضاف

کنند

کنند و بقوام آورند شراب غیر درد معده و اعصاب را
 سود دارد و خفقان بارد را زایل کند صفت آن غسل
 دوم در دو من آب بجوشانند و کف بردارند و بقوام
 آورند و غیره و زعفران سوده از هر یک یک مثقال اضافه کنند
 شربتی بخورم شراب شک معده را قوت دهد و امراض
 بلغمی را نافع بود و بهر از آن موافق باشد صفت آن
 عمل یکم قند سبزی در دو من آب بجوشانند
 و بقوام آورند و یک مثقال شک و یک درم زعفران سوده
 اضافه کنند شربتی سه درم شرابی که نافع است از خفه
 اسهال موی و ضعف معده صفت آن رب شیرین
 سی مثقال کلنا رغبه آمله صندل سیندب الاسب
 هر یک یک مثقال کلاب قند سبزی از هر یک یک مثقال

۸۵

بطریق معهود شربت سازند شراب بر ششم جگر و دل و احشای
 قوت دهد و سده بکشد و استسقا و جمیع امراض یارده
 را نافع بود و باده را زیاده کند و نشاط آورد و صفت آن
 ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران خیسانند شبانه
 روز در دیک سنگین بخوشانند تا بنیمه آید صاف کنند
 و خولجان و وج و مصطکی از هر یک سه درم و غفران
 یک درم صلاویه کرده اضافه نمایند و با یکم قند شربت
 بزنند شربتی چهار درم شراب اسطوخودوس صریح و لیمو
 و صداع بارد و جمیع امراض دماغی را که سبب آن
 برودت باشد سود دارد و صفت آن اسطوخودوس
 بر سیاه شان عود صلیب از هر یک بنمزد درم اصل
 السوسک و زبان را زیاده بپست پنج کرفس تخم خطمی

بنزد

۸۱

نفشه کل سرخ از هر یک سه درم منقح سبتان
 از هر یک بانزده درم دانه خوشا نینده و صاف
 کرده با یکم قند شربت بزنند شراب حاصل بپست
 پنج کبر بپست پنج رازیانه از هر یک پست شقال تخم
 کرفس رازیانه اینسون ما نخواه ما پیر هره سور بنجان
 از هر یک ده درم پست پنج کرفس پست درم قند
 سفید یکم بطریق معهود شربت بزنند شراب
 اصول مواد غلیظ را نفع دهد و سده بکشد و بادها
 بشکند و سوء القینه و استسقا و جمیع امراض یارده
 جگر و معده را نافع بود و صفت آن پست پنج کبر پست
 پنج رازیانه پست پنج کرفس پست پنج کاسنی
 از هر یک پست درم انجیر زرد پست دانه منقح اصل

وانه ققاج از غریب سبیل اسارون سیلخه از هر یک ده درم
 قند سفید یکین شربت پزند چنانکه رسد شربت
 کدر در دشت را نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن
 کدر شسته پاکیزه ده من سر و بن بنید از زرد درم
 درم کنند و در دیک سنگین اندازند و آب بر آلا
 آن ریزند تا و سرد یک بکلی یا تخم حکم کنند چنانچه
 بخار از وی بیرون رود و با تش آب است به پزند و بگذارند
 تا سرد شود پس سرد یک بکشایند و نیک بالند
 و آن آب بتانند و صاف کنند و با هم سنگ آن
 غسل در دیک ریزند و سبیل و خولجان و قرقفل و دار حنی
 از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع نیم کوفته
 در گیسند و در آن دیک اندازند و هر لحظه برست میمانند

مخونس

و میجو شانند تا بقوام آید شراب ^{انجبار} اسهال دمی
 را و نفث الدم و سیلان طمث را نافع بود و معده
 و جگر را قوت دهد صفت آن صندل سرخ و سفید
 ساییده از هر یک پنج مثقال انجبار هفت مثقال قند
 سفید نیم من بطریق معهود شربت پزند شراب حب
 الاس بنسخه دیگر آمله معشر یک مثقال حب الاس و مثقال
 پوست پنج انجبار کلنا رکل سرخ تخم حاض بری از هر یک
 دو درم رب به شیرین از هر یک پست مثقال
 شراب صندل سی مثقال به ستر معهود شربت پزند
 شرابی که از جمت مایخو لیا و امراض سوداوی نافع است
 صفت آن تخم کاشنه تخم و نمشک تخم بادرنجویه از
 هر یک ده درم کاو زبان سه درم بادرنجویه هفت

و کلاب

درم و نیم ایرسا دو درم و نیم اصل السوس پنج درم رازیا
 بسفاج فسقی از هر یک سه درم و نیم درشش مثقال دریه
 کلاب و دو مقابل ادویه آب سیب شیرین بجوشانند
 تا ثلثی باقی ماند و با یکمن قند شربت بزنند شراب قند
 بلغم دفع کند و سرد مزاج را نافع باشد صنت آن
 زنجبیل دارچینی از هر یک پنج درم هیل کبار و قاقله از هر یک
 دو درم قرقفل یک درم مجموع نیکو فته در هفت رطل آب
 بجوشانند تا به پنج رطل آید و بیالایند و با تخم قند سفید
 بقوام آرند و نم درم زعفران ساییده اضافه نمایند شراب عسل
 معده و جگر را گرم کند صنت آن سبب مصحح دارچینی
 قاقله عود هندی قلع فل جوز بو از هر یک یک درم قرقفل نیم درم
 کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید بیالایند

و با پنج رطل عسل بجوشانند و بقوام آورند شراب خمار
 در دفع خمار بی نظیر است صنت آن لوی سیاه قره بندی
 بجا دانه از هر یک یک رطل عذاب پنجاه دانه درشش
 رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید بیالایند و آب
 انار ترش شیرین و آب سیب و آب لیمو از هر یک
 نیم رطل اضافه نمایند و با یک رطل قند بقوام آورند شراب
 فنجوش سرعت از زال را نافع است صنت آن آب
 انکور خام شش رطل سماق مازو و کلنار کل سرخ کشیز
 خشک کند رصعتر سعد از هر یک ده درم زعفران هر
 شب یانی از هر یک یک درم جفت الحیدری مثقال بجوشانند
 تا ثلثی باقی ماند صاف کنند و استعمال نمایند شراب
 دارو حکم قوی اعصاب ریشه است و نیان او را

بلغنی و سودای را نافع است و باده را قوت دهد و پیر
را موافق باشد صنت آن آب انکور صد من به
به شیرین سه من سیب اصفهانی دو من کلاب نیم
آب من خالص ده من دارچینی و قنقل مصطکی سنبلی^{الطیب}
کبابه جنبی خیر و او خلیجان از هر یک پنجم عود خام
بسا سه دواله از هر یک سه درم زعفران ده مثقال
مشک نیم مثقال غیر یک مثقال سیب و به را در آب انکور
بجوشانند تا مدام شود بعد از آن برکشند و صاف کنند
و مشک و زعفران و غیره را در کلاب حل کنند و اضاف
نمایند و ادویه نیم کوفته در کیسه بند و در محل جوشان
کیسه در دیک اندازند و زمان زمان بدست میمانند
تا شیره باز دهد و چون شیره انکور را در خم ریزند^{کیسه}

در خم پیرازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شراب
جنبش الحیدر معده را قوت دهد و باخمه را قوی گرداند
و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع بود صنت آن
تخم کرفس را زیاده زیره کرمانی اینسون ناخواه صغیر
انجuran کاشم کرو یا کشینه خشک قلقل در قلقل کند
دارچینی سنبلی قرقه جوز بوا تخم جو صغیر تخم پیاز سعد و خبیل
از هر یک یک مثقال جنبش الحیدر ده مثقال در شش مقابل
ادویه شراب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند
شرابی هر روز سی درم کافی باشد شراب ریحا
نیان و امراض بلغنی را نافع باشد و معده را قوت
دهد و پیراز را موافق باشد صنت آن شیره
انکور صد من در خم ریزند و شش من قند اضافه

۲۱۹

کنند و در چینی قر قفل سبا سه جوز بوا از هر یک ده دم
 مجموع نیم کوفت در کیسه کنند و در خم اندازند و سر خم
 بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و باید که خم را اول
 پاک بشویند و اندرون آن موم گذاشته بگردانند
 و بشک و عنبر بویا گردانند شرب که معده و دل را
 قوت دهد و امراض بلغمی را و سودا و یرقان فاع باشد صفت
 آب سیب سه رطل آب به شیرین دور رطل در دیک
 سنگین کنند و قر قفل یک درم و نیم عود هندی دو درم
 کاوزبان و بادرنجویه و کل سرخ از هر یک سه درم کوفت
 و در کیسه بسته در دیک اندازند و با آب سیب و به
 بجوشانند تا نیمه آید و در خم ریزند و شراب ریجانی
 دو هنر بر بالای آن ریزند و قند سفید یکین و رطل نیم

اضافه

۱۱۱

۲۱۹

اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز در افتاب
 بگذارند و بعد از آن صاف نموده استعمال کنند شیخ
 احمد بن سلاق و غلظ اجفان و آخر رمد را نافع
 باشد صفت آن شادنج عدسی مغسول ده درم مس
 سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیر و مرصاف از
 هر یک دو درم دم الاخوین و زعفران از هر یک یک درم
 صلابه کرده شیاق کنند شیاق احمد و سیل و طغره و سلاق
 و باض را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول شش
 درم صمغ عربی پنجم درم مس سوخته زاج سوخته از هر یک
 دو درم و نیم زعفران و مر از هر یک دانگی نیم کوفت
 و پخته بجز شیاق سازند شیاق اخضر جرب و سیل
 و باض را نافعست صفت آن زنکار سه درم اقلیم

نوره اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک یک درم
 صمغ و اشق را در آب سداب حل کنند و دارو را
 کوفته و بر ریخته بدان بسرشند و شیاف سازند
 شیاف درج مکنه و جوب و سبل و سلاق و شعرزاید
 نافعت صفت آن زنگار شش درم صمغ عربی و اشق
 از هر یک چهار درم اقلیمیا طلا و اینون از هر یک دو
 درم بارزد و یک درم کوفته و بخته بآب سداب بشیند
 و شیاف سازند شیاف طر خا طقون مکنه و جوب و
 سلاق و استرخا و ریح سبل را نافع بود صفت آن
 شادخ مغول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار
 و قلع طار سوخته از هر یک یک درم بآب رازیانه
 بسرشند و شیاف سازند شیاف بیض افیونی رمد

کم و نافع بود و در دصعب را بنشانند و تحذیر کند
 صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی
 یک درم اینون و کثیرا از هر یک یک درم بسفیده تخم مرغ
 بسرشند و شیاف سازند شیاف بیض افیونی ابتداء
 رمد را نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم
 انزروت ربی بشیر و کثیرا از هر یک چهار درم بسفیده
 تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف کل رخ سنج
 محمد زکریا رمد را نافع است و حره آن کمتر از حره ابیض
 و بهترین و سبکترین شیاف و ردیت صفت آن
 کل سرخ چهار مثقال رغنرمان و سفیداب ارزیز از
 هر یک دو مثقال اینون و صمغ عربی از هر یک یک مثقال
 بدستور شیاف سازند شیاف بریویا رمد را در

۲۰۲

بصلاح آورد صفت آن شفاف مامیثا و انزروت مری
 از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون بخرد
 کثیرا یکدرم کوفته و بجای ریخته آب باران بسرشد
 و شفاف سازند و سبیده تخم مرغ در چشم کنند
 شایسته بر روی مام بنشیند دیگر در آنافع بود و سرخی برد
 و اما بس نشانند و در رات کین کند صفت آن
 اقلیمیا نقره و روی سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا
 و اقلیمیا و صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون زعفران
 از هر یک یک مثقال کوفته و بجای ریخته سبیده تخم مرغ
 سرشته شفاف سازند شفاف قیصر ظفر و شعر زاید
 را نافع باشد صفت آن شادنج مغول دوازده درم
 صمغ عربی و مس سوخته از هر یک شش درم قلع طارخه

در نخل

۱۱۳

۲۰۳

وزنکار از هر یک دو درم آب رازیانه بسرشد
 و شفاف سازند شفاف خلوتی یا دمارا بر آکنده کند و ابل
 ملتحمه بنشاند مس سوخته سه درم اقلیمیا دو درم کثیرا
 و صمغ عربی سنبلی زعفران از هر یک یکدرم باب
 باران شفاف سازند شفاف اسود نافع است پادمار
 که در چشم و جفن باشد کشیدن و طلا کردن صفت آن
 مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شفاف

مامیثا از هر یک یکدرم مروارید ناسفته و به از
 هر یک یکدرم اقلیمیا بخرد و کوفته و ریخته آب باران
 بسرشد و شفاف سازند شفاف بیض کند قرصه و مده
 غلیظ را نافع باشد صفت آن سفیداب ارزیز هشت
 درم افیون و انزروت مری و کثیرا از هر یک یکدرم

۲۲۷

صنع عربی چهار درم کند ریندرم آب باران شیاف سازند
 شیاف با بوقلمون و مورسج را نافع بود و حار نشانه
 و جن را بر سازد صفت آن اقلیمیا طلا و سیداب از ریز
 مس سوخته سرمه صفایانی صنع عربی کثیرا سرب
 سوخته از هر یک هشت درم افیون یک درم باب
 شیاف سازند شیاف آبار بنوعی دیگر صنعت
 این قریب صنعت اولست صفت آن آبار سوخته
 صفت صفایانی تو تیا مس سوخته کثیرا صنع عربی
 یک درم شش درم افیون یک درم کوفته و بخته شیاف
 سازند و بعضی اقلیمیا طلا و سیداب از ریز از هر یک
 یک درم کند چهار درم اضافه میکند شیاف کند
 و بوقلمون را نافع باشد و گوشت بر دیانه صفت آن

المنه

114

۲۲۵

اشق و انزروت از هر یک پنجم درم کند رده درم
 زعفران دو درم اشق را در لعاب حلیه حل کنند
 و باقی ادویه را کوفته و بخته بدان بسر کنند و شیاف
 سازند شیاف که ابتداء آب را نافع است صفت آن
 خربق سفید کوفته فلفل نیم و قیبه اشق یک درم باب
 ترب شیاف سازند شیاف روغن جوب و طحله و طلا
 و ابتدای نزول را نافع باشد صفت آن اقلیمیا طلا
 اقلیمیا طلا و روغن نارسفته از هر یک دو درم
 کافور و مشک از هر یک دانه کی صلایه کرده آب باران
 شیاف سازند شیاف اضواء حبه ابتداء از هر یک
 چشم نافع است صفت آن انزروت عربی شیاف
 ما میثا از هر یک هشت درم مر بوره از ریز از هر یک

از هر یک چهار درم زرنج زرد و دو درم زعفران یکدرم
و نیم کوفت و بخت شفاف سازند شفاف اصغر
بنوعی دیگر صفت آن بلبله زرد و توتیای هندی از
هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک دو درم
زعفران یکدرم آب رازیانه شفاف سازند
شفاف سماق جرب و خارش و سوزش و جحوط را نافع باشد
صفت آن سماق سی متال آب باران بپزند و بالا بپند
و باز بجوشانند تا غلیظ شود و بکذارت تا سرد شود و دود
سفید اب از ریزبان بسرشند و شفاف سازند و بعضی
آب سماق را بجوشانند تا غلیظ میشود و کرد سماق
بآن سرشته شفاف بسیارند شفاف دنیا چون بیل
رقیق بر دارد صفت آن زرد جوبه شاد و مفعول

م

صبر سوطی شفاف ما میثامساوی کوفت و بخت آب
باران شفاف سازند شفاف وردی صغوبه در چشم
را در حال نشاند صفت آن ورق کل سرخ با زده درم
زعفران هشت درم ایون ده درم سنبل الطیب
دو درم صمغ عربی یکدرم آب باران شفاف سازند
شفاف اسود سنجید دیگر مرد و حرقه عین و دمع و سبل را که
با او مرارده باشد نافع بود صفت آن اقلیمیای طلا
سفید اب از ریز صمغ عربی ایون از هر یک چهار درم
مس سوخته سنبل الطیب نشاسته از هر یک یکدرم
و نیم آفاقیا مفعول است و چهار درم کوفت و بخت
بعضی را آب سوده کرده آب غلبه شفاف
سازند شفاف اصطیقا استر خا و جن و تاریکی بصر

و ابتدای آب نافت صفت آن اقلیمیا ^{فلفل}
 سیاه اینون از هر یک چهار درم صمغ عربی و شیان
 مامیثا از هر یک شت درم از زوت و نمک هندی و زریخ
 زرد از هر یک یک درم پوره ارمنی دوازده درم باب
 رازیانه شیان سازند چنانکه رسمت شیان که نافع است
 جرب و غلظ جفن و سبل کینه را که با آن حرارت و حر
 نباشد و باض و تاریکی چشم رازیان دارد صفت آن
 افنون اقلیمیا نقره از هر یک یک درم از ریز صمغ عربی
 زنکار اشتی از هر یک دو درم بابی که اشتی در آن حل
 کرده باشند شیان سازند شیان که نافعست و قرحه حاره
 حدیده را و چشم را خشک سازد و گوشت برویانند صفت آن
 سفیداب از ریزده درم کندر و از زوت از هر یک

یک درم

یک درم افنون یک درم کافور دو دانگ کوفته و پنجه شیان
 سازند شیان زنکار جرب و باد سبل نافع بود صفت آن
 صمغ عربی سفیداب از ریز زنکار مساوی باب سدک
 شیان سازند شیان غوره جرب و حکم کنه را نافع
 بود صفت آن رنجبل بخورم هلیله زرد صمغ عربی تویتا
 مغول از هر یک دو درم حضض یکی چهار درم زرد جوب
 زعفران از هر یک دو درم باب غوره شیان سازند
 شیان غب صبر کندر کلنا را از زوت دم الاخوین سرم
 شب یانی از هر یک یک درم زنکار دانگی و نیم بکلاب
 شیان سازند و سوراخ را از جرب پاک کنند
 و در آنجا چکانند شیان و در قرحه و سحنه و تبرا
 و مور سرج و نشو قرینه و عنبیه و کمینه المره و رکنه را

نافع باشد صفت آنبرک کل تازه بنماد و دو مثقال
اقلیمیا نغزه محرق مغول صنع عربی از هر یک پست
و چهار مثقال عنبران شش مثقال افیون و سرمه
از هر یک سه مثقال نکار و تو بال مس و سبیل هندی
از هر یک دو مثقال مرصافی چهار مثقال کوفته و تخم
باب باران شفاف سازند شفاف دنیا بر نسخه دیگر
رمد سوداوی را نافع باشد صفت آن سفیداب
اریزر اقلیمیا از هر یک ده درم افیون و نشاسته
از هر یک یک درم کثیر یک درم و نیم بطریق معهود شفاف
سازند شفاف ابار نسخه دیگر اقلیمیا طلا و تیتا سرمه
سفیداب از زیر روی سوخته از هر یک دو درم
دم الاخون و افیون از هر یک از زوت یک درم نیم

کوفته

کوفته و پنجه شفاف سازند شفاف کندر و قهوه
را نافعست صفت آن اشق از زوت از هر یک یک درم
کندر ده درم زعفران دو درم بلعاب حله شفاف
سازند شفاف قلعه از برای طغره نافع است
صفت آن روی سوخته یک درم زنگار دو درم شادور
قلعه بوره ارمنی از هر یک یک درم زرنج یک درم سبر که
بسر کنند و یک هفته بگذارند پس شفاف سازند و استعمال
نمایند شفاف مرطوبه را نافع بود صفت آن کندر مرغران
از هر یک یک درم زرنج سرخ یک درم شفاف سازند و
با کبشیز تازه در چشم چکانند شفاف مرارت اشتا
و ابتداء نزول را نافع باشد صفت آن زهره کلنگ
زهره شبوط زهره بزکوهی زهره باز زهره کبک

مجموع خشک کرده درم شحم حنظل سکنج فرغیون
 از هر یک یکدرم آب رازیانه شیا ف سازند
 شیا ف مرآت بنسخه دیگر ضعف بصروا ابتداء آبر
 نافعست صنت آن زهره باشد زهره غناب
 زهره غرس زهره روباه زهره شمشاد خشک
 کرده سارون آب رازیانه شیا ف
 شیا ف مرآت بنسخه دیگر زهره کلنگ زهره کبک
 زهره کرک زهره بزکوهی زهره راسوز زهره فکور
 زهره کبوتر زهره شیر زهره لعل زهره خوک
 زهره روباه زهره فکور شمشاد ماهی از هر یک
 خشک کرده یکدرم سکنج فرغیون شحم حنظل از
 هر یک یکدرم سکنج را باب بادیان حل کنند

دیگر

و دیگر دارو کوفته و بخته بان بشنند و شیا ف
 سازند شیا ف که قایم مقام مرآت است صنت آن
 زهره بزکوهی در ظرفی مسین خشک کرده درم
 شحم حنظل یکدرم سکنج دو درم فرغیون و نوشادر
 از هر یک یکدرم باب سداب یا آب رازیانه شیا ف
 سازند شیا ف علاح که وجوب و سلاق و ظلمه و
 دمه و سبل و طوره و خونت اجنان را نافع بود
 صنت آن توتیا مغسول شش ما میران چینی و
 شیا ف ما میثا از هر یک یکدرم دار فلفل نجیل زهره
 البحر حفص مندی پوست بلبله زرد ساج مندی
 از هر یک دو مثقال آب غوره پرورده شیا ف سازند
 شیا ف حلیت خیالات و ابتداء آبر نافع است صنت آن

درم روغان دو درم کثیر او صغیری از هر یک

حلیت خرق سیند از هر یک ده درم سکنج سه درم بعل
 سرشته شیاف سازند شیاف دنیا چون بنوعی دیگر بعل
 و طفره و جرب را نافعست و چشم را جلاد هر صفت آن
 اقلیمیا طلا و سیند اب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا
 و مرزهر یک پنجم درم مروارید ناسفته بسد دم الا خون
 از هر یک چهار درم زرنخ سرخ نبات اقا قیا از هر یک نیم
 درم افیون بنت درم زعفران نشاسته روی خسته
 از هر یک کوفته و پنجه شیاف سازند شیافی که جرب و
 سبل و شخم زاید را نافع باشد صفت آن سافج هندی
 شش درم صمغ عربی پنجم درم زنگار سه درم مس سوخته
 و قلع طار سوخته از هر یک دو درم افیون و مرزهر یک
 یک درم زعفران نیم درم باب صاب شیاف سازند

زرنخ

شیافی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن زنگار
 سه درم سیند اب ارزیز و قلع طار اقلیمیا نوره صمغ
 اشق از هر یک دو درم اشق را باب حل کنند
 و دروهای دیگر را کوفته و پنجه بآن بسر کنند
 و شیاف سازند شیافی که بثره و قرصه را سود دارد
 و نشان قرصه را ببرد صفت آن شاخ کوزن سوخته
 مغول از هر یک چهار درم تو بال مس مغول محرق
 دو درم صمغ عربی سه درم افیون یک درم شیاف سازند
 چنانکه رسمت و در چشم کنند شیاف مسلول و بکشیایه
 و بلغم و صفرا دفع کند و درد بشت را نافع بود صفت
 سکنج مقل جاو شیر اشق نمک هندی شخم حنظل
 بوره ارنی سمونیاترید حب المقل صمغها را باب

سداب حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بخته
 بان بسروشند و شیاف سازند هر یکی دو درم شیاف
 که درد پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سردی
 و بلغم باشد نافع بود صفت آن سکنج جاوشیر
 مقل بوره ارمنی اشق رنجیل سورنجان شقاق
 شحم خنظل تخم کرفس ازبانه اینسون نمک هندی ازبوت
 جند پدستر زرباد قسطا مایه زهره سعد سداب
 خشک مساوی کوفته و بخته باب سداب تازه بسروشند
 و شیاف سازند شیافی دیگر که درد پشت و اوجاع
 دوا سیرا نافع بود صفت آن سکنج جاوشیر مقل
 بوره ارمنی اشق رنجیل سورنجان شقاق شحم
 خنظل تخم کرفس ازبانه اینسون نمک هندی ازبوت

جند پدستر زرباد قسطا مایه زهره سعد سداب خشک
 مساوی کوفته و بخته باب سداب تازه بسروشند
 و شیاف کنند شیافی که درد پشت و اوجاع مفاصل
 دوا سیرا نافع بود صفت آن سکنج جاوشیر مقل ازبوت شحم
 خنظل پدستر زرباد قسطا مایه زهره سعد سداب
 سورنجان و تربه ازهر یک سه درم جند پدستر نمد باب
 حل کنند و شیاف سازند شیافی دیگر که عفوان و حوض
 مراغون کند مساوی کوفته و بخته شیاف سازند
 شیاف خیار چتر قونج بکشاید و طبع را نرم کند صفت آن
 نفثه دو درم خطمی سه درم سناک پنج درم نمک هند
 یک درم عسل خیار چتر و شکر سرخ ازهر یک ده درم شیاف
 سازند شیاف نفثه که همین خاصیت دارد صفت آن

بنفشه پنجم سقمونیا و نمک هندی از هر یک دو
 بوره ارمنی و تربد از هر یک سه درم قراقرق و فانی
 از هر یک پنج مثقال شیاف سازند شیاف قوی
 بوره ارمنی ده درم شحم خنظل مقل یکین از هر یک پنج
 درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف
 سازند شیاف فزون ضعیف مثانه و سلس البول متق
 رانیخ بود و باده را قوت دهد صفت آن نارجل حب
 الصبور حب المحلب مقشر مغر بادم تلخ کرم دانه حب
 الزلم از هر یک دو درم فزون چند پدستر سداب
 از هر یک سه درم مقل ده درم آب کندنا شیاف
 شیبانی که مقوی با هست صفت آن حلیمت فزون از
 هر یک یک درم مشک نیم درم کوفته و پنجه شیاف سازند

پنار

شیاف دیگر که مین منفعت دارد صفت آن تنه سومار
 زهره کرک حب القطن عاقر قرحا مساوی کوفته و روغن
 سبیل شیاف سازند شیبانی که استسقاء طبعی رانیخ
 بود و باد دفع کند صفت آن سداب حرم رازیانه تخم
 کرفس تربد سفید بوره ارمنی از هر یک یک درم شکر
 سرخ پنجم باب سداب شیاف سازند شیاف قوی
 دوی و طین که سبب آن اخلاط غلیظ بود را بیل کرد
 صفت آن شحم خنظل یک درم بوره ارمنی سه درم خندبیر
 زراوند مدح و عصا رافستین از هر یک نیم درم
 قسط دانگی نیم فزون دانگی کوفته و پنجه زهره گاو
 بسرشد و شیاف سازند و در وقت حاجت یکی را
 از آن در روغن بادم تلخ حل کرده در گوش چکانند شیاف

که خون رفتن از بوسه باز دارد صفت کندر انزروت
دم الا خون کلنا سرمه زاج سیندا از هر یک یکدرم زنگار
وانکی کوفته و بخته بعسل هر شته شیا ف سازند
شیانی که همین خاصیت دارد صفت آفاقیا الحیه التیس
کلنا کل ارمنی از هر یک یکدرم و دغ سوخته و سفید
از هر یک یکدرم باب سان الحل شته شیا ف سازند
شیانی که همین عمل کند صفت آن عصاره الحیه التیس آفاقیا
جفت بلوط دم الا خون از هر یک یکدرم مریندا
صدف سوخته از هر یک یکدرم باب سان الحل شته
شیا ف سازند شیانی که در عقب مهمل استعمال کنند
اگر در اسهال تقصیری باشد و کرم مزاج را موافق است
صفت آن ترنجبین بخردم صابون تنی و خطی و یک طعام

از هر یک

از هر یک دو درم شکر سرخ بخردم شیا ف سازند شیانی
که اسهال دم را نافع بود صفت آن مرا قاقیا بزر البنج
صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بخته
باب مورد سرشته شیا ف سازند شیانی که شکم
ببندد صفت آن آفاقیا صمغ عربی کلنا کرما زج بلوط
برنج بریا کرده ذره بریا کرده کوفته و بخته شیا ف سازند
شیانی که نافع است از جته زج و اسهال اغراس صفت آن
صمغ عربی آفاقیا انیون مازو بزر البنج کندر کل ارمنی
برنج بریا کرده مساوی کوفته و بخته باب مورد یا اب کشنر
تازه شیا ف کنند شیا ف غیوط آفاقیا آمله کلنا صمغ عربی
کوفته و بخته باب مورد سرشته و شیا ف سازند و پیش
از مجامعت استعمال سازند شیانی که از جته کرم کوچک

در اعراض غلبه طحال باشد سودا دارد صفت آن شخم خطر
 قنطوریون باریک نمک هندی مغز استخوان زردالوی
 تلخ مساوی کوفته و بجنه شاف سازند **باب**
الصاد صغی که بهق ابض بزرگ بدن آورد
 صفت آن تخم ترب شیطج فوه کندش خردل کوفته و بجنه
 بزرگ که بستر کند که ترکند و در آفتاب ببالند صغی که بر ص
 ازان رنگین کند صفت آن شوره مرثب یانی فوه کوفته
 بر در شراب ترکند و چند نوبت ببالند صغی دیگر
 که همین خاصیت دارد صفت آن شیطج عاقر قرحا
 خض خردل شونیز کل شقایق مرزنج زرد فوه
 مساوی کوفته و بجنه بخون بزرگ شده ببالند صغی دیگر
 که همین عمل کند صفت آن شیطج فوه نیل شب یانی

کل سرخ کوفته یک شب از روز در سر که خیسانند در زرد دیگر
 ببالند صغی که بهق اسود را ببرد و بزرگ بدن آورد
 صفت آن تخم ترب ده درم کندش قسط از هر یک ده
 درم بسره که کند ببالند صغی که رنگ را سرخ گرداند صفت
 آن زعفران و کندش هر مصطک مساوی کوفته
 باب بلبوس تر ساخته شب ببالند و صبح با
 گرم بشویند صغی که نشان ابله و جراحات و رشیا
 ببرد و بزرگ بدن آورد صفت آن مرد اسنگ شسته
 بجنی که آرد نخود برنج استخوان پوسیده منقح
 خمره حبالبان قسط کوفته و بجنه بلعاب حلبه
 و بزرگتن شب ببالند و صبح بسوس آب گرم
 بشویند صغی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن

222

ایر ساقط مرده اسنک مغسول شاخ کوزن سوخته بوره اینی
 اشق کوفته بماء الشعیر بالند باب الضاد
 صفت آن صماد البیت صلابت طحال را نافع است متقل و درم اشق
 بکدرم آرد با قلا کرسته بخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترسی
 سنبل از هر یک نیم درم انجیر زرد پست و چهار درم کوفته
 و پنجه بروغن سداب باروغن بابونه ضلاد کنند ضمادی
 که نافعت از جته اورام صلبه معده و جگر صفت آن و صبر
 از هر یک یک درم افستین و سنبل از هر یک یک درم و نیم کوفته
 و پنجه باب کرم ضماد کنند ضماد حی العالم نافعت از جته
 حرارت و درم جگر صفت آن بنفشه چهار مثقال حی العالم
 کل سرخ صندل سعید از هر یک چهار درم قصب الذریر
 دو مثقال کافور یک درم کوفته با گشتی تر تازه ضماد کنند ضمادی

کدرم

223

124

که درم جگر را نافع بود صفت آن جو در سرکه خیسانند تا
 مراه شود پنج درم طباشیر سعید فوفل از هر یک یک درم
 افستین و ورق کل سرخ قصب الذریر صندل سعید
 شیا ف مامینا از هر یک یک درم کافور دانگی کوفته و پنجه
 در لته گتان مالند و بر موضع جگر اندازند ضماد شود
 بنفشه سوس کندم آرد جو خطی آرد با قلا اکلیل الملک
 مساوی کوفته بروغن بنفشه بادام ضماد کنند ضما
 دامیل بزرک حلبه از هر یک ده درم میعه ساییده چهار
 درم موم سعید پست درم بروغن یاسمین ضماد کنند
 ضمادی که شکم ببندد صفت آن اقاقیا مرمله کند رسد
 اذخر سنبل مصطکا از هر یک پنج درم کعک ده درم کوفته
 و پنجه آب به ضماد کنند ضمادی که معده بارده

کرم کند و قوت دهد صفت آن سعد مصطکی سنبل
 قسط افستین از هر یک پنجم اذخر امله و نفل از چینی
 قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته و بخت باب
 ضما کند ضمادی که درم کند معده را تحلیل دهد صفت آن
 مقل حبالبان تخم کرب از هر یک ده درم سنبل الطیب
 اشق مصطکی از هر یک پنجم موم سه درم روغن
 نار دین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند و باقی
 ادویه را کوفته اضافه نمایند و با موم و روغن ضما
 نمایند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
 طبع شب یمانی خطی زرک با بونه مصطکی از هر یک پنجم
 سنبل سعد قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم موم
 سه درم روغن با بونه پانزده درم بطریق معهود

ضما

ضما کند ضما الضیه از جته معده و جگر کرم نافع است
 صفت آن ضدل سرخ و سفید کل سرخ شیاف ما میثاکا
 کوفته و بخته باب غلب الغلب قدری سرکه ضما کند
 ضمادی که استقارقی و استقایی را که با آن حرارت باشد
 نافع باشد صفت آن آرد جو سعد بنگ کو سفند کند بوره
 ارمنی کل ارمنی مساوی کوفته و بخته بسرکه ضما کند ضمادی
 که نفخ طحال را سود دارد و صلابت را نرم کند صفت آن اشق
 بنت درم سداب ده درم بوره ارمنی و فودنه از هر یک
 سه درم کوفته و بخته بسرکه کند ضما کند ضما و اشق
 صلابه طحال را سود دارد صفت آن اشق مقل بوره ارمنی
 نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه و کزبانج از هر یک شش درم
 سداب شش درم گوگرد دو درم انجیر ده عدد انجیر را در سرکه بپزند

۲۷۸

و اشق و مقل در آن بکدازند و باقی ادویه را کوفته و بخت
 اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که وجع رحم و بواسیر را تسکین
 کند صفت آن زعفران ایون بزر البخ به مرغ از هر یک
 دو درم خطمی و زبرک از هر یک پنجم زرده تخم مرغ نیم
 بخته یک بیضه بروغن استخوان زرد الوضاد کنند
 ضمادی که از جمة فوق نافع بود صفت آن جوزالسد و
 دو درم سعد مرصع عربی و مرزنجوش باز و اقا قیا کذر
 از هر یک یک درم کوفته و بخته بشرب کنند ضماد کنند
 ضمادی که میں خاصیت دارد صفت آن جوزالسد و صبر
 ورق سداب بارزد با بونه مساوی کوفته و بخته بروغن
 قسط ضماد کنند ضمادی دیگر که همین منفعت دارد صفت آن
 مصطکی کذر از زردت جوزالسد و برک سرو و مریش

۲۷۹

بلوط مساوی کوفته و بخته بسر که ضماد کنند ضمادی
 که نفوس را در اسود دارد و بقایای او را هم را تحلیل دهد
 صفت آن مقل کذر حلیه بزرک اشق کوفته و بخته
 بشرب ضماد کنند ضمادی که پکا از ابدن بیرون آرد
 صفت آن اشق به از ترکس پنجه کوفته بعسل ضماد
 کنند ضماد اصطخیقون بروده معده و کبد و طحال را نافع بود
 صفت آن انستین سبیل الطیب پنجه صبر سقوطی
 از هر یک سه درم موم را در روغن نار دین یا روغن
 قسط یا روغن زنبق بکدازند و باقی ادویه کوفته و بخته
 ضماد کنند ضمادی که ضعف معده را که سبب آن جراثیم
 باشد نافع بود صفت آن حب الاس آمله عود کلنار
 برک مورد پوست به پوست سیب کل سرخ نقب

پنجه بان ترسانند و هم

الذییره ضدل سرخ و سفید کوفته و بخته بکلاب و
آب کاشنه ضما دکنند ضما قططیون لقوه و فالج
و صداع و درد چشم و شقیقه و درد دندان را
نافع بود و نزلات را از چشم منع کند چون صید
ضما دکنند و چون بر مثانه ضما دکنند بول براند و چون
بر کزنه کی عقرب بالند در ساکن گرداند و چون شکم
ضما دکنند او را م اعضا و باطنه را نافع بود صفت آن
رعی الحمام دو درم موم سفید ده درم رایتج سه درم
روغن زیت چهل درم موم و رایتج را در روغن
زیت بکدازند و رعی الحمام را کوفته و بخته اضافه
نمایند و ضما دکنند ضما دای که اگر بر معده نهند آرد
و اگر بر ناف ضما دکنند شکم براند و اگر بر عانه نهند

حیض

حیض را نه صفت آن برنگ کابلی عصاره قنار الحمار
از هر یک سه مثقال خربق سفید مرد اسکنان یک
چهار درم روغن زیت بکدازند و باقی ادویه کوفته و
بخته بآن خم کنند و بر روی کاغذ پاره کشند و ضما دکنند
ضما دای که چون بر لته کشند و برفم معده اندازند اسهال
سودا کند و چون بر زیر بغل ضما دکنند اسهال صفر کند
و چون بر مابین الوركین ضما دکنند بلغم براند و این
ضما از اسرار اطباست اطفال و پیران و کسانی
را که طاقت اسهال نداشتند مسهل نداشتند برین معالجه
کنند صفت آن ترمس مقشر یک کف یکو بند و در یک
کنند و آنمقدار شیر تازه که آنرا پوشانند بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا ترمس شیر را جذب کند بعد از آن

مسای آن روغن کا و اضافہ نمایند و بچو شانه تا بقوام آید
و استعمال کنند و چون خواهند که قطع اسهال شود لنتہ را بر
دارند و موضع را بکلاب بشویند ضمادی که جبر و کسرونی
را نافع بود صفت آن مغاث ماش کل ارشی از ہر یک
جہار درم خطمی و جواز ہر یک دو درم اقا قیا و صبر از ہر یک
یک درم کوفتہ و پنختہ بآب مورد و زردہ تخم مرغ ضما کنند
ضمادی کہ عرق النساء و وجع الورك را نافع است صفت آن
پوست پنچ کبر فودنہ کوہی عاقر قرحا از ہر یک دو درم کوفتہ
و پنختہ بہتراب غسل ضما کنند ضمادی کہ عین خاصیت
صفت آن نظرون عاقر قرحا از ہر یک دو درم قط
و تخم ترہ تیزک از ہر یک درم زفت پنجدرم زفت را
در روغن زیت بکازند و باقی ادویہ را کوفتہ و پنختہ

اصافہ

اضافہ نمایند و ضما دسازند ضمادی کہ پوست کہ بر کرد
ناخن بر خیزد با صلاح آورد صفت آن مصطکی سہ درم
در پانزدہ درم روغن کل بکازند و دو درم نمک با آن
بہامیزند و بر آن موضع ضما کنند ضمادی کہ از جہت
برص اظفار نافع باشد صفت آن زرنیخ سرخ شب پائی
کو کرد از ہر یک یک درم زفت رومی دہ درم زفت را
عسل بکازند و داروای دیگر کوفتہ و پنختہ با آن بشویند
و ضما کنند ضمادی کہ استسقای طبع را سود دارد صفت
آن بابونہ الکلیل الملک مرزنگوش شبت فودنہ از ہر یک
دہ درم زیرہ کرمانی سہ درم کوفتہ و پنختہ باب سدا
ضما کنند ضمادی کہ ورم بلغی مودہ را نافع بود صفت
آن جودہ پنجدرم الکلیل الملک حماما بابونہ شبت

۹۵۷

مصطکی از هر یک ده درم افستین سنبل صبر از هر یک
هفت درم کندرشش درم پنج خطمی پازرده درم سه
بط دوازده درم پیه مرغ پست درم موم سعید
سی درم ضماد سازند چنانکه رسمت ضمادی بود
تخم کند نابزرگ مقل ازرق از هر یک پنج درم بروغن
کاوشسته ضماد کنند ضمادی که قروح معده را نافع
باشد صفت آن افنون زعفران از هر یک نیم دانگ
مرداسنگ یکمقال سنیاب ارزیز نیم درم روغن
کل پنج درم ضماد سازند چنانکه رسمت ضمادی که افج
میشم و جنبین میت کنند صفت آن تخم حنظل قسط
سداب از هر یک سه درم مرکیدرم کوفته و پخته
بزهره کاوشسته و برعانه و ناف ضماد کنند ضمادی

بوی

که صداع

129

۹۵۵

که صداع بارد را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل الملک
درمنه ترکی شبت ورق الغار مرزنگوش مساوی
بروغن خیری ضماد کنند ضمادی که اسهال صفراوی را
نافع باشد صفت آن برک مورد کل سرخ کلنا و صندل
مارو آمله لادن ساق اقا قیاحضض مساوی کوفته
و پخته بآب مورد سرشته بر شکم ضماد کنند ضمادی
که زلق الا معاً بلغمی را نافع بود صفت آن لادن سعد
مصطکی قصب الذریره اذخر مرزنگوش غلام از هر یک
پنج درم عود و جوز بواقر نقل از هر یک یک درم و نیم کوفته
و پخته بآب مورد ضماد کنند ضمادی که بول الدم را
جس کنند صفت آن کل الرمی کل مخموم صمغ عربی
تخم فرفه کثیره ورق کل سرخ کلنا رشاخ کوزن محرق

۲۵۶

عصاره الحية التيس از هر يك دو درم مار و يك درم
 كوفته و بجنه باب مورد ضما دکنند ضماي که اورام ندي
 را سود دارد صفت آن نان کندم آرد جو با قلا خطمی
 حلبه از هر يك ده درم زعفران نیم درم كوفته و بجنه
 جوهر برزده تخم مرغ ضما دکنند ضماي که نگذاريد که بسیار
 بزرگ شود صفت آن ودع سوخته آرد جو مساوي
 بسر که بسر شند و در هر ماهي سه روز متوالي ضما دکنند
 ضماي که آماح ششم بنشانند و درد ساکن کند صفت آن
 آرد جو ده درم با قلا بجزرم اقا قيا یک درم سفیده
 تخم مرغ یک پهنه با کشتیر تر و آب کاشنه مزوج
 ساخته ضما دکنند ضماي که ارجهه اختلاط عقل و
 امراض حاده نافع است صفت آن آرد جو ده درم

بهری

130

۲۵۷

سبوس کندم بنفشه از هر يك پنج درم خطمی سه درم
 باب برک پدور و غن و قدری سرکه ضما دکنند
 ضماي که آماح بن نشانند صفت آن پنه بط
 و پنه مرغ از هر يك بجزرم خطمی سه درم باب برک سه
 درم و غن بکدازند و بجزرم بشک کوسفند کهنه کوفته
 و بجنه بآن بسر شند و ضما دکنند ضماي که اسهال را
 که بسیار صنف قوت با ضمه و برودت جگر را
 نافع باشد صفت آن سبیل قصبه لذریره افستین
 رومی قشور کنده مصطکی لادن برک مورد و ورق کل
 سرخ صندل از هر يك ده درم پوست انار ترش
 و آمله از هر يك با برزده درم كوفته و بجنه بنفشه کهنه
 ضما دکنند ضماي که درد بواسیر را بنشانند صفت آن

۹۵۹

مقل که بن شتر مغز ساق کاو مغز استخوان زرد الوسیه
 زرده تخم مرغ مساوی در روغن کاو که باز در آن جوشانیده
 باشد حل کنند و ضماد سازند و باز بر روغن کاو بریان
 کرده نیز ضمادی نافهست ضمادی که قیله المار را نافهست
 صفت آن آرد جو شک کو سفند کل ارمنی سر کین کاو خشک
 از هر یک دو درم سعد بوره ارمنی ریزه کرمانی مسخسته
 شحم خنظل صبر ستوطی قنار الحار از هر یک یک درم کوفته
 و بخته بسر که ضماد کنند ضمادی که افراط طث را نافه بود
 صفت آن عدس متشربوت انار ترش مازو برک مورد
 مساوی کوفته و بخته بسر شدند و برشت و شکم و عانه
 ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاده کند صفت آن
 آرد باقلاده درم تخم بادروج پنجم کوفته و بخته

بکر

131

۹۶۰

بآب بادروج ضماد کنند ضمادی که نکند آرد که ناف
 بیرون آید صفت آن شب یانی سه درم مازو سه عدد
 کوفته و بخته بشش درم سر که ضماد کنند و بر فاده محکم
 ببندند ضمادی که نقرس مرکب را نافه بود صفت آن مغش
 خطی تخم مرو آرد جو سور بخان مساوی بر روغن کل زرد
 تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که جمیع انواع مفاصل را نافه بود
 صفت آن بابونه خطی اکلیل الملک از هر یک دو درم ضماد
 کنند چنانکه رسمت ضمادی که جمیع اورام حاده را در ابتدا
 نافه بود و ماده را دفع کند صفت آن شیاف ما میثاقا قیا
 فو فل صندل سرخ بآب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی
 که بواسیر و درد مقدر او زحیر را نافه بود صفت آن
 مغز ساق کاو ده درم موم سعید سه درم اقا قیاد دم لاجون

بآب بادروج ضماد کنند ضمادی که نکند آرد که ناف
 بیرون آید صفت آن شب یانی سه درم مازو سه عدد
 کوفته و بخته بشش درم سر که ضماد کنند و بر فاده محکم
 ببندند ضمادی که نقرس مرکب را نافه بود صفت آن مغش
 خطی تخم مرو آرد جو سور بخان مساوی بر روغن کل زرد
 تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که جمیع انواع مفاصل را نافه بود
 صفت آن بابونه خطی اکلیل الملک از هر یک دو درم ضماد
 کنند چنانکه رسمت ضمادی که جمیع اورام حاده را در ابتدا
 نافه بود و ماده را دفع کند صفت آن شیاف ما میثاقا قیا
 فو فل صندل سرخ بآب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی
 که بواسیر و درد مقدر او زحیر را نافه بود صفت آن
 مغز ساق کاو ده درم موم سعید سه درم اقا قیاد دم لاجون

کندر مر از هر یک نیم درم مرد اسنک سفید اب ارزیز
 از هر یک یک درم و نیم درم مقل یک درم افون دانی روغن
 کل بت درم بطریق معهود ضما دکنند ضما دی که مخصوص
 بواسیر است صفت آن روغن مغز استخوان زرد الو
 پنج مثقال سه بطا بخدرم میعه سایله سه درم مقل
 دو درم زفت یک مثقال و نیم ضما سازند ضما دی که همین
 خاصیت دارد صفت آن بازو کند نا بخته در روغن کاو
 بریان کرده از هر یک پنج درم مقل یک درم زعفران نیم درم
 افون دانی و نیم ضما دکنند ضما دی که همین عمل کند
 صفت آن روغن مغز استخوان زرد الو ده درم کوبان
 شتر نه مثقال برک شفتا لو خشک و موم سفید از
 هر یک سه درم مقل یک مثقال مرد اسنک دو درم

ضما

ضما سازند ضما دی که درم بارد خصیه را نافست صفت
 آرد باقی حلبه بابونه میز منقی روغن کنجد ضما دکنند ضما دی
 که خایزر را تحلیل کند صفت آن کثیرا بخدرم ناخوله دو
 درم صبر یک درم باب کشنر تازه ضما دکنند و الله اعلم
باب الطاء طلا که از خفه
 صداع حار نافع باشد صفت ضدل سرخ و سفید تخم گاو
 از هر یک سه درم کل نیلو فر کل سرخ از هر یک چهار درم
 زعفران یک درم افون شیا ف مایشا از هر یک دو درم
 پنج نفاع یک مثقال اب برک کا هو تر ساخته بر پشانی و ^{عن}ین
 طلا کنند طلا که ورم پس گوش را نافع بود صفت
 ضدل سرخ و فلفل شیا ف مایشا صبر زعفران مر مساوی
 بکلاب طلا کنند طلا ر عاف صفت آن آرد کلتار

افاقیا عصاره الحیه التیس فیون ضدل سفید
 از هر یک سه درم کافور دانکی بکلاب تر ساخت
 بر پشانی طلا کنند طلایی که همین خاصیت دارد
 افاقیا عصاره الحیه التیس فیون ضدل سفید از هر یک
 سه درم کافور دانکی بکلاب تر ساخت بر پشانی
 طلا کنند طلایی که همین خاصیت دارد صفت آن
 افاقیا ناشسته کل ارمنی کلنار مساوی کوفته و بخت
 باب مورد یا آب برک تاک یا ابسان الحبل شسته
 بر پشانی طلا کنند طلایی که مویر از زنجیر نگاه دارد
 صفت آن بر سیاوشان لادن افشیدن حب الغار
 مساوی بگویند و در روغن موردین پزند و طلا کنند
 طلایی که شکستن و شکافتن مویر اسود دارد صفت آن

برک جعفر لعاب برزقنونا در حمام بر سر و ریش طلا
 کنند طلایی که سیوم را بر دصفت آن آب برک جعفر
 جمل درم بوره دو درم زهره کاویک درم بعسل بپزند
 و بر سر طلا کنند طلایی که منع انبات موی کند صفت
 آن وزغ را در سایه خشک کنند و بسایند و خون لاک
 پشت نری خشک کرده و ایک باب بپزند چون
 موی بغل و عانه بر کنده باشند و بسایند و بپزند و بپزند
 موی زوید و جمیع مخدرات و مبرات همین خاصیت
 دارد مثل آنکه موی از موضعی بر کنند و آن موضع را
 بینک و اینون و شوکران بخت طلا کنند چند بار منع
 انبات کنند طلایی که درین باب مجرب است صفت آن
 شیره انجیر و خایه مورچه و رنده البجر و ترشی ترنج

۲۶۴

از هر یک قدری بیکدیگر مزوج سازند و مویرا بترکنند
 و سه بار بر آن موضع طلا کنند منع انبات کند
 و اگر پیش از بلوغ و انبات عانه این طلا را استعمال
 نمایند موی از آنجا نروید طلائی که موی برویاند
 دار الثعلب نافع باشد صفت آن لادن سوخته
 چوب کتان کل شقایق باروغن مورد طلا کنند
 یا برک مورد کوفته بالادن و مرور و روغن مصطکی
 بالند یا فتاح اذخر و قنقل و سعد و مازو کوفته و نجبه
 با شراب طلا کنند با سم اشتر محرق یا روغن دنبه
 بالند بعد از آنکه باز عنصل چندان مالیده باشند
 که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زنده البحر و برنجاسف
 سوخته بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند

طلا

134

۲۶۵

طلایی که حله و جرب یا بس نافع بود صفت آن
 مغز استخوان زرد الوی تلخ ریواس از هر یک پست درم
 و نیک طعام و زیت مقول از هر یک دو درم مجموع
 در پست درم ماست مزوج سازند و در حمام طلا
 کنند و یک ساعت بگذارند پس بشویند طلایی دیگر که
 همین خاصیت دارد صفت آن زیت مقول شحم خنظل
 اقلیمیا انقرا عدس مقشر مساوی بسرکه و روغن کل
 طلا کنند طلایی که همین منفعت دارد صفت آن
 مغز بادام تلخ سنار یکی مرداسنگ از هر یک سه درم
 کچمده درم بسرکه و روغن کل طلا کنند طلایی که از خیمه
 جرب رطیب نافع بود صفت آن کند شش ملی مرداسنگ
 از هر یک ده درم نیک پنج درم بسرکه و روغن کل تر

در حام طلا کنند و سه ساعت بگذارند پس
بشویند و باب کرم بشویند طلایی که همین خاصیت
صفت آن کوگرد زرد یکشتال پیر زرد و مشتال روغن
کل ده مشتال روغن پیر را در روغن بکدازند و کوگرد را
صلایه کرده بدان مزوج سازند و شب بالند و صبح
در حام بشویند طلایی که همین منفعت دارد و زیت
مقتول بچرم کندش و درم زرا و نرطویل بشت
درم بروغن کل سه روز طلا کنند طلایی که همین عمل
کند صفت آن عاقه و قحام و مزج خردل خنار و نرطویل
کوگرد مر مساوی بروغن دینه مزوج ساخت طلا
طلایی که از جهت جوب نظیر ندارد مگر با تجربه رسیده
صفت آن کوگرد خنار از هر یک نیم مشتال و نرطویل و انکی روغن

دینه بیت مشتال بطریق معهود بیکدیگر مزوج سازند
و شب بالند و صبح در حام بسوس و سرکه و آب کرم بشویند
طلایی که از جهت حکه نافع است صفت آن تخم خشخاش
و اسفناج کوفته در سرکه خیسانند و در حام بالند طلایی
که حکه خصیه را نافع باشد صفت آن شیاف مامیشا
اقاقیا از هر یک چهار درم شنان دو درم نوشادر و انکی روغن
یک طسوج کوفته و بجنه روغن کل و سرکه تر کرده طلا کنند
طلایی که همین خاصیت دارد صفت آن شیاف مامیشا
اقاقیا از هر یک سه درم صبر و نوشادر از هر یک چهار درم انگ
نشاسته یک درم بکلاب و سرکه طلا کنند طلایی که قویا
نافع باشد صفت آن کوگرد و درم سنیاب بشت درم
مویزج یک درم سرکه طلا کنند چنانکه رسمت طلایی که همین

خاصیت دارد صفت آن خربق سینه چهار درم ترس
 صدف سوخته نظرون از هر یک سه درم کوفته و بخته
 بسر که تر ساخته طلا کند طلایی یک که همین خاصیت دارد
 صفت آن اشق ترس از هر یک یک درم بوره ارمنی دو درم
 بسر که گشته سرشته طلا کند و بعد از ساعتی باب کرم بشوید
 طلایی که قطع نایل کند صفت آن مازو شب یانی تخم
 جرجر کوفته و بخته بزهره کا و بسر شند و چند نوبت طلا کند
 طلایی که سوختگی آتش را نافع بود صفت آن عدس متشتر
 و کل سرخ پزیز تا مراه شود پس خنیداب وارد جو و روغن
 کل آن بپا میریزد و طلا کند طلایی که تریل الماس نرم
 کند که بعد از چهار میای دراز در پا و پشت چشم و روی
 شود زایل کند صفت آن صبر اقا قیام سعد شیا و نامیشا

اغزان

زغفران حضض کل ارمنی کوفته و بخته بسر که و آب عنب
 الثعلب طلا کند طلایی که صداع را نافع باشد صفت آن
 مرزغفران اینون بزرالنج کند رساوی بکلاب تر کرد
 بر صدغن طلا کند طلایی منوم بیلوفر بنفشه تخم کا
 از هر یک سه درم پوست خنخاش شیا و مامیشا از هر یک
 دو درم صندل سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و بخته
 بآب برک کا هو تر ساخته بر پشانی و صدغن طلا کند
 طلایی که اسهال و قی باز دارد صفت آن کل سرخ بچدرم
 اقا قیام کلنا را زو شب یانی جوز السرو صندل سرخ و سفید
 عدس برک مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم باب
 به بر شکم و معده و پشت طلا کند طلایی که ورم جارجر را
 نافع باشد صفت آن بنفشه خطی آرد جوارز هر یک هشت درم

کل سرخ چهار درم صندل سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک
 تخم کاشنه تخم کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیانف یا مینا
 سه درم ریوند چنی یک درم سنبل نمد درم کوفته و بخته بکلاب
 و آب کاشنه طلا کنند طلایی که درم حار خصیه را نافع
 صفت آن بابونه و اکلیل الملک خطی شیانف یا مینا
 در بندی از هر یک هفت درم کوفته و بخته بکلاب
 و آب کاشنه طلا کنند طلایی که افراط حیض را باز دارد
 صفت آن کل سرخ عدس معشر از هر یک پنجم درم اقا قیا
 کلنا صندلین از هر یک سه درم کل ارمنی چهار درم
 بلوط و طباشیر از هر یک یک درم کوفته و بخته آب
 برعانه و پشت طلا کنند طلایی که از جهت بنات
 اللیل نافع باشد صفت آن خطی بابونه اکلیل الملک از

۲۶۱

هر یک چهار درم ترمس پوشن ربندی از هر یک یک درم
 مرشیاف یا مینا از هر یک یک درم و نیم آرد با قلا سه درم
 کوفته و بخته آب کرفس طلا کنند طلایی که جهت سعه
 ترک بر روی اطفال باشد نافع بود صفت آن سفید
 ارز سه درم کل سرخ دو درم کلنا روزر جوبه از هر یک
 یک درم کافور طسوجی موم سفید دو درم و نیم روغن کل ده درم
 موم را در روغن بکدازند و باقی ادویه کوفته و بخته بآن
 مخموج سازند و طلا کنند طلایی که همین خاصیت دارد
 صفت آن ایشان بنر و مرد اسنک از هر یک پنجم درم
 کل ارمنی خض پوت انا را از هر یک سه درم خاقینیل
 از هر یک چهار درم اقا قیا شیانف یا مینا صندل از هر یک
 دو درم بکلاب تر ساخته طلا کنند طلایی که از جهت

سغه صفت آن برک همک چهار درم خا و مار و از هر یک
دو درم بروغن دینه طلا کنند طلایی دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن آب برک چند روغن دینه از هر یک
صد درم بچوشانند چنانکه آب برود و روغن بماند بعد
از آن برک همک خا از هر یک بخورم کوفته و بخته با
نمروج سازند و طلا کنند طلایی دیگر از جهت سغه که در بدن
اطفال پیدا شود صفت آن زرد چوبه خا و زرد و در شک
پوست انار بروغن کل و سرکه طلا کنند طلایی که از جهت
سغه گنده نافع بود صفت آن نمک محرق راج محرق
کوگرد خال رنق مار و زرد چوبه زراوند و در شک
پوست انار بروغن کل و سرکه طلا کنند طلایی که از جهت سغه ترا
گنده نافع بود صفت آن نمک محرق راج محرق کوگرد خا

مار و نشان

و نشان بر سر که تر کرده چند نوبت بمالند و اگر صابون
بکلاب بزنند تا کف برآورد بعد از آن پنج بنفشه و موم
سیند و روغن بنفشه با دامن از هر یک قدری اضافه نمایند
و طلا کنند و یک ساعت بگذارند پس آب کرم بشویند
سغه را متاصل نماید طلایی که شش دفع کد صفت آن
میونج شوره از هر یک دو درم زرنج سرخ یک درم و نیم
رنق مقبول یک درم بر سر که و روغن کل طلا کنند و اگر بدن
را بروغن کافیشه چرب کنند و بانی که در آن کل سرخ
و برک مورد چوشانند باشند بشویند بغایت نافع
باشد طلایی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
میونج زرنج سرخ زراوند طویل مساوی بروغن
بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آنکه عرق کرده باشد

طلای که شش دفع
کد

۲۷۷

طلایی که کلف را بر دشت آن پوست تخم مرغ است
 باب خربزه پرورده آرد جو پنج نی پوست عدس آرد
 باقلی فوفل کف دریا می ران چنی مساوی باب ترب
 طلا کنند طلایی که برص را بر دشت آن سبندان سبند
 زرنج سرخ مساوی بشیر تازه طلا کنند طلایی که اثر
 زردی از روی بر دشت آن زراوند مدح شیطج
 هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد خود عدس سرخ
 از هر یک پنجم سبند تخم مرغ تر سازند و شب طلا
 کنند و صبح بآبی که تخم خرفه نمکوفته در آن جوشانند
 باشند بشویند طلایی که حصف را نافع بود دشت آن
 خاوندک کوفته و پنجه بسر که تر سازند و در حمام مالند
 و یک ساعت بگذارند پس باب سرد و سوسن شویند

طلایی

139

۲۷۸

طلایی که جذام را نافع باشد دشت آن نظرون اشق
 فنیون کوگرد زرد برک انجیر مساوی بسر که طلا کنند طلایی
 که از جهت کلف نافع باشد دشت آن ترمس تخم ترب
 تخم جو حیر قسط مغر بادام تلخ پوره ارمنی فلفل مقل مساوی
 باب برک ترب طلا کنند طلایی که بهق و برص از ایل
 گرداند دشت آن فوه کندش شیطج فردل تخم ترب
 مازیون تخم حنظل خرب سیاه و سفید میوینج سقوتیا
 از هر یک یک و شقایق دو جزو کوفته در سر که خیسانند
 یک شب از روز و بعد از آنکه در حمام کیسه بر آن مالیده باشند
 طلا کنند و مروارید طلا کرده با سر که مالیدن همین عمل کنند
 طلایی که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج کند دشت آن
 انستین سه درم برک شفا لوده درم زهره کاو یک عدد

دست آن کل شقایق سقوتیا شیطج تخم ترب فردل
 در یک بکشتال کوفته و پنجه در سر که خیسانند روزی

بر حوالی ناف طلا کنند طلایی که چون بر سر افق مالند مبر و باید صفت
آن فصل گفته و بخت بر هر دو کف و عمل شده طلا کنند
طلایی که شعله و برود در ناف صفت آن که در هر یک یکدم
لاون شب یا بی بوره از منی از هر یک و انکی و نیم موم نرم درم
بروغن زیت طلا کنند طلایی که چون بر پشانی و پشت لب
مالند آینه دارد در اسود دارد و ماده را هیچ کند صفت آن شیان
ما میثا جبر حفص کل سنج ضدل سنج فلفل زعفران مساوی با ب
کشیز تازه یا آب کاشنه تازه طلا کنند طلایی که شریان را
ناخن به صفت آن جبر یکدم شیان ما میثا اقا قیام منبذ از هر یک
دو درم زعفران نیدرم گفته و بخت با آب مورد یا با آب
کاشنه طلا کنند طلایی که در چشم را بنشانند و در ساکن
کند صفت آن عدس شتر ضدل کل سنج از هر یک دو درم گفته

بخت

و بخت کافور دانکی و نیم باب کاسنه بر پشانی و جفن طلا
کنند طلا کنند دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن جبر شیان
ما میثا حفص کی زعفران اینون اقا قیام کل سنج ضدل
سنج مساوی با آب عنب الثعلب یا طلا ب طلا کنند طلایی
که صداع بار در اناخ بود صفت آن مشک جبر فنیون جند
پدستر صغ عربی عود زعفران از هر یک دو دانک اینون دانکی
و نیم باب کرفس یا آب مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ باده
کشند و بر پشانی و صد عنین اندازند طلایی که عده را نافع
باشد صفت آن جبر زعفران اقا قیام فلفل کل ارمنی ضدل
سنج شیان ما میثا با آب کاسنه با آب عنب الثعلب
طلا کنند طلایی که سکه را نافع باشد صفت آن فودل جند
پدستر لب که کهنه بر سر طلا کنند بعد از آنکه سر را تراشیده باشند

۲۶۹

طلایی که لقه را سود دارد صفت آن صبر حنض می م
 ما از هر یک یک درم زعفران دو دانگ بکلاب طلا کنند
 طلایی که مجو طعین را سود دارد صفت آن صبر حنض
 اقا قیاصار حلیه التیس باب غلب الثعلب طلا کنند
 طلاد البرد اورام حاره را نافع باشد صفت آن
 ضدل سرخ و شیاف ما میثا از هر یک سه درم کل ارمنی
 دو درم نوقل اقا قیاص حنض می از هر یک دو درم سفید
 ارزیز مرد اسنک از هر یک یک درم تمولیا پنجم درم کوفته
 و پنجه باب کاشنه بر سر شده و کلوها سازند بر طلا
 مثال کبشین و در وقت حاجت یکی را از آن ماباشند
 تازه بسایند و طلا کنند طلایی که شکم ببندد و اسهال
 باز دارد صفت آن اقا قیاصعد و کندر کعک جوز السرو

مازو

۱۴۱

۲۶۹

مازو کل سرخ کل ارمنی کا و رس سرخ عدس بلوط کلنار
 بزر النج ضدل آب مورد یا آب به بر شکم طلا کنند طلا
 که چون بر خصیه اطفال مالند نگذارند که بزرگ شود صفت آن
 قیمولیا و سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یانی
 و مازو از هر یک یک درم بنک یک درم و نیم کوفته و پنجه
 بصل روغن مورد چند نوبت طلا کنند طلایی که
 استقای طمی نافع باشد صفت آن درمنه زکی ضد
 سوخته بوره ارمنی سر کین کا و کینه مساوی بسره طلا
 کنند طلایی که منع آبستنی کند و اگر آبستن باشد بچه
 بیندازد صفت آن سد خشک نظرون مساوی کوفته
 و پنجه آب سداب تر بر سر شده و بر قضیب طلا کنند
 و مباشرت نمایند طلایی که بر آبستنی معین باشد

صفت آن حبلسان جاوید مقل باد آورد مساوی کوفته
 و بخته بار نه کاور قضیب طلا کنند و بگذارند تا خشک
 شود و بعد از آن جماعت کنند زن آبتن شود طلا
 که همین خاصیت دارد صفت آن برک سجد خشک بگویند و با زهره
 کاور قضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلائی که گزشت
 عرق زایل کند صفت سک کل سرخ سنبل سعد شب یانی
 مر از هر یک قدری کوفته و بخته بکلاب تر ساخته بر بدن
 طلا کنند طلائی که ضان را زایل کرد اند صفت آن
 راسن زراوند طویل برک خیار کاغذ ابکینه مجموع خسته
 زعفران مساوی کوفته و بخته بآب مورد بشویند
 و کلوها سازند و خشک کنند بعد از آن بغل را بچاشند
 تا خون آلوده شود و یک کلو را از آن بکلاب سوده

دران

دران مالند و یکشنبه روز بگذارند و دیگران نتن
 نباشد طلائی که حبس عرق کند صفت آن برک مورد
 کلنار مارو مساوی کوفته و بخته بآب غوره یا آب
 برک مورد تر سازند و بر بدن طلا کنند طلائی که ضا
 نافع باشد صفت آن شب یانی مر کل سرخ برک مورد
 مرد اسنگ بغل را بآب ایشان بشویند و دار و با کوفته
 و بخته بکلاب تر ساخته بر آن طلا کنند طلائی که منع
 نزلا کند صفت آن اقا قیصر شیا فامیشا حوض
 مکی کل ارمنی صمغ عربی کوفته و بخته بعنیده تخم مرغ
 بشویند و بر پشایی و شقیقه طلا کنند طبعی که حیض
 براند صفت آن اسارون یکدرم سداب نیم درم
 رازیانه دودرم لوبیا سرخ یکدرم عسل دودرم بخور

ط

وصاف کنند و سه روز متوالی باز خورند طبعی دیگر که
 همین خاصیت دارد و نافست مردان را نیز خوب ایشان
 محبتش شده باشند صفت آن افسیتن در منه ترکی
 ترس سداب را زبانه تخم کرفس از هر یک دو درم
 انجیر پنج عدد کلقتنه ده مثقال بجوشانند چنانکه سمیت
 و صاف کنند و سه روز متوالی باز خورند و سه روز دیگر
 استراحت نمایند و باز سه روز دیگر بنوشند همچنان
 عمل میکنند تا اداری تمام واقع شود طبعی کرفی
 را باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار
 دانه ده درم مصطکی و نعنای خشک از هر یک یکدرم
 در یکرطل آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند
 و عود و سکه از هر یک یکدرم کوفته و بجنه اضافه کنند

بولند

و بنوشند طبعی دیگر که حیض براند صفت آن لوبیای
 سرخ حلبه اینست فوه از هر یک چهار درم سداب سه
 درم در سه رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید صاف کنند
 و قدری شکر اضافه کنند و هر صبح چهار درم بنوشند
 طبعی دیگر که همین منفعت دارد صفت آن لوبیای سرخ
 سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه
 دو درم در پنج رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف
 کنند و قدری میمنه اضافه کنند و هر صبح دو درم
 بنوشند **باب العین عطوسی**
 که فالج و سکته و لقوه را و امراض بارده را س را
 نافع بود و شقیقه و دماغ را از اخلاط پاک کند و عسر
 البول سود دارد و اخراج میثم کند صفت آن کنش

شونیز و فیون فلعل چند پدتر زاوند جب بلسان مشک
 عاقوق حابوره ارمنی مساوی کوفته و بخته در پنی دمنده
 عطوسی که همین خاصیت دارد صفت آن شخم حطل
 فلعل اسطوخودوس چند پدتر از هر یک سه درم کندش
 هشت درم کوفته و بخته قدری در پنی دمنده عقد سیماب
 از جهت سرعت اثر آل نظیر دارد صفت آن زینق پنج
 مثقال یا قدری سرکه بدسته ابکینه یا آهن نیک صلاینه نماید
 تا کشته شود و سه مثقال نیک بندی سوده داخل نمایند
 و مغزه اینین را بهر از سرکه سازند و اینها را در لیلان مغز ریخته
 و بر سر آتش نهند و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک
 اندک بخورد آن میدهند و بدسته ابکینه یا آهن بهم میزنند
 تا بلغم شود بعد از آن آنرا بوصله مثقالی پاک بپالایند

عقد سیماب

آنچه در کرباس باندستانند و چندان آب بشویند
 که تمام پاک شود و هر که از آن برود پس آنرا کلوله سازند
 و میان آنرا سوراخ کنند و ریسائی در آن بگذارند
 و در آب لیواندازند و یکشب بگذارند تا محکم شود و مانند
 جری بعد از آن آنرا در روغن تازه بجوشانند و در
 محل حاجت در دهن نگاه دارد و چون خواهد که اثر آل
 بشود از دهن بیرون آورد **باب الفین**
 غرغره از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم هشت صفت
 نوشادر سه درم رنجیل نیک بندی شونیز عاقوق حابورج
 صعتر ایاره فیهرا ایرسا از هر یک همت درم پوره
 ارمنی وج از هر یک پنج درم زوفادار فلعل از هر یک ده درم
 کوفته و بخته بعسل بپوشند و با سکنجبین غرغره کنند

246

غزغزه که قروح حلق را نافع باشد صفت آن زاج سفید
 و سیاه کاغذ سوخته مازوی سبز کند رخسار عفوان از
 هر یک یک شقال کوفته و بخته بسره که غزغزه کند غزغزه دیگر
 که همین خاصیت دارد صفت آن مازوی سبز کاغذ خسته
 زنگار زاج سفید کوفته و بخته بسره که غزغزه کند غزغزه دیگر
 که همین منفعت دارد صفت آن اصل السوس فرب
 کوفته و بخته بعسل و کلاب غزغزه کند غزغزه دیگر که همین
 عمل کند صفت آن کند یک درم مازو سوخته یک عدد درکار
 بنمردم کاغذ قرنکی سوخته یک ورق زعفران دانگی کوفته
 و بخته در سرکه و عسل نمکرم غزغزه کند غزغزه که فبالج
 و لغوه و صرع را نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظ
 پاک کند صفت آن ایاره فیتوارج فودل مویز عاقور ح

رطب

145

247

رنجیل فودنه صغتر اصل السوس پوست نج کبر کوفته
 و بخته بعسل غزغزه کند غزغزه که ثقل لسان و سکت
 و فالج را سود دارد صفت آن مویز فودل رنجیل
 عاقره حافلعل ارقلعل بوره ارمی ایر سامر زنگوش
 مساوی کوفته و بخته بکچین غزغزه کند غزغزه که خاقا
 و ذبح صفراوی و دموی را نافع باشد و حرارت لمات
 بنشانند صفت آن کل سرخ طباشیر نشاسته تخم کل عزان
 از هر یک دو درم تخم کرفس سه درم مازو سماق از هر یک
 بنمردم قند چهارده درم کوفته و بخته بکچین غزغزه کند
 غزغزه که دماغ را از فضول پاک کند صفت آن مویز دانگی
 و نیم عاقره حاقور فودل از هر یک بنمردم کوفته و بخته بکچین
 عسل غزغزه کند غزغزه که قلاع و استرخالنه و ذبح را

نافع باشد صنت آن ساق برک مورد کل سرخ رین
 جو شاییده صاف کرده رب توت ده درم اضافه نمود
 غرغره کند غرغره که سقوط لهات را که سبب آن رطوبت
 باشد نافع بود صنت آن کلنا رشن درم شب یا
 نکل اندرانی دو مثقال نیم اقیاق الرمان و تخم کل از یک
 یک درم و نیم کوفته و بخته رب توت غرغره کند غرغره که قلاع
 سوداوی را نافع بود صنت آن ساق کل سرخ کشین
 کلنا برک مورد فروب جو شاییده غرغره کند غرغره
 که نافع است از جهت سرفه که سبب آن زله باشد صنت
 کل سرخ کلنا فروب جو شاییده و صاف کند و بش از
 خواب غرغره کند غرغره که روی را سفید و صاف
 و براق گرداند صنت آن آرد جوار د خرد آرد با قلا

نکته

نشاسته کثیر تخم رب کوفته و بخته بشیر تر سازند و شب
 بر روی مالند و صبح باب کرم و سیون بشوند غرغره دیگر
 که همین خاصیت دارد صنت آن آرد جوار د با قلا آرد بخود
 از هر یک یک جزو و عدس مقشر کثیر انشاسته زعفران از
 هر یک نیم جزو و مغز تخم خربزه دو جزو و بعبیده تخم مرغ شسته
 شب مالند و صبح بآبی که در آن پوست خربزه و بخته
 جو شاییده باشند بشویند غسولی بیک که عین منفعت
 دارد صنت آن با قلا مقشر کرسته ترمس تخم رب
 مغز تخم خربزه بخود نشاسته کوفته و بخته روی را بداند
بشوند باب الفاء فنجوش
 معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود و باده را زیاده
 و رنگ را نیکو گرداند و دفع سرعت انزال کند صنت آن

پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست بلبله و آمله
مقشر و شیطج هندی و سنبل الطیب و فلفل و دار فلفل
و زنجبیل و سعد از هر یک ده درم تخم شبت و تخم کندها
از هر یک چهار درم خشت الحیدر صد درم عسل سه وزن
ادویه خشت الحیدر چهار شبار و زرد سرکه خنیا سده بعد
از آن خشک کنند و صلابه نمایند چندانکه بر روی آب
بایستد و بته آب فرو رود و باقی ادویه کوفته و بخته
اضافه نمایند و عسل همچون سارند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شرتی دو درم مشک اضافه میکنند
فیروزش شیان و قویج و مغصص می و امراض
زنانه را که سبب آن برودۀ باشد سود دارد و باد پاک
غلظت را دفع کند صنت آن فیون عاقره قاضی

از آن

زعفران از هر یک هفت درم افیون و بزرابنج از هر یک
پست درم کوفته و بخته عسل سه شش و بعد از شش ماه
استعمال نمایند فیروزش مشک معده را قوت دهد و
باه را زیاده کند و سرعت از را را دفع نماید صنت آن
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطج هندی تخم
کرفس خیر بوا قسط تلخ سیلخه قنقل سیاه خولجان
مشک از هر یک شش درم پوست هلیله آمله مقشر ناخواه
دار فلفل از هر یک چهار درم تو درین قوه سنبل جوز بوا
زنجبیل فلعوئی از هر یک شش درم سعد ده درم مشک دو
شقال غیر یک شقال خشت الحیدر مدبر وزن ادویه روغن
کا و جمل شقال عسل مصنوعی دو وزن و نم ادویه بطریق
محمود همچون سارند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شرقی دو درم به نیند زبیب یا بشیر کو سفید فنداق^{تین}
 درد معده و امعاء را سود دارد و معده را گرم کند
 و باد را بشکند صفت آن زعفران انجدان تخم سداب
 تخم کرفس نخیل حاشا مغز جلعوز از هر یک شش درم
 غسل دو وزن ادویه شرقی یک مثقال تا دو مثقال
 فنداق بقیون بنحو دیگر منافع هر دو قریب بیکدیگر است
 صفت آن زنجبیل فلفل سیاه از هر یک شش درم
 مصطکی ناخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنه
 از هر یک دو درم سادج هندی یک درم کوفته و بخته
 بعسل معجون سازند فلو نیارومی این معجون مبارک است
 نزلهای باز دارد و در دماغ ساکن گرداند و قی الدم و اسهال
 و قویج و هیضه و سیلان طمث را نافع باشد صفت آن

فلفل

فلفل سفید و دار فلفل و بزرالنج از هر یک پست مثقال
 تخم کرفس کوهی و سبیل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم
 کرفس بنطی سه مثقال سادج هندی سیخ حب بلبلان^{عاقوق}
 زفیون از هر یک یک مثقال و در بعضی نسخها بعضی تخم
 کرفس بنطی دو قو است مجموع کوفته و بخته بعسل معجون^{سازند}
 و بعد از شش ماه استعمال نمایند شرقی دانکی تا نیم مثقال
 از حبه قویج و در طبع نشت و از جهت درد کرده در طبع حبه
 و از جهت درد معده در طبع اینیون و از حبه سبز
 با سکنچین و از حبه کرده و مثانه در طبع رازیانه و از حبه
 بازداشتن خون در طبع ساق دهنه فلو نیارومی
 استخراج خون از هر موضع که باشد باز دارد و رحم را قوه
 دهد و باد را در رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید

۹۹۷

و اسهال و قی باز دارد و درد با بنشاند و دماغ را قوت دهد
 و حافظه زیاده کند صفت آن فلفل سیند بزالبخ از هر یک
 بیت درم افیون و کل محنوم از هر یک ده درم غزن
 پنجم درم فرغون سنبلی عاقر قرحا از هر یک دو درم حب
 بدستریک درم زرنباد درونج مردارید ناسفت مشک
 از هر یک نیم درم کافور دانگی و نیم کوفته و پنجه عسل بشن
 و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتیک درم خود بخ
 درد معده و جگر که سبب آن برودت باشد و حیث
 بلغمی تب ربع و تهای کهنه را سود دارد صفت آن
 فودنه نری و فودنه کوهی و فطر اسالیون و سیالیون
 از هر یک دوازده درم تخم کرفس یا بونه حاشا از هر یک
 چهار درم کاشم یا زده درم فلفل سیاه چهل و چهار

۲۱

149

۹۹۵

درم کوفته و پنجه با سه وزن ادویه عسل صغی بشن
 شربتیک درم باب کرم فلفل درد معده و شست
 کلی را نافع باشد و باد های غلیظ را دفع کند و طعنا
 هضم کند صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک سی درم حب
 لبسان ده درم حماما و سنبلی از هر یک دو درم
 زنجبیل تخم کرفس سیالیون سیلیخه اسارون راسن
 از هر یک یک درم کوفته و پنجه با سه شغل ادویه عسل
 بسر شند شربتیک درم باب کرم فلفل یون اکل
 و عفونت لثه را نافع بود و گوشت مرده را ببرد
 صفت آن اقا قیا دوازده درم زرنج سرخ و زرنج
 زرد از هر یک یک درم مر چهار درم آبک زنده شست
 درم شب یمانی شش درم کوفته و پنجه بسر که کهنه

بسرشدن و قرض سازند و در سایه خشک کنند و در وقت
حاجت استعمال نمایند فیتله که رعا ف با باز دارد صفت آن
کلنا کرد آسیا مار و از هر یک پنجم اضمون و انک کوفته و بجزیر
بخته بعصاره سیرین فرسینند و بخانه عنکبوت بگردانند
و بر بنی نهند بعد از آنکه بنی را بکلاب و سرکه شسته باشند
فیتله دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مار و سوخته و در آن
سرکه انداخته و دو درم زاج سیاه چهار درم شب یا شش درم
کافور و انکی کوفته و بخته فیتله را از گتان بسازند و بدان
و در بنی نهند فیتله دیگر که همین منفعت دارد صفت آن
کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقا قیا پوست انار از
هر یک دو درم کوفته و بخته و باب بادروج یا باب لسان
سرسنه فیتله را بدان تر سازند و در بنی نهند فیتله که گند بنی

ببرد صفت آن مرپوت انار ترش از هر یک دو درم قصب
الذریه بزرالنج از هر یک یک درم و نیم زاج و قرفل از هر یک
یک درم فیتله را بشرب تر کنند و دار و کوفته و بخته
بدان آلوده کنند و در بنی نهند فیتله که ریش بنی را
نافع باشد صفت آن زاج سیاه شب یا مار و توایل
مس محرق از هر یک پنجم زرافند طویل شش درم کند
دوازده درم مجموع کوفته در دو من آب بپزند و بیالایند
و باز بخوشانند تا بقوام عمل آید و فیتله بدان آلوده میکنند
و در بنی مینهند فیتله که چشم را نافع بود صفت آن سعد
صبر سبل کلر خ قرفل کوفته و بخته باب خودنه بسرشدن
و در بنی نهند بعد از آنکه بنی را بکلاب و سرکه چند بوبت
شسته باشند و اگر شو نیز را بران کنند و یکشنبه روز در سرکه

خیسانند و باقدری روغن رنیت در بینی چکانند معین
 عمل کند فیتله که نافست از جهت وجع گوش و ریم که از گوش
 آید صفت آن از زوت تخم مرد و بسل شسته فیتله را بر آن
 ترکند و در گوش نهند فیتله که گرانی گوش را بر صفت آن
 انجیر معین در به شکافند و تخم و عسل از وجه الکنند و بوره
 و قردمانا و خردل کوفته بدان برشند و فیتله سازند
 و در گوش نهند و خردل و انجیر کوفته در گوش نهادن معین
 عمل کند و زجه که اخراج می شود و چن مین کند صفت آن
 زراوند مدح ابل ترس حرف از هر یک جزوی کوفته
 و پنجه بزهره کلا و برشند و زجه سازند و زجه دیگر که
 معین عمل کند صفت آن تخم خبازی خردل معین مقل
 از رقیق از هر یک جزوی کوفته و پنجه با قطران برشند

افزاید

و زجه سازند و زجه که مانع آبستنی کرد صفت آن
 تخم خندوقی سرکین فیل خردل حب القل استخوان زعفران
 مساوی کوفته و پنجه بمیعه سایله برشند و بر شمش پاره
 بردارند هرگز آبستن نشوند و اگر آبستن باشد بچه بیندازد
 و گفته اند که هر زنی که حبه از حب الخروع بلع کند یک آبستن
 نشود و اگر دو دانه دو سال و قس علی هذا و زجه که بچه مرده
 زنده بیندازد صفت آن ششمان فارسی عاقره و قها شونیزه
 فراسیون از هر یک قدری کوفته و پنجه بر روغن زیت
 برشند و استعمال نمایند و زجه که در آبستنی معین باشد
 صفت آن سرکین بزرگویی و مایه خوکوش از هر یک قدری کوفته
 و پنجه بر روغن بسل گرم کرده برشند و پنجم پاره زجه
 سازند و زجه که معین خاصیت دارد صفت آن مشک

زغوان سوده زهره کاو بشنند و بشنم پاره احتمال نمایند
 فرجه که همین منفعت دارد صفت آن مایه فرکوش و اجنبی
 عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بخته بکلاب سرشته
 استعمال نمایند فرجه دیگر که همین عمل کند صفت آن مایه
 جنی سور بخان صبر رازیانه زبد البحر از هر یک دانگی باشد کرخ
 فرجه سازند فرجه دیگر که همین نفع دهد صفت آن میعه
 سایله چند پدستر قط بار زد جاوشیر مقل مشک کوفته
 فرجه نمایند فرجه دیگر که همین عمل کند صفت آن مایه فرکوش
 و سرکن او بعل سرشته بشنم پاره بردارند سه شب
 بعد از آن مجامعت کنند فرجه که بچه مرده فرود آورد
 صفت آن مر جاوشیر غرق سینه مساوی کوفته زهره
 کاو بشنند و احتمال نمایند فرجه که حیض باند صفت آن

سازند بعد از طهر چند روز است و بعد از
 چهار ساعت مباشرت ۹۵۵

مندان

اشنان عاقره جاوشیر سداب زهر یک یکدرم فرنی
 نیدرم کوفته و بخته بقطران سرشته فرجه سازند فرجه
 که منع جل کند صفت آن مار و حب الاس مساوی کوفته
 و بخته بآب گرم سرشته فرجه سازند و پیش از مجامعت
 استعمال نمایند فرجه که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود
 و درم صلب رحم را نرم کند صفت آن بابونه سه بطا اینون
 موم مساوی بشنم پاره بردارند فرجه که او را م رانا
 صفت آن گذران زروت دم الا حنین حب الاس
 کل الرمی قاقیا کوفته و بخته بآب لسان الحمل سرشته
 بشنم پاره احتمال نمایند فرجه که رحم را قوت دهد و فرج را
 تنگ و خوشش گرداند صفت آن سیب سبیل مرزنگوش
 مساوی کوفته قشار کندر صغره از فرجی کل سرخ پوت

پنج کبر تر مس ساوی کوفته و بخته بروغن بان بسزند
 و بیشم پاره بردارند و فرجه که همین خاصیت دارد
 صنت آن فتاح اذ فر سعد و قنفل از هر یک یک گرم
 عنبر بنمیدرم مشک دانکی آمله نیم دانک کوفته و بخته
 بکلاب بسزند و بیشم پاره احتمال نمایند فرجه
 که حکم رحم که آنرا ابنه النساء گویند نافع بود صنت آن
 سداب نعناع پوست انار عدد س قنفل در کلاب و قدر
 بپزند و بیشم پاره بخود بر گیرند فرجه دیگر که همین خاصیت
 دارد صنت آن زعفران کافور از هر یک دانکی مردار
 دو دانک حب لغار نیم گرم کوفته و بخته بسینده تخم
 مرغ و روغن کل بسزند و فرجه سازند فرجه که
 حیض بندد صنت آن کلنا رکند و ماز و سرمه اقا قیا

بزر

شب یانی ساوی کوفته و بخته آب لسان الحمل
 بسزند و فرجه سازند و بر پشت و عانه طلا کنند فرجه
 که همین خاصیت دارد صنت آن کافور سوخته اقا قیا
 کلنا رکند و حلیه الیتس کل سرج ماز و وصله کتان بخته
 ساوی کوفته و بخته بسزند و استعمال نمایند فرجه
 که حیض براند صنت آن مرفودنه از هر یک چهار درم
 هشت درم سداب ده درم میوز منقعی پست درم کوفته
 بنزد کاو بسزند و فرجه سازند فرجه که ورم صلب
 رحم را نافع باشد صنت آن کندر مقل با زرد از هر یک
 دو درم زعفران و جاو شیر و اشق از هر یک یک گرم
 مصطکی و جند بدستریه سایله روغن سوسن
 به بط روغن بابونه از هر یک سه درم صمغ مار در مسخج

حل سازند و پیر را در روغن بکدازند و باقی او پیرا
 گرفته و بخت بان بسرشند و استعجال نمایند که نافع بود
باب القاف قرص عنصل
 نیاز عنصل که چکستانند و در خمیر کنند و در تنور نهند
 تا بخت شود بعد از آن منقرا که نرم شده باشد بکینند
 و در بامون بگویند و بوزن آرد کرسنه اضافه
 نمایند و با قدری شراب بسرشند و دست را بر روغن
 کل چوب کشند و قرص سازند و بعد از دو ماه استعجال نمایند
 قرص افغی بدانکه انواع افغی بسیار است و آنکه در تریاق
 فاروق مستعمل است شکر باید زیرا که سیاه سخت
 زهرناک باشد و زهر آن بد بود و سمیند ضعیف بود
 و اشقر معتدل بود و جوان و تندرست باید و نشان

جوانی

جوانی آنست که حرکتی او قوی و سریع الح که بود و نشان
 تندرستی و قوه او آنست که سر بر افراشته دارد و چشمها
 او سرخ باشد و نشان مادگی و دلیر باشد و ماده باشد
 زیرا که زهر ماده ضعیفتر از زهر نر باشد و نشان مادگی آنست
 که درد مان او چهار دندان زهر باشد که آنرا نیش دندان
 گویند از هر جانبی دو و نر را یکی باشد و مخرج ثعلب و دفرج او
 بدنبال نزدیک بود و دنبال او دراز نباشد و این را مار
 کیران گفته دم خوانند و نر باید که پوست شکم او صلب باشد
 زیرا که صلابت علامته آن بود که در تن او رطوبات فضلیه کمتر است
 و سردی و پهن باید از برای آنکه سر پهن علامت قوت دماغ است
 و در میان فصلی باید گرفت که آفتاب در نور باشد
 و باوای او در میان درختان نباید خاصه درخت بلوط

و آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرای
 پاکیزه باید و بهترین آن باشد که در محلی که او را بکشد
 تا اضطراب بسیار نکند و خشم او نکند و دو تشنه و بیمار نشود
 و کشتن او چنان باید که مقدار چهار انگشت از سر و تن
 او بیک ضرب بنید از زنبه تیشه نیز چنانچه قطعا هیچ
 پوست بر روی نماند و بیک ضربت جدا شود زیرا که زهر در دمان
 و جانب سر او باشد و فضلهای بدن در جانب دمان
 او باشد و چون کشته باشند نظر کنند اگر از خون بسیار
 آید و نادیر گاه حرکت کند نیک باشد و اگر زود از حرکت
 فروایستد ضعیف باشد بدین کار شاید و آنکه شایسته
 این کار باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست او باز
 کنند و آنرا آب صافی چند نوبت بشویند پس در آب

صاف

صاف اندکی نمک با چند شاخه جوب شبت بجوشانند
 تا مدام شود و گوشت از استخوان جدا گردد و بکند از آن تا
 سرد شود و آب از او بیالایند و آن گوشت را با چهار
 یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کرده بگویند و با
 آن آب که از آن پالوده باشند بپوشند و دست و
 پایی را بر روغن بلسان چوب کرده اقواص سازند
 هر یکی بکشتن و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا
 اثر نم در آن نیاشد و در ظرفی بکیننه نگاه دارند
 و باید که در محل بختن اضحی و کوفتن و قرص ساختن بینی
 بگیرند تا بوی آن بدماغ نرسد و قرص اندر خود
 مستعمل در تریاق فاروق و این نسخه اختیاریست
 اسحق بن صفت آن دار ششمان قصب الذریره

اسارون عود بلسان فوه سلخه مصطک از هر یک شش
 شقال قح اذ فرو زعفران از هر یک دوازده شقال
 دارچینی و عاها از هر یک پست و چهار شقال الحوان
 پست شقال کوفته و پنجه بشراب ریجانی بسر شده
 و دست را بروغن بلسان چوب کند و اقراص سازند
 و در سایه خشک کنند قرص فوفیو مستعمل در منور بطول
 صنت آن موزینی چهار درم علك البطم پست و چهار
 درم اذ فرو و مرز هر یک دوازده درم دارچینی مقل اظفار
 الطیب بنبل رومی سلخه اکلیل الملک سعد حب الغار
 از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم زعفران یک درم
 قمر الیهود و درم و نیم کوفته و پنجه بشراب بسر شده
 و اقراص سازند قرص اندرونما که در غلص اکبر مستعمل

صنعت

صنعت آن حامادار شیشعار قسط قصب الذریره و نقل
 فلفل بیض یا خواه از هر یک سه شقال فوه یک شقال بنبل
 الطیب سانج بندی از هر یک پست شقال مر دارچینی مصطک
 زعفران از هر یک شش شقال کوفته و پنجه بشراب صا
 بسر شده و اقراص سازند قرص یک شقال و در سایه خشک کنند
 قرص لوب معدة ضعیف را قوت دهد و نکند که فصول
 بان منفع شود و چون بر پیشانی طلا کنند صدراع را نافع
 باشد و منع نزلات کند و چون بار زرد با آن پانیزه
 و بردن آن کرم خورده نمند درد ساکن کند و چون با آب
 مرزنگوش در چکانند درد بنشانند و بنت الدم و سیلان
 خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهن را سود دارد
 و تنهای دایره را نافع باشد چون آب مرزنگوش دهند

و چون آب سداب پاشانند جمیع زهرها و گزین
جانور از آن نافع باشد و اگر شراب بنوشند اسهال
دموی را و قروح امعا و مثانه را نافع بود صفت آن
مرحبه بدست سبیل سلیمه کل مخوم پوست پنج نفع
از هر یک چهار درم ایون زعفران قطا کوکب الارض
و آنرا اطلاق نیز گویند از هر یک پنج درم اینون دو قو
سیسایوس بزایج میوه سایله تخم کرفس از هر یک
هشت درم صمغها را در شراب ریجانی حل کنند
و داروهای دیگر را کوفته و بخته بآن بسروشند و اقراص
سازند و قوی بکیرم و در سایه خشک کنند و قوی طباشیر
ملین سرفه و خشونه سینه و تبها و محرقه را نافع بود
و طبع را نرم کند و تشنگی نشانند صفت آن طباشیر سینه

چهار

چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
نشاسته صمغ عربی خشناش کثیر از هر یک یک درم بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند و قوی طباشیر بتهای صمغ
را نافع بود و شکم ببندد و خون باز دارد و تشنگی نباشد
صفت آن کل سرخ بازده درم طباشیر سینه سماق زرشک
منقی از هر یک هفت درم کوفته و بخته بکلاب بسروشند
و اقراص سازند و شری بکشتال قوی طباشیر لعلی مروارید
ناسفته طباشیر از هر یک سه شقال بسد که با تخم حاش
بری طرائیت صمغ عربی از هر یک دو درم خشناش بریان
کرده پنج درم کوفته و بخته بکلاب اقراص سازند
و قوی طباشیر کافور ببنخه متول تب دق محرقه و سرفه
کرم را نافع بود و تشنگی نشانند صفت آن طباشیر

صمغ عربی نشاسته تخم حاشی
از هر یک ده درم

کل سرخ ضدل سفید مغر تخم خیارین تخم کاشنی تخم کاهو
 تخم فرفه از هر یک یک مثقال کافور دانگی کوفته و بخته بلعاید
 بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص کهر با خون
 رفتن از شکم باز دارد صنت آن کهر باب سد مروارید
 ناسفته تخم فرفه از هر یک پنج درم شاخ بزکوهی خسته
 پوست بیضه محرق صمغ عربی از هر یک سه درم کشنیز
 خشک بریان کرده خشکاش سیندوسیه از هر یک
 شش درم دودغ سوخته و بزربلج از هر یک دو درم
 کوفته بلعاید بزرقطونا اقراص سازند قرص کلنار
 خون رفتن باز دارد صنت آن سیلخه کل از نی صمغ
 عربی از هر یک چهار درم کل سرخ کلنار اقا قیاز از هر
 سه درم کثیر ادو درم کوفته و بخته باب کلنار اقراص

سازند

سازند قرص زرشک کبر درم معده و جگر و تنهای بلغمی
 در استقار اناغ بود صنت آن عصاره زرشک مغر
 تخم خیارین مغر تخم فرفه از هر یک سه درم کل سرخ
 و ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب
 السوس و طباشیر تخم کاشنی سنبل الطیب عصاره
 رقاقب فوه لک مغسول یونده چینی از هر یک دو درم
 زعفران بنمردم کوفته و بخته باب ترنجبین سرشته
 اقراص سازند قرص زرشک صغیر زرشک مقشر یا زده درم
 تخم کاشنی تخم مغر فرفه تخم خیارین از هر یک سه درم
 کل سرخ پنج درم ریونده چینی و سنبل از هر یک یک درم بلعاید
 بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک حار زرشک
 پنج درم لک مغسول یونده چینی عصاره غاف سنبل

سازند



انیسون مصطکی از هر یک یک درم کوفته و بخته افراس
 قرص رنگ بار سازند و صفت آن زرشک چدرم رب السوس یک درم نیم
 مغز تخم خیارن تخم خرفه تخم کاشنی از هر یک دو درم و نیم
 بکلاب افراس سازند شربتی دو شتال بکچین
 و آب کاشنی و آب عنب الثعلب پاشا مند
 قرص پیوند ورم و صلابه جگر و سپرز و تنهای کینه اناج
 باشد صفت آن پیوند چنی شش درم فوه و لک مغول
 منق از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غایت
 از هر یک یک درم کوفته و بخته بآب خالص افراس سازند
 قرص خشاش ریش سینه و شش اناج باشد صفت آن کل
 سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته و کثیر السوس
 از هر یک دو درم خشاش سمنید و سیاه از هر یک سه درم

انسان

زعفران نیم درم طباشیر نیم درم بآب خالص افراس سازند
 شربتی یک شتال باده شتال شراب خشاش قرص کل
 درد معده و تنهای بلغمی را سود دارد صفت آن ورق
 کل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سنبل
 الطیب یک درم طباشیر دو درم عصاره غایت چهار
 درم کوفته و بخته بمیغنج سرشته قرص سازند قرص کل
 بنسخه دیگر اقوی از اول صفت آن کل سرخ ده درم اصل
 السوس عصاره غایت انیسون از هر یک چهار درم
 مصطکی سنبل اسارون عود خام از هر یک یک درم
 کوفته و بخته بکلاب افراس سازند قرص رد بنوعی
 دیگر شطرنج و تنهای مرکبه اناج باشد و معده را
 قوت دهد صفت آن کل سرخ اصل السوس از هر یک

چهار درم طباشیر سنبل افستین از هر یک دو درم بچین
سه درم بکلاب قرص سازند و صغانت یرقان و
جگر و سبز و تب ربع و تبهای کهن را نافع باشد
و سه بک شاید صنت آن عصاره غانت است
درم سنبل و درم طباشیر چهار درم کوفته و بخته
باب صافی بسر شدند و اقراص سازند قرص کاکج
قروح کلیه و مثانه و بول الدم را نافع باشد صنت آن
منزخم خیارین کاکج مغر بادام مقشر رب السوس
نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا کند از هر یک
درم تخم کرفس دو درم ایون یک درم باب صافی
اقراص سازند شیمی یک درم تا یکم مثال قرص متل
درم صلب معده را نافع باشد صنت آن کل سرخ

ده درم

ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران و مر از هر یک یک درم
قطر و مغر بادام تلخ از هر یک یک درم و نیم مصطکی دو درم
و نیم متل سه درم متل را در شراب حل کنند و دارو
دیگر کوفته و بخته بآن بسر شدند و اقراص سازند
قرص کافور یرقان و تب کرم را سود دارد صنت آن
ز رشک متی طباشیر کل سرخ از هر یک هنت درم تخم
کاهو تخم فرفه تخم کاشنه کثیرا از هر یک سه درم مغر
تخم خربزه مغر تخم کدو از هر یک پنج درم صندل سفید و
السوس از هر یک دو درم کافور یک درم بلعاب بز قوطنا
سرشته اقراص سازند شیمی دو درم با کچین بزوری
قرص کافور نسخه دیگر تب دق و غب محرقه را نافع بود
و تشنگی بنشانند صنت آن طباشیر تخم فرفه تخم کاهو

از هر یک بجز درم تخم کاشته رب السوس صندل سفید
 از هر یک سه درم مغز تخم فوزه مغز تخم کدو از هر یک هفت
 درم رنجبین ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزر قطونا
 اقراص سازند قرص شرم استعارتی راناف باشد
 صنت آن شرم هیلد مارو مساوی کوفته و بخته قرص
 سازند شرقی دانکی یا سکنجین و بتدریج می افزایند
 قرص لک استقامتی را سود دارد و سده بکثایه صنت آن
 لک مغول یونز چنی از هر یک سه درم اسارون زراون
 جنطیانا سبل مصطک تخم کرفس اینسون ناخواه اذخر
 اهل قسط مغز بادام تلخ قوه افستین عصاره نبات
 از هر یک دو درم فلفل رنجبین از هر یک یک درم شرقی یک
 مثقال قرص افستین درد معده را که از پس طعام پدید آید

سود دارد صنت آن افستین رومی تخم کرفس
 اینسون از هر یک یک و دو درم سیلخ بیت درم فلفل
 جندبید ستر اینون از هر یک دو درم کوفته و بخته
 باب صافی اقراص سازند قرص افستین بنج دیگر
 حیات بلغمی و عسر البول و برودة معده و جگر راناف
 بود و سده طحال و کبد را بکثایه صنت آن افستین
 تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی کوفته باب
 خالص سیر شده و اقراص سازند شرقی یک مثقال قرص
 کبر او جاع طحال راناف بود و سده بکثایه صنت آن
 پوت پنج کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل
 دو درم تخم فنجکشت و فلفل از هر یک شش درم اشق
 را در سرکه کهنه حل کنند و باقی ادویه کوفته و بخته بان

بسرشدن و اقراص سازند و قرص ^{صفت آن} تب بلغمی و جگر ضعیف
 نافع بود صفت آن اینست و افستین مغز بادام تلخ
 سنبل صبر از هر یک چهار درم عصاره غافق سادج
 بندی اسارون از هر یک سه درم مصطکی و تخم کرفس
 از هر یک یک درم کوفته و پخته بجلاب قرص سازند شربتی
 یک درم با طبع افستین قرص ^{صفت آن} سیسبز صلب از سار
 صفت آن ایرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک
 دو درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی ادویه را کوفته
 و پخته بان بسرشدن و اقراص سازند شربتی دو درم
 با سکجین قرص ^{صفت آن} خشک سه سبز و جگر کث بدست
 تخم فنجکشت تخم کاشنه تخم خرفه مغز تخم گندم و مساوی کوفته
 بکنجین بسرشدن و اقراص سازند و قرص ^{صفت آن} حب الاس اسهال

وقتی

وقتی باز دارد و قرص ^{صفت آن} حب الاس ساق حب الاس کرمانج نشسته
 کل ارمنی بریان کرده بلوط از هر یک دو درم متل یک درم
 پوت انار و مانزو از هر یک یک درم کوفته و پخته اقراص سازند
 شربتی دو درم آب سیب قرصی که تی بلغمی و سودا
 را قطع کند و معده را قوت دهد صفت آن بدست
 بسته و کل سرخ از هر یک چهار درم عود خام و مصطکی
 از هر یک سه درم سک پنج درم کوفته و پخته آب سیب قرص
 سازند شربتی یک مثقال قرص ^{صفت آن} سد قی الدم را نافع باشد
 صفت آن سد مغسول ده درم کند را قیاطا کلنا صمغ عربی
 از هر یک چهار درم کثیر او کل مخموم از هر یک سه درم دارچینی
 یک درم کوفته و پخته اقراص سازند شربتی یک مثقال شربت الجبار
 قرص ^{صفت آن} سد قریب المنفوت بقرص سد صفت آن سره

اصغمانی شادنج عدسی مغسول دم الاخون از هر یک سه درم کلنا
 و نازوانه هر یک دو درم شاخ بزکوی محرق افاقیا از هر یک
 دو درم لادن و زعفران از هر یک نیم درم برسیا و شان یک درم
 و نیم کوفته و پنجه تابسان لعل قرص سازند شبرقی دو درم
 قرص طین قرصه مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت آن
 کل مخوم طباشیر کنتر اصغری صمغ فارسی تخم خوزه مغر تخم
 خمارن مساوی کوفته بلعاب بزقطونا سرشته اقراص
 سازند قرص سنبل ورم صلب جگر و معده را نافع باشد
 صفت آن سنبل قجاج اذخر سیخه ریوندر چنی قصبه الذریه
 از هر یک سه درم زعفران و اینسون مر قسط تلخ فلفل
 از هر یک یک درم مقل و مصطکی از هر یک دو درم اشق نیم درم
 اشق و مقل را در مثلث حل کنند و داروهای دیگر کوفته

ابکر

و پنجه تابان بسرشند و قرص سازند شبرقی دو درم صفت
 ورم معده با مثلث و از پنجه ورم جگر یا سکنجند دهند
 قرص کرمانج ترکیب جالینوسی است سپرز صلب را بکند از
 صفت آن کرمانج چهار مثقال فلفل سمیند سنبل اسار و
 اشق از هر یک دو مثقال اشق را در سرکه غصیل حل کنند
 و داروهای دیگر کوفته و پنجه تابان بسرشند و اقراص سازند
 شبرقی یک مثقال یا سکنجند قرص کبریا بنخه و دیگر بول الدم
 را نافع باشد صفت آن کبریا و افاقیا از هر یک یک درم نیم
 کوفته بلعاب بزقطونا سرشته اقراص سازند شبرقی
 دو درم بشیره تخم خوزه قرص شب همان خاصیت دارد
 صفت آن شب یانی شاخ کوزن محرق کنیز اکلاری کلنا
 تخم خوزه مساوی کوفته و پنجه تابان خوزه اقراص سازند قرص

صمغ عربی نشانه کنیز مغر که در از هر یک سه درم کلنا

نوعی یکرب یا دم الا خون کلنا را از هر یک سه درم
 شش درم صمغ عربی دوه درم کوفته بآب خرد شده
 اقراص سازند با شرب آب الاسی بدند قرص برور که
 جرب مثانه را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه دهم
 مغز تخم خیار چدرم مغز تخم کدو گچلی مغز بادام شیرین
 کثیرا نشاسته رب السوس خنکاش سیندر کل ارمنی نیم گرم
 از هر یک دودرم بزالبی یک درم کوفته اقراص سازند با
 شراب بنفشه بدند قرص بنفشه تب یا سرفه را نافع باشد
 صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو و مغز
 تخم خیار کثیرا کل سرخ از هر یک چدرم رب السوس کل
 نشاسته از هر یک سه درم مصطکی کشتال سبلی یک درم
 کوفته اقراص سازند شربت کشتال قرص بنفشه بنفشه یک

چون:

چون بانب سرفه و قبض طبیعت باشد نافع باشد صفت آن
 بنفشه ده درم ترب سیندر چدرم رب السوس سه درم
 کل سرخ چدرم و نیم سقونا سه درم مصطکی یک درم نیم
 جلاب بدند قرص عاریتون سبز غلیظ را بکداز و صفت
 عاریتون کل سرخ از هر یک چدرم طباشیر و زرشک
 از هر یک دودرم عصارة عافت سبلی یک مغز تخم
 جنی پوست پنچ کبر در سر که خیسایند و خشک کرده از
 هر یک یک درم و نیم کوفته و بخته قرص سازند شربت دوا
 با کنجبین قرصی که ضعف معده و ضیق النفس و سلس
 البول را نافع باشد صفت آن کل سرخ سبلی از هر یک
 سه درم صمغ عربی نار مشک از هر یک دودرم مصطکی
 یک درم کلنا را طباشیر از هر یک یک کشتال و نیم کوفته و بخته

شربت کدو و تخم کدو و تخم
 کدو و تخم کدو و تخم کدو

قرص سازند شربتی دودرم با کجین قرص صمغ که
 دشواری وضع حمل آسان گرداند و بچه مرده وزنده
 را در ساعت بیرون آورد صفت آن مرجا و شیراز
 هر یک یکدرم حلیت نیم درم مجموع یک شربت
 باب سداب با طنج حلبه دهند و سحر انما مین
 عمل کند قرصی که قی الدم را نافع بود صفت آن اقاقیا
 تخم کل افیون بزرالبنج کل ارمنی کلنا صمغ عربی مساوی
 کوفته و بخته بآب فروخته قرص سازند شربتی نیم شتال
 بارب به یاربیب قرص که با بنسج دیگر اسهال دودرم
 و افراط خون بواسیر و حیض را نافع بود صفت آن
 خشخاش که با مصطکی از هر یک دودرم زعفران
 دودرم کوفته بلعاب بزر قطن و اقراص سازند

اقاقیا

قرص سابس معده را قوت دهد قی اوسان باز
 دارد صفت آن کل سرخ طباشیر انار دانه کشیز
 خشک بریان کرده از هر یک دو شتال پود
 بیرون بسته و مصطکی از هر یک نیم شتال سماق
 سه شتال زیره کرمانی بدر یک شتال کوفته و بخته
 بکلاب اقراص سازند شربتی یک شتال قرص یک بنسج
 دیگر یک مغول فوه تخم کرفس غلب از هر یک
 یکدرم رازیانه اینون دو قوار هر یک یک شتال تخم کاشنه
 تخم کشوث از هر یک دودرم کوفته و بخته اقراص سازند
 قرص مبارک تب محرق و محرقه و تبها حاده و برقانا را
 نافع باشد و تشنه نشاند صفت آن کل سرخ تخمین
 از هر یک پنجدرم طباشیر مغز تخم خیارین از هر یک دودرم

تخم کاموسه درم و نیم مغز تخم لک و درم رب السوسن کشمش
 کافور دانکی و نیم کوفته اقراص سازند قرص اجبار اسهال
 دمای و افراط طمث و قیالدم رانافع بود صنت آن
 پنج اجبار چهار درم کل سرخ صمغ عربی که با تخم خزه از هر یک
 دو درم اما قیالیک درم و نیم کوفته بآب مورد قرص سازند
 قرصی که استقار رانافع باشد صفت آن کل سرخ سه درم و
 سبیل مصطکی سیلخه قیاح اذخر دارچینی افسنتین از هر یک
 یک درم کوفته و پنجه اقراص سازند قرصی دیگر که همین صفت
 دارد صنت آن مغز بادام تلخ افسنتین اسارون
 اینون غاریتون مسادی کوفته قرص سازند قرص الماس
 تخم کرفس اینون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی
 از هر یک چهار درم فلفل مرافیون جندبیدستر از هر یک

دو درم

دو درم بآب خالص اقراص سازند شیری یکشمال قرصی
 که فواق امثالی رانافع باشد صفت آن قسط تلخ صبر
 سقوطری اذخر نام فودنه گوی نغناغ خشک سد
 تخم کرفس که در اسارون از هر یک یک درم اینون دانکی
 و نیم کل سرخ نیم درم کوفته و پنجه بمثلک شسته قرص
 قرص جیر خون شکم و ترخ و نفث لدم رانافع باشد صفت آن
 کل مخموم کل ارمنی قوطط بلایش طرائث بلوط آرد کنار
 حب الاسی از هر یک دو درم تخم طاقی بری صمغ عربی
 از هر یک چهار درم تخم نشاسته و کل سرخ از هر یک سه درم
 کرفس ساق مصطکی از هر یک یک درم ماروزیره کرمانی از هر یک
 خنیا سنده و بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته و پنجه
 بلعاب بزر قطن و اقراص سازند قرص سرطان سل و دق

و نشت الدم را نافع باشد صفت آن کل مخموم کل ارنی
 نشاسته کل سرخ از هر یک شش درم سرطان سوخته
 ده درم کثیرا شاد رخ مغول از هر یک پنج درم رب السوس
 سه درم کوفته و بخته آب لسان الحمل اقراص سازند
 قرص سل تخم خیارین ده درم تخم خرفه و اصل السوس از
 هر یک چهار درم طباشیر و سرطان محرق از هر یک دو
 نشاسته و کثیرا از هر یک یک درم کوفته بلعاب بزقطونا
 سرشته قرص سازند شربتی یکمشتال فرضی که اسهال و
 و نشت الدم را نافع باشد صفت آن تخم حاض بریان
 کرده زرشک منقعی نشاسته طباشیر حب لاش بلوط
 از هر یک پنج درم زعفران یک درم کل مخموم صمغ عربی از
 هر یک ده درم کبریا و بس از هر یک سه درم کوفته و بخته

بار

مشتال از هر یک دو مشتال از شربتی
 رب و روغن خنجر

آب خالص حب زنده شربتی و درم فرضی که نفع قدیم را
 نافع باشد صفت آن رب السوس صمغ عربی نشاسته
 از هر یک یکمشتال مغربا دام سه مشتال بلعاب بزقطونا
 و لعاب مرو سرشته قرص سازند شربتی دو مشتال فرضی
 مشک نسخه محمد زکریا معده و دل و جگر بار در اوت
 دهد و غشی و خفقان بارد و او جاع معده بارده را
 نافع است صفت آن مصطکی و قنقل عود دارچینی
 سبیل متعل جوز بواکبانه پیل بوت ترج قاقله از هر یک
 یکمشتال مشک انکی کوفته و بخته بشراب ریانی سرشته
 اقراص سازند شربتی یکمشتال قرص دینطیس نسخه ثابت
 صفت آن حب لاس تخم حاض مقشر از هر یک دو درم
 صمغ عربی نشاسته از هر یک یک درم کوفته و بخته بلعاب

بزر قطونا اقراص سازند شربتی دو درم قرص دیسیس
 بنسخه دیگر صنت آن طباشیر و رب السوس از هر یک ده
 درم تخم کاهو پست درم تخم خرفه پانزده درم کل سرخ
 کثیر خشک از هر یک پنج درم اقا قیاضل سعید کل
 ارمنی کلنار دو درم کافور نیم درم کوفته و پنجه بکلاب
 قرص سازند شربتی سه درم بآب انار ترش قرص نشت الدم
 کند درم الا جین کلنار از هر یک سه درم و دو دانگ کبریا
 پنج درم شادنج و دارچینی از هر یک دو درم مجموع راقص
 سازند شربتی یک عدد بآب خرفه قرص مروارید را و در
 راقوت دهد و یرقان و خفقان حار را نافع باشد
 صنت آن کل سرخ دو درم طباشیر مروارید ناسفته
 بسد ضدل سعید از هر یک یک درم مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو از هر یک پنج درم تخم خرفه سه درم زعفران
 نیم درم کوفته بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
 شربتی یکشتال یا سکچین رقی که بت و صداع و
 رانافع باشد و تشنگی نباشد و خواب آورد و بدینا
 دفع کند صنت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم
 کاهو از هر یک دو درم رب السوس نشت است کثیرا
 اضمین از هر یک سه درم کوفته بآب کاهو یا بلعاب
 بزر قطونا قرص سازند شربتی یک عدد یا دو عدد قرص
 ذات الجنب رب السوس ده درم بنفشه ده درم
 کثیر تخم خطی از بایانه از هر یک سه درم کوفته و پنجه
 بلعاب بزرک و بزر قطونا و بهرانه بنفشه قرص سازند
 شربتی سه درم شراب بنفشه قرص فواق مقص

ریحی فواق استلابی را نافعت صفت کند
 پنجم راسن فودنه سداب تمام از هر یک سه درم صمغ
 ناخواه سودان هر یک یکدم و نیم بکلاب قرص سازند
 شربتی یکشتان بطنج زیره قرص از یون استقارقی
 حار را نافع بود صفت آن تخم کاشنه ده درم مازرون
 غارتون عصا غافت از هر یک یکدم و چهار انگ
 کل سنج منوخم خیار از هر یک و درم و نیم کوفته و بخته مجموع
 ده قرص سازند هر روز یک قرص بدند رقی که استقا
 حار را وضاد جکرو سبز را که با اسهال بود نافع باشد
 صنایط با شیر کل سنج کلنا رز رشک سماق کرنازج
 تخم حماض تخم کاشنه فلفله شک تخم فودنه از هر یک یکدم سود
 فجاج اذخر امنون سبل یونیدک پوست خجکبر ایون از

هر یک نیم درم کافور انگلی کوفته و بخته قرص سازند شربتی
 سه درم قرص افیتون قویج را متاصل نماید صفت آن
 تربد افیتون از هر یک و درم یک پنجم پنجم کوفته و بخته
 ده قرص سازند و هر روز یک قرص با الاصول بدند رقی
 که نافعت زحیرا که با آن ریاچ و فواق باشد و حرارت باشد
 صفت آن بزرالبع شسته را زیانه از هر یک پنجم ناخواه
 دو درم و نیم ایون سه درم تخم کرفس ده درم کوفته و بخته
 اقراص سازند شربتی یکشتان قرص فروب اسهال و مو
 و غیره موی را نافع بود صفت آن مازو فروب کرنازج
 کلنا راز هر یک یک پنجم و ایون و صمغ عربی از هر یک نیم فود
 کوفته و بخته اقراص سازند شربتی دو درم برب به قرص
 طباشیر افیتونی
 عشره اللد و اسهال با فواق حرارت را نافع باشد

صنعت آن طبایع شیر کل رخ تخم کا هو تخم کاشنه سماق
 از هر یک یک درم کلنا رصندل ایون از هر یک پنجم درم
 تخم حاض یک درم و نیم کافور دانه یک باب خالص قرص سازند
 شربتی یک درم قرص اسهال با سرفه را نافع باشد
 صنعت آن حب الاسب ده درم پرسیاوشان مغز تخم خربزه
 از هر یک پنجم درم رب السوسن صمغ عربی از هر یک یک درم نیم
 کوفته اقراص سازند شربتی سه درم قرصی که بول الدم را
 نافع باشد صنعت آن مغز تخم خربزه و تخم خیار مغز تخم کدو
 از هر یک شش درم و نیم ایون سه درم تخم کرفس دو درم
 کوفته اقراص سازند شربتی دو درم بشراب خنثیاش
 قرص مر حیض برانند و تسهیل ولادت کند صنعت آن
 هر سه درم ترسیخ درم سداب خردند و درمانا

فوه حلیت جاوشیر یکینج از هر یک دو درم کوفته و پنجه
 قرص سازند شربتی دو درم بطنج اهل قرص عشره الادویه
 تب ربع و وج کبد و ترهل را نافع بود صنعت آن اینون
 و عصاره غاف از هر یک چهار درم اسارون ساج
 بندی افسنتین قرص سازند شربتی یک درم باب کرم قرص
 منوم تخم شبت دو درم زعفران مر بزرالنج میوه از هر یک
 یک دانه ایون یک طوج کوفته و پنجه بلعاب حلیه قرص
 سازند شربتی یک مثقال قرص منوم بارد تخم کا هو خنثیاش با قلا
 مقشر تخم خرفه کا کج از هر یک یک درم اینون یک طوج
 کوفته و پنجه بلعاب بزر قنونا قرص سازند قرصی که
 نافع است از حته افراط خون بواسیر صنعت آن مرجان
 کبریا و دع سوخته کل ارمنی از هر یک دو درم هلیله

از هر یک بچندم تخم کند ناسه درم مقلده درم در آب کنده
 شسته حل کنند و دارو با کوفته و بخته بآن بسروشند و
 قرص سازند شربت سی درم باده درم آب انگران قرصی
 که قی و میضه را باز دارد و طبع ببندد و خواب آورد صفت
 آن سبک قرنفل از هر یک ده درم کرنازج پوست انار
 ماز و از هر یک بچندم اینون دانگی کوفته و بخته بر آب
 قرص سازند شربت یک درم و نیم قرص سعه زرد جوبه مغز بادام
 تلخ از هر یک یک و مقل را در سرکه کهنه خیسانند سه روز
 متوالی و زرد جوبه و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند
 و با یکدیگر نیک صلایه کنند و اقراص سازند و در وقت حاجت
 بآب کاشنه بسایند و طلا کنند قرص شک صراع و شقیقه و
 سه رانافع بود چون بر پنهانی و صد غبن طلا کنند صفت آن اینون

مصری

مصری مرکبی لادن کافور زعفران بزرابنج پوست بونج نفع
 از هر یک بچندم کند از زردت آمله کل ارمنی از هر یک ده درم
 و بخته بکلاب و آب کاهو سرشته اقراص سازند سه سلوتا
 از اقراص دیگر ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند قرص
 زرنج اکله دهن و لثه را نافع بود و عفونه دفع کند صفت آن
 زرنج زرد و سرخ و آهک زنده و ماز و از هر یک ده درم رنگار
 قلع طار از هر یک بچندم شب یانی اقا قیالکنا از هر یک سه
 درم کوفته در سرکه خیسانند و یک هفته در افتاب بگذارند
 بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج
 دانگی از آن بلشه و دهن بالند یک ساعت بگذارند بعد از آن
 روغن کل قدری در دهن نگاه دارند و قرار دارو بعد از آنکه
 سبل حبه باشد استعمال نمایند صفت آن نوشادر مس سوخته

از هر یک و درم توتیا دوازده درم کوفته و پنجه بر زده تخم مرغ بشرد
و در پوست تخم مرغ کند و در کل حکمت گیرند و در کوزه نهند و در کوزه
فخاری بگذارند تا پنجه شود بعد از آن صلیب کرده استعان نمایند
قطره که نافعست از جهه قرحه گوش و چک که از گوش آید
پاک کند صفت آن از زودت صبر زید البحر بوره ارمی دم الا حین
کندر مرزنگار خبث الحیدر کوفته و پنجه بسره که در گوش چکانند
بعد از آنکه چند نوبت ماء العسل چکانند بباشند و فیتله را
بدان تر سازند و بادویه مذکوره بگردانند و در گوش نهند
قطره که درد گوش که از گرمی باشد ساکن کند صفت آن
روغن کل شش درم روغن بادام شیرین پنجم درم سرکه درم
باتش نرم بپزند چنانکه سرکه برود و روغن بماند و نیم گرم در گوش
چکانند قطره که طین و کرانی گوش را ببرد صفت آن

کندر

کندر زغوان فرغون چند پدستر خرق سیندر از هر یک
سه درم نظرون بوره از هر یک دو درم و نیم کوفته و پنجه در
شراب حل کرده بچکانند قطره که گرم گوش را بکشد صفت آن
آب برک شفتا آب برک پودنه آب برک ترب از هر یک
پنجم درم خرق سیندر بوره ارمی و ستمونیا و افستین و زراوند
از هر یک یک درم کوفته و پنجه با بیا نذ کوره پامیزند و در اقطاب نهند
تا خشک شود بعد از آن بسایند و در گوش چکانند قطره
که درد گوش که از سردی باشد ساکن گرداند صفت آن افیون
و چند پدستر از هر یک دو درم کوفته در دمن مینج بپزند
تا بقوام آید در روغن سوسن حل کنند و نیم گرم در گوش چکانند
قطره که طرش را نافع بود صفت آن خرق سیندر یکم شاف چند
بستر نیم شغال نظرون داکلی نیم کوفته و پنجه با سرکه کشته در گوش

چکانند با آب سرکین اسب قازه در گوش چکانند یا آب
 با عمل بچوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را نافع
 باشد صفت آن افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن
 کل چهار درم در سر که کنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیمگرم
 در گوش چکانند قطوری که همین خاصیت دارد صفت آن
 زهره کاونازه دو شغال روغن خیری ده شغال بچوشانند
 تاتری زهره برود و روغن بماند و قطره قطره در گوش چکانند
 قطوری که درد گوش را در آن نافع است صفت آن سیرنیکوفته
 بازهره گوسفند بچوشانند و نیمگرم در گوش چکانند قطوری که
 نافع است از جته آب که در گوش رفته باشد صفت آن آب
 تراب آب پناز بچوشانند و در گوش چکانند قطوری که گران
 گوش را ببرد صفت آن شحم خنظل سه درم بوره ارمنی یکدرم

جذبید ستر زراوند قطوفیون افستین از هر یک یکینا
 کوفته و پنجه زهره کاو بپوشند و کلولها سازند و در وقت
 حاجت یکی از آن بروغن بادام تلخ بسایند و نیمگرم در گوش
 چکانند قطوری که شکوری را ببرد صفت آن آب سداب
 و آب کشیز مساوی بچوشانند تا بنیمه آید و دوسه نوبت
 در گوش چکانند قطوری که چون در اخیل چکانند قرصه و گوش
 بول را نافع باشد صفت آن سنیداب کند را زروت صمغ
 عربی نشاسته دم الاخوین مساوی کوفته و پنجه کلولها
 سازند و در وقت احتیاج یکی از آن بشیر دختران
 سائیده بچکانند قطوری که دوی و طین و گران گوش را
 نافع باشد صفت آن شحم خنظل یکدرم بوره ارمنی یکدرم جذب
 ستر زراوند مدحج از هر یک یکدرم و نیم عصاره افستین

قطه فرنیون از هر یک انگلی و نیم کوفته و بخته بریزه کاوش
و کلوها سازند و در وقت حاجت بروغن بادام دو
قطره در گوش چکانند نافع باشد و اسهال
باب الکاف کلک لاج برور
استفا و برودت معده و تباه کن و سرفه بلغمی و ضیق
النفس و قویج و صرع و طحال و سلعه بلغمی و هتق و احتناق
رغم را سود دارد و بولیکتید صنت آن بلیله سیاه پوت
بلیله آله مقشر از هر یک هنت درم فلفل در فلفل زنجبیل
فلجمیونک هندی سرخ نمک هندی سیاه نمک اندرانی
نمک طبرزد نمک خمیر لسان العصافیه شیطج هندی سقر
قرقه قرنفل صغیر نمک کابلی مقشر شونیز حب الیل زیره
کرمانی سافج هندی کرفس شیر خشک از هر یک پنجم تیر

لیکن

سینصد و پنجاه درم فلووس خیار شیر نروده درم مویزتی
نیم من شیر آله یکین مویز و آله را در شش من آب بپزند
تا بدو من آید و بپالایند و خیار چند در آب حل کنند و سه
فانیدم در آن آب بکدازند و نیم روغن کنجد آن بپزند
و بچوشانند تا بقوام آید و داروهای دیگر را کوفته و بخته بآن
بپوشند شترتی پنجم با شیر شتر با آب عین الثعلب کلک لاج
بارد استفا حار را نافع باشد صفت آن مازریون غار تیون
مغربل پوست بلیله زرد از هر یک پنجم عصاره انستین
درم پنج سوسن کل سرخ تخم کاشنه مغز تخم غریزه رب سوس
از هر یک دو درم زنجبیل و فلووس خیار چند و فایند سنجری از
هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورد و داروهای دیگر را
کوفته و بخته بآن بپوشند شترتی دو درم تا چهار درم کلک لاج

نافست استقبالی را که با او حرارت نباشد صفت آن
 مازویون مدبر غارتون پوت هلیله زرد کینج ازهر
 یک پنجدرم ایر ساسه درم ریون جنبی عصاره غافت
 سنبل الطیب اینون ازهر یک دو درم کوفته و بخته بعل
 معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم کمونی برودت
 معده و شنبه کلی و حیات بلغمی و سودا و فواق بلغمی و استیلا
 و فتق و قولنج ریجی را نافست و باد را با شکند صفت آن
 ریزه کرمانی بدر پنجاه درم فلفل سیاه پازره درم زنجبیل و
 سداب ازهر یک پست درم بوره ارمنی پنجدرم عسل
 سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمت شربتی کشاکش
 کل عروق حکم جنین و تار یکی چشم و دمع و سیلان نافه
 باشد صفت آن زعفران سنبل ازهر یک دو درم دار فلفل

یکدرم

یکدرم فلفل سبز و کافور ازهر یک دانگی نیم نوشادر نیمدرم
 مازوسه درم کوفته و بجزیر بخته در چشم کشند کحل دیگر که
 همین خاصیت دارد صفت آن شاربج مغلول و درم
 الاخوین سادج هندی سنبل دار فلفل ازهر یک نیم درم
 مازو یکدرم قاقله و مشک ازهر یک دانگی کافور نیم دانگ
 کوفته و بخته بدان اکتحال نمایند کحل مع توتیا مغلول
 دو درم سبده هلیله زرد صبر ازهر یک چهار درم فلفل نیمدرم
 دار فلفل یکدرم کوفته و بخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر
 قوت دهد و تیز گرداند صفت آن سرمه اصفهانی هشت درم
 مار قشیا پنجدرم اقلیمیا طلا دوازده درم حرواریدرناخته
 سه درم زعفران نیمدرم سادج هندی دو درم صلیب کرده
 در چشم کشند کحل الجواهر بنسخه دیگر سرمه شش درم توتیا

چهار درم بسد مار قشیشا از هر یک و درم مروارید ناسفته
 هشت درم سادج هندی یک درم مشک یک طسوج صلابه
 کرده چنانکه رست استعمال نمایند کحل الجواهر نوعی دیگر
 سرمه اصغفانی توتیا هندی از هر یک ده درم مار قشیشا
 رحبان سرخ دهنه فزنی عقیق سرخ طلا نقره مایران حسنی
 فلعل سیند دار فلعل اقلیمیا طلا اقلیمیا نقره روی سوخته
 از هر یک چهار درم سرطان بحری مروارید ناسفته سادج
 از هر یک چهار درم باقوت سرخ لاجورد شسته زعفران
 توبال مس سوخته از هر یک ده درم صلابه کرده استعمال
 کحل روشنائی نافست از جهت ضعف بصر و شبکوری
 صفت آن مس سوخته شادنج منسول از هر یک پنجم درم
 فلعل دار فلعل شحم حنظل زعفران از هر یک پنجم درم رنگار

بوره ارمنی صبر ستوطی از هر یک یک درم اقلیمیا دو درم
 صلابه کرده استعمال نمایند کحل غیری بصر را تیر کرد اندو
 تاریکی چشم را برود و معه و سبل را نافع بود صفت آن
 سرمه اصغفانی سوخته پنجم درم اقلیمیا طلا و نقره شادنج
 عدسی مغسول توتیا هندی مس سوخته از هر یک دو
 درم پوست بلبله زرد سادج هندی مس سوخته از هر یک
 فلعل دار فلعل نوشادر صبر ستوطی حنظل یکی زعفران
 سرطان بحری از هر یک از هر یک یک درم زنجبیل پنجم درم
 نیم دانک مشک سداب قنطاری و دانک صلابه کرده در
 چشم کشند کحل مازد بصر را قوت دهد و معه باز دارد
 صفت آن شادنج عدسی سادج هندی از هر یک دو درم
 دار فلعل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته و نارو

از هر یک یک درم قاقله و مشک از هر یک انگلی کافور یک طمبوج
 کوفته و بجزیر پنجه بدان اکتحال نمایند کحل که پاخذ و آثار
 قروح از چشم ببرد و شعله را نافع باشد صنت آن
 زبد البحر اقلیمیا نوره سفید آب ارز زمس سوخته از هر یک
 چهار درم سنبل مروارید ناسفته از هر یک دو درم صمغ
 عربی کثیر از زوت بر الضب نشاسته سحوقینیا
 از هر یک یک درم کوفته و پنجه استعمال نمایند کحل که نزول
 آب نافع باشد صنت آن زهره بزرگویی ده درم شحم خنظل
 یکمقال فرنیون و نوشادر از هر یک نیم مقال سکنج نمیزم
 کوفته و پنجه بآب رازیانه آب سداب بپوشند کحل
 که مره برویاند صنت آن استخوان فرما سوخته پنجم درم
 دغان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک

سدرم

سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته بر جن کشند
 کحل بفتح تاریکی چشم و دمعه و جرب و حله را نافع
 صنت آن شادنج مغلول و درم دم الاخوین دانگی
 روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم
 سادج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک انگلی
 کافور نیم دانگ کوفته و بجزیر پنجه استعمال نمایند کحل
 که صحت چشم را نگاه دارد صنت آن تو تیا ده درم شیانف
 مامیثا سه درم صبر سقوطی حنض یکی از هر یک یک درم
 کافور دانگی کوفته و پنجه بآب غوره یا آب سماق
 بپورند و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند
 کل حکمت کل زرد پاک چهار من بکوبند و بپزند و بکین
 کاغذ و نیمین نمک در آب کنند و بدست بمالند و بخت

روز بآب ترمین کنند و می سرشند انگاه وصله وصله کنند و خشک
 گردانند و در وقت حاجت انقدر که خواهند بگویند و آب
 سرشند و استعمال نمایند **باب اللام**
 لعوق سبتان سرفه و خشونت حلق را نافع بود و سینه
 را نرم کند و نفث را آسان گرداند و طبع را نرم کند صفت آن
 سبتان دو سبت عدد و بیوز منقی چهل درم فلو س خیاره
 پازره درم در شش رطل آب بجوشانند تا بدور رطل آید و بپزد
 بمالند و صاف کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند و بقوام
 آرند لعوق زوفار بود و سرفه گنده را نافع باشد و سینه و شش
 را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن زوفای خشک پنج سون
 از هر یک بت درم در سه رطل آب بجوشانند تا بر رطل
 صاف کنند و بایک رطل قند سفید بقوام آورند لعوق حب الرشاد

سرفه بلغمی را نافع بود و سینه را از اخلاط غلیظ پاک سازد
 صفت آن تخم تره تیزک ده درم اصل السوس چهار درم
 اینسون و رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در
 رطل آب بجوشانند تا بر رطل آید صاف کنند و بایک
 رطل عسل صاف بقوام آورند لعوق بزرگ کتان بود و سعال
 مزمن را نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند و نفث
 و هر صفت آن بزرگ بریان کرده سی درم قردمانا ده درم
 کوفته بعسل سرشند و لعوق سازند لعوق طباشیر سل
 و قرصه ریه و سرفه حار را نافع باشد صفت آن نشاسته
 کثیر از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز
 جلعوز صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید
 شصت مثقال کوفته بروغن بادام و عسل سرشند و استعمال

نماید لعوق صلبه لجوجه و غلظت صورت را نافع بود
 سینه را نرم کند و نفث را آسان گرداند صفت آن
 بزرگ ده درم حلیه و مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم
 کثیرا و اصل السوس و مغز جلفوزه و نشاسته و صمغ عربی
 از هر یک دو درم کوفته بعسل بپوشند و لعوق سازند لعوق
 بادام سرفه و خشونه حلق و حنجره را سود دارد صفت آن
 صمغ عربی کثیرا نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز
 تخم کدو و مغز بادام از هر یک پنج درم قند سفید پست درم
 کوفته تجلاب بپوشند و بروغن بادام چرب سازند و لعوق
 نماید لعوق رب السوس سعال مزمن را نافع بود و فضول را
 از سینه دفع کند و بر نفث یاری دهد صفت آن رب
 السوس کثیرا بارزد مغز بادام را زیاده مساوی کوفته

مجموع

بعسل صاف و روغن بادام بپوشند و بلیزند لعوق
 اسفیل ربو و سعال مزمن را که با رطوبت باشد نافع بود
 صفت آن باز عنصل مثنوی سه درم ایر سادو و درم سون
 و زوفا از هر یک یک درم کوفته بعسل مصنی بپوشند و لعوق
 نماید لعوق که سرفه خشک را نافع بود و سینه را
 نرم کند صفت آن رب السوس بیدانه مقشر از هر یک دو
 درم با قلا و نشاسته کثیرا و صمغ عربی تخم خطمی مغز تخم خیار
 تخم کدو و مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم خشخاش درم
 مغز بادام و میو ترمنتی از هر یک پست درم میو زرا در روغن
 بادام بپزند و ادویه دیگر کوفته بآن پامیزند و با مسخج
 بپوشند و لعوق سازند لعوق خیار خضر نخربجی بن
 ماسویه درم حلق و تب و تشنگی و خشونت زبان را نافع

باشد صنت آن عناب پنجاه عدد بستان صد عدد
 تخم خطمی ده درم میوز منقی پست و پنج درم و اصل السوس
 نیم کوفته از هر یک پانزده درم کثیرا شانزده درم بر قطونا
 پست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا ببلش
 آید صاف کنند و پنج درم مغز خیار خیره در آن بمالند و دیگر
 باره صاف کنند و یک رطل سفید و سی درم فایند داخل
 کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با روغن بنفشه بادام
 داخل کنند و بلیسند لعوق خشخاش سل و قرحه امعا
 و زرف دم و سرفه بلغمی را نافع باشد صنت آن پست
 خشخاش سعید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند
 تا بر طلی آید و یک رطل قند اضافه نمایند و بجوشانند
 تا بقوام آید بعد از آن رب السوس و مغز بادام و مغز

تخم کدو از هر یک پنجم کوفته بآن مزوج سازند
 شربتی ده درم بلیسند لعوق خشخاش منخی و یک زرد گرم
 رقیق را ساکن گردانند صنت آن تخم خشخاش سعید ده درم
 نشاسته کثیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز
 بهدانه شیرین از هر یک سه درم کوفته بجلاب سرشته
 لعوق نمایند لعوق حب القطن سینه را از اخلاط پاک کند صنت
 مغز بادام شیرین ده درم مغز بنبیه دانه دو درم آرد با قلا
 پنجم گرم کر سنده و فراسیون از هر یک سه درم فایند شست درم
 در آب بکدازند و بقوام آورند و داروهای دیگر را کوفته بآن بسازند
 شربتی یک لعقه بایداد و شبانگاه لعوق کرب سینه را از
 اخلاط غلیظ پاک سازد صنت آن آب کرب بخته یکن
 و نیم آب نیم غسل بپزند و بقوام آورند بعد از آن مغز جلغوزه

و مغربنه دانه و آرد با قلا از هر یک ده درم بزرک بریان
 کرده و حلبه از هر یک پنج درم مغربته باز ده درم کوفته
 بآن بسرشدن شربت بنج درم بشیر فر لعوق سیر سرفه بلغمی
 را سود دارد و ماده را نفخ و هوسینه را پاک کند صفت آن
 سیر پاک کرده بمن در نین روغن کاه و بیزند تا ممل شود
 پس بکوبند و نیک بالند و با یکین غسل صاف بقوام
 آرند لعوق جلفوزه ربو و سعال فرس و ضیق النفس را نافع
 بود و سینه را از اخلاط پاک سازد صفت آن مغربله جلفوزه
 پنج سوسن صمغ عربی و کنز و بزرک بریان کرده فرما دنی
 از هر یک سی و پنج درم کوفته باده رطل غسل و دو رطل روغن
 بسرشدن شربت بنج دو ملقه لعوق صبیان چون بشیر مادر در کلوی
 اطفال برزند سرفه و خشونه سینه را نافع بود صفت آن

صمغ عربی کثیرا رب سوسن فانی از هر یک چهار درم مغربله دانه
 یک درم کوفته بعسل بسرشدن لعوقی دیگر که ربو و ضیق النفس و
 سرفه بلغمی را نافع بود صفت آن بزرک بریان کرده کوفته
 ده درم با یکمغال روغن بنفشه بادام و پنج درم غسل
 بسرشدن و لعوق سازند لعوقی دیگر که همین خاصیت دارد
 صفت آن بزرک کر سینه مغربله بادام از هر یک ده درم مغربله
 پنج درم سوسن هفت درم صمغ عربی و کثیرا از هر یک ده درم
 بعسل صاف سرشته لعوق سازند لعوقی دیگر که همین خاصیت دارد
 صفت آن مغربله جلفوزه چهل درم مغربله بادام چهل و پنج درم
 رب السوسن بت و پنج درم بعسل سرشته بلیند لعوقی
 که شقیقه را نافع باشد صفت آن مرتخم کاه و از هر یک یک درم
 بزرالنج و کنز از هر یک و دانه افنون نیدانک کوفته و بجنه

بسرکه بپوشند و بر کاغذ پاره کشند و بر شقیقه جبین اندود
 راستکین کند لطوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
 تخم کاسته تخم کاهواز هر یک دو درم بیکدرم حضض سه درم
 افیون نیم درم کوفته و بخته بلعاب بز قطونا شسته بر دو
 و صله کاغذ کشند و بر صغین جبین اندود خلخه که خواب آرد
 صفت آن تخم کل و پنج لجاج از هر یک یکدرم افیون دانگی کافور
 دو دانگ کوفته و بخته در ظرفی کنند و بپوشند لبوب کبر
 کرده را گرم و قوی گردانند و منی پیازی و نشا ط آلود و باده را
 زیاده کنند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را قوی گردانند
 و زنک اینکوسازد و اعصاب را محکم کند و در امر جماعت
 نظیر ندارد و گفته اند که هر که ده روز بدین مداومت کند هرگز
 لغو ط او ساقط نشود صفت آن مغز پسته مغز فندق مغز

بادام

بادام مغز حبه الخضر مغز گردکان مغز جلفوز مغز حب النمل
 ماهی ربیان خولجان شقاقل همین سرخ همین سفید
 سرخ و زرد و زنجبیل کینجدمقشر و ارچنی از هر یک پنج درم سبیل
 الطیب سعد کوفتی و زعفران کبابه چنی حب القلقل تخم کدر تخم
 شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم اسبست تخم هلیون لسان العصا
 درو بخ عرقی زرینباد از هر یک سه درم جوز بوا بسبب سه
 دار فلفل از هر یک دو درم خضیه الثعلب نارچیل تازه مغز
 کچنک خشخاش از هر یک ده درم قضیب کا و سوده سورجکا
 بوزیدان نغصاع خشک از هر یک چهار درم مایه شتر اعراب
 زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام ده مثقال ورق
 طلا سی عدد و ورق نغزه پنجاه عدد و عنبر اشب یک مثقال
 مشک بتی نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود

مجنون سازند لبوب صغیر منی زیاده کند و کلیه شانه قوی
سازد و بسیار نافع باشد و رنگ روی را نیکو گرداند و
دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم سازد و در امر مجامعت عظیم
نافع بوده باشد صفت آن مغز بادام مغز حبه الخضر مغز
جلغوزه مغز حب الزم مغز فندق پسته نار چهل تاز مغز
حب القلقل خشک شش سعید تودرین کجی رمتشر تخم جیر تخم
باز تخم شلغم تخم است بهمین زنجبیل دار فلفل کبابه جنبی
قرقه دار جنبی شقاقل خولجان تخم بلیون مساوی غسل
سه وزن ادویه مجنون سازند چنانکه رسمت شرقی
دو درم **باب المیم** میزد و بیسک
قریب المنفعة است بتریاق فاروق لیکن تریاق فاروق
در دفع سموم این نافع است و مقدار شربت این در

امراض

امراض مذکوره زیاده از انت صفت آن مرزغوان
غار یقون زنجبیل دار جنبی کثیر از هر یک ده درم سنبل
کنز خردل سعید عود بلسان اسطوخودوس سیالیس
قط کافیتوس نه علك البطم دار فلفل عصاره الحبه التیس
جند پدستر سافج هندی میعه جاوشیر از هر یک پست
درم سیخه فلفل سعید فلفل سیاه سوربجان استوردون
جعه دو تو اکلیل الملک جنطیا ناروغن بلسان حبلسان
اقراص فرغون مقل از هر یک هفت درم سداب دوم
اشق سنبل روی مصطکی صمغ عربی فطر اسالیون قردما
رازیانه اینون کل سرخ مشکطامشع از هر یک پنجم
اینون وج موسکخ اسارون از هر یک سه درم فوه
اقاقیا ناف سقنقور میوفاریقون از هر یک چهار درم نیم

شراب یحانی کهنه چند آنکه صغها در آن حل کنند عسل^{مصنوع}
 دو وزن ادویه بطریق معهود همچون سازند و بعد از
 شش ماه استعمال نمایند مخلص کبر صرع و دوار و صداع کهنه
 و رعشه و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان
 و سوس و درد بلغمی و قروح امعاء و معصر رگبی و کرده و مثانه
 نافع باشد و قی الدم را باز دارد چون بآب لسان الحمل^{دانه}
 درد معده و سبزر را نافع باشد و چون بآب رازیانه بشویند
 بتهای کهنه را زایل گرداند و محلل اورام بود و دفع سموم کند
 و چون بر قضیب طلا کنند نفوذ آورد صفت آن سیخه اذخر
 مر از هر یک یک قتیقه و نیم چند پسته فطر اسالیون از هر یک
 باز ده مثقال تخم کرفس دو قتیقه سیالیوس یک مثقال قسطار
 چنی اقراص اندر امعاء میخسالت اسان از هر یک شش

مثقال

مثقال فلعل سعید دوازده مثقال سبیل هنت مثقال احما
 و زعفران و دار فلعل از هر یک چهار مثقال اینون و نیون
 از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه همچون سازند
 چنانکه رسمست و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از
 نیم مثقال و یک گرم تا یک مثقال همچون فلاسفو آزاماده الحیوة
 نیز گویند باضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند
 و نیان و سلس البول و درد پشت و درد کرده و اوجاع
 مفاصل را نافع بود و دمنی زیاده کند و باه را نگیرد و دانهها را
 سخت گرداند و در اوقات دهن و نشاط آورد و زک را نیکو
 گرداند و بوی دهن خوش کند و هر از او سرد را جازا موافق
 باشد صفت آن رنجیل فلعل دار فلعل و اجنی آمله مقشر بلبله
 شیطج هندی نوراوند مدج حصیه الثعلب مغر جلعوز

عروق بابونه نارچیل تازه از هر یک ده درم تخم بابونه پنجم
 میوز منقعی سی درم عسل مصنوعی دو مقابل ادویه بطریق متعارف
 معجون سازند شربتی دو درم معجون جالینو کرده و مشابه سرد
 گرم کند و سد بابک یا به صفت آن فلعل سیاه و سفید
 علامت سبیل الطیب قضیب الذریزه سازند هندی زعفران
 تخم کرفس اینیون عاقر قرحا تخم انجیر تخم سیب مساوی کوفته
 و بخته بعسل معجون سازند شربتی یکشمال در ماه الاصول
 یا در آب بادیان و آب کرفس معجون ابوسلم این معجون را
 فریاد رس گویند هم در دما را بشکند و تسکین کند صفت آن
 اینیون بزر البخ از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سبیل
 عاقر قرحا سورخجان قاقله دار فلعل از هر یک پنج مثقال
 کوفته و بخته بعسل بسرشد شربتی از دانه ای تا نیم مثقال معجون

ربلا

تربلا شسته قویج صعب در زمان بکثایه صفت آن
 خیر بواقفه سازند هندی فلعل دار فلعل رنجیل رنگ کالی متشتر
 آمله مقشر و قنل از هر یک یکشمال تخم کرفس سبیل زعفران مصطک
 از هر یک یکشمال تخم کرفس سبیل نیم مثقال تربید سفید و ستونیای
 از هر یک ده مثقال کوفته و بخته با سه چندان عسل بسرشد
 شربتی دو درم معجون زبل که همین خاصیت دارد صفت آن
 زبل الذنب چهار درم مرند پنجم تخم کرفس اینیون از
 هر یک سه درم کوفته و بخته بعسل معجون سازند شربتی
 سه درم تا چهار مثقال معجون تربد قویج بکثایه و بلغم دفع کند
 و در دپشت را ساکن کند صفت آن ستونیای ده درم قاقله
 کبار و صفار رنجیل دار چینی و قرقه و نارمشک و قرقنل
 و فلعل از هر یک پنجم شکر سرخ و تربید سفید از هر یک صد مثقال

عسل مصنی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دودرم
 معجون کویز صفرا و بلغم دفع کند صفت آن مغز کافیشنه مغز
 بادام ستمونیا از هر یک ده درم زعفران یک درم نبات
 بیت و پنجم درم در کلاب بکدازند و دارو را کوفته بدان
 بسپارند شربتی بکشد معجون سودر حیر و اسهال کهن
 سود دارد صفت آن ایون چند بدستریه بر
 البیج زعفران اسارون مر تخم کرفس سلجقه اینسون
 سنبل کلار منی مساوی کوفته و بخته با سه چندان
 عسل معجون سازند شربتی یک درم باب مورد یا آب
 معجون حجر الیهود سنگ کرده و مثانه را بریزند صفت آن
 مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه مغز تخم کدو حب کالنج از هر یک
 پنجم درم حجر الیهود بجاه درم صلابه کرده بعسل بسپارند شربتی

دودرم

دودرم تا سه درم معجون عقرب سنگ کرده و مثانه را
 بریزند و کزندی عقرب را بغایت نافع بود صفت آن
 عقرب حرق سه درم و نیم جنطیانا یک درم و نیم زنجبیل
 یک درم فلفل دار فلفل از هر یک ده درم کالنج پنجم درم و نیم
 چند بدستریه چهار درم کوفته و بخته بعسل معجون سازند
 شربتی دانکی آب کرفس معجون کالنج قرص کرده و مثانه را
 الدم را نافع باشد صفت آن بزر البیج تخم کرفس از یانه از
 هر یک هفت درم مغز تخم خربزه تخم خالص ایون مغز تخم
 جلعوز بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از
 هر یک سه درم زعفران دودرم و نیم کالنج بیت و پنجم درم
 کثیرا چهار درم کوفته بمیخج بسپارند شربتی یک درم
 با چند یون یا مار العسل یا شراب خشیاش بنوشند

مجون مبدل القوه و فالح و ریشه و برص و خدر راناف
صنت آن زنجیل عاقر قرحا شونیز قسط و ج غسل ملادر
از هر یک ده درم حلیت سداب زراوند جنطیانا
شیطج حب الغار جند پدستر خردل از هر یک پنجم درم غسل
مجون سازند چنانکه رسمت شرقی بکینقال مجون
حب الغار شسته محذکر یا قویج بکشاید و استقأ طبل و
جميع امراض ریجی را که با آن حرارت نباشد نافع بود
صنایک سداب خشک پنجم ناخواه زیره کرمانی کاشم
شونیز صغیر کرو یا فطر اسالیون مغربادام تلخ فلفل
فودنه دار فلفل و ج زوفا حب الغار جند پدستر از
هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکنج چهار درم صفصفا
در شربت حل سازند و دار و با کوفته داخل نمایند و میل

بر لسته

بسر شند شرقی دو مثقال مجون زراوند و ازرا مجون
ربو نیز گویند از ترکیب محذکر یا استخیق النفس و غیره
بلغی راناف بود صنت آن زراوند مدوج قردمانا
کر سینه خم سفندان سعید مغربادام تلخ تخم انجبه از هر
پنجم درم رب السوس پرسیاوشان زوفا از هر یک
ده درم کوفته بعسل سر شند شرقی سه درم بطبخ زوفا
مجون اهل مواد بارده را دفع کند و بادام را بشکند
صنت آن اهل ناخواه کند روج دار چینی مساوی کوفته
بعسل مجون سازند شرقی دو درم مجون سعال نافع است
سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صنت آن مغز
جلفوزه سه درم مغز پسته پنجم مغربادام مقشرو
بزرگ از هر یک ده درم فایند سی درم بطریق معهود

مخون سازند شریقی مقابل یک کردگان مخون کل ورم
 جگر را نافع بود صفت آن کل سرخ چهار درم پنج سون
 هفت درم ریوند چینی و لک مغسول از هر یک یک مثقال
 و نیم سیلخه و زعفران از هر یک سه درم مریم مثقال غفران
 را در سرکه حل کنند و دارو را کوفته و پنجه بدان مخلوط
 و بمسل بسازند مخون رت قویج را در ساعت بکشاید
 صفت آن فلفل دار فلفل رنجبیل زیره کرمانی سداب
 خولجان قرقه از هر یک ده درم ستمونیا هفتاد درم
 غسل صد و چهل درم شریقی یک مثقال مخون و ج ابتداء
 زؤل را نافع بود صفت آن و ج حلیت رنجبیل را زیاده
 مساوی بمسل مخون سازند مخون کوکو ترکیب جالیوس
 هفت منفعت دارد و قضیب سخت کند و اوعیه منی

بکشاید

بکشاید و شتوت را زیاده کند و اعصاب را قوت دهد
 و در خون تغییری عظیم پیدا کند و غوط بسیار آورد و
 دوست مرد در دل زن پیدا کند صفت آن مروارید ناسته
 و بس از هر یک یک درم ققاع از فرسعد کرنازج سیلخه و چینی
 اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی و کثیرا
 از هر یک نیم درم کوفته یا بمجذبان غسل بسازند و در وقت
 خواب و نزدیک مجامعت یک مثقال آب نیم گرم شود
 مخونی بیک که اعضاء ریشه را قوت دهد و باه را زیاده
 کند و نشاط آورد و موده را قوی گرداند و اشتها آورد
 و رنگ رو را نیکو گرداند و طعام را هضم کند صفت آن
 دارچینی سنبل الطیب پوست برون بسته جوز بوماش
 خولجان بهمن سرخ و سیند شقاقل و الیه پوست بلیله

بادرنخویه کا وزبان از هر یک سه درم مصطک و بیل
 رزنب رنجیل قنقل سارون سادج هندی سه درم
 مصطک و بیل رزنب رنجیل قنقل سارون سادج
 هندی کبابه چنی پوست تریخ دروچ روی زرنباد
 سیند حب القنقل امیون نغناغ بیاسه هلیله سیاه
 بوزیدان زغزان ماه فرغین کبریا مرید صلیا کرده
 مرجان از هر یک دو درم مصطک سعد کوفی ورق کل سنج
 از هر یک پنجاه درم ماسه ربان خضیه الثعلب تودر
 زرد تودری سنج از هر یک پنجم منک بتی نیم شغال
 عنبر اشهب یک شغال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه
 عدد قد مناصفه نیم من میخون سازند خاکه است
 میخون عطار قطیر بول و سرعت از آن نافع به نفع

عک

عک روی کندرجبت بلوط بزرالعنب مساوی کوفته باد
 مقدار عسل پسرشند شربتی دو شغال میخون کینر ککمه
 خاصیت دارد صفت آن عک روی کندر کلنا ربلوط
 شونیز کشتیه خشک از هر یک ده درم زیره کرمان
 کرو یا ناخواه از هر یک پنجم پوست هلیله هلیله
 پوست هلیله زرد آمله مقشر از هر یک سه درم کوفته
 و پنجمه با سه شغال مقدار آن عسل پسرشند شربتی
 دو شغال صباغ و مسامی نوشند و غذا کباب و قلیه
 مناسب است میخون رشیده همان منفعت دارد
 صفت آن کبابه چنی فوفل قنقل خضیه الثعلب مصطک
 ناخواه از هر یک ده درم با نیم عسل میخون سازند
 شربتی دو درم میخون بزر در تقویه باه بی نظیر است

صفت آن تخم که در تخم شلغم تخم ترب تخم بلیون تخم است
 تخم جرجر مغر جلفوزه حب القفل مغر حب الزلم بوزیدن
 قسط شیرین زنجبیل تو در بین لسان العصافیر شقا
 بهمن سرخ بهمن سیند دار فلفل حرف حلیق قوفه
 مساوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی سرد در شیر
 تازه یا شرب نوشیرین معجون این معجون از منجا
 و بعضی از تر باقات شمرده اند و منافع بسیار دارد صفت آن
 قفل فلفل زنجبیل سبیل دار فلفل خیر بواجوز بواقا که کبار
 شیطاح بندی لسان العصافیر درون عرقی با درنجوب
 مصطکی لسان الثور و خولجان و زنجبیل و روایه یاخته
 صندل سفید زراوند مدح سلیمه کل سرخ یا قوت رمانی
 بهمن سرخ بهمن سیند از هر یک و درم بسا سه شش درم

پوست ترنج سه درم پوست بیلید یک درم عنبر اشب و غزل
 از هر یک یک درم و نیم مشک بنم درم کوفته و بخته بعسل
 معجون سازند شربتی یک درم تا دو مثقال معجون پیرش
 حافظه را قوت دهد صفت آن بلاد درو افیتون از هر یک
 ده درم صبر زرد شست شقال غاریقون پست و چهار شقال
 سلیمه و ج زراوند زعفران دارچینی مصطکی از هر یک شش
 مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از هر یک هشت مثقال
 عسل سه چهار یک بطریق معهود معجون سازند معجون ^{اصطفا} حیو
 تباهی مزاج و درد معده را سود دارد صفت آن قسط حاما
 مر سبیل سلیمه مصطکی از هر یک دو اوزه درم زراوند طویل
 فلفل سیاه تخم کرفس تخم شبت اینسون ناخواه زیر و کرمانی
 دو قوفه اسالیون کا شم اسارون افسنتین انجدان

نودنه نغناغ از هر یک چهار درم کوفته و بخته بعسل معجون
سازند معجون شکر قویج بکشاید صفت آن در بخیل فلفل
سیند از هر یک بت درم ستمونیا ده درم فرمادانه
پرون کرده مغز بادام برک سداب از هر یک شصت درم
فرمادار سرکه خیسانند یک شبانه روز و بکوبند و بادار و با
کوفته و بخته و نیم من عسل صاف معجون سازند شربتی
سه درم تا چهار درم معجون جنطیانا صلابه سبز و جگر و
درد معده و کرده و مثانه را نافع بود و سده بکشاید
صفت آن جنطیانا نارومی و فلفل سیاه از هر یک ده درم
قط ساذج سنبل یونجه چنی از هر یک هفت مثقال
کوفته و بخته با سه وزن عسل سرشند شربتی دوم
باب سداب معجون فستقین درد معده و جگر که از

سردی بود ز ایل گرداند و استقار نافع بود صفت آن
اینون تخم کرفس فستقین مغز بادام تلخ مساوی کوفته
با سه چندان عسل سرشند شربتی دو درم معجون سنبل
معه و جگر را نافع باشد صفت آن سنبل الطیب
فلفل اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم میوز متقی
سلخه از هر یک پنج درم زعفران مرا اینون از هر یک
یک درم فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل میوز
در مثلث حل کنند و دار و با کوفته و بخته بدان پاشند
و با عسل معجون سازند معجون خنجر و در جگر و
درد معده و سینه را سود دارد و آواز صافی کند و بول
براند صفت آن میوز متقی بت و تخم درم زعفران
سنبل سلخه دار چینی دار شیشعان از هر یک یک درم

قصبه لذریره ققاج اذخر علك البطم مقل از هر يك دم
و نیم مر چهار دم آنچه حل گردنیت در مثلث حل کنند
و آنچه کوفتی است بگویند و آن مخموج سازند و عسل
مچون کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند همچون قیصر
خفتان بار در او صرع و درد معده که از سردی باشد
و فواق استلابی را نافع بود و سده بکثایه صفت آن
جند بد شراب السوس لیحه قسط تلخ فلفل سیاه
افیون میوه زعفران سبیل از هر یک سه درم چای
یک درم و روغن عرق زرنیاد مروارید ناسته از هر یک
نیم درم مشک دو دانگ کوفته و پنجه عسل بپوشند
شرابی مقابل بخودی همچون که از جهت ضعف معده
نافع است صفت آن طباشیر و پوست سنگدان خرد

از هر یک

از هر یک دو مثقال کل سرخ سه درم نعنای خشک پسته
پرون پسته پوست ترنج پوست هلیله زرد از هر یک یک مثقال
بهمن سرخ و سفید صندل سرخ و سفید صغیر و کثیر خشک
بریان کرده و حب الاس از هر یک دو درم کوفته و
پنجه با شراب فواکه همچون سازند شربتی دو مثقال
مچون ^{چای} بیمار چمر مسهل سودا و بلغم بود و امراض سودا و
و بلغمی را نافع باشد صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کالی
و پوست هلیله آمله معشر افیتون از هر یک ده درم بفاع
فتقی اسطوخودوس تربه سفید از هر یک پنج مثقال
غار یقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغول از هر یک
دو درم و نیم ستونیا سه درم کوفته و پنجه با صد و پنجاه
درم عسل بپوشند شربتی پنج مثقال یا هفت مثقال

چون چهار چیز مسلط بود و بلغم پنجه صفت آن تربه سفید چمر مسهل سودا و بلغم بود و امراض سودا و بلغمی را نافع باشد صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کالی و پوست هلیله آمله معشر افیتون از هر یک ده درم بفاع فتقی اسطوخودوس تربه سفید از هر یک پنج مثقال غار یقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغول از هر یک دو درم و نیم ستونیا سه درم کوفته و پنجه با صد و پنجاه درم عسل بپوشند شربتی پنج مثقال یا هفت مثقال

مجون سورجی مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص بفاصل
و ترس و عرق النساء است صفت آن سورجیان شش
مشقال یا پیزه زیره کرمانی پوست سبج کبر شیطاج هند
بوزیدان از هر یک دو درم پوست هلیله زرد بهشت درم
تخم کرفس نک هندی برک جنار زنبال بحر فلفل سیندریانا
صغیر از هر یک یک مثقال کل سرخ زنجبیل ستونیا کشنر
خشک از هر یک سه درم تربه سیند یا نرزه درم روغن بادام
چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربت بنفشه
تا بهشت مشقال مجون مشک در دجک و ضعف معده را
باشد و سده بکشاید و او را مصلبه را تحلیل و در صفت آن
مشک سیخ سبیل سافج هندی لک معول ریوند چنی
خطیان روی از هر یک دو درم زعفران ناخواه تخم کرفس

مصطکی

مصطکی از هر یک سه درم عود هندی و قرقل از هر یک
نیم مثقال کوفته و بخته با سه جندان عسل مجون سازند
مجون ناخواه معده را پاک کند و اشتها طعام آورد و باه
قوت دهد صفت آن صغیر زوفا ناخواه نفع شونیزیره
کرمانی از هر یک پنج مثقال و ج بسباسه رازیان زنجبیل
جوز بو تخم کرفس از هر یک سه مثقال جاشاد و مشقال کوفته
و بخته با سه جندان عسل پسر شند مجون سلی در دشت
و درد پای را نافع باشد و باه را قوت دهد و معده را پاک
کند و موی را دیر سیند گردانند و سودا را دفع کند و عت
انزال را سود دارد و صفت آن کل سرخ سعد عاقر قرحا
قرقل سبیل مصطکی رزیناد زعفران قاتلین جوز بو
مساوی قند و عسل مضاعفه بقدر احتیاج قند را در

۹۵۵

کلاب بکدازند و با غسل بقوام آرند و دارو پاکوفته و بخته
 بان بسرشدن معجون عیاشتها آورد و بوی دهن خوش
 کند و حفظ بیزاید و منی زیاده کند صفت آن زعفران
 و عاقرقراطی و زنجبیل و فلفل قاقله کبار و دار فلفل
 چند پدستر مساوی کوفته و بخته با سه چندان غسل
 بسرشدن معجون سیرلقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر
 و بهق و برص را نافع باشد و معده را قوت دهد و
 اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت بفرزاید و زنک را
 سرخ گرداند و حرارت غریزی را برافزورد و پیران را بقاء
 معید بود صفت آن سیرپاک کرده نیم من در یکین شیرکاو
 بریزند تا مملو شود و سه چهار یک غسل و سی درم روغن
 کاه و بر سرش ریزند و با یکدیگر مزوج سازند و اثرش

از

۲۵۴۱

۹۵۵

۱۹۴

فرود گیرند و این دارو پاکوفته و بخته بان بسرشدن فلفل
 جوز بوا بسیار سه فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار
 بلبله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود خام
 زعفران از هر یک پنج درم شربتی یکتابل کردگان معجون نمک
 هندی معده را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی را باز
 دارد و دوار بلغمی و سوداوی را نافع بود صفت آن
 بلبله سیاه مغایله آمله بلبله کابلی اسطوخودوس از هر یک
 سه درم افیتون چهار درم نمک هندی دو درم ایاره فستق
 ده درم عاریقون چهار درم کوفته و بخته بکنجبین
 بسرشدن شربتی سه درم آب کرم معجون قطا و جاع
 کبد و معده را نافع باشد صفت آن دارچینی سیخه
 قسط از هر یک سی درم افیتون اینون ریونند

تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون پست و نه درم زعفران
 هشت درم ققاع اذخر و مر از هر یک پست و چهار درم مر
 در شراب حل کنند و ادویه دیگر کوفته و بخته بان مخموج
 سازند و بعسل صاف معجون کنند معجون صمغی فلیج و لغوه
 و استرخا و امراض بلغمی را نافع بود و چون بر عضو منحل
 و مسترخی طلا کنند نافع باشد صفت آن ایون زرقون
 جند بیدستر دار چینی دار فلفل زرا البیج سنبل زنجبیل
 زعفران مساوی کوفته و بخته بعسل بپوشند معجونی
 که نقرس بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد و
 سوربخان عاقر قرحا از هر یک پنج درم فلفل سینه یک درم
 و نیم زیره کرمانی هفت درم راسن چهار درم زنجبیل
 دو درم ایون نیم شقال کوفته و بخته بعسل بپوشند

بهری

شربتی دو شقال معجون کبکبج قویج را نافع بود صفت آن
 دو قوریون چینی اذخر حب بلسان ایفتون سیفه
 دار چینی ابو نظاره ^{سالی} کافیطوس از هر یک سه درم مخلوط
 سی درم نعنای خشک نیم درم کوفته بعسل بپوشند معجون
 ریون در دجکر و معده و اورام رحم را نافع باشد صفت آن
 ریون چینی شده و ج پنج انجدان تخم کرفس از یانه
 اینون ناخواه مساوی بعسل بپوشند و بعضی عوض شده
 راسن کنند شربتی یک شقال با ماء العسل معجون فیترا
 شوات ردیه را رفع کند و صداع را نافع باشد صفت آن
 ایارج فیترا دو ارده درم پوست هلیله کالی پوست هلیله
 آمله از هر یک دو درم بلخ نعلی دو درم و نیم کوفته و بخته
 بعسل معجون کنند شربتی سه درم تا چهار درم در طنج

خودنه معجون خودنه درد معده و جگر و تباه کن و تب
 سرد را سود دارد صفت آن خودنه گوی و بودند دشت
 فطراسالیون سیسالیوس از هر یکی پست درم تخم کرفس
 و بابونه و حاشا از هر یکی چهار درم کاشمش پانزده درم
 نخل سیاه چهل و چهار درم و در بعضی شهابت و چهار
 درم با انگبین مصنی باشند معجون مثل یاد بو سیراد
 بادی که اندر رود و باشد بشکند و اما سقعه که خون آید
 سود دارد صفت آن هلیله کالیلیله آله تخم سبزه آن سبزه
 تخم کندنا تخم شاپریم از هر یکی بخدرم مثل بنجاء درم
 مثل آب کندن حاصل کنند و دار و دانه بدان بشیرند شری
 دو درم معجون ماسک ابول زکوتلی که او را بول راناف
 بود و سیلان منی را باز دارد خاصه مردم پیرا صفت آن

افاقا

افاقا کلنار از هر یکی سه درم صندل سرخ صندل سفید
 عدس سرخ قصب الذریره تخم محاض صمغ عربی
 طباشیر از هر یکی دو درم تخم مورد و مشتال کندر یک درم
 سوده و پنجه بکلاب بشیرند شری از وی بخدرم
 غذا بریان و قلیه خشک تناول کند معجون حلا اسهال
 بلغمی و ریخ را نافع باشد صفت آن افیون چند پسته
 میعه سائله بزرالنج زعفران مر اسارون تخم کرفس
 سلخه اینون سبیل الطیب کل ارمنی کلنار مساری
 کوفته و پنجه با سه چندان غسل بشیرند شری
 نیم درم برب بر یا آب سرد یا آب ساق معجون
 بنفشه امراض صفراوی را نافع بود و سرفه را دفع کند
 صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین از هر یکی دو درم

تخم کاشنی سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو سیلخه از هر یک
 پنج درم کثیر یک درم اصل السوس یک درم کوفته و بخته بختد
 و کلاب معجون سازند شربت یک درم بکلاب کرم کرده معجون
 برباط نیان و مالخولیا و صرع و بقی و برص و اوجاع
 مفاصل و در معده و دار الحیة و دار الثعلب و دار الفیل
 و تقطیر لبون سرفه کننده و تب و عسر البول و اسهال
 و یرقان سندی و طحال را نافع باشد و دفع عایله سموم کند
 و در لافوت دهر و باده را زیادت کند و حب القرع را دفع کند
 و سنگ کرده و مثانه بریزاند و حیض بکشد و بوی دهن
 و بوی عرق خوش کند و کرانی زبان ببرد و صداع را بیل
 کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را سود دارد و پیرازا
 بغایت معنی بود صفت این جنطیا ناقص است

دما

و تخم فلنج شک حب لغار زراوند طویل از هر یک یک مثقال
 اینون چند پندستر حب بلبلان عود بلبلان سیلخه
 مصطکی از هر یک یک درم دروچ زرنبا و تخم کرفس تخم جوی
 تخم باز تخم گندیا از هر یک دو درم صبر سقوی ده درم بره
 سفید پست درم عود خام دوازده درم جوز بوار یوندر چینی
 قرنفل قاقله بیا سه اشته سنبل الطیب زعفران استیل
 بریان کرده در نب شیطج افلیج دار چینی از هر یک درم
 ورق کل سرخ با در بخوبیه لک مغسول از هر یک پنج درم سعد
 حب الملح از هر یک چهار درم بلبله سیاه پوست بلبله
 آله از هر یک شش درم کوفته و بخته بروغن بادام تلخ
 چرب کنند و با سه چندان عمل بپوشند و در ظرفی آبکینه
 کنند و شش روز در میان جوینند شربت از دو درم تا پنج درم

مخونی که نافع است از بخته کسی که بواسطه درد معده طعام را
 نمی کند صنت آن اصول از فرسود از هر یک یکدرم است
 بهلیله فلفل کندگاناخواه از هر یک نیم درم دانه میوز
 کنی زنجبیل دارچینی سیخه فودنه از هر یک دانگی نیم مصطکا
 وعود خام از هر یک دودانک قرنفل و سک از هر یک
 دانگی دانه میوز را بکوبند و قدری آب اضافه نمایند
 و شیر آن بکینند و بخوشا نند تا غلیظ شود و ادویه دیگر را
 کوفته و بخته بر آن بسرشند و هر روز مقابل یک بادم
 تناول نمایند معجون میوه اسهال گفته و زجیرا نافع باشد
 صنت آن چند بدست اسارون افیون میوه سایله بزر
 الیخ کند مساوی بعسل مخون سازند شربت دوم
 تا سه درم معجون فولاد این معجون ضیانت و زکری

عجیبت

عجیبت و خواص بسیار دارد و فالج و لقوه و صرع و عرشه
 و نسیان و عرق النساء و مفاصل بلغمی و جمیع امراض یارده
 را نافع بود و حفظ را زیاده کند و معده را قوت دهد
 و باه را برانکیزاند و سرعت ازاله سلس البول را دفع کند
 و بر اثر موافق باشد صنت آن زعفران فلفل دار فلفل
 شجرف مغسول یا آب لیمو صلایه کرده کبابه جنبی مصطکا
 اینسون مایه مستغفور سبیل سباسبه قرنفل دارچینی
 صندل زیره کرمانی سیاه دانه تخم خربزه تخم کاشنه
 عاقر قرحا بهمن سرخ بهمن سعیند بهلیله سیاه کبریا
 مرجان مروارید تا سخته لسان العصافیه تخم کرفس
 مغز بنیه دانه تخم تا توره زهر کوفته بریان کرده جنطیانا
 مایه شتر اعرابی زنجبیل مغز سر کنجشک مغز سر فروس کنجد

مقشر کند روی با بونه جوز بوا آله قاقله کبار سلیمه شیطیح
 بندی ناخواه جوز بندی هلیون سلیمه سلبتواز هر یک
 ده شغال شتر غاز مغر جلفوزه بهار کردکان حب النیل
 بندی خصیة الغلب زرباد رازیانه بلادر زهر کوفته
 کجکله زهر گرفته بر این کرده افیتون زراوند طویل با عصار
 زراوند مدراج شاهتره از هر یک یکم شغال ورق طلا ورق
 از هر یک پنجاه عدد دقتند سیندرج اخرا عسل صاف مقابل
 فولاد مکلس هر صد شغال وارده شغال بستور متعار
 معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و طریق
 تکلیف فولاد آنست که فولاد جوهر دار خالی از خاک رستباند
 و صلایه کنند و هر پنجاه شغال فولاد پنجاه شغال کوکورد زرد
 پاک صلایه کرده بآن ضم کنند و در توبیل ریزند و در کوزه نمند

و آتش

و آتش تند کنند چندانکه کوکورد تمام بسوزد و دود و کوکورد
 بر نیاید بعد از آن پرون آورند و خوب صلایه کنند
 و باز پنجاه شغال بیک کوکورد با او صلایه کنند تا کوکورد بهمان
 طریق در بوتیه ریزند و در کوزه نمند و آتش کنند تا کوکورد تمام
 بسوزد پس از بوتیه پرون آورند و باب صبر و سرکه کمند
 یک هفته صلایه کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن بسرکه
 بشویند تا تلخی از او برود پس با آب بشویند تا شیرین گردد
 بعد از آن خشک کنند و با آب ترب صلایه کنند چندانکه
 چون در آب ریزند بته آب فرو رود تا نیم روز بر بالا
 آب بایستد معجون حشید به بیاری بول که از سردی بود
 باز دارد صحت آن حشید به بر پست درم قشور کند
 که در سرکه خیسایند و باشند یک شب از روز بخیش کرده

و کوفته و بخته پنجم درم طباشیر چهار درم کشته خشک
سه درم شوکران دو درم میبه ساده بپوشند با باد آتش
و شبانگاه سه درم شراب میبه همچون رسن و درم صلب
کبد و معده را نافع بود صفت آن ریوند چنی و خجیل
و راسن و شتر غاز از هر یک یک جزو تخم کرفس رازیانه انیسون
ناخواه از هر یک نیم جزو کوفته و بخته غسل سه وزن آرد
بپوشند شترتی مثلیک فندق همچون که منع مستی کند
صفت آن شاخ بز سوخته مغز بادام تلخ تخم کرب پودنه
کوبی تلخ نغلی سداب ناخواه مساوی کوفته و بخته
بغسل همچون سازند همچون بزور در معده و جگر و بزر
را سود دارد و باد را بشکند صفت آن سلیمه و
وسبیل و ناخواه رازیانه تخم کرفس انیسون سیالیوس

جز

جند پدتر شبت ز راوند طویل مصطکی اسارون کروی
اجرام مساوی با انکبین مصفی بپوشند همچون چوب حنی
ترکیب مولانا عماد الدین محمود جته تقویه باده و معده
و دماغ و جگر و کرده و مثانه و سرخی رنگ روی و
فریبی بدن نیکو بود و بوی دمان بر دو خوشبوی سازد
و منافع بسیار دارد صفت آن پنج چنی اعلا پنجاه
مثقال مرارید یا سفته صلایه کرده دو مثقال شمشطاده
مثقال ریوند چنی اصفون رومی از هر یکی سه مثقال سبیل
بیل از هر یک سه درم مصطکی عود خام مایه شتر
اعرابی زعفران مشک عنبر از هر یکی دو درم سمکه صید
و رسیان از هر یکی سه مثقال دار چنی قرقل قنقل و خجیل
از هر یکی دو مثقال جوز بواسیسه از هر یکی ده مثقال

درونج عقربی زرینباد از هر یکی سه مثقال خصیه الثعلب
 پنج مثقال تخم کدو تخم شلغم تخم ترب تخم پنجه بهمن سرخ بهمن
 سیند خشک مربی از هر یک سه مثقال بوزیدان سوخته
 از هر یکی دو درم شقاقله درم کبابه خولجان مصری
 قط شیرین از هر یکی دو درم تودری سرخ تودری زرد
 از هر یک سه مثقال سعد کونی دو درم ورق منشط سد
 ادویه مجموع را کوفته و بخته کا و زبان باد بجنوبه کل سرخ
 دواله از هر یکی ده مثقال حوشاینه صاف کرده آب آن
 نگاه دارند تخم خربزه تخم خیار تخم کاشنی تخم فرفه از هر یک
 ده مثقال بکوبند نرم و شیر بکینند و آن شیر را اضاف
 جلاب سابق کنند و باب به شیرین و آب انار شیرین
 و کلاب از هر یکی صد مثقال با قند و عسل صاف منصفه

سه وزن

سه وزن ادویه بقوام آورند و مغر فندق و بادام و
 کردگان و جلعوزه را از هر یکی ده مثقال نرم بکوبند و نه
 مرهم و در عسل اندازند و زعفران را بکلاب حل کنند و بعد
 از آن که سرد شود اضافه کنند و مشک و عنبر را دو حصه
 کنند یک حصه را اول داخل کنند و یک حصه دیگر بعد از
 سایر ادویه نافع باد و بعضی دیگر این اجزا را داخل نمایند
 اسارون سه مثقال آمله مقشر بشیر پرورده ده مثقال
 کل مخموم ضدل سیند ضدل سرخ از هر یک سه مثقال
 خشتاش سیند ترکیب ساخته در ظرفی ابکینه یا ظرفی
 با کیزه کنند معجون نافع از برای کسی که عاقر باشد از
 از آله بکارت صفت آن زنجبیل دار چینی خصیه الثعلب
 شقاقله جوز بوالسان العصافیه مصطکی زعفران دار ^{فلکل}

بوزیدان درد احمر بهمن سرخ تخم ملیون تخم جذر از هر یک دو
 مثقال مشک و عنبر از هر یکی یک مثقال حب القلقل سه درم زاید
 الفکر بت و پنج مثقال عسل بنمن ترکیب سازند صفت آن
 قندنج مثقال خولجان کباب چینی قرقل جوز بوا از هر یک سه
 مثقال قاقله کبار قاقله صغارا از هر یک سه درم فرخ مشک ورق
 قرقل از هر یکی سه مثقال کاو زبان بادرنجبویه از هر یک
 پنج مثقال شنه از هر یکی چهار مثقال زعفران و مصطکی
 از هر یک سه مثقال بهمن سرخ بهمن سیند از هر یک چهار
 مثقال سافنج هندی زنجبیل ارچینی فلفل از هر یکی دو مثقال
 پوست ترنج سه مثقال کل سرخ چهار مثقال سعد یک مثقال
 خصیه الثعلب بیا سه لسان العصافیر از هر یک سه مثقال
 عنبر اشهب دو مثقال لعل یک مثقال مشک نیم درم مروارید تا سخته

کبریا

کبریا با از هر یک یک مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک
 نیم مثقال فروا عظم بت مثقال عسل دو وزن ادویه
 معجون الباه از ترکیب مولانا فخرالدین شیراز صفت آن
 بهمن سیند بهمن سرخ خولجان از هر یک پنج درم زنجبیل
 سه مثقال بایه شتر اعرابی شتاققل تودری سیند از هر یک
 پنج مثقال خشک مربی ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام
 مغز فندق از هر یک ده مثقال زعفران سه درم کاو
 زبان پنج مثقال خلد بیا سه درم عنبر اشهب یک درم
 ورق الحیال صد مثقال بشیر کوسند جو شایند صاف کرده
 با عسل بگوام آورند و دیگر افرابان بسازند معجون سحر ترکیب
 شیخ ابوعلی مشهور است بتوی سحری نواید بسیار دارد مقوی است
 جگر و دل و معده را قوت دهد و با ضم و میرند حافظه و قوت بصر



اوزاید وقت سغ نگاه دارد صفت آن سبل ده شقال
 بسا سه جوز بوا قاقله صغار رنجیل و اجینی و قفل غول
 بهمن سرخ عود الصلیب مصطکی نارجل سادج بندر
 از هر یک شش شقال تخم معصر سه شقال تخم ماهیزه
 تخم شبت ناخواه زیره کرمانی اینون تخم جذر از هر یک
 سه شقال مغز بادام شیرین مغز پسته مغز کجنگ
 از هر یکی شش شقال مویز قند سفید از هر یک سی
 شقال عمل مصفی سه وزن ادویه مقدار شربت دو
 شقال محجونی که منفعت کند یرقانی را که باجمی باشد
 صفت آن کرپزه یا بسه سه درم وردا هم بکیرم و نیم طبایه
 سفید بکیرم کوفته و بخته بشراب سبب سرشته بترقی
 یک شقال پاده درم از شراب سبب مغز حی که مقوی قلب

وباه

وباه و معده است صفت آن مروارید نا سفته سه
 شقال لعل بد خشتانی فیروزه نیشابوری بد کمر با
 شب جهر الیود مشک خالص از هر یک دو شقال عود
 چهار شقال پوست سبزه سه دو شقال پوست اترج سه
 و قفل دو شقال قاقله مقشر و اجینی از هر یک سه شقال بهمن
 سرخ بهمن سفید از هر یک دو شقال دروخ عرق شقال
 رنجیل خونخاں فلعل دار قفل از هر یک ده شقال اسارو
 صندل سرخ صندل سفید دو الی از هر یک سه شقال خضیه
 الثعلب دو شقال شقال کل سرخ از هر یک سه شقال
 طباشیر دو شقال مصطکی پنج شقال قط شیرین شقال
 تخم کاشنه سه شقال قرفه عاقر قرحا از هر یک دو شقال
 زفیون یک شقال حماما سه شقال زرا نیج یک شقال تخم فلنجنگ

دو مثقال انیون زعفران از هر یک ده مثقال عسل سه وزن
 ادویه که سیصد و سی مثقال بشد همچون مس که زبان بند
 بی رویش خوانند صفت آن پیش یک مثقال و نیم فلفل و دو مثقال
 زنجبیل یک مثقال و نیم عاقر قرحا یک مثقال و یونجه یک مثقال عسل
 سه وزن ادویه و میتواند بود که کل واحد از ادویه یک مثقال
 و نیم بشد و می باید که هر یک از ادویه ها کوفته و خسته بعد از آن
 بکشند همچون یقوی علی الباه و یطیب النفس و یسجن
 البدن و ینفع الريح من المعدة و من برد الکلی و یزید فی الحفظ
 صفت آن دارجنی چهار مثقال قسط شیرین سبیل چهار
 مثقال زعفران سه مثقال رازیانه زنجبیل نعلنج خشک
 و برک صغیر قودنج الیابیس سلیمه من کل واحد اربعه مثاقیل
 سادج هندی دار فلفل فلفل ابیض فلفل اسود اسارون

بزرالابخره کرو یا قنفل خولجان شقاقل من کل واحد اربعة
 مثاقیل سادج هندی دار فلفل فلفل ابیض عاقر قرحا
 قنفل بزر اللفت بزر الفجل بزر الشیم من کل واحد عشرة
 سسم المقشر لب الفستق لب اللوز الحلو جلفونه من کل
 واحد عشرة مثاقیل عود هندی ثلث مثاقیل شکر ابیض
 مثل البیض الطبیع عسل مصغی صغیر الادویه همچون مسی
 فواید بسیار دارد و نسخه مولانا عا دالدین محمود صفت آن
 بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک ده مثقال تودری سفید
 تودری سرخ شقاقل از هر یک سه مثقال خصیه الثعلب
 ده مثقال خولجان سه مثقال سورنجان ده مثقال
 زراوند مدحج زرنباد درونج عرقی از هر یک سه مثقال
 خصیه الثعلب ده مثقال لسان العصافیر سه مثقال

عاقوق حامیوزج از هر یک دو مثقال تخم پنجه ده مثقال تخم
 جذر تخم ترب از هر یک پنج مثقال تخم اجزده سه مثقال
 خشخاش سینه ده مثقال زرا بنج کنجد مقشر مغز تخم خربزه
 تخم خیارین از هر یک ده مثقال حب الزم حب السمنه
 حب القلقل کبابه جنبی عود هندی از هر یک سه مثقال
 دارچینی سبیل از هر یک پنج مثقال مصطکی سه مثقال
 صندل سینه ده مثقال زنجبیل فلفل دار فلفل قرمقل از
 هر یک سه مثقال هیل پنج مثقال جوز باده مثقال
 دواله سه مثقال بیا سه پنج مثقال مغز بادام شیرین
 بازرده مثقال مغز گردکان مغز پسته مغز فندق نازجیل
 از هر یک ده مثقال مغز بنه دانه تخم خرفه تخم کاشنه
 ورق کل سرخ کشنه خشک زرشک منق از هر یک

پنج مثقال آبله مقشر پوست هیله پوست هیله کابل
 از هر یک ده مثقال بادرنجبویه پنج مثقال کاوزبان
 ده مثقال طباشیر سینه سه مثقال تخم کندنا تخم باز
 از هر یک پنج مثقال حب الینل سه مثقال یاسه شتر
 اعرابی پنج مثقال سمکه صیدا پنج مثقال بیان
 ده مثقال خایه خروس پنج مثقال مغز سر کنجک پنج
 مثقال حللتیت یک مثقال بوزیدان سه مثقال عروان
 پنج مثقال آب مار شیرین آب امرو دبلخی از هر یک
 سه مثقال آب سیب طانی دویت مثقال آب
 به شیرین صد مثقال کلاب بنین عرق پد مشک
 بنین عنبر اشهب دو مثقال مشک دو مثقال قند
 و نبات و عسل سه وزن ادویه معجون ریب

مصروع را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کباب پوست
 هلیله زرد پوست بدلیله آمله مقشر اسطوخودوس از هر یک
 ده درم عود الصلیب بنجر درم عاقر قرحا سه درم میوز
 منقح بکرطل ادویه را کوفته و بنجته با میوز کوفته معجون
 سازند شربتی بنجر درم معجون سیالیوس همین خاصیت دارد
 سیالیوس عاقر قرحا اسطوخودوس از هر یک ده درم
 غاریقون بنجر درم و دمانا حلیت زراوند مدحج
 از هر یک دو درم کوفته و بنجته بکجنین عنصل سیر
 شربتی بکشفال معجون لبانسیا را نافع باشد صفت آن
 کندروج سعد از هر یک ده درم فلفل نجبل از
 هر یک بنجر درم کوفته و بنجته بعسل پسر شند شربتی
 بکشفال معجون که منع مستی کند صفت آن شاخ بزخو

مغزی ادم تلخ کرب فودنه کوهی ملح نقطی سداب
 مساوی کوفته بعسل معجون سازند معجون که سلس
 البول را باز دارد صفت آن کلنارده درم کندربلوط
 از هر یک پوست درم سعد کروی یا از هر یک بنجر درم
 کوفته و بنجته معجون سازند معجون بکر که همین خاصیت دارد
 صفت آن شا هبلوط هنت درم کلنار و دم الاخوین
 دار فلفل و خصیه القلب از هر یک یک درم کوفته و بنجته
 بعسل پسر شند شربتی بکدرم معجون که باد های زنا
 آبتن را دفع کند و محافظت چنین نماید صفت آن
 رزنباد در روج از هر یک دو درم و کروی یا مروارید نا
 کبریا از هر یک یک درم چند بدتر بکشفال دوا که و سل
 از هر یک یک درم کوفته و بنجته بعسل معجون سازند شربتی

یکمقال معجون سال سورجان ده درم سنا کی بچرم
 اسارون زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل ازهر یک دو درم
 کوفته و بخته بعسل سه شش شربتی و مشتال باب کرم معجون
 معوج مانجولیا و خوش را نافع بود و دل را قوت دهد و نشاط
 آورد و صفت آن ورق کل سرخ سعد قتل ازهر یک بچرم
 ببا سه پوت تربخ قرقه تخم فرخمشک ازهر یک سه درم
 مشک انکی کوفته و بخته شرباب سبب معجون سازند معجون
 معتدل را قوت دهد و خفقان را نافع باشد و نشاط آورد
 و زک را نیکو گرداند و صفت آن مروارید ناسفته
 بسد و کا و زبان عود خام ازهر یک دو درم با تخم
 کاشنه کشته خشک ازهر یک بچرم صندل سرخ و سیاه
 و طباشیر ازهر یک شش درم افیمون کل سرخ از

۴۴

هریک شش درم سافج هندی رزنیاد تخم فرخمشک
تخم بادرنجبویه خشخاش سبید بنفشه کل ارغنی از هر یک چهارم
زعفران عنبر درونج رومی از هر یک دو درم کافور یک درم شک
سندرم کوفته و بخته بشراب سیب معجون سازند منوج حار
خسار و ضعف دل اگر از سردی بود نافع بود صفت آن
کافور باریان و بادرنجبویه بهمن سرخ و سبید تخم فرخمشک از
هر یک شش درم آمله مقشر باریان کرده پست درم عود
قاری ده درم کل مخنوم مروارید ناسفته از هر یک
یک مثقال زعفران یک درم بسوخته کبر با سوخته قزقل
رزنب کشنر خشک دارچینی از هر یک پنجم درم عسل ملیله یک چهارم
یک یا قوت و زر محلول از هر یک نیم درم درونج عقرب یک درم
و نم مویر منقی نیم من قدنم من عسل ملیله و قدن منق را با یکدیگر

بجوشانند و بقوام آورند و دارو را کوفته و بخته بان بشنند
 شربتیکمغال مفرج بارد خفتان بارد را نافع بود و دل
 قوت دهد صفت آن کل سرخ طباشیر همین سیند کاو زبان
 کشیز خشک بریان کرده صندل سیند از هر یک یک درم مفر
 تخم خیارین مفر تخم کدو از هر یک چهار درم تخم فوفه بازده درم
 زرشک منقش شش درم مروارید ناسفته کبر با زعفران
 کافور از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم نبات
 راد در عرق بید مشک بکدازند و با پنجاه مثقال آب
 سیب بقوام آورند و دارو را کوفته و بخته بان بشنند
 مفرج بارد بنفشه دیگر مروارید ناسفته بد سوخته طباشیر
 کبریا کاو زبان کل ارمنی از هر یک دو درم مشک نیم درم
 قند سیند سی درم معجون سازند چنانکه رسم است مفرج

دلکشای

دلکشای حار خفتان و ضعف دل که از سردی بود سود
 دارد صفت آن پوست ترنج کل سرخ بادرنجبویه کاو زبان
 مفر تخم خیارین از هر یک پنجمین سرخ و سیند از هر یک
 دو درم و نیم هلیله سیاه مفر بادام خشک شش سیند کجند
 مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم
 و نیم تخم کرفس یک درم مشک یکمغال روغن بادام پنجم مثقال
 نبات مصری و ترنجبین سیند از هر یک نیم مثقال نبات
 ترنجبین راد در کلاب حل سازند و بقوام آورند و دارو را کوفته
 و بخته بان بشنند مفرج دلکشای بارد طباشیر همین سیند
 کل سرخ بد کبریا مروارید ناسفته از هر یک یکمغال
 صندل سیند کشیز خشک از هر یک دو درم زر محلول و نقره
 محلول از هر یک نیم درم پوست پرون پسته یک درم قند سیند

یکم آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود همچون سازند
 منج میخی بنسخه دیگر دل و جگر و دماغ را قوت دهد و منی
 بفراید و اشتهای طعام و جماع آورد و باده را قوی گرداند
 صفت آن قرفه کاوزبان باد در بخوبی کل سرخ از هر یک
 بخردم خولجان کبابه چینی و قفل سبیل قاقله کبار قاقله
 صفار جوز بوا تخم فرخمشک مصطکی پوست ترنج لسان
 العصافیر بسا سه از هر یک سه درم اشنه چهار درم
 مروارید ناسفته ساذج هندی سعد کوفی غیر اشنه
 از هر یک دو درم مشک و زرد محلول نقره محلول از هر یک نیم
 درم لعل که با بسا از هر یک یک درم خرواعظم سی شغال
 عسل دو وزن ادویه همچون سازند چنانکه رسمست
 منج رشید لعل و بسا سه از هر یک پنج مثقال زعفران سه مثقال

یکم در آن غل از هر یک یک درم
 صفت الغلب ده درم

خرواعظم ده مثقال قند سبزه پنجاه مثقال زعفران
 سه مثقال قند را در کلاب بکدازند و بقوام آورند
 و دارو را کوفته و بجنه بان بر سرشند مغزی که حقتان
 سوداوی را نافع باشد صفت آن ساذج سعد ناخواه
 دو الاینون تخم کرفس تخم فرخمشک از هر یک سه درم مروارید
 ناسفته بسا از هر یک بخردم عصاره افستین شش
 درم زعفران و سک از هر یک یک درم مادر بخوبی ده درم
 پوست ترنج دو درم کاوزبان منت درم کوفته و بجنه
 باب انیمون جو شاینده همچون سازند شترتی سه درم
 مر یا بلبله معده را قوت دهد و باضمه را قوی گرداند و طبع را
 نرم کند و بواسیر را نافع بود و باصره را تیز کند و نسیان را
 زایل کند و خون نگاه دارد صفت آن بلبله کابلی بزرگ عدد

۷۱۶

در ظرفی کنند و چندان آب بر سر آن ریزند که آنرا
پوشانند و خاکستر پاک پنجاه درم بر سر آن کنند و چهار
نوبت آب و خاکستر را تغییر کنند و چندان آب بر سر
آن کنند و چهار نوبت آب و خاکستر را تغییر کنند
هر سه روز یکبار پس بشویند چنانچه پوست از وجود
نشود و در دیک کنند و آب صافی برویش ریزند
و یک کف جو مقشیر نیم کوفته اضافه آن کنند و بجوشانند
تا جو بخته شود پس برون آورند و دیگر باره بدان
بشویند و هر هلیله راده سوزن بزنند و در ظرفی کنند
و چندان غسل بر سر آن ریزند که آنرا پوشانند و بپزند
روز بگذارند بعد از آن از میان غسل برون آورند
و آن غسل را نگاه دارند و دیگر غسل تازه بر سر آن کنند

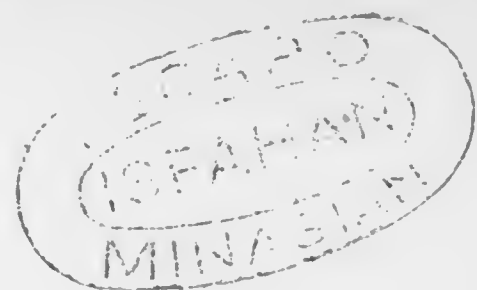
داده روز

۲۷۴۲۱

۷۱۷

210

وده روز دیگر بگذارند بعد از آن با غسل اول و دوم بجوشانند
تا بقوام آید و اگر این دارو داخل کنند بهتر باشد
قوه و نقل رخیل قاقله جوز بواسطه عود از هر یک پنج شقال
مشک نیم درم زعفران یک شقال و در ظرفی چینی کنند و بعد از
چهل روز استعمال نمایند مرا شقال باه را قوت دهد
و نفوظ تمام آورد و مثانه را سود دارد صفت آن شقال
تازه در آب خیسانند یک شانه روز و آن آب بریزند
و یک شانه روز دیگر در آب تازه خیسانند باز آن آب بریزند
و یک شانه روز دیگر در آب تازه خیسانند بعد از آن مقشیر
کنند و بجوشانند تا نیم بخته شود و انگاه غسل صافی بر
آن کنند و با آتش نرم بجوشانند و بقوام آرند و در ظرفی
کنند و بعد از چهل روز تناول نمایند مرا بالنگ معده را قوت



و فرج آورد صفت آن گوشت ترخ را در دیک کنند و باب بچوشا^{ند}
 تا نیم بخته شود و پرون آورند و بغشارند و غسل صاف بر
 آن کنند و با تش نرم بچوشانند تا بقوام آید و اگر تقه^{ند} خوا^{ند}
 همچنین اما مربی بلبله و بالنگ و شتاق و جزو کردگان
 بعسل بهتر باشد و مربا ترندی و آلو به و سیب و امثال
 اینها بقند مربا جز باه را قوت دهد و سینه را نرم کند و
 پشت را محکم گرداند صفت آن کدر بزرگ را با پوست بچراشند
 و باره باره کنند و میان آنرا بیندازند و در آب غسل
 بچوشانند تا بخته شود و بعد از آن پرون آورند و در آب
 اندازند و اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند و بعد از بچل^{روز}
 تناول نمایند و بار بچیل کرده و مثانه و معده بارده را^{ناغ}
 بیشه و بول براند و بتما بلغی اسود دارد و باه را زیاده کند

صفت

صفت آن زنجبیل آزاد خوب را در زیر یک کنند و پست روز
 هر روز آب بر آن میریزند بعد از آن پرون آورند و شوی^{ند}
 و ریشه ریشه کنند و آب و غسل بچوشانند تا بقوام^{آید}
 مربا کردگان معده را قوت دهد و باه را زیاده کند صفت
 آن بتانند کردگان تازه که هنوز صلب نشده باشد
 و پوست از او جدا کنند و آب و غسل بچوشانند تا بقوام
 آید و مربا و ج قویج ریجی و فالج و صرع را نافع باشد صفت آن
 و ج ترکی فریه سه شب از روز در آب خیسانند بعد از آن
 پرون آورند و در آب و غسل بچوشانند تا بقوام آید
 و باهند و حرارت دفع کنند و تشنگی نشانند صفت آن بتانند
 پوست هندوانه و سبزی از او بترشند و سه روز در آب
 و آبل خیسانند روز چهارم در رنگ آب خیسانند و یک^{روز}

بگذارند پس برون آورند و سه شب از در آب شیرین اندازند
بعد از آن در آب و قدری عسل بچوشانند تا نیم بخته شود
پس برون آورند و بنهند تا آب از او برود و دیگر باره در
عسل اندازند و بچوشانند تا بقوام آید مر با گد و سینه و
شش و مثانه را نافع باشد صفت آن کدوی تازه بچوشند
و مغز آن بنیدازند و پاره پاره کنند و باب عسل بچوشانند
و بقوام آورند مر با تمر هند صغیر دفع کند و تب زایل گرداند
و محور فراج را موافق باشد صفت آن تمر هندی را از خوب
و دانه پاک کنند و در کلاب خیسانند یک ساعت بعد از آن
قند را بقوام آورند و قمر برایش ریزند و چون بچوشی ریزند
فرو گیرند مر با سیب معده و دل را نافع باشد صفت آن
سیب را پوست باز کنند و دانه برون آورند و در آب

بچوشانند

بچوشانند تا نیم بخته شود پس با قند بقوام آورند مر با سیب
صفت مر با سیب مثل مر با سیب است اما سیب را درت مر با
کنند و به نمیش صفت آن معده را قوت دهد و قوی و غشای
و هیضه و فواق و درد جگر را نافع باشد مر با سیب آب
به ترش جبار من شراب ریجانی هشت من عسل مصفی
دو من مجموع را در دیک ریزند و زنجبیل و مصطکی و قاقله
کبار و صغیر و دارچینی و کبابه چینی و قرنفل از هر یک هفت
درم زعفران سه درم هم را نیم کوفته کنند سوی زعفران
و در کبیر ریزند و در آن اندازند و بچوشانند و زمان زمان
کیسه ای مالند تا شیر تمام باز دهد و زعفران ساییده اضافه
نمایند و بقوام آورند مر با عسل معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بول براند و معاصر و امراض بلغمی را نافع باشد

صفت آن غسل یکجواب دو جزو بخوشا نند تا نلثی برود
 و دو نلث با نند و اگر مقوه خواهند در چینی و خولجان
 و زنجبیل و مصطک و زعفران و هیل و جوز بواوب با کوفته
 و بخته بعد از احتیاج اضافه نمایند و الحین مانحو لیا
 و یرقان و جوب و کلف و امراض سوداوی را نافع باشد
 و صغیر اند و با اضمیون مهمل سوداوی باشد صفت آن
 نرسخ جوان صیج البدن که چهل روز از زایدن آن
 گذشته باشد چند روز کشتر تازه یا کاهویا کاسه یا رازانه
 آرد جویا علف جویا شاهتره تازه بدهند بعد از آن دو طل
 شیر او بتانند و در دیک سنگین کنند و با تش نرم
 بخوشانند و چون یکجوش بریزد یکطل سکنجبر صافی الحوضه
 بر سر آن ریزند و کوبانجبر بپوش کنده می جنبانند تا ببرد

بی

پس از آتش فرو گیرند و در کرباس اندازند و بپاویزند با
 سکنجبر بنوشند هر روز یکطل سه دفعه چنانچه میانه
 هر دو دفعه دو ساعت باشد و بعد از هر نوشیدنی چند
 کام برود ماء الاصول را بنوشد و اوجاع معاصل بلغمی و
 سوداوی را نافع باشد صفت آن پوست پنج رازانه
 پوست پنج کرفس پوست پنج کاسه اصل السوس خطمی از
 هر یک ده درم تخم کاسه رازانه تخم کرفس سورجیان زرد
 کرمانی ناخواه از هر یک بچندرم انجیر زرد میوز منق از هر یک
 بیت درم در سه رطل آب بخوشانند تا بنیمه آید و صاف
 کرده هر روز سی درم باده درم کل و غسل بنوشند ماء الاصول
 بار اوجاع معاصل حار را نافع باشد صفت آن عناب
 سبتان از هر یک سی عدد پوست پنج کاسه پوست پنج

سازمان

رازبانه از هر یک درم تخم کاشنه و رازبانه از هر یک پنجم
 انجیر زرد موز منقی از هر یک پست درم در سه رطل آب
 بخوشا نند تا بنیمه آید و صاف کرده هر روز سی درم با
 ده درم کل عمل بنوشند اما الاصول بیکه لقوه فالج
 و صرع و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد
 و سنک کرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بکشد
 و استقاوا و جاع مفاصل را سود دارد و صنت آن
 پوست پنج کرفس پوست پنج رازبانه از هر یک ده درم
 پوست پنج کبر پنجم تخم کرفس اینون رازبانه پنج اذخر از
 هر یک چهار درم حبیبان اسارون از هر یک دو درم
 سلیمه جنطیانا از هر یک و درم و نیم عود بلسان بوزیدان
 هزار پند از هر یک سه درم موز منقی پست درم در دمن

ابر

سازمان

آب پزند تا بیک من آید و بیالایند شربتی شتال
 باد و شتال روغن بد انجیر و پنجم روغن بادام تلخ ماء
 الاصول یک سده جگر و سپرز بکشد و بروده معده جگر
 و سپرز و استقا بلغمی را نافع باشد صنت پوست پنج کرفس
 پوست پنج رازبانه از هر یک هفت درم پنج اذخر و فلع
 اذخر از هر یک پنجم سنبل و مصطکی از هر یک یک درم
 و نیم فولک منقی عود بلسان از هر یک دو درم غایتی
 کل سرخ سکع باد آورد پوست پنج کبر از هر یک سه درم
 انجیر ده عدد موز منقی پست درم در سه رطل آب بخوشا
 تا بنیمه آید و صاف کرده هر روز چهل درم با یک درم روغن
 بادام تلخ و یک درم روغن بادام شیرین بنوشند اما البرذر
 بادام برکنده سازد و اخلاط غلیظ را دفع کند و قوی و استقا

طبع را نافع باشد صفت آن ناخواه کاشم زیره کرمانی کروی
 صغر شو نیز از هر یک کنی در سه رطل آب بجوشانند تا
 بیک رطل آید و صاف کنند و هر صبح و شام بت درم از آن
 با سه درم روغن بیدارچین بنوشند مطبوع ^{بلیا} سال
 صفا کند صفت آن پوست بدلیله زردشش مثقال الوی
 بت دانه سبتان سی دانه شاهره و سنار یکی
 از هر یک پنج درم کل سرخ چهار درم عناب ده عدد
 رازیانه تخم کاسه تخم کثوث از هر یک ده درم عناب الثعلب
 اصل السوسن نغسه نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل
 آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر
 هندی از هر یک ده مثقال ترچین و مغز خیارچین روغن
 بادام جوب کرده از هر یک باز ده مثقال در آن حل کرده

بولشند

بنوشند مطبوع فوکه حیات معاده را نافع باشد و صغارا
 دفع کند صفت آن سنار یکی هفت درم نغسه عناب
 الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب و سبتان
 و آلوسیه از هر یک بت عدد کل سرخ چهار درم
 در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کرده تمر
 هندی و شیرخشت از هر یک ده درم ترچین بت درم
 در آن حل کنند و بنوشند مطبوع ^{افستین} معده کرم
 صغیت را نافع بود صفت آن افستین پنج درم کل
 سرخ شش درم تمر هندی بت درم ترچین سی درم
 کل افستین را بجوشانند و صاف کنند و تمر هندی
 در آن حل کنند و یک درم ایاره فیقرا حب ساخته فرو
 برند و از عقب آن این مطبوع بنوشند مطبوع ^{افستین}

صغرای سوخته و بلغم و سودا را دفع کند و امراض سودا و
 را نافع باشد صفت آن سنا علی هفت درم کل سرخ چهار درم
 آیتون در لته بسته و پوست میله سیاه از هر یک بخدرم
 بنجاق فستق اصل السوس از یانه از هر یک دو درم سطوخ
 دوس پر سیاوشان شاهره کاوزبان بادرنجوبیه
 نیلوفر از هر یک سه درم میوز منقبتی بستان از هر یک سی دان
 در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کرده کلقتند
 افتابی ده درم مغز خیار چنبر روغن بادام جرب کرده
 و ترنجبین از هر یک پانزده درم در آن حل کنند و بجوشانند
 بنوشند مطبوخ سورنجان و جاع مفصل را نافع باشد
 صفت آن سنا علی هفت درم کل سرخ پوست میله زرد
 از هر یک چهار درم سورنجان از یانه تخم کرفس پنج

بنج

بنج از یانه اینون قنطاریون دقیق از هر یک دو درم
 بر سیاوشان کاوزبان بادرنجوبیه از هر یک سه درم
 جوشانیده و صاف کرده کلقتند شغال ترنجبین هفت
 شغال در آن حل کرده باز خورند مرهم شادنج بواسیر شقاق
 مقدر را نافع باشد صفت آن شادنج مغول کل ارمنی
 عصاره حبه القیس از هر یک سه درم اینون نیم شغال
 و چهار حبه عیداب دو درم زعفران یک درم روغن بنفشه
 بادام و روغن کل بادام از هر یک ده درم موم سفید بخدرم
 را روغن بکدارند و دارو پاکوخته و بخته بدان مزوج سازند
 و باده درم شیر دختران دریاون نیک بالند تا مرهم
 شود مرهم کاووز ترکیدن لب و مقعد و سوزش ناصور
 و سوختگی آتش را نافع باشد صفت آن مرداسنک سفید

اریز موم سفید اشپ هر یک پنجم روغن بخت درم
 موم را در روغن بکدازند و ادویه کوفته و بخته اضافه
 نمایند و در آن بایند تا عموار شود و بکدازند تا
 خشک گردد و یک سفیده تخم مرغ و قدری کافور داخل
 نمایند و مرهم سازند مرهم سل او را مصلیه مثل خنایر
 و سرطان و سلعه را نافع باشد و جراحات را از گوشت
 مرده و ریم پاک کند و ناصور را بصلاح آورد صفت آن
 جاویش و زنگار و بارزد و مر از هر یک دو درم اشق
 هفت درم کند زراوند طویل از هر یک سه درم مقل
 و مرد اسنگ از هر یک چهار درم موم و رایتج از هر یک ده درم
 روغن زیت یک طل صغیر را در سرکه حل کنند و موم را
 در روغن بکدازند و آنچه کوفتی است بگویند و بپزند و با

عکس

ضم کنند و در یکدیگر مالند تا مرهم شود مرهم با سیتون او را م
 صلیبه از موم کنند و بپزند و از ریم پاک کنند و گوشت برویند
 صفت آن زفت رایتج موم سفید از هر یک بخت شغال
 بارزد و چهار درم روغن زیت سی شغال موم را در روغن
 بکدازند و باقی ادویه در آن حل کنند و مرهم سازند مرهم
 حل گوشت نوبر و بایند و جراحات را خشک کند صفت آن
 مرد اسنگ ده درم صلیبه کرده باده درم موم و بخت
 درم روغن کل حل کرده و قدری سرکه مرهم سازند مرهم
 زنگار را بید را بخورد و در بیشهایی که کهنه بود خوش کند صفت آن
 زنگار دو درم صلیبه کرده با موم و عسل البطم از هر یک
 پنجم درم درسی درم روغن زیت کداخته در آن بکشد
 از زوت کوفته و بخته نیک مالند تا مرهم شود

مرم دخیون او رام صلبه را نرم کند و بخته گرداند صفت آن
 مرد اسنک ده درم صلایه کرده بایک چهاریک روغن ریت
 در باتیکه کنند و بچوشانند تا زنگ بگرداند و آتش
 فرو گیرند و بگذارند تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه
 و لعاب بزرک و لعاب بزر قطونا و لعاب خطی
 و لعاب مرو از هر یک پنجاه درم نیک کرم کنند و بر
 آن میریزند و با آتش نرم بچوشانند و کچمیرند تا
 غلیظ شود و مهر پذیر گردد و مرم سرطان و خایز
 را نافع بود و در صما بخته گرداند صفت آن مرد اسنک
 پنجم درم کندر بارزد اشق موم از هر یک ده درم
 عک البطم و سرخ از هر یک شش درم انچه که اختی است
 در روغن ریت بگذارند و انچه باید کوفت بگویند و بان

مرد

مزوج سازند و در باون ببالند تا مرم شود مرم سیاه
 گوشت مرده بخورد و ریشمارا بصلاح آورد صفت آن
 مرد اسنک یک چهاریک زفت روحی است درم عک
 البطم پنجم درم روغن زیتون نیم من موم بکشتال که اختی
 در روغن زیتون بگذارند و مرد اسنک صلایه کرده
 بر آن افشانند و مرم سازند مرم توتیا جراحات
 قضیب را سود دارد صفت آن توتیا است درم صلا
 کرده با است درم موم در پنجاه درم روغن کل که اختی
 مرم سازند مرم مصری جراحات گوش را نافع باشد صفت آن
 سرکه هنت درم عسل شش درم در یکدیگر بچوشانند و
 بقوام آورند و درم زنگار سوده بر آن افشانند
 و مرم سازند و فیکه را بدان تر ساخته در گوش نهند

۱۸۴

مرهم باستانی گوشت برونایند صفت آن سفیداب ریز
 سه درم دم الاخون از زوت صبر مرکنر از هر یک
 دو درم موم سه درم در روغن بکر از زودار و کوفته
 و بخته بآن مخروج سازند و در دهون بسایند تا مرهم شود
 مرهم ابک سوختگی آتش را نافع باشد صفت آن مرد ^{۸۴} سنگ
 اکبر ^{۱۰۳} حبه الفضة سفیده تخم مرغ را با یکدیگر مرهم سازند چنانکه
 روغن کل ^{۱۰۴} رست مرهم سفیداب گوشت برونایند و جراث
 موم زرد خشک گردانند و حرارت بنشانند صفت آن سفیداب
 ارزیز موم سفید از هر یک دو درم روغن کل ده درم بطریق
 معهود مرهم سازند مرهم شکر سرطان و خنازیر
 و اورام صلبه را نافع باشد صفت آن مرد ^{۸۵} سنگ بخدر
 کندر بازرد اشق موم سفید از هر یک دو درم علك البطم

شش

219

۱۸۵

شش درم شکر فشت درم روغن زیتون باروغن
 کل سرخ پنجاه درم بدستور مرهم سازند مرهم کلنا رنله
 متاکله را نافع باشد صفت آن مازوی سبز و سنگ
 زرد چوبه از هر یک یک جزو کلنا برگ عصاره لسان الحل
 از هر یک دو جزو با موم سفید در روغن کل مرهم سازند
 چنانکه رست مرهم سرطان درد بنشانند و جراث ^{۱۰۵} راجع
 آورد صفت آن بوش در بندی اقا قیا از هر یک ده درم
 صندل سفید یک درم شیان ما میثا چهار درم سرطان محرق
 یک عدد موم سفید چهار درم روغن کل ده شقال بطریق
 متعارف مرهم سازند مرهم عسل چوک از جراث ^{۱۰۶} و دما
 پاک کند صفت آن عسل را بچوشانند تا غلیظ شود و برابر
 آن از زوت کوفته بان مخروج کنند و مرهم سازند مرهمی

که در احت آشک نافع باشد صفت آن سفیداب
 توتیادم الاخوین از هر یک سه درم مرد اسنک دوام
 زنگار نیم درم موم چنبرم روغن ببت درم مرهم سازند
 مرهم خشک یشت مرد اسنک توتیا غناب چخته آب شتر
 تازه موم سفید مرهم سازند مرهمی که بواسیر را نافع است
 صفت آن میعه سایله یک درم مقل دو درم روغن مغز
 زردالوده درم مقل و میعه را در روغن بکدازند و مرهم سازند
 مرهمی دیگر که همین خاصیت دارد بلکه از آن اقوی و نافع
 باشد صفت آن مقل کوبان شتر مغز ساق کاو مغز
 استخوان زردالو سوخته میعه تر سینه تخم مرغ روغن کل
 سرخ بیکدیگر مزوج ساخته مرهم سازند مرهمی دیگر که بواسیر
 را سود دارد و در در اسکن کند صفت آن مغز ساق

لاو

کاو به مرغ کوبان شتر روغن کل مساوی دیگر یکدیگر بچینند
 و قدری ایفون اضافه کنند و در باون نیک بمانند و مرهم
 ساخته استعمال نمایند مرهمی دیگر که از جبهه بواسیر عظیم
 النفع بود صفت آن به بطایه ماکیان به بر از هر یک
 پنج درم مغز ساق کاو پنجاه درم روغن مغز زردالو
 تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن کل از هر یک ده درم
 میعه سایله دو مثقال مقل ازرق ببت درم آب کندنا
 بعد رجاحت موم سفید پنج درم مقل را در آب کندنا حل
 سازند و روغن غنار را با موم و میعه بکدازند و با مقل
 محلول در باون بایکدیگر مزوج سازند و استعمال نمایند
باب النون نفع بلیله
 صفرا براند و صداع را نافع باشد صفت آن پوست بلیله

زرده درم آلو سیاه بستان عتاب از هر یک سی عدد
 تمر بندی پست درم بنفشه تخم کاشنه از هر یک سه درم
 مغز خیار چنبرده درم ترنجبین پازره درم شب درخ
 درم آب خیسانند و صبح صاف کرده پاشانند
 نفق فواکه صفا دفع کند و تشنگی نبشانند صفت آن آلو سیاه
 و آلو بخاری و عتاب و بستان از هر یک سی عدد و تمر
 ده درم زردالوده عدد قند سفید ده درم ترنجبین پست
 درم شب بخیسانند و صبح صاف کرده بنوشند نفق صبر
 صداع حار را نافع باشد صفت آن آب کاسه مشتاد
 منقار صبر سقوطی چهار دانگ در آن حل کنند و سه روز
 و سه روز در آفتاب بنهند و شب در جایی گرم بنهند
 و روز سوم بیالایند و بنوشند نفق صبر بنوعی دیگر

صداع بلغی را نافع باشد صفت آن سعد سنبل افسیتین
 ققاج اذخر تخم کرسس رازیانه ناخواه زیره کرمانی از هر یک
 یک کف در یکین و نیم آب بپزند تا بنیم من آید بیالایند و
 درم صبر در آن حل کنند و سه روز در آفتاب بگذارند
 روز چهارم صاف کنند شربتی سه درم با سه درم روغن
 بدیاجیر نفق صبر بنوعی دیگر صداع سوداوی را نافع
 باشد صفت آن افسیتین ده درم اسارون
 پنجم درم قنطاریون و مصطکی از هر یک سه درم صبر
 سقوطی شش درم ادویه نیکوخته در سه رطل آب گرم
 خیسانند و سه روز در آفتاب بنهند روز چهارم صاف
 کنند شربتی چهل درم با یک درم روغن بادام شیرین نطولی
 که خواب آورد و سرسام را نافع باشد صفت آن بنفشه

تخم کاهوز هر یک پنجم پوست خشتخاش کل سرخ نیلوف
 پوست کدوی تر یا بونه از هر یک ده درم کشک جو چاه
 درم در چمن آب پزند تا بنیمد آید و سر بخاران بدارند
 نطولی که صداع بارد را نافع بود صفت آن بابونه
 اکلیل الملک نام مرزنگوش بر خاسف صغتر ورق
 الغار مساوی جوشانیده سر بخاران بدارند نطولا
 که صداع ریجی را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل
 الملک برک کرفس رازیانه تخم کرفس زیره کرمانی
 مرزنگوش صغتر شبت جوشانیده سر بخاران بدارند
 نطولی که صداع سوداوی را سود دارد صفت آن
 بنفشه نیلوفرا اکلیل الملک بابونه سوس خشک
 سادج هندی قرقل جوشانیده سر بخاران بدارند

نطولی

نطولی که کرانی کوشش را که از عقب مسهل پیدا شده
 باشد و سبب آن بخارات بود زایل کند صفت آن
 بابونه اکلیل الملک قیسوم از هر یک ده درم نام مرزنگوش
 اذخر پوست پنج رازیانه پوست پنج کرفس کل سرخ از هر یک
 پنجم در ده من آب بجوشانند تا بپسند من آید و بپایند
 و چون از حمام بیرون خواهند آمد بر اعضا بزنند نطولی
 که صداع حار و بخوابی را نافع باشد صفت آن بنفشه جو نیم
 کوفته تخم کدو کوفته بزرک بزر قطونا تخم خرفه پوست خشتخاش
 کل خشتخاش پنج لاج تخم خطمی تخم کاهوز برک پندل سرخ
 جوشانیده سر بخاران بدارند نطولی که سنگ کرده و مثانه
 پاره پاره کرده بیرون آورد و بول براند صفت آن بابونه
 کل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک از هر یک ده درم پوست

پوست خیزه خشک پریاوشان تخم قلت نیمکوفته
 از هر یک هفت درم ایشان اصل السوس پوست پنج
 رازیان از هر یک پنج درم کاکج و حلبه از هر یک چهار درم
 برنجاسف بنفشه از هر یک سه درم دو قو و برک نیلوفر
 از هر یک دو مثقال درده من آب بجوشانند تا به نیم
 آید و در آن نشیند و چون بیرون آیند دو سه قطره
 روغن عترب در احلیل چکانند بطوری که که همین خاصیت
 صفت آن با بونه در منته ترکی غام مرزنگوش برک کرب
 سرکن کبوتر بجوشانند و در آب آن نشیند و ثقل آن
 برعانه و حوالی آن ضا د کند بطوری که همین عمل کند صفت آن
 در منته ترکی برک ترب است سداب شیت کرب بجوشانند
 تا نرم شود و ثقل آن را برعانه ضا د کند و در آب آن نشیند بطوری که

که همین

که همین منفعت دارد صفت آن بنفشه نیلوفر کل سرخ
 خطمی از هر یک پنج درم خشک با بونه پوست خیزه اکلیم الملک
 برک کرب از هر یک سه درم بجوشانند و در آب آن نشیند
 و ثقل آن برعانه و موضع کرده ضا د کنند بطوری که افراط
 را نافع باشد صفت آن کل سرخ و برک مورد از هر یک ده درم
 شب یمانی و مازونیم کوفته و کلنا از هر یک پنج درم پوست
 نیم کوفته و کلنا از هر یک و جوز السرو و کرمانج از هر یک
 درم افاقیا دو درم مجموع را بجوشانند و در آن نشیند
 و قرص که با و رب مورد بنوشند بطوری که محافظت چنین
 کند و نکند ارد که پیش از وقت بیرون صفت آن کل سرخ
 و هفت درم کلنا رو کرمانج از هر یک پنج درم ترب
 برک مورد خشک چهار درم شب یمانی و پوست انار و مازو

سما

ان هر يك سه درم و نيم كوفته بچوشانند و در آن نشيند
 نطوی كه از جهت خروج معتد نافع باشد صفت آن
 كلتار بوبت انداخته ببلوط مورد و تركل سرخ ماز و از يك
 قدری نيم كوفته بچوشانند و در آن نشيند نطوی
 كه سده بنی بکشايد صفت آن لادن و جوب كز و شونيز
 بچوشانند و سر بخار آن بدارند و با بسوس كنند در
 سر كه بچوشانند و سر به بخار آن بدارند نفوخی كه كند
 بنی بر دصفت آن زاج سبك و قفل مساوی كوفته و بخته
 و به بنی دمنده نفوخی كه مسكوت را بهوش آورد
 صفت آن كندش و خرق سینه كوفته و بخته اندك
 اندك در بنی دمنده شونيز و عصاره قنار الحار
 عمل كند شونيز و قفل و شافيتا نيز همین فايده دارد نفوخی

كه

سما

كه صرع را نافع باشد صفت آن شحم خنظل قنار الحار
 نوشاد كندش قفل اسطوخودوس كوفته و بخته
 بقدر احتياج در بنی دمنده **باب العوار**
 و جوری كه چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت
 آن حلیت جند پدستر كوفته و سكجنین عسل حل کرده
 و جور سازند و جوری كه همین خاصیت دارد صفت آن
 رازیانه اینون زیره کرمانی جوشانیده صاف کرده
 كلقتد را در آن حل كنند و جور سازند و جوری كه نافع است
 از جهت صداع اطفال نافع باشد صفت آن صقر جند
 پدستر زیره کرمانی مساوی كوفته سه جواران در شیر
 حل كنند و در كلوی طفل ریزند و جوری كه سرفه اطفال
 نافع باشد صفت آن رب السوس كثیر اصمغ عربی

نوشاد كندش قفل اسطوخودوس كوفته و بخته
 بقدر احتياج در بنی دمنده
 و جوری كه چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت
 آن حلیت جند پدستر كوفته و سكجنین عسل حل کرده
 و جور سازند و جوری كه همین خاصیت دارد صفت آن
 رازیانه اینون زیره کرمانی جوشانیده صاف کرده
 كلقتد را در آن حل كنند و جور سازند و جوری كه نافع است
 از جهت صداع اطفال نافع باشد صفت آن صقر جند
 پدستر زیره کرمانی مساوی كوفته سه جواران در شیر
 حل كنند و در كلوی طفل ریزند و جوری كه سرفه اطفال
 نافع باشد صفت آن رب السوس كثیر اصمغ عربی

نشاسته فایند از هر یک سه درم مغز بادام دو درم
 عسل سی درم روغن بادام پنج درم فایند را بعل
 بجوشانند و صاف کنند و اوپها گرفته روغن بادام
 بآن مزج سازند و قدری از آن در دهن طفل ریزند
باب الیاء یا قوتی که خفتان
 و غشی را نافع است و در لاقوت دهد و فرج آورد و صفت آن
 مردارید ناسفته شش درم بید چهار درم یا قوت را
 کل مخموم بادرنجویه بهمن صندل سرخ از هر یک دو درم
 ورق طلا عقیق یمنی شب سازج هندی زرنباد در پنج
 روی از هر یک یک مثقال لا جورد مغسول یک مثقال قند کبریا
 نیلوفر زرشک منقش کشیز خشک تخم کل پوست ترخ کاو
 زبان ریوند چینی تخم کاسه عود هندی ابریشم مرقض

از هر یک سه درم طباشیر هفت درم صندل سفید ورق
 کل سرخ از هر یک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشپ از هر یک
 دو مثقال مسک بتی نیم مثقال شیر آمله پوست هلیله کا
 کلاب شراب سیب انار شیرین شراب به از هر یک پست
 درم لوفیتها بگویند و بجزیر بپزند و با شرابها و کلاب آب
 انار بقوام آورده همچون سپازند و بعد از جمل روز که در
 میان جو گذاشته باشند استعمال نمایند شری که مثقال
 یا قوتی دیگر که خفتان و وسوسه و ضعف دل را نافع باشد
 و اعضا ریشه راقوت دهد و لون را صافی کند و نشاط
 تمام آورد و سودا را دفع کند و صفت آن یا قوت سرخ
 کبریا حجر لا جورد کل رمنی سنبل الطیب سازج هندی
 بهمن سرخ بادرنج از هر یک دو مثقال یا قوت زرد

یا قوت کبود یا قوت سعید عقیق مروارید ناسفته
 پوست پرون بسته بادرنجویه کل محتم غبر شهب
 ند محلول نقره محلول کل دار چینی درونج عقری سعید از
 هر یک چهار مثقال اعلی فزوره شب ابریشم معروض
 و نقل نیلوفر صندل سرخ صندل سعید دار چینی کبابه چینی
 قاقله کبار از هر یک سه مثقال زرد کینقن و نیم تخم و خشک
 کاوزبان طباشیر سعید از هر یک پنج مثقال آمله مقشر
 پوست هلیله کابلی از هر یک مثقال عصا زرشک
 بانزده درم مشک خالص کینقن و نیم کافور نیم مثقال
 اب سیب و آب به از هر یک یکین آب حاض نیم
 کلاب و عرق پید مشک یکین نبات مصری یکین
 و نیم نبات راد کلاب و عرق پید مشک بگذارند

و با آب

و با آب سیب و به بقوام زیاده آورند و چون منسوخ گیرند
 آب حاض بران ریزند و ادویه کوفته و پخته و جواهر
 صلایه کرده بان بهر شدند شربتی یک مثقال بنوشند
 یا قوت دیگر قوی التفریح و آنرا از غایت تفریح روحانی
 گویند و جگر را قوت دهد و مایه نچولیا و امراض سودا و
 را بغایت نافع باشد صفت آن مروارید ناسفته
 مرجان کبریا و زنجشک از هر یک یکدرم صندل سرخ و
 صندل سعید طباشیر زرنباد بادرنجویه و نقل ساخن
 هندی عود قناری ابریشم معروض پوست ترنج از هر یک
 دو درم کاوزبان درونج عقری اعلی یا قوت عقیق نمینی
 ورق طلا و ورق نقره غبر شهب زعفران کافور از
 هر یک یکدرم مشک نیم درم قند سعید پنجاه درم غسل

صاف کرده همچون سازند چنانکه رسم است
 یا قوتی معتدل ضعف دل و وسواس
 سوداوی و خفقان نافع باشد و در اوقات به
 و نشاط هر چه تمامتر آورد صفت آن مروارید ناخته
 تخم بادرنجویه پوست بدون بسته بهشت ترنج
 صندل سرخ صندل سعید ورق کل سرخ از هر یک
 سه درم بهمن سرخ کبابه چنی از هر یک یک درم
 و نیم کهر یا شب و قنقل ساج هندی دارچینی از هر یک
 یک درم لعل عود خام از هر یک یک مثقال یا قوت زرد
 عنبر اشب زر محلول نقره محلول از هر یک نیم مثقال
 بهمن سیند کشیز خشک کل ارمنی طباشیر از هر یک
 دو درم زرنباد کافور کافور قیصوری از هر یک نیم درم

کاو زبان آمله از هر یک پنج درم عصاره زرشک ده
 درم زعفران دانکی و نیم شراب بهشت مثقال
 شراب حاض نیم من شراب سیب چهل مثقال
 دارو یا کوفته و پخته و جواهر صلایه کرده در شرابها
 بقوام آورده بسر شدند شربتیک مثقال یا قوت دیگر
 یا قوت حجر لاجورد شب سنبل قانله کبار قانله صغار
 کل محنوم کل ارمنی عنبر اشب باد زهر ماه فرین ورق
 طلا ورق نقره از هر یک یک مثقال مروارید ناخته
 کهر یا شب بهمن سرخ بهمن سعید قره درونج عقری
 زرنباد سعد کبابه چنی صندل سرخ صندل سعید
 کشیز یا بس پوست هلیله زرد آمله مقشر تخم کاسه
 مشک خالص از هر یک دو مثقال بادرنجویه پوست

ترنج کاوزبان طباشیر عود خام ابریشم مقرض
 از هر یک چهار مثقال نارمشک زنجبیل سفید هندی
 شقائق زرشک منق کل نیلوفر مصطکی زعفران
 از هر یک سه مثقال نبات یکم و نیم آب به آب سب
 آب امرو و آب انار شیرین کلاب عرق پندک
 عرق کاوزبان از هر یک یک چهار یک نبات رادر
 عرقها بکدازند و با آب میوه بقوام آورند و اوویه
 کوفته و بخت و جواهر صلاویه کرده با آن بسرشدند
 و بعد از چهل روز استعمال نمایند یا قوتی دیگر یا قوت
 زرد یا قوت سرخ لعل حجر لاجورد عقیق سینه
 ماه فرین خطایی سنبل الطیب کل مختوم کل از منی
 از هر یک یک مثقال که با مر و اید ناسفته به همین

سرخ بهمن سیند قرقه نارمشک قاقله صفار شقائق
 صندل سرخ صندل سیند زرشک منق کل نیلوفر پوست
 هلیله کابلی مصطکی ابریشم خام مقرض از هر یک سه
 مثقال فاد زهر حیوانی عنبر اشب از هر یک یک مثقال
 و نیم شب و زرنباد و سعد هندی کبابه چنی ورق
 کل سرخ کشیز خشک آمله مقشر تخم کاسنه ورق طلا
 ورق نقره از هر یک دو مثقال فرخمشک و طباشیر
 سیند از هر یک چهار مثقال قاقله کبار چهار عدد زعفران
 مشک بتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من
 آب به آب سب آب امرو و از هر یک نیم من کلاب
 و عرق پندمشک از هر یک صد درم عرق کاوزبان ده
 درم آب انار عذب یکم غسل سیند مصنی نیم من

بنات در عرقها بکدازند و با غسل و آب میوه با بقوام
آورند و ادویه کوفته و بخته و جواهر صلیای کرده
بآن بسروشند شربتیکشغال یا قوت دیگر نسخه
شیخ ابوعلی سینا ما یخولیا و امراض سوداوی را
بغایت نافع باشد و نشاط هر چه تمامتر آورد و عضا
ریشه را قوت دهد صفت آن یا قوت رمان
کا و زبان تخم کاسه مشک خالص کا فور از هر یک یک گرم
مروارید ناسفته کبریا از هر یک یک گرم و نیم بر شمش مقوض
و سرطان نهی محرق از هر یک یکشغال و دانگی نخاله طلا
مکس و دانگ و زنجشک تخم بادروج اسطوخودوس
از هر یک سه گرم بهمین سیند عود خام حجرار منی مغول
لاجورد مغول مصطکی سیلخه دارچینی زعفران با قافله

کبار

کبار دارچینی ماه فرین خطایی از هر یک یکشغال افیمون
دو درم و نیم زنجبین و سنبل ساذج هندی از هر یک
دو درم درونج عرقی و عنبر اشنب از هر یک دو
مشغال تخم خیار ورق کل سرخ از هر یک چهار درم
کلاب صد مشغال شراب طامض شراب سیب
شیرین شراب نار عذیب از هر یک سی مشغال اصل
صاف کرده بقدر احتیاج بطریق معهود معجون
سازند شربتیکشغال بعد از چهل روز تمام توان
خورد تم الکتاب بعون الملک الوهاب فی تاریخ

جہارم شهر ربیع الثانی ۱۰۷۴

علی بن العبد المذنب المسی

محمود طبیبی عنعنہ

م

سبیل و فریون عاقراً هر یکی زین یکی بکش شها
 فلفل اینض است و بر زاننج هر یکی بیت جزو این جزا
 زعفران پنج بار افیون ده این سه را جمع کن زهر و
 سه بمقدار او و به استل زانکه شدست شاهدی نصفاً
 شربتی بکدرم ازین کم نه که خوری پیش ازین شوی سوا
 رک سست کند سپنداً مست کردی و واکه و شیدا
 کر کسی پرسدست چه خوردی تو کو جوابش که خواهم بر شرعنا
 نریا فرشتا که از فانون ابوعلی سینا رحمه الله علیه
 و گفته سید اسمعیل حرطانی رحمه الله علیه فلفل سفید
 بر زاننج ^{۱۰ دریم} ایون زعفران ^{۵ دریم} فریون
 عاقراً ^{۱۰ دریم} سبیل ^{۵ دریم} غسل گرفته سه چندان
 تا بقدر کفایت شربتی بکنفال و این غایتست

و کمترین

و کمترین دانگی برای سل چند خودی باب کم
 گرم تر و یک خوابه در مست با نروده و زو
 در تا بسنال هر شب یکبار با ب نیم گرم و روغن
 بادام و شکر دهند و می اچی که بغایت خنک باشد
 اجتناب باید کرد و برای صداع سرد حبه پری
 اندازد باب مرزنجوش و برای لغوه هم چنین
 و برای بخوردها حلق حبه در دهن گیرد و آب
 او را فرو می برد و برای سعال نو و کهنه باب
 مرزنجوش و برای ضیق النفس و ربوبایی
 که زهر و اصل سوسن در وجوشانند ^{شند}
 و برای سیر ز بککب و سرکه و برای درد پهلوی
 راست بشراب اصول و برای پهلوی باب

حلیت و برای در دگر باب غسل اگر از سردی بود
 الاصول اگر از سده بود و برای اسهال باب مورد و
 برای درد کمی که باب کرم در رستاد و در تابستان
 کتب نیم کرم و برای تب جان باب اینسون چو شیده
 باشد و برای نصیر با بر فطونا و اب کرم و برای تب
 باد و معد باب و برای دیدن مثانه باب سداب یا
 بون تر بلیکن ماده بقی پروک اندازد و
 برای بیماری پانچوی یا جشاش در و پنجه باشد
 و برای ناصور در مقعد باب کندنا و برای
 کوانی زبان هر روز در دهن گیرد تا فرو میرد
 و برای بجه که ندارد و در دیافانی بود باب
 حلیه و برای کسی که اینون داده باشند

بار

باب در چینی و برای کسی که کافور داده باب علاج بول بسیار کردن
 باشند بکلب که عود در و پنجه باشند کتب خشک را بکشد
 و برای کزیدن عقیق بصل و برای کزیدن خید بر یک
 افغی بروغن کاه و بدهند فانی کند فی سکن بر یک یک مثال
 شود علامت آن باشد که زهر نمائند باشد مزوج کرده بخورد
 و برای کسی که دوا می کنند داده باشند نافع بود
 و برای سکه دیوانه کزیدن باب که سیوس باب هر یک یک
 در و پنجه باشند و برای باز استادن بخت عدد و سبب در شب
 حبض باب که عتاب و مویر در و پنجه باشند شش نگاه بر صبح بافتا
 و برای بسیاری اسهال باب سماق و برای قوی سکه کبوتر و البته نافع
 باب اصل سوس در و پنجه باشند
 الله اعلم بالصواب



BLANK PAGE

foliated 3/23/90 muaka 21.9.



END OF REEL
PLEASE REWIND